

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

از

د. ن. مکتزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمه

مهشید میرفخرایی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

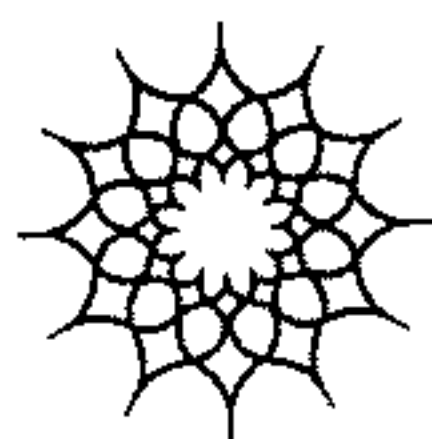
از

د.ن. مکتزی

مدرس زبانهای ایرانی در دانشگاه لندن

ترجمه

مهشید میرفخرایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران: ۱۳۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وابسته

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

شماره ۷۵۸

فرهنگ کوچک زبان پهلوی

مؤلف: د. ن. مکنزی

مترجم: مهشید میرفخرائی

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳، چاپ اول، تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: قبادشیوا، ناظر چاپ: ابوالفضل صحتی

حروفچینی: مجمع علمی مجد، لیتوگرافی: میثاق، چاپ و صحافی: چاپ بهمن

بها: ۶۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی پژوهشگاه: بزرگراه کردستان، خیابان ۶۴، کد پستی ۱۴۳۷۴ - صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵

تلفن: ۸-۲۲۶۶۲۷۶، فاکس: ۲۲۶۶۳۱۷

فهرست مطالب

۷ مقدمه مترجم
۹ پیشگفتار نویسنده
۱۱ مقدمه نویسنده
۲۳ کوتاه‌نوشتها و نشانه‌ها
	بخش اول
۲۷ پهلوی - فارسی
	بخش دوم
۱۷۵ فارسی - پهلوی
۳۲۹ پیوستها
	بخش سوم
۳۳۵ واژه‌نمای پهلوی

مقدمه مترجم

زبان فارسی میانه و متنهای بازمانده از آن نه تنها از نظر مطالب مورد بحث و واژگان گنجینه‌ای گسترده و پهنه‌ای ناشناخته است و نیاز به بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل دارد، بلکه از جهت شیوه آوانگاری نیز مقوله‌ای درخور توجه و بحث است. وجود املاهای تاریخی فراوان با نارساییهای خطی و برخی از غلط‌خوانیها که در متنهای موجود راه یافته است، کار پژوهشگر این زبان را از چند جهت دشوار می‌سازد. همراه این دشواریها، نداشتن برداشتی روشن از صورت ملفوظ واژه‌ها، امکان هرگونه اظهارنظر دقیق و صریح را درباره ضبط واژه‌ها با تأمل و تردید توأم می‌سازد. فرهنگهایی نیز که در سده اخیر نوشته شده‌اند، غالباً نقصهایی دارند که بر آشنایان به این خط و زبان پوشیده نیست. کتابی که اینک در پیش رو است، ترجمه‌ای از فرهنگ کوچک پهلوی¹ است که دربردارنده حدود چهارهزار واژه رایج زبان فارسی میانه است. گردآورنده فرهنگ کوشش داشته است تا واژه‌های مشکوک را به کنار نهد و در مورد شیوه آوانویسی نیز توجه او بیشتر به صورت ملفوظ واژه‌ها در سده سوم میلادی، یعنی دوره شکوفایی شاهنشاهی ساسانی بوده است. این کتاب پژوهشگر را از مراجعه به فرهنگهای دیگر بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه بیشتر نیاز دانشجوی این رشته را برآورده می‌سازد. بدیهی است که

1 . Mackenzie, D.N. 1971: A Concise Pahlavi Dictionary. London: Oxford University Press.

شیوهٔ آوانویسی آن نیز ناهمواریهایی دارد و ترجمهٔ آن بدین معنی نیست که نگارنده با تمام آنچه که در آن آمده، موافق است. در زمینهٔ آوانویسی پهلوی سخن آخر گفته نشده و حقیقت چنانکه باید روشن نشده است. تا تدوین یک شیوهٔ دقیق و همگانی، پژوهشگر ناگزیر است همهٔ شیوه‌ها را ببیند و از میان آنها، آنچه را دقیق‌تر می‌یابد، برگزیند.

مؤلف در چاپ دوم این فرهنگ (۱۹۸۶) تغییراتی داده که به صورت پیوستی ضمیمهٔ چاپ دوم، منتشر شده است. در ترجمه، این پیوست به متن اصلی انتقال یافته است تا کار مراجعه‌کننده به فرهنگ آسانتر باشد.

از آقای مکنزی که اجازهٔ ترجمه کتاب را دادند و ترجمهٔ بخشی از حرف «آ» را دیدند و نیز همکاران انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که در کار چاپ کتاب بسیار کوشیدند، سپاسگزار است.

مهشید میرفخرایی

بهار ۱۳۷۳

پیشگفتار نویسنده

نیاز به یک فرهنگ کوچک پهلوی - انگلیسی (اینجا پهلوی - فارسی)، بویژه برای دانشجویان مشتاق این زبان، از سالیان پیش آشکار بوده است. انتظار برای انتشار واژه‌نامه کتاب «A Manual of Pahlavi» پروفیسور نیبرگ - گرچه شیوه باستانی آوانویسی به کار رفته در این کتاب دیگر پذیرش جهانی ندارد - پنج سال پس از انتشار بخش نخست، هنوز ادامه دارد^۱. امروزه با در دسترس بودن بخشی از مواد کار، هر دانشجوی کوشای زبان پهلوی باید هم چون گذشته فرهنگی برای خود گردآوری کند، کاری که با زبان پهلوی دشوار است و به سبب تنوع روشهای آوانویسی انتشار یافته، دشوارتر نیز شده است. فرهنگ حاضر، که به نظر همگان، شیوه آوانویسی متفاوت با دیگران عرضه می‌کند، در نظر دارد در وهله نخست، بیگانه با زبان پهلوی را برای فراگیری آنچه که امروزه بدون نقشه یکسان، پهنه‌ای وسیع را درنوردیده، یعنی چهارهزار واژه ساده از معمولی‌ترین واژه‌های پهلوی، کمک کند و سپس بر ارزش عملی این شیوه آوانویسی دوره ساسانی برای ادامه راهش تأکید بگذارد. وارد کردن آگاهیهای ریشه شناختی و ارجاع به متنهای مربوط، افزون بر این که سبب تعویق بسیار در ارائه فرهنگ می‌شد، هدف کار را نیز تغییر می‌داد و فرهنگ را از یک راهنما، به یک اطلس جغرافیایی - تاریخی تبدیل می‌کرد. چنین

۱. واژه‌نامه کتاب A Manual of Pahlavi در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت.

فرهنگ کامل پهلوی در هیچ جا دیده نمی‌شود و تا زمانی که متنهای زیادی بررسی و خوانده نشود، باید بر همین شیوه باقی ماند.

از دوستم دکتر ژینیو (پاریس) برای نظرهای مشورتی‌اش درباره آنچه که در این فرهنگ آمده است بسیار سپاسگزارم، چه در غیر این صورت بسیاری از واژه‌ها از چشم من پنهان می‌ماند. همسرم تهیه فهرست انگلیسی بخش بزرگی از کار را به عهده گرفت که جای سپاس فراوان دارد. دینی که من نسبت به روانشاد پرفسور هنینگ برای آموزش زبان پهلوی و آنچه که مربوط به ایران است، دارم، در کلام نمی‌گنجد.

در اینجا از حمایت مالی مدرسه زبانهای شرقی و آفریقایی برای انتشار این فرهنگ و از مهارت چاپگران سپاسگزارم.

د. ن. مکنزی

اکتبر ۱۹۶۹

مقدمه نویسنده

هر فهرست منتشر شده‌ای از واژه‌های پهلوی، تقریباً تعدادی واژه دارد که چگونگی آنها مبهم است و این ابهام هم در صورت، هم در معنی و یا حتی گاه، در وجود خود آنها نهفته است. هدف این فرهنگ آن است که گزیده‌ای از واژه‌های پهلوی را که در آن چنین واژه‌های مبهمی به حداقل کاهش یافته و مشخص نیز شده باشد، در اختیار دانشجو قرار دهد. فرهنگ موجود با فرهنگهای پیشین خود این تفاوت را دارد که واژگان پهلوی با واج - نویسی داده شده‌اند که، تا آنجا که از شواهد استنباط می‌شود، نشانگر چگونگی تلفظ آنها در سده سوم میلادی، یعنی دوران شکوفایی شاهنشاهی ساسانی است. دلایل رها کردن روش سنتی آوانویسی را در جای دیگری آورده‌ام^۱. یکی از دلایل عمده گزینش روش جدید، عملی بودن آن است چه تأیید کننده‌ترین شواهد از این دوران است.

برای کاستن از شمار واژه‌های مبهم، لازم بود که بر واژه‌های ساده‌تر متنبهایی از نوع کارنامه اردشیر بابکان، دادستان مینوی خرد، ارداویرازنامه، بندهش و متنهای پهلوی ویراسته جاماسپ آسانا، تکیه کرد. گرچه از برگردانهای پهلوی متنهای اوستا (وندیداد، یسنا و ویسپرد) نیز استفاده شده است. اما بسیاری از واژه‌های تخصصی آنها حذف شده‌اند. بسیاری از واژه‌ها، که برای مقاصد و در موارد خاصی به کار می‌روند و ترکیبهای

1. Notes on the transcription of Pahlavi. Bulletin of the School of Oriental and African Studies

xxx. pt.1 (1967). 17-29.

ویژه متنهای دینی مانند دینکرد، نیز در این فرهنگ دیده نمی‌شود، چه تجزیه و تحلیل این قبیل ترکیبهای پهلوی و دادن عناصر تشکیل دهنده آنها، مشروط بر آن که قواعد ساختاری آنها روشن باشد، کار ساده‌ای است. واژه‌های تفسیرپذیر که صورت یا معنی آنها مبهم است با «#» مشخص شده‌اند.

این فرهنگ، ماهیتاً، نه تنها دعوی دربرداشتن تمامی واژه‌های هر متن خاص را ندارد، بلکه هیچ‌گونه ادعایی در گشودن راههای تازه برای حل دشواریهای موجود در متنهای پهلوی را نیز ندارد. قرائتهای پژوهشگران بسیاری، منطقاً، گلچین شده است و بدین وسیله از تمامی آنانی که یافته‌هایشان با این فرهنگ همگون شده است، سپاسگزاری می‌شود. با این همه، باید مسئولیت تمامی گزینشها، قرائتها و تفسیرهایی را که در جای دیگری نیامده و یا منتشر نشده است، خود بپذیرم.

حرف نویسی

خط کتابهای پهلوی، در نهایت، از خط آرامی شاهنشاهی گرفته شده و در طول زمان، به هر صورت، ابهامها و پیچیدگیهای قابل توجهی در آن راه یافته است. جدول شماره ۱ روند تحول و تکامل این خط را، از آرامی شاهنشاهی (با حرف نویسی و نام حروف که توسط سامی شناسان به کار می‌رود) به صورتهای خاص به کار رفته در کتیبه‌های پارتی و فارسی سده سوم میلادی و صورتهای کهن دستنویسهای قطعات زبور (حدود سده هفتم)^۱، تا خط کتابهای پهلوی زردشتی، نشان می‌دهد. افزون بر ارزش آوایی متعدد حروف مذکور، ممکن است بعضی از آنها در بافتهای خاص، نشانگر ترکیب چند حرف باشند. مثلاً حرف **𐬀** یا **𐬁** مرکب از **𐬀 + 𐬀**

1. F. C. Andreas . Buchstücke einer Pehlevi- Übersetzung der Psalmen . Aus dem Nachlass herausgegeben von Kaj Barr. Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der Wissenschaften (Berlin) . 1933 . i. 91-152 . 11 Plates.

جدول شماره ۱

پهلوی		کتیبه‌ها		آرامی شاهنشاهی
کتابی	زبور	فارسی	پارتی	
𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	'
𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	b
𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	g
𐎣	𐎣	𐎣	𐎣	d
𐎤	𐎤	𐎤	𐎤	h
𐎥	𐎥	𐎥	𐎥	w
𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	z
𐎧	𐎧	𐎧	𐎧	b
𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	t
𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	y
𐎪	𐎪	𐎪	𐎪	k
𐎫	𐎫	𐎫	𐎫	l
𐎬	𐎬	𐎬	𐎬	m
𐎭	𐎭	𐎭	𐎭	n
𐎮	𐎮	𐎮	𐎮	s
𐎯	𐎯	𐎯	𐎯	'
𐎰	𐎰	𐎰	𐎰	p
𐎱	𐎱	𐎱	𐎱	q
𐎲	𐎲	𐎲	𐎲	r
𐎳	𐎳	𐎳	𐎳	s̄/š
𐎴	𐎴	𐎴	𐎴	t

* خط در بالا و زیر حروف در آوانویسی سامی، نشانگر تلفظ سایشی آن حروف است. مثلاً bēth, āleph و ...

حرف‌نویسی دقیق یک حرف با یک حرف لاتین، به سبب پیچیدگیها و ابهامهای این خط عملی نیست. این‌گونه موارد نیازمند تفسیر است. این تفسیر می‌تواند مستقیماً یا به یاری قیاس، برپایه شواهد نسبتاً روشن‌تر متنهای پیش‌گفته زبان باشد. به یاری این شواهد، تشخیص ارزشهای آوایی اصلی h, dy, \dots و برای حرف w ارزشهای آوایی اصلی w, r, n برای حرف h و دیگر حروف ممکن می‌شود. اما نه لازم و نه پسندیده است که از این فراتر رویم و بکوشیم ارزش آوایی دقیق‌تری به این حروف بدهیم و مثلاً r را به جای h یا x را به جای h خطی به کار ببریم. برای مثال: $hwr: \text{دور}$ معرف واژه $xwar =$ خورشید است، اما حرف‌نویسی آن به صورت $*xwr$ هم باعث اشتباه آن با حرف واقعی، یعنی r می‌شود و هم دشواریها و سردرگمیهای بیشتری را در تفسیر حرف w به دنبال خواهد داشت. بهتر است بپذیریم که نویسندگان r و h را تقریباً بدون تشخیص ارزش آوایی این دو، و نیز حرف h را برای h و x ایرانی، به کار می‌بردند و بنابراین باید آنها را به همین صورت حرف‌نویسی کرد.

برای تشخیص هزوارشهای پهلوی (اندیشه نگارهای سامی) از واژه‌های ایرانی، آنها را، به روش معمول، با حروف بزرگ حرف‌نویسی می‌کنند. بنابراین کلمه دور وقتی معرف $rahig =$ بچه باشد، $lhyk$ و زمانی که نشانگر هزوارش $dur =$ دور باشد، $LHYK$ حرف‌نویسی می‌شود. به هر صورت، چون هزوارشها، اغلب صورت بسیار تحریف شده و تغییرشکل یافته واژه‌های آرامی هستند، کافی است که برای مقاصد عملی، آنها را در چهارچوب یک نظام ساده حرف‌نویسی کرد.

روشی که برای حرف‌نویسی واژه‌های این کتاب، از هزوارشها تا واژه‌های ایرانی، به کار رفته است، تا آنجا که امکان داشته، برای دوری جستن از به کارگیری نشانه‌های زیر و زبری و نیز به منظور انطباق این نظام با روشی بوده است که هم اینک، به طور قراردادی، برای ارائه خط فارسی میانه ترفانی و پارتی به کار می‌رود. در همه جا، به هر حرفی، ارزش (های) آوایی اصلی ایرانی آن حرف داده شده است. بنابراین c و C به جای s و h ، و H به جای h آرامی است. A معرف حرف 3 (الف) است. تنها سه حرف در هزوارشهای پهلوی به کار می‌رود: Q (در واژه $QDM = abar$ ؛ در غیر این صورت K جایگزین آن می‌شود)، E و O . حرف E به جای $hē$ آرامی (زمانی که $hēt$ به جای آن نیامده باشد) و O

به جای ' (عین) آرامی است. منشأ حروف رومی نیز، به ترتیب، از این حروف آرامی است. بنابراین OLE(=ōy) شکل تحریف شده 'lh اصلی آرامی و HCDLWN(=*drun-) نشانگر شکل تحریف شده ریشه آرامی ḥsd است. سره نویسان، به یاری نشانه‌های زیر و زبری، در بازسازی این صورتها دشواری نخواهند داشت.

حروف پهلوی غالباً به شکل کج و نامنظم، به طریقی به یکدیگر می پیوندند که با دیگر حروف مشتبه و بدین ترتیب موجب پیچیدگیهای بیشتری در خط می شوند. در این کتاب، معمولی ترین این کژدیسسه‌ها با خطی در بالا یا زیر حرفی که معرف ارزش آوایی حرف پهلوی است، مشخص گردیده است. بنابراین:

g و ...) جایی که نشانگر آوای د b است، b حرف نویسی می شود.

z) جایی که نشانگر آوای w y است، y حرف نویسی می شود.

ʿc) جایی که نشانگر آوای p p̄ است، p̄ حرف نویسی می شود.

گرده کامل حرف نویسی پهلوی در جدول شماره ۲ آمده است. ترتیب حروف همان ترتیب حروف الفبای آرامی است و نخستین ارزش آوایی هر حرف در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۲

شکل تحریف شده	حرف نویسی حروف ایرانی	هزوارش (اندیشه نگار)
(1)	'	{ A
	h	{ H
$\bar{g}, \bar{d}, \bar{y}$ (2)	b	B
$\underline{B}, \underline{Z}, \underline{K}$ (3)	$\left. \begin{matrix} \bar{g} \\ d \\ y \end{matrix} \right\}$	$\left\{ \begin{matrix} G \\ D \\ Y \end{matrix} \right.$
$\underline{h}, \underline{z}, \underline{k}$	(mn, etc.)	E
	w	{ W
	n	{ N
	—	{ O
	r	{ R
	l (4)	{ ' (4)
$\underline{G}, \underline{D}, \underline{Y}$	z	Z
	k	K
	γ) (K
	l	L
	†) (£
	m	{ M
	—	{ Q
	s	S
	p	P
P, \bar{p}	c	C
	š	Š
\underline{DR} (5)	t	T

یادداشتها

- ۱- **𐭮𐭩** : h' و... ممکن است تحریف شده **yd̄y**- پایانی باشد، پس **yd̄y**- حرف - نویسی می شود.
- ۲- **𐭮𐭩** ، نیز **𐭮𐭩**- و... ممکن است تحریف شده **h**- باشد، پس **h**- حرف نویسی می شود.
- ۳- نشانه دو حرفی **𐭮𐭩** و **𐭮𐭩** وقتی به دنبال صورت هزوارشی فعلی بیایند، ممکن است معرف هرگونه شناسه آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه های دو حرفی را می توان، صرفاً، با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف نویسی کرد: **𐭮𐭩** را با **𐭮𐭩** و **𐭮𐭩** را با **𐭮𐭩**.
- ۴- یعنی خط زائد
- ۵- **𐭮𐭩** : y' و... ممکن است صورت تحریف شده **𐭮𐭩** : sn- باشد، پس **sn**- و **𐭮𐭩** (به دنبال حرف دیگر) ممکن است به جای **𐭮𐭩**- باشد، پس **𐭮𐭩**- حرف نویسی می شود.

آوانویسی

اصول املائی که، ظاهراً با دگرگونیهای اتفاقی در املائی پهلوی اعمال شده اند، افزون بر هزوارشها، دربرگیرنده اصول آوایی (در چهارچوب الفبا)، املائی تاریخی، شبه تاریخی و دشواریهای دیگری است که تعیین قواعد حاکم بر این اصول به اندازه ای نامشخص است که بندرت در خور ذکرند. پی بردن به املائی اصلی واژه، بندرت تلفظ آن را روشن

1. Kaj Barr, Remarks on the Pahlavi Ligatures **𐭮𐭩** and **𐭮𐭩** Bulletin of the School of Oriental Studies, VIII, pt. 2 (1936), 391-403

می‌سازد. برای تعیین تلفظ هر واژه، لازم است که تمام شواهد تطبیقی موجود را بررسی کرد.

با کشف متنهای ایرانی که به خط تقریباً آوایی مانوی نوشته شده، پایه‌ریزی یک نظام واجی فرضی برای متنهای فارسی میانه و پارتی سده سوم میلادی ممکن گشت، نظامی که از نظامهای پیشین خود که تنها بر شواهد دورتر زبانهای ایرانی کهن، فارسی نو و وام واژه‌های دیگر زبانها (بویژه ارمنی) متکی بود، دقیق‌تر است. این نظام واجی در مقاله‌ای که پیشتر بدان اشاره شد، توصیف شده است. تمام واژه‌های این فرهنگ نیز مطابق همین نظام آوانویسی شده‌اند. این نظام دربرگیرنده واجهای زیر است:

واکه‌ها

ī	ē	ā	ō	ū
i	(e) ¹	a	(o) ¹	u

همخوانها

p	t	č	k	
b	d	ǰ	g	
f	s	š	x	h
	z	ž ²	γ ²	
m	n			
w	r l	y		

۱ - پایگاه واجی e و o مورد تردید است و تنها زمانی مشخص می‌شود که شواهد تطبیقی مستقیمی از کاربردشان وجود داشته باشد.

۲ - فقط در واژه‌های غیرفارسی یعنی در واژه‌های عالمانه یا وام واژه‌ها.

می‌توان تصور کرد که فراگویی این واجها همانند ادای آواهای قرینه این واجها در زبانوری ایرانی غربی کنونی بوده است. تنها تغییر واج گونه‌ای مهم به بندشهای واکبر b, (d?), g, و بندشی - سایشی ژ مربوط است. هنگامی که این واجها بین یک واکه و همخوان بعدی در یک تکواژ یا درنگ بسته قرار می‌گیرند، به ترتیب به قرینه‌های سایشی خود [β, (ð), γ, ž] تبدیل می‌شوند. بنابراین واژه‌های ahd, tigr, dujden نشانگر

صورت تلفظی | *a/βd, tīyr, duždēn | هستند. اینکه این تحول درجه زمانی بر این واجها، هنگامی که در جایگاه پس واکه‌ای قرار می‌گیرند، تأثیر گذاشته است. روشن نیست. کافی است که واجهای |β, d, γ, ž| را به عنوان تظاهر آوایی ممکن پس واکه‌ای‌های h, d, g, ž در نظر داشت^۱.

روش استفاده از فرهنگ

برای یافتن یک واژه شناخته، یا واژه شناخته اما با روش آوانویسی دیگری، لازم است که نخست آن را در بخش واژه‌های پهلوی یافت. فهرست انگلیسی - پهلوی (اینجا فارسی - پهلوی) فقط به منظور به یادسپاری و یافتن مترادفها و... بوده است و به هیچ رو یک واژه‌نامه انگلیسی - پهلوی (اینجا فارسی - پهلوی) به شمار نمی‌آید.

سرواژه‌ها، بجز دو مورد، در سراسر فرهنگ به ترتیب زیر مرتب شده‌اند.

ā, h, č, d, č, f, g(γ), h, ī, j, k, l, m, n, ō

p, r, s, š, t, ū, w, x, y, z(ž).

دو مورد استثنا عبارتند از:

(۱) اسمهای معنی با پایانه (-yh) -īh که بلافاصله به دنبال واژه‌هایی می‌آیند که از آنها

مشتق شده‌اند، مثلاً stūrīh پس از stūr و پیش از sturg؛

(۲) اسمهای مصدر که از ستاکهای حال با افزودن پایانه [-šn|-išn] ساخته شده‌اند و

صورت‌های اشتقاقی آنها با پایانه‌های [-šnyh], [-šnyk], [-šnyh], همه به دنبال فعلی

آمده‌اند که از آن مشتق شده‌اند.

افعال به شکل مصدر نقل شده‌اند و ستاک حال را به دنبال دارند، مگر مواردی که این

دو صورت دیده نشده باشد. در موارد ضروری ارجاع‌هایی برای انطباق این صورتهای داده

شده است. در این فرهنگ همه صورتهای اشتقاقی یک فعل نیامده است، گرچه این

مشتقات، بنا بر قاعده، از بخشهای اصلی یک فعل قابل استنتاج باشد. مثلاً اسمهای فاعل

۱. [γ] گونه واجی ǰ فارسی است در حالیکه ʒ در آوانویسی. یک واج غیر ایرانی است. زبان پارتی نیز

دارای واج ʒ است که جانشین ʒ فارسی می‌شود.

با پایانه [t'1]-dār/-tār، صفت‌های مفعولی با پایانه [t'1]-dag/-tag، همانند مصدرها با پایانه [t'1]-dan/-tan، اسم‌های معنی با پایانه [t'1]-āg که از ستاک حال ساخته می‌شوند.

سرواژه‌ها

سرواژه‌های پهلوی همواره با حروف برجسته داده شده‌اند. سرواژه‌های اندکی که با حروف ایتالیک آمده‌اند، برای ارجاع به گونه دیگر آوانویسی آن واژه‌ها بوده است. P پیش از سرواژه‌های اصلی نشان می‌هد که واژه تنها در متن‌های با اصل پارتی، مثلاً یادگار زریر و درخت آسوریگ، آمده است. * نشان می‌دهد که آوانویسی یا قرائت واژه تأیید نشده و مبهم باقی مانده است. آگاهی‌های زیر درون دو قلاب [] آمده است.

(۱) حرف‌نویسی خط پهلوی.

در مورد هزوارشها، حرف نویسی بلافاصله پس از ارائه صورت اصلی آرامی کلمه که با نشانه A مشخص گردیده، آمده است. در مورد افعال، به سبب دادن ریشه آرامی فعل، این روش گاه با دقت کمتری اعمال شده است.

زمانی که املاهای پهلوی ستاک حال یک فعل با بخشی از مصدر یکی می‌شود، هر اندازه در آوانویسی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، حرف‌نویسی به شکل اختصار و با استفاده از خط فاصله - داده می‌شود. مثلاً صورت škwp-tn' نشان دهنده مصدر (škwptn' (= škuftan) و ستاک حال škwp- (= škōf-) و صورت YMYTWN-tn' نشانگر مصدر YMYTWNtn' (= murdan) و ستاک حال YMYTWN- (= mīr-) است.

(۲) شواهد تأییدکننده آوانویسی.

صورت پهلوی، هرچند تحریف شده واژه‌های عالمانه‌ای که از اوستا گرفته شده، با

نشانه^۱ (=Av.) مشخص شده است. آوانویسی این واژه‌ها فرضی‌تر از آوانویسی واژه‌های عادی پهلوی است، چه این صورتها چیزی بیش از فراگیری احتمالی تلفظ کنونی این واژه‌ها نیست.

توجه درستی آوانویسی هر واژه مستلزم بحثی مفصل درباره‌ی شواهد ریشه‌شناختی و تطبیقی است که از محدوده‌ی این فرهنگ بیرون است. بنابراین تنها آن شواهدی ارائه شده‌اند که رابطه‌ی بسیار نزدیکی با سرواژه‌ها داشته‌اند و از نظر کوتاهی و ارائه با قاعده‌ی سرواژه‌ها سودمند بوده‌اند.

پس از خط عمودی |، هر جا امکان داشته، صورت‌های برابر فارسی میانه (M) و / یا پارتی (P) مانوی داده شده است. ارائه تنها صورت پارتی یک واژه، لزوماً بدین معنی نیست که واژه اصل غیرفارسی دارد. این امر ممکن است بدین سبب باشد که صورت برابر فارسی میانه در متن‌های مانوی دیده نشده است.

صورت‌های متأخر واژه از متن‌های یهودی - فارسی (L- از هر منبعی) و فارسی آغازی (N- بندرت در هیأت عربی‌شان، زمانی که صورت معرب جانشین فارسی شده است. Ar.) نقل شده‌اند.

در مواردی که صورت‌های ارائه شده یک واژه مستقیماً قابل مقایسه نباشد، یعنی از گویش دیگری، یا به طریقی تحریف شده باشند (مثلاً با ریشه‌شناسی عامیانه)، درون دو کمانک () آمده‌اند.

wēn- (V)	سرواژه - ۱۱۴	-۱
wēnišn (V)	سرواژه ۱۳۵ ۱۱۴	-۲
dīdan (V)	سرواژه ۱۱۳ ۱۱۴	-۳
wēn-	-۲۱	-۴
wēnišnīg	سرواژه ۱۳۵ ۲۱	-۵
wēnišn	سرواژه ۱۳۵ ۲۱	-۶
dīdan-	سرواژه ۱۱۴	-۷

۱. در آوانویسی بارتمندای (Altiranisches Wörterbuch) بجز ā, ß, w که به ترتیب جانشین a, w, v شده‌اند.

dīdan, wēn- [HZYTWN-tn'¹<A hzy; dytn'¹, wyn-] M dydn,

wyn- , N ~ , bīn-] دیدن

~ išn: بینش، بینایی

~ išnīg: دیدنی

wēn- , ~ išn(-īg), → dīdan

(۱) 𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮 - هزوارش ستاک حال wēn- است. این هزوارش دارای حروف H و Z (که به شکل حرف G کاهش یافته‌اند) Y ، T ، W ، N ، است که این صورت نتیجه دگرگونی (عادی) پهلوی ریشه آرامی hzy است. مصدر (۳) دارای پایانه آوایی tn'¹ برای -dan در dīdan است.

(۷) 𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮 dytn'¹: صورت نوشتاری مصدر dīdan و (۴) 𐭥𐭮𐭥𐭮:- wyn- صورت نوشتاری ستاک حال wēn- است.

در فارسی میانه مانوی قرینه‌های آنها ، به ترتیب به صورت dīdan ، wēn- نوشته می‌شوند که نشانگر همان تلفظ‌اند. در فارسی نو مصدر همچنان dīdan است، اما ستاک حال، بنابر قاعده، bīn- است.

بخشی از اسم مصدر wēnišn ممکن است به صورت هزوارش HZYTWNšn'¹ (۲) و یا آوایی wynšn'¹ (۶) نوشته شود. املاي wynšnyk'¹ (۵) نشانگر صفت مشتق wēnišnīg است (که آن را به صورت HZYTWNšnyk'¹ نیز می‌توان نوشت).

کوتاه‌نوشتها

A	آرامی
Ar.	عربی
astr.	ستاره‌شناسی، اختربینی
Av.	اوستایی
cal.	تقویم
intr.	لازم
J	یهودی - فارسی
lit.	واژه به واژه
M	فارسی میانه مانوی
N	فارسی نو
P	پارتی
pl.	جمع
sg.	مفرد
tr.	متعدی
cf.	بسنجید

نشانه‌ها

~	درست مانند سرواژه
*	آوانویسی و یا معنی مورد تردید است
/	گزینه‌های دیگر
()	گونه دیگری از صورت و یا املاء واژه فارسی نو و... صورت مستقیماً قابل
(N...)	مقایسه نیست
=M	همین املا در مانوی و...
v.	→

بخش نخست

پهلوی - فارسی

A

a- [ʔ- Mʔ-]	بی -، نا - (پیشوند نفی)
ā [ʔ]	پس (معمولاً با ضمیر پیوسته می آید، مثلاً ā-š)
āb [MYA < A myʔ ; ʔp̄ M ʔb, N ~]	آب
ābād [ʔp̄ʔʔ M ʔbʔd, N ~]	آباد، پرجمعیت، مزروع
~īh :	آبادی، خوشبختی
ābādān [ʔp̄ʔʔnʔ N ~]	آبادان، مزروع، کامیاب
~īh :	آبادانی، کامیابی
abādixšā(y) [ʔpʔthšʔ(d), → pādixšā(y)]	ناتوان، بی قدرت
~īh :	ناتوانی، هرج و مرج
abādyāwand [ʔpʔtydʔwnd J ʔbʔdywn <d>]	ناتوان، کم زور، بی زور
~īh :	ناتوانی، کم زوری
abāg [LWTE < A hwt-h M ʔbʔg, N (a)bā]	با
~īh [ʔp̄ʔkyh]	کمک، همراهی، همدستی
abāgēnīdan, abāgēn- [ʔp̄ʔkyn-yinʔ]	همراهی کردن
a-bahr [ʔbʔhl]	بی بهره، محروم
abām [ʔp̄ʔm P ʔbʔmyh, N (ā)wām]	وام، قرض
Ābān [ʔp̄ʔnʔ M ʔbʔn, N ~]	آبان: گاه نما (= تقویم) نام هشتمین ماه سال و دهمین روز ماه
aband [ʔp̄nd, → pand M ʔbnd]	نادرست، بی راه
~īh :	نادرستی
ʔabar [QDM < A qdm; ʔp̄l M ʔbr, N bar]	بالا؛ بر، روی
~āmadan :	برآمدن (خورشید)
~āxistan :	برخاستن
~āxrāmīdan :	به سوی بالا خرامیدن
~burdan :	به عهده گرفتن
~madan :	برآمدن (از عهده کاری)، دریافتن
~nigerīdan :	برنگریستن، توجه کردن
~nihumbīdan :	برنهفتن، پنهان کردن
~nišastan :	برنشستن، بر تخت نشستن
~nišāstan :	برنشاندن

abar rasīdan

abaxšāyišnīg

~rasīdan :

رسیدن به...، رسیدن بر سر...

~rasīdan ō :

رسیدن

²abar [²p̄l]

برتر، بالاتر

~ag [-g | M ²brg] superior

برتر

~agān(ag) [-k²n (k)¹]

برتر

~dar [-tl, ²wll | M ²brdr]

بالاتر

~dom [-twm | M ²brdwm]

بالاترین

~domīh [-twmyh]

برتری

abargar [²p̄lgl]

ایزد، خدا

abarīg(ān) [²p̄lyk(²n)¹] = abarag

abārīg [²p̄ryk¹ | M ²b²ryg, J ²b²ry]

دیگر

abarmān [²p̄lm²n¹]

متصدی، سرپرست

abarmānd [²p̄lm²nd]

ارث، مرده ریگ، امتیاز

abarmānīg [²p̄lm²nyk¹]

آزاده

abar-menišn [²p̄lmynšn¹]

خودپسند، متکبر، مغرور

abārōn [²p̄²hvn¹ | N wārūn]

وارون، نادرست، گناهکار

~īh :

گناه

abar-ōz [²p̄l²wc]

قوی تر، نیرومندتر

~īh :

تسلط، اقتدار

abar-tan [²p̄ltm¹]

خودپسند، مغرور

~īh :

خودپسندی، غرور، نخوت

abarwēz [²p̄hwyc | M ²brwyj, N parwēz)]

کامروا، پیروز

~īh :

کامروایی، پیروزی

abarzēn, → ²mašk

abaxš [²p̄hš]

پشیمان؛ پشیمانی

~īh :

پشیمانی

abaxšāwand [²p̄hš²wnd]

متأسف

abaxšāyīdan, abaxšāy- [²p̄hš²d-ym¹ | M ²bxš²y-,

بخشاییدن، آمرزیدن، رحم کردن

N baxšūdan, baxšāy-]

~išn :

بخشایش، آمرزش، رحم

~išnīg :

بخشنده، دلسوز، رحیم

¹ abāxtar [ʔpʰhtl M ʔbʰxtr]	سیاره
² abāxtar [ʔpʰhtl N bāxtar 'مغرب']	شمال
abaydāg [ʔpyrʔkʰ, → paydāg M ʔbydʔg]	ناپیدا، ناپدید
~īh :	ناپیدایی، ناپیدیدی
abāy-: abāyēd [ʔpʰyrʰ M ʔbʰyd, N bāyad] (+مصدر)	لازم است، مناسب است، باید...
~ist [ʔpʰdstʰ N bāyist]	بایست
~istan [ʔpʰdstmʰ]	بایستن، مناسب بودن، آرزو کردن، خواستن
~išn :	لزوم
~išnīg :	بایسته، درخور، سزاوار
abāz [LAWHL < A l-ʔ(w)hr ; ʔpʰc M ʔbʰc, N bāz, wā]	باز، دوباره، عقب
~dādan ō :	۱ - حمل کردن (بر)، نسبت دادن به ۲ - تعیین کردن
~dāštan :	بازداشتن، جلوگیری کردن از، مانع شدن
~ēstādan az :	ترک کردن، باز ایستادن از...
~kardan :	باز کردن
~kardan az :	باز کردن از، وادار به ترک کردن
~māndan :	بازماندن
~pādan :	ماندن، باقی ماندن
~raftan :	پیش رفتن، بیرون آمدن
~waštan ō :	بازگشتن به، شدن
~wirāstan :	بازویراستن، دوباره ترتیب دادن، دوباره مرتب کردن
abāzsār [LAWHLsʰl]	سرکش
~īh :	سرکشی
āb-čihrag [ʔp cyhllkʰ]	آب چهره، آن چه جوهر یا نطفهٔ آب دارد
abd [ʔpd M ʔβd, J ʔbd-]	شگفت آور
~sahistan :	شگفت نمودن، شگفت به نظر رسیدن
~īh :	شگفتی
āb-dān [ʔpdʰnʰ]	آبدان
abdast [ʔpdstʰ]	دست پناه (بخشی از زره)
abdom [ʔpdwm M ʔbdwm]	آخر، آخرین، سرانجام
~īh :	پایان، انتها
abd-sahist [ʔpdshstʰ]	شگفت انگیز

abē- [² p̄y(y)- M ² by-, N bē]	بی -، بدون - (پیشوند)
~ -bar [bl]	بی بر، بی ثمر
~ -bēš [-byš]	بی زیان
~ -bīm [-bym]	بی بیم
~ -bīmīh :	بی بیمی
~ -bōy [-bwd]	بی حس
~ -bōyīh :	بی حسی
~ -būd(īh) [-bwt ¹ , -bwtyh]	کاستی، کمبود
~ -čim [-cym]	بی سبب، بی علت
abēdān [² p̄yt ² n ¹]	بافایده، لازم
abē- -gumān [-gvm ² n ¹]	بی گمان، مطمئن
~ -gumānīh :	اطمینان
~ -mizag [-m(y)ck ¹]	بی مزه
~ -must [-mwst ¹]	خرسند، راضی
~ -niyāz [-nyd ² c]	بی نیاز
~ -ōš [- ² wš M ² by ² wš, N bēhōš]	بی هوش، بی حس
~ -ōšīh :	بی هوشی، بی حسی
abēr [² p̄yl]	زیاد، فراوان
abē-rāh [² p̄yl ² s]	بی راه
abesar [² p̄ysl M ² bysr, N afsar]	افسر، تاج
abesīhēnīdan, abesīhēn- [² p̄shyn-ytm ¹ , → abesīhīdan]	نابود کردن، ویران کردن
~ išn(īh) :	خرابی، ویرانی، تخریب
abesīhīdan, abesīh- [² p̄s(y)h-ytm ¹ M ² bysyh-]	نابود شدن، خراب شدن
~ išn(īh) :	نابودی، خرابی
abespārdan [² p̄sp ² ltm ¹] = abespurdan .	
abespurdan, abespār- [² p̄spwltm ¹ , ² p̄sp ² t- M ² byspwrđ, ² bysp ² r-, N sipurdan, sipār-]	سپردن، واگذار کردن، تفویض کردن
abestāg [² p̄(y)st ² k ¹]	اوستا، کتاب مقدس زردشتیان
abestām [² p̄st ² m] = abestān .	
abestān [² p̄st ² n ¹]	پشتی، پناه، اعتماد
ābestan [² p̄ystan ¹ p ² bysm, N ābistan] = ābustan .	

abē-sūd

āh-tazan

abē-sūd [²p̄ȳ swt¹]

بی سود

~īh:

بی سودی

a-bēš [²byš¹]

آسیب‌ناپذیر، بی‌زیان؛ بی‌گزند

~īh:

آسیب‌ناپذیری؛ بی‌گزندی

abē-|-wināh [-wn²s | M ²bywn² !]

بی‌گناه

~-wizend [-wznd]

آسیب‌ناپذیر، بی‌گزند، بی‌خطر

abēzag [²p̄yck¹ | M ²bycg, (N wēža)]

مقدس، ویژه (= پاک)

~īh:

پاکی، تقدس

abēzār [²p̄yz²l, ²p̄yc²l | N bēzār]

بری

abgandan, abgan- [LMYTWN-in¹ < A √im²; ²p̄kn- | M ²bgnd,

افگندن

²bgn-, N afgan-dan]

abgār- [²p̄k²l-]

تهیه کردن، پیش بردن

ābgēnag [²p̄kynk¹, MYAkynk¹ | N ābgīna]

آبگینه، شیشه، بلور

~ēn[-yn¹]

شیشه‌ای، بلورین

ābīg [²p̄yk¹ | N ābī]

آبی، آبی

ābilag [²p̄lk¹ | N ~a]

آبله

a-bīm [²bym]

بی‌بیم، بی‌باک، نترس

āb-kāmag [²p̄k²mk¹ | N ~a]

آب‌کامه (سوپ غلیظ ترش)

abnūs [²p̄mws | (N ābnūs)]

آبنوس

a-bōy [²bwd]

بی‌حس

~īh:

بی‌حسی

abr [²bl, ² | M ²βr! N ~]

ابر

abrang [²p̄lng | N aurang]

اورنگ، شکوه

abrāstan, abrāz- [²p̄l²stm¹, ²p̄l²c- | M ²br²st, N(afrāštan), afrāz-]

افراشتن، بالا بردن

abrāz [²p̄l²c | N afrāz]

افراز، سربالایی

abrēšom [²p̄lyš(w)m | M ²bryšwm, N ~]

ابریشم

~ēn [-yn¹]

ابریشمین

abrōxtan, abrōz- [²p̄lwhun¹, ²p̄lwc- | M ²brwxt, ²brwc-, N afrōxtan, afrōz-]

افروختن، روشن کردن، نورانی کردن، جلا دادن

~išn(īh):

روشنگری، فروزش، چراغانی

āb-tazan [²p̄tcn¹]

آب‌رو

a-bun

ādānīh

a-bun [²bwn¹]

بی اساس، بی بن

a-burd-framān [²bwltpm²n¹]

نافرمان

~īh :

نافرمانی

aburnāy [²p̄(w)ln²d, → purnāy | N burnā]

نابرنا، بچه

~īh :

نابرنایی، بچگی

aburnāyag [²p̄(w)ln²(d)yk¹]

نابرنا، بچه

abus [²p̄ws]

زن تازه زاییده

~īh :

زایمان

ābus, -tan [²p̄ws, -tn¹ | M ²bwws, → -ābestan]

آبستن

~īh :

آبستنی

abyōxtan, abyōz- [²p̄ywhm¹, ²p̄ywc-]

آمیختن، پیوستن

āb-zan [²p̄zn¹ | N ~]

آبزن، حمام

¹abzār [²p̄c²l, ²p̄z²l | M ²bc²r, N afzār]

افزار، ابزار، وسیله؛ چاشنی، ادویه

²abzār [²p̄z²l | M ²bz²r]

مهارت، نیرو؛ نیرومند

~ōmand [-²wmnd]

قابل، ماهر

abzāy-, ~išn, → abzūdan.

abzōn [²p̄zwn¹ | M, J ²bzwn, N afzūn]

افزایش، رشد

~īg [-yk¹]

افزون، افزاینده، فراوان

~īgīh :

فراوانی

abzūdan, abzāy- [²p̄zwm¹, ²p̄z²d- | M ²bz²y-, N afzūdan, afzāy-]

افزودن، رشد دادن

~išn :

افزایش، رشد

a-čār [²c²l]

ناچار؛ بیچاره

~ag [-k¹]

ناگزیر، مجبور

a-dād [²d²r¹], a-dādestān [²-DYNA, -d²tst²n¹]

بی داد، غیرقانونی

~īh :

بی دادی، بی قانونی

a-dahm [²d²hm]

نامحرم

-ādan [-²tn¹ | P -²dn, N ~]

-ادن (پسوند سازنده مصدرهای ثانوی)

a-dān [²d²n¹ | M ²d²n]

نادان

~īh :

نادانی

*ādān [²r²n¹]

ثروتمند، قادر به پرداخت وام؛ ثروت

~īh :

ثروت

a-dard [² dlt ¹]	بی درد
ādarōg [² tlwk ¹], ātaxš ī ~ :	آدروگ، ساده‌ترین نوع آتش زردشتیان
ādehīg [² dhyk ¹]	اهلی، بومی
adēn [² tyn ¹ M ² dyn]	ورود؛ ورودی
*adēn- [² dyn- = M]	آوردن، هدایت کردن
ādišt [² tyšt ¹]	جایگاه آتش زردشتیان
ādūg [² twk ¹ M ² dwg]	لایق
ādur [² twr ¹ M ² dwr, N ādar]	آتش، ایزد آتش؛ گاه‌نما: نهمین ماه سال و نهمین روز ماه
ādurestar [² twrystl]	خاکستر
~ēn [-yn ¹]	خاکستری
ādur-gāh [² twrg ² s]	آتشگاه
āfrāh [² pł ² s M ² pr ² h]	آموزش، تعلیم، عقیده، اصل
a-frasāwand [² płs ² wnd]	نافر سودنی
afrāz [² pł ² c N farāz]	فراز
āfrīdan, āfrīn- / āfur- [² płyt ¹ , ² płyn-,	آفرین کردن، ستودن، دعای خیر کردن؛ آفریدن
²pwl- M ² p(w)ryd, ² pwr-, P ² fryn-, N āfarīdan, āfarīn-]	
āfrīn [² płryn ¹ M ² pryn, N āfarīn]	آفرین، ستایش
~agān [-k ² n ¹]	آفرینگان (نام دعا)، دعای خیر
afrōšag [² płhwš ² k ¹ N ~ a]	افروشه (نوعی شیرینی که با آرد، کره و عسل تهیه می‌شود)
*afsālān [² płs ² l ² n ¹ (N ābsālān)]	آبسالان، بهار
afsān [² płs ² n ¹ (M ² ps ² ng), N afsāna]	افسانه، داستان
afsardan, afsar- [² płst ² -tn ¹]	افسردن، سرد شدن
afsārdan, afsār- [² płs ² l ² -tn ¹]	خاموش کردن، سرد کردن، منجمد کردن
~išn :	خنک سازی، عمل سرد کردن
afsāy- , → afsūdan.	
afsēnistan, afsēn- [² płsyn ² -stn ¹ , → abesīhēn-īdan]	نابود کردن
~išn :	خرابی، تخریب
afsōn [² płswn ¹ M ² pswn , N afsūn]	افسون، ورد
afsōs [² płsws N ~]	ریشخند
~gar [-gl]	ریشخند کننده
afsūdan, afsāy- [² płswtn ¹ , ² płs ² d-]	افسون کردن، با افسون حفظ کردن

afšāndan, afšān- [² pš ² n-tn ¹ N ~]	افشاندن، پراکندن، ریختن
afšārdan [² pš ² ltn ¹ N ~] = afšurdan.	
afšurdan, afšār- [² pšwltm ¹ , ² pš ² l- N ~]	افشردن، خردکردن، له کردن
āfurīdan, āfur- [² pwl-ytm ¹ , → āfrīdan]	آفریدن
~išn:	آفرینش
-ag [-k ¹ M -g, N -a]	۱- (پسوند سازندهٔ ۱- صفت از اسم و ماده‌های فعلی ۲- اسم از صفت و ماده‌های مضارع)
-āg [- ² k ¹ M - ² g, N -ā]	۱- (پسوند سازندهٔ اسم عامل از ماده‌های مضارع)
a-gāh [² g ² s]	بدون مقام و رتبه
āgāh [² k ² s M ² g ² (h), N ~]	آگاه، کاردان
~īh:	آگاهی
āgāhēnīdan, āgāhēn- [² k ² syn-ytm ¹]	آگاه کردن
āgandan, āgan- [² kn-dn ¹ P ² gnd, N ~]	آگندن، انباشتن
a-ganǰ [² knc!]	بینوا
agar [HT, برای A hn M ² gr, N ~]	اگر
agār [² k ² l M ² g ² r-]	ناکاره، ناتوان، بی مصرف، عاطل
~īh:	ازکارافتادگی، عدم فعالیت، ناتوانی
agārēnīdan, agārēn- [² k ² lyn-ytm ¹]	ناکار کردن، ناتوان کردن
agārīhistan, agārīh- [² k ² lyh-stm ¹ M ² g ² ryyh-]	ناکار شدن، ناتوان شدن
ag-dēn [² k-, ² gdyn ¹]	بددین، کافر
~īh:	بد دینی، دینی غیر از دین زردشتی داشتن
āgenēn [² k(y)nyn ¹ M (²) ² g(y)nyn]	با هم
āgōš [² kws̄ M ² wš, (P ² gwc), N āyōš]	آغوش
a-gōwāg [² gwb ² k ¹]	گنگ، ناگویا
āyištag [² gyšt ¹ p ² gyšt, N āyišta]	آغشته، آلوده
ayrē [² γ-, ² klȳ = Av. aγrya-]	بالاترین، بزرگترین
āgrift [² glpt ¹ = Av. āgarapta-]	جرم، تقصیر؛ آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)
a-griftār [² glpt ² l]	نامحسوس، لمس نشدنی
a-gumān [² gwn ² m ¹]	بی گمان، مطمئن
a-gumēg [² gwmyk ¹ M ² gwmyg]	خالص، نیامیخته
~īh:	خلوص

<p>āgustan</p> <p>āgustan [ʔkʷstn¹ M ʔgʷst]</p> <p>āhan [ʔh(y)n¹, ʔs(y)n¹ M ʔhwn, N ~]</p> <p>~ēn [ʔsynyn¹]</p> <p>~gar [-kl N ~]</p> <p>āhang [ʔhng]</p> <p>āhanjīdan [ʔhncym¹] = āhixtan.</p> <p>ahanūz [ʔhnwc M ʔhnwn-c, N hanūz]</p> <p>āhen = āhan</p> <p>āhīd [ʔhyt¹ M (ʔ)ʔhyd]</p> <p>~īh:</p> <p>āhixtan, āhanj- [ʔhhtn¹, ʔhnc- M ʔhxtn, (ʔhynz-), بیرون کشیدن،</p> <p>N āhīxtan, ~]</p> <p>ahlā [ʔhl²y (M -ʔhr²y)]</p> <p>ahlaw [ʔhlwb¹ M ʔhlw]</p> <p>~īh:</p> <p>ahlaw-dād [ʔhlwb d²t¹]</p> <p>ahlāyīh [ʔhl²dyh]</p> <p>Ahlišwang [ʔhlyšwng] = Ard</p> <p>ahlomōy [ʔhlmwk¹ M ʔhlmwg]</p> <p>~īh:</p> <p>āhōg [ʔhwk¹ M ʔhwg, N āhō]</p> <p>āhōgēnīdan, āhōgēn- [ʔhwkyn-ytm¹]</p> <p>a-homānāg [ʔhwm²n²k¹]</p> <p>ahōš [ʔhwš]</p> <p>~īh:</p> <p>āhr [ʔhl]</p> <p>ahrāftan, ahrām- [ʔhl²p̄tm¹, ʔhl²m- M ʔhr²ptm, ʔhr²m-]</p> <p>Ahreman [ʔhl(y)mm¹ M ʔhrmyn, N ~]</p> <p>āhūg [TYBA < A ʔby²; ʔhwk¹ M (ʔ)ʔhwg, N āhū]</p> <p>ahunawar [ʔhwwl]</p>	<p>ahunawar</p> <p>آویختن، سرنگون کردن</p> <p>آهن</p> <p>آهنین</p> <p>آهنگر</p> <p>آهنج، کشش</p> <p>هنوز، بازهم</p> <p>آلودگی، آرایش؛ درهم</p> <p>پلیدی، درهمی</p> <p>آهیختن، بالا کشیدن، بیرون کشیدن،</p> <p>پرهیزگار (لقب ایزد سروش)، صالح، نیکوکار</p> <p>پرهیزگار، درستکار، صالح، نیکوکار</p> <p>پرهیزگاری، نیکوکاری</p> <p>خیرات، صدقه</p> <p>پرهیزگاری، نیکوکاری</p> <p>آشموغ؛ بددین، بدعت‌گذار</p> <p>آشموغی؛ بددینی، بدعت</p> <p>آهو، عیب</p> <p>آلودن</p> <p>ناهمانند</p> <p>نمردنی، بی‌مرگ</p> <p>بی‌مرگی</p> <p>ترس، خشم</p> <p>بالا بردن، بلند کردن</p> <p>اهرمین / اهریمن (= روح پلید)</p> <p>آهو (حیوان)</p> <p>اهونور (نام مقدس‌ترین دعای دین زردشتی که با</p> <p>yaīlā ahū vairyo آغاز می‌شود)</p>
---	--

a-hunsand [ʰwɪnsnd]

~īh:

ahy [KZY < A k-zy | M ʰhy]

aǰgahān [ʰʂghʰn¹ | M ʰjgʰhʰn, N aǰgahān]

~īh:

ak [ʰk¹ | N āk]

-ak [-k¹ | N ~]

a-kāmagōmand [ʰkʰmkʰwmnd]

a-kanārag [ʰknʰlk¹ | M ʰqnʰrg]

~īh:

a-kard [ʰkrt¹ | (M ʰgyrd)]

Akōman [ʰkwmn¹ | M ʰqwmn]

akōmand [ʰkʰwmnd]

alā [ʰrʰy]

ālag [ŠTLA, ŠTRA < A štrʰ; ʰlk¹ | (M ʰʳg)]

alālag [ʰlʰlk¹ | N lāla]

ālāy-, → ālūdan.

Aleksandar [ʰlksndl | M ʰlksyndr, N Iskandar]

almās(t) [ʰlmʰs(t)¹ | (M ʰrmʰs), N almās]

ālūdāg [ʰlwk¹]

~īh:

ālūdan, ālāy- [ʰlwm¹, ʰlʰd- | (M ʰrwd), N ~]

āluh [ʰlwh | M ʰlwf, N ~]

alum [ʰlwm, N ~]

amā [LNE < A l-nh | M ʰmʰh, N mā]

āmadan, āy- [YATWN-in¹ < A yʰwn, √ʰth | M ʰmdn, ʰy-, N ~]

amahraspand [ʰmhrsṗnd | M (ʰ)mhrʰspnd]

a-mar [ʰml]

āmār [ʰmʰl | N ~]

āmār- [ʰmʰl-]

~išn:

ناخرسند، ناراضی

ناخرسندی، نارضایتی

نخست، زود(ترین)

تنبل، کاهل

تنبلی، کاهلی

بدی، زیان

-ک (پسوند تصغیر)

بی میل

بی کناره، بی حد

بی کنارگی

ناکرده، به انجام نرسیده

اکومن (= اندیشه بد): نام یکی از دیوان بزرگ

بد، زیان آور

آه! الا!، اسفا!

جهت

آلاه

اسکندر مقدونی

الماس؛ فولاد

آلوده، ناپاک

آلودگی

آلودن، ناپاک کردن

آله، عقاب

ارزن

ما، ما را

آمدن

امشاسپند، بی مرگ مقدس

بی شمار، بی مر

شمار، رسیدگی، ملاحظه

حساب کردن، شمار کردن

شمار

a-marag

an-abaxšāwand

a-marag [²mlk¹]

بی مر، بی شمار

amaragān [²mlk²n¹]

عموم، عام

~īg [-yk¹]

عام

~ihā [-yh²]

به طور کلی، عموماً

a-marg [²mlg]

بی مرگ، نمردنی

~ih :

بی مرگی، فناپذیری

āmārgar [²m²lgl | N ~]

آمارگر، حسابدار

amāwand [²m²wnd]

زورمند، نیرومند

amāwandih :

زور، نیرومندی

ambag [²mbk¹ | N anbaĵāt]

انبه (نوعی مربا و ترشی)

ambar [²mbl, ²nbl | Ar. 'anbar]

عنبر

ambarag [²mblk¹ | N anbara]

انبره (حیوان بی مو به طور عام)

P amburdan [h/²mbwltm¹ | P ²mb²r-] = hambārīdan.

a-menīdār [²mynyt²l]

بی فکر، بی اندیشه

āmēxtan, āmēz- [²myhtm¹, ²myc- | M ²myxtm, ²myz-, N ~]

آمیختن

~išn :

آمیزش؛ عنصر

āmiz [²myc]

خوراک غیراصلی، سبزیجات

Amurdād [²m(w)rdt¹ | N murdād]

امرداد (= بی مرگی) : ششمین امشاسپند، نگهبان

گیاهان و خوراک؛ گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه

āmurzīdan, āmurz- [²mwlc-ytm¹ | M

آمرزیدن، بخشاییدن، دل سوختن، رحم کردن

²mwrz-yd, N ~]

~išn :

آمزش، بخشایش

P amwaštan [h/²mwštm¹ | P ²mwšt]

جمع کردن، گردآوری کردن

an- [²n- | M ²n-]

بی -، نا - (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه شروع می‌شود)

ān [ZK < A zk; ²n¹ | M h²n, N ~]

آن، او

~ī:

آن (= متعلق به)، با توصیف‌کننده مقدم بر اسم = کسره اضافه: مثلاً

ān ī ahlawān ruwān = ruwān ī ahlawān

روان پرهیزگاران

-ān [-²n¹ | M -²n, N ~]

-ان (پسوند سازنده ۱- صفت فاعلی ۲- قید ۳- نشان جمع)

ānāb-, ~išn, → ānāftan.

an-ābādān [²n²p²r²n¹]

ناآباد، بایر

an-abaxšāwand [²n²p²hš²wnd]

توبه ناکرده

~īh:	توبه ناکردگی
an-abāy [ʔnʔpʔd]	نامناسب، نابجا
an-abēdān [ʔnʔpʔtʔnʔ]	بی فایده، ناخواستنی
~īh:	بی فایدهگی
anābuhlag [ʔnʔpʔwhlk = Av. anāpərəθa-]	ناپل (نام بالاترین درجه گناه)، گناه بی کفاره، گناه جبران ناپذیر
an-abzār [ʔnʔpʔzʔl]	ناوارد، ناتوان
~īh:	بی قابلیتگی
an-ādān [ʔnʔrʔnʔ]	درمانده
~īh:	درماندگی
an-ādūg [ʔnʔtwkʔ]	نالایق
an-afsēnišn [ʔnʔpʔsynšnʔ]	خراب نشدنی
ānāftan, ānāb- [ʔnʔpʔmʔ, ʔnʔpʔ- M ʔnʔpt, (ʔnʔmʔ-)]	دور کردن، رد کردن، عقیم گذاردن
~išn:	دوری، پرهیز
anāg [ʔnʔkʔ M ʔnʔg]	بد
~īh:	بدی، آسیب
an-āgāh [ʔnʔkʔs N nāgāh]	بی خبر، ناگاه
anāg-kardār [ʔnʔkʔ krʔʔl], -kunišn [-kwšnʔ]	بدکردار، تبهکار
anagr [ʔngʔ]	بی کران
~ān [-ʔnʔ M ʔnyrʔn]	انگران (= روشنایی بی کرانه): گاه‌نما: سی‌امین روز ماه
~rōšn(īh) [-hwšnʔ, -hwšnʔyh]	روشنایی بی کرانه
anāhīd [ʔnʔhyʔ N nāhīd]	بی آرایش؛ ناهید: نام ایزدی مؤنث؛ در نجوم: ستاره زهره
an-āhōg [ʔnʔhwkʔ]	بی آهو، نیالوده
an-ālūd [ʔnʔhwtʔ]	نیالوده
a-nāmčīštīg [ʔnʔmcʔštykʔ]	نامشخص
an-āmurzīd [ʔnʔmwʔlcyʔ M ʔnʔmwrzʔyd]	سخت دل، بی رحم
an-āmurzišn [ʔnʔmwʔlcʔšnʔ]	سخت دلی
anār [ʔnʔʔ N ~]	انار
anārgēl [ʔnʔʔgyʔ N nārgēl]	نارگیل
an-arzānīg [ʔnʔʔcʔnykʔ]	نالایق، ناشایسته
an-ast [ʔnʔAYTʔ]	نابود، ناموجود، معدوم

an-astīh	andōh
~īh:	نیستی، نابودی، عدم
ānāst [ʔnʔstʰ]	تباہ، خراب
~īh:	تباہی، خرابی
ānāstag [ʔnʔstkʰ] = ānāst.	
an-āstawān [ʔn-ʔstwbʔnʰ, -ʔstwpʔnʰ]	بی ایمان
~īh:	بی ایمانی
an-āštīh [ʔnʔštʰyʰ]	دشمنی، ناآشتی؛ بی آرامی، آشوب
ānay-, → ānīdan.	
an-ayād [ʔnʔbydʔtʰ]	فراموش شده
an-āzarm [ʔnʔclm]	بی آبرو، بی آرم، رسوا
~īh:	بی آرمی، رسوایی
~īg [-ykʰ]	بی آبرو
and [ʔnd = M, N ~]	اند، چند، آنقدر
~čand [ʔndcnd]	اندچند، هرچندتا
-andag, → -endag.	
andāg [ʔndʔkʰ P nʔdʔg]	اندوه
~(g)ēn [-(k)ynʰ P ʔndʔgyn]	اندوهگین، غمگین
andak [ʔndkʰ = M, N ~]	اندک، کم
andar [BYN < A byn M ʔndr, N ~]	اندر، میان، به سوی، راجع به
~abāyēd:	اندر باید، لازم است
~āmadan:	اندر آمدن، وارد شدن
~āwurdan:	فراهم کردن، تولید کردن
~būdan:	شامل شدن
~šudan:	وارد شدن، غروب کردن
~widardan:	درگذشتن، سپری کردن
andarag [ʔndlg]	اندر، بین، میان
andarmāh [ʔndlmʔh]	ماه نو
andarōn [ʔndlwnʰ M ʔndrwn, N ~rūn]	اندرون، درون
andarwāy [ʔndlwwʔd (P ʔndrwʔz)]	هوا، جو
~īg [-ykʰ]	جوی، هوایی
and-čand, → and.	
andōh [ʔndwh M ʔndwx-, N ~]	اندوه

andōhgēn

an-uspurrīg

~gēn [-kn¹ | N -gīn]

اندوهگین، غمگین

anēr [ʔn¹yl]

غیرآریایی، بی اصل

~īh:

بی اصلی، بربریت

anērān [ʔn¹ylʔn¹]

انیران (= غیر ایران)، جهان آن سوی ایران

an-ērang [ʔn¹ylng]

بی تفصیر

an-espās [ʔnsp¹s]

ناسپاس

~īh:

ناسپاسی

angubēn [DWBSYA < A dbš ; ʔngpyn¹ | N angubīn]

انگبین

angūr [ANBE < A ʔnb¹ ʔngwl | N ~];

انگور

angust [ʔngwst¹ | (N angušt)] (۳/۴ اینچ)؛ واحد اندازه گیری طول (دست و پا)

~arīg [-lyk¹]

انگشتی

~bān [-p¹n¹]

انگشتانه، انگشتوانه، انگشت پوش (تیرانداز)

ānīdan, ānay- [HYTYWN-in¹ < A hyty, √ ʔth; ʔnytn¹]

آوردن (به پای خود)

anīg [ʔnyk¹ | (N pēšānī)]

پیش، پیشانی

anī-z [AHRN(y)c, → any | N nīz]

نیز

anjīr [ʔncyl | N ~]

انجیر

anōdag [ʔnwtk¹ | M ʔnwdg]

بیگانه، غریب

~īg [-yk¹]

خارجی، غریب

ānōh, *ānōy [TME < A tmh | M ʔnwh, ʔwy]

آنجا

an-ōst [ʔn¹wst¹]

نااستوار، غیرقابل اعتماد

anōš [ʔnwš]

بی مرگ؛ اکسیر، پادزهر

~xwardan:

به خطر مرگ رفتن، تاسرحد مرگ جنگیدن، از جان گذشتن

anōšag [ʔnwšk¹ | M ʔnwšg, N ~a]

انوشه، بی مرگ؛ باقی، خوش و خرم

~īh:

بی مرگی

~-ruwān [-hwb¹n¹]

انوشه روان، مرحوم، فقید

an-ōšmār [ʔn¹wšm¹l]

بی شمار، بی مر

anōš-xwar [ʔnwšhwl]

فانی

*ānōy, → ānōh.

anšahrīg [ʔnštr¹lyk¹]

برده

an-ummēd [ʔn¹wmyt¹ | J ʔnwmyd, N naumēd]

ناامید، بی امید

an-uspurrīg [ʔn¹wspwlyk¹]

ناقص

any

ardīkkar

any [AHRN < A ʔhrn; (*ān-ī = ZKʔy شده تحریف) M ʔn(y)]	دیگر
a-pattūg [ʔptwkʰ]	ناشکیبا
a-paymān [ʔpumʔnʰ]	نامتعادل
~īh :	بی اعتدالی
*apēdag [ʔp̄ytkʰ P ʔpyd(g)]	سرگردان، گم شده
~dār [-dʰl]	محافظ حیوانات و لگرد
a-petītīg [ʔp̄tytykʰ]	اعتراف ناکرده، توبه ناکرده
~īh :	توبه ناکردگی
a-petyārag [ʔp̄(y)tydʰlkʰ]	بی آفت، بدون بدبختی
a-pōhišn [ʔp̄whiʃnʰ]	تباه نشدنی
appar [ʔp̄l M ʔpr]	دزدی، سرقت
appār [ʔp̄ʰl]	برداشته شده، برده شده
~īh :	دورسازی، زیان، فقدان
apparag [ʔp̄lg]	رباینده
appurdan, appar- [YHNCLWN-mʰ < A ylnʃlwn, √ nʃl;	دزدیدن
ʔp̄l- M ʔpwrđ, ʔp(w)r-]	
~išn :	دزدی، سرقت
a-pursišnīg [ʔp̄wrsʃnykʰ]	بی مسئولیت
a-pus [ʔBRE]	بی پسر، بی فرزند
ār-, → ārdan.	
āranj [ʔlnc N ~]	آرنج
ārāstan, ārāy- [ʔʰsmʰ, ʔʰd- N ~]	آراستن، آماده کردن، پیراستن
~išn :	آرایش، پیرایش
a-rawāg [ʔhwbʰkʰ]	بی حرکت
Ard [ʔltʰ M ʔyrd, N ~]	آرد (نام یکی از ایزدان مؤنث)، گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روزماه
ārd [KHMA < A qmlʰʰ; ʔltʰ N ~]	آرد
ardā [ʔltʰy (M ʔrdʰw)]	پرهیزگار، درستکار، صالح، صادق
ārdan, ār- [THNN-mʰ < A √ t̄lm; ʔl-mʰ]	آسیا کردن، آرد کردن
ardāyīh [ʔltʰdyh M ʔrdʰyyh]	پرهیزگاری، درستکاری، صدق
ardīg [ʔlykʰ M ʔrdyg]	جنگ
ardīkkar [ʔlykkl, -kl M ʔrdyqr]	مبارز، جنگجو

~īh :	جنگجویی، مبارزه
arduš [ʔldwš = Av. arəduš-]	اردوش (نام درجه‌ای از گناه)
Ardwahišt [ʔrtwhštʰ M ʔrdywhyšt, (N urdībīhišt)]	اردیبهشت (= راستی): نام دومین امشاسپند و نگهبان آتش، گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه
arešk [ʔlyškʰ M (ʔ)ryšk, N rašk]	رشک، حسد
~ēn [-ynʰ]	رشک برنده حسود
ārešn [ʔlšnʰ M ʔryšn-, N (a)riš]	ارش (= ذراع)، واحد اندازه‌گیری طول (از آرنج تا سرانگشت)
aryand [ʔlgnd N ~]	ارغند، سهمگین
argawān [ʔlgwkʰnʰ N aryawān]	ارغوان
armēšt [ʔlmyštʰ]	غیرفعال، ضعیف، ناتوان
~īh :	ضعف
armēšt-gāh [-gʰs]	آسایشگاه ناتوانان
ārōyišn [ʔhwdsšnʰ]	رویش
~īg [-ykʰ]	رستنی، سبزی
ars [ʔls M ʔrs, N ~]	ارس، اشک
artēštār [ʔltyštʰl N artēšdārʰ]	سپاهی
~īh :	سپاهیگری
arus [ʔhws]	سفید
arwand [ʔhwnd]	سریع، شجاع، دلیر؛ اروندرود
~īh :	سرعت، شجاعت، دلیری
arwēs [ʔlwys M ʔrwys, N ~]	رسن
arz [KSPʰ < A ksp; ʔlc N ~]	ارزش، بها
Arzah [ʔlzʰh = Av. arəzahī-]	ارزه، نام اقلیم شرقی از هفت اقلیم
arzan [Pg < A prgʰ; ʔlcnʰ N ~]	ارزن
arzān [ʔlcʰn M ʔrzʰn, N ~]	ارزنده، ارزشمند، باارزش
~īg [-ykʰ]	شایسته
~īgīh :	ارزش، ارزشمندی، بها
arzīdan, arz- [ʔlc-ymʰ N ~]	ارزیدن
~išn :	ارزش، بها
arzīz [ʔleyc M ʔrzyz, N ~]	ارزیز، سرب، قلع

~ēn [-yn ¹]	سربی، قلعی
ārzōg [ʔlcwk ¹ M ʔwrzwwg, N ārzō]	آرزو، شهوت
arzōmand [ʔlcʔwnmd (N arʔumand)]	ارزشمند، باارزش
~īh:	ارزش، بها
Arzūr [ʔlzwf]	ارزور: نام دیو و نام کوهی بر دهانهٔ دوزخ
a-sāg [ʔsʔk ¹ M ʔsʔg]	بی شمار، بی مر
āsān [ʔsʔn ¹ N ~]	آرام، آسان، راحت
~īh:	آرامش، آسانی، آسایش
a-sar [ʔsl]	بی سر، بی پایان
āsāy-, ~išn, → āsūdan.	
a-sazāg [ʔscʔk ¹]	بی تناسب، نامناسب
a-sazišnīg [ʔscšn-yk ¹]	بادوام، ماندگار
~īh:	دوام، ماندگاری
a-sēj [ʔsyc]	بی خطر
asēm [ʔsym = M, N sīm]	سیم
~ēn [-yn ¹ N -īn]	سیمین
asmān [ʔsmʔn ¹ = M, N āsmān]	آسمان، گردون؛ گاه‌نما: نام بیست و هفتمین روز ماه
āsn [ʔsn ¹], ~ xrad:	خرد فطری
āsnīdag [ʔsnytk ¹] = āsnūdag.	
āsnūd(ag) [ʔsnwt(k) ¹]	شسته، تصفیه شده، پاک، مطهر
a-sōhišn [ʔswħšn ¹]	بی حس
asp [SWSYA < A swsyʔ; ʔsp̄ N ~]	اسب؛ نام یکی از مهره‌های شترنج
aspānūr [ʔspʔnwl]	گور، آرامگاه
a-spās [ʔspʔs]	ناسپاس
aspast [ʔspst ¹ N ~]	اسپست، شبدر
aspinǰ [ʔspnc P ʔspynj, N sipanǰ]	میهمان نوازی؛ میهمان خانه
asprēs [ʔsplys N ~]	اسپریس، میدان اسب دوانی
āsrō [ʔshwk ¹ = Av. āθrawa]	آسرون، موبد
~īh:	آسرونی، موبدی
āsrō-kerpa [ʔshw(k) ¹ klpk = Av. āθrō kəhrp-]	آتش‌پیکر
āsrōn [ʔshwn ¹ = Av. āθrawan-]	آسرون، موبد

ast

ašmā

¹ast [AYT¹ < A ²yty | M ²st, N ~]

هست، موجود است

~īh:

هستی، وجود

²ast(ag) [²st(k)¹ | M ²st(g), N hasta]

استخوان، هسته (میوه)

astānag [²st²nk¹]

نیاز، بدبختی

~ōmand [-²wmnd]

نیازمند

āstār [²st²l | M ²st²r]

گناه

āstārēnīdan, āstārēn- [²st²lyn-ytn¹]

وادار به گناه کردن، به گناه واداشتن

āstawān [²stwb²n¹, ²stwp²n¹ | M ²²stw²n]

خستو، معترف

~īh:

اعتراف، باور

astōdān [²stw(k)d²n¹ | M ²stwd²n] (جایی که استخوانهای مرده را در آن می ریزند)

astōmand [²st²wmnd]

جسمانی، مادی

~īh:

جسمانیت، حالت مادی داشتن

astuxān [²sth(w)²n¹ | N ustux^wān]

استخوان

astwand [²stwnd | = M] = astōmand.

Astwihād [²stwyd²t¹]

استویهاد (دیو مرگ)

āsūdan, āsāy- [²swm¹, ²s²d- | N ~]

آسودن، استراحت کردن

~išn:

آسایش، راحتی

aswār [PR/LŠYA < A pršy²; ²swb²l, ²spw²l | N suwār]

سوار، سوارکار

~īh:

سواری، سوارکاری

āsyāb [²sy²p̄]

آسیاب

āsyāg [²sy²k¹ | N āsyā]

آسیا (سنگی)، سنگ آسیا

aš [²š]

چشم (اهریمنی)، چشم بد

āšixtan, āšinǰ- [²šyhtn¹, ²šnc- | P ²šyxt]

ریختن، سرریز شدن، جاری شدن

aškamb [KLSE < A krs²; ²škmb¹ | M ²škmb, N šikam]

شکم، رحم

~ag [-k¹ | N šikamba] = aškamb.

āškārāg [²šk²l(²)k¹ | M ²šq²rg, N āškārā]

آشکارا، هویدا

~īh:

آشکارسازی، اعتراف

āškārāgēnīdan [²šk²l²kyn-ytn¹]

آشکارساختن، اعتراف کردن

aškōb [²škwp | N āškō(b)]

اشکوب، سقف

aškom(b) [²škwm(b¹)] = aškamb.

ašmā [LKWM < A l-kwm | M ²šm²(l), N šumā]

شما

āšnāg

āwēnīdan

āšnāg [ʔšnʔkʰ | M ʔʔšnʔg, N āšnā]

شناخته، آشنا با

āšnawāg [ʔšnwʔkʰ | M ʔʔšnwʔg, N šunawā]

شنوا

~īh:

(حسن) شنوایی

āšnūdan, āšnaw- [OŠMEN=tnʰ < A √ šmʰ; ʔšnwtnʰ | M

شنودن، فهمیدن

ʔšnwdn, ʔšnw-, N šunūdan, šunaw-]

~išn:

شنوایی

ašō [ʔšwkʰ = Av. ašawa]

پرهیزگار، صالح، نیکوکار

āšōb [ʔšwp | P ʔʔšwb, N ~]

آشوب، اضطراب

Aštād [ʔštʔtʰ | M ʔʔštʔd, N ~] اشتاد (نام ایزد راستی)؛ گاه‌نما: نام بیست و ششمین روز ماه

aštag [ʔštʰkʰ]

فرستاده، رسول

~īh:

رسالت

aštar [ʔštʰ]

تازیانه

āštīh [ʔštʰh | M ʔʔštʰ, N āštī]

آشتی، آرامش، توافق

Ašwahišt [ʔšwhištʰ] = Ardwahišt.

āšyān(ag) [ʔšydʰn(k)ʰ | (M ʔʰhyʰng), N āšyāna]

آشیان / آشیانه، لانه

ātaxš [ʔthš = Av. ātarš | N ātaš]

آتش

āwādag [ʔwbʔtkʰ | J ʔwʔd]

نسل، پشت

āwahan [ʔwbʔhnʰ]

حصار، دژ

āwām [ʔwbʔm | M ʔwʔm]

زمان، زمانه

-āwand [-ʔwnd | M -ʔw(y)nd]

-اوند (پسوند سازنده صفت دارندگی)

awar [LPNME < A l-pn-h | M ʔwr]

اینجا!، بیا!

āwar-, → āwurdan.

a-wardāg [ʔwltʔkʰ]

برنگشتنی

a-wardišnīg [ʔwltšnykʰ]

تغییرناپذیر

~īh:

تغییرناپذیری

āwarišn [ʔwblšnʰ | M ʔwryšn]

منزل، مسکن

a-warzīd [ʔwlcytʰ]

ناکشته، کشت نشده

*āwāš-, → *āwištan.

āwāz [ʔpʔc | N ~]

آواز، آوا

a-wazišnīg [ʔwešnykʰ]

بی حرکت

āwēnīdan, āwēn- [ʔwyn-ytnʰ | (P ʔbwyn-)]

تنبیه کردن، سرزنش کردن

~išn :	سرزنش، ملامت
āwēnišnīg :	سزاوار سرزنش
a-wēnišnīg [²wɪnʃnyk¹]	ناپیدا
awērag [²wɪlk¹] = awērān.	
awērān [²wɪl²n¹, ²pɪl²n¹ N wērān]	خراب، ویران
awestād [²wst²t¹ M ²wyst²d, N ōstād]	استاد
awestām [²wst²m M ²wyst²m]	استان، ناحیه
awestarag [²wstlk¹ N ustura]	استره، تیغ
awestardan, awestar- [²wstl-tn¹ P ²wyst-, N suturdan]	زدودن؛ ستردن
~išn :	زدودگی
awestwār [²wstwb²l M ²wystw²r, N ustuwār]	استوار، محکم
~ih :	استواری، محکمی
awēšān [OLEš²n, → ōy M ²wyš²n, N ēšān]	آنان، ایشان
a-wināh [²wn²s]	بی گناه
a-winast [²wnst¹]	بی آرایش، بی زیان
awiš [²wbš M ²wyš]	بدان، بدو، پسواژه (= ō) به
awištāb [²wšt²p M ²wyšt²b, N šitāb]	ستم
P awištādan, awišt- [²wšt-²tn¹ P ²wyšt²dn]	ایستادن
awištāftan, awištāb- [²wšt²p-tn¹ M ²wyšt²b-, N šitāftan, šitāb-]	ستم کردن؛ شتافتن
*āwištan, *āwāš- [HTYMWN-tn¹ < A ḥtym, √ ḥtm; ²wbštn¹ M ²wyšt]	مهرکردن
a-wiyābānīg [²wyd²p²nyk¹ N biyābānī]	در نجوم: بیابانی، ستاره ثابت
a-wizīrišnīg [²wɪlʃnyk¹]	اجتناب ناپذیر، ناگزیر
āwurdan, āwar- [YHYTYWN-tn¹ < A hyty, √ ²th M ²wrd, ²wr-, N ~]	آوردن
āxēzīdan [²hɪcytn¹] = āxistan.	
āxistan, āxēz- [²hstn¹, ²hɪc- M ²xyst, ²xyz-]	برخاستن، بلند شدن
āxrāmīdan, āxrām- [²hl²m-ym¹ M ²xr²m-, N xirām-īdan]	چمیدن، خرامیدن
axtar [²htl M ²xtr, N ~]	اختر (= ستاره)، صورت فلکی، برجی از منطقه البروج
axtar(ā)mār [²htl(²)m²l]	اخترشناس، منجم
~ih :	اخترشناسی، منجمی
¹axw [²hw¹]	هستی، وجود، جهان

axw

²axw [ʔhw¹ | M ʔwx]

³axw [ʔhw¹]

a-xwamn [ʔhwmn¹]

axwān [ʔhw²n¹] = ¹axw.

a-xwārīh [ʔhw²tyh]

āxwarr [ʔhw¹ | N āxur]

~sālār [-srd²l]

a-xwaš [ʔBSYM]

~īh :

a-xwēškār [ʔhwyšk²l]

ay [ʔȳ | N ~]

āy, → āmadan.

ayāb [ʔywp | M ʔy²b, N yā]

ayāb- → ayāftan.

ayābāg [ʔy²p(ʔ)k¹]

~īh :

ayād [ʔbyd²t¹ | M ʔy²d, N yād]

~kardan :

~gār [-k²l | N ~gār]

āyaft [ʔdypt¹ | M ʔypt, N āyift]

ayāftan, ayāb- [ʔy²p-tn¹ | M ʔy²pt, ʔy²b-, N yāftan, yāb-]

ayār [hdyb²l | M hy²r, N yār]

~īh :

ayārdēnīdan, ayārdēn- [ʔy²ltn-ytn¹]

~išn :

ayārdīdan, ayārd- [ʔy²lt-ytn¹ | M ʔy²rd-]

ayārīdan, ayār- [hdyb²l-ytn¹ | N yār-īdan]

ayārōmand [hdyb²ʔwmnd | N yarmand]

~īh :

ayārōmandīh

اندیشه، اراده؛ نیروی زندگی

سرور، خداوند

بی خواب

ناشادی

آخور، اصطبل

آخورسالار

ناخوشایند؛ ناشاد

ناشادی

وظیفه‌شناس

ای (= یعنی)

یا

پذیرا، فراگیر

فراگیری

یاد

به یاد آوردن

یادگار

آیفت، لطف، مراد

به دست آوردن، رسیدن به... یافتن

دوست، یار

دوستی، یاری

جوشاندن، به جوش آوردن

جوشش

جوشیدن، جوش آمدن

۱- به فریادرسیدن، یاری کردن

۲- جرأت کردن، قادر بودن

یاور، همراه

یاری‌دهندگی، همراهی، مساعدت

ayāsīdan

azbāy-

ayāsīdan, ayās- [²byd²s-ytn¹ | M ²y²s-]

به یاد آوردن، متوجه شدن

~išn(īh):

یاد

ayāstan [²byd²stn¹ | M ²y²st] = ayāsīdan.

āyišm [²dšm]

ماه (کره)

ayōxšust [²ywkhšwst¹ = Av. ayōxšusta- | M ²ywxšyst !]

فلز

~ēn [-yn¹]

فلزی

āyōxtan, āyōz- [²ywhtn¹, ²ywc-]

بهم پیوستن، جفت کردن

~išn:

اتحاد، بهم پیوستگی

¹āyōzīdan [²ywcytn¹] = āyōxtan.

²āyōzīdan, āyōz- [²ywc-ytn¹ | P ²ywšt, ستیزه کردن، جنگیدن، ساختن؛ مضطرب ساختن؛

²ywz-]

~išn(īh):

ستیز، کوشش

¹az [MN < A mn: hc | M ²c, ²z, N ~]

از، تا

²az [²c¹]

ازدها

*az [ANE < A ²nh | P ²z]

من

āz [²c | M ²z, N ~]

آز، حرص

azabar [hcpl | M ²c ²br, N zabar]

زبر

āzād [²c²r¹ | M ²z²d, N ~]

۱- آزاده ۲- آزاد

āzādīh [²c²tyh]

۱- آزادی ۲- سپاس، تشکر

~ guftan, ~ hangārdan, ~ kardan, pad

تشکر کردن، سپاسگزار بودن

~ dāštan:

āzār [²c²l | N ~]

آزار

āzardān [²cltn¹ | M ²zyrdn] = āzārdan.

āzārdān, āzār- [²c²l-tn¹ | N ~]

آزردن، آسیب رساندن

~išn:

آزار، صدمه

¹āzarm [²clm | M ²zrm, N ~]

آزرم، احترام

²āzarm [²clm | M ²zrm-]

آسیب، صدمه

a-zarmān [²zlm²n¹]

بی پیری، پیرنشدنی

āzarmīg [²clmyk¹]

آبرومند، محترم

~īh:

احترام، آبرو

azbāy- [²zb²d-]

نیایش کردن

azbāyišn

bahr(ag)

~išn:

azd [ʔzd | = M]

نیایش

شناخته

Azdahāg [ʔcydhʔkʰ | M ʔzdhʔg, (N aždahā)]

ازدهاک، ضحاک ماردوش

azdēnīdan, azdēn- [ʔzdyn-ytnʰ]

آگاه کردن

azēr [hcdl | N zēr]

پایین، زیر

azg [ʔzg | N azy]

شاخه درخت

aziš [hcš | M ʔcyš, ʔzyš]

از او، از آن، پسواژه (= az) از

~-keh [-ks]

زیردست، کهنتر

~-meh [-ms]

مهتر، برتر

āz-kāmag [ʔckʔmkʰ]

آزکامه، حریص

~īh:

آزکامگی، حرص

azmūdan, azmāy- [ʔzmwtnʰ, ʔzmʔd- | N ā~] = uzmūdan.

āznāwar [ʔznʔwl | M ʔzn]

آزاده

azraw-, → azruftan.

azrāy- [ʔzrʔd-]

زینت کردن

azruftan, azraw- [(ʔ)zhwp-tnʰ | M ʔzrw-]

خاموش شدن، فرونشستن

āzurdan [ʔcwltnʰ | N ~] = āzārdan.

āzwar [ʔcwl | N ~]

آزور، حریص

~īh:

حرص

B

b-, → būdan.

babr [bpl | N ~]

ببر

babrag [bplkʰ]

ببر، سگ آبی

-bad, → -bed.

bādag [bʔtkʰ | N ~a]

آب انگور تازه در خم کرده، باده

bāy [bʔg | (M bʔw), N ~]

باغ، بوستان

bayōbaxt [bkwbhtʰ, bʔgwkbʔhtʰ = Av. bayō.baxta-]

سرنوشت، تقدیر

bahr(ag) [bʔhl (kʰ) | M bhr, N ~ (a)]

بهر، بخش، پاره، قسمت؛ سبب

(az) ān bahrag rāy

bār

(az) ān bahrag rāy

bahrōmand [b²hl²wmnd | N bahramand]

~īh :

bahr(ag)war [b²hl(k)wl | N bahrawar]

~īh :

bāj [b²c | N ~]

balādur [bl²twr | N ~]

bālag [b²lk¹ | N bāl]

bālāy [b²l²d | M b²l²y N bālā]

¹bālēn [b²lyn¹]

²bālēn [b²lyn¹ | N bālīn]

~-gāh [-g²s]

balgam [blgm | N balyam]

bālist [b²lyst¹ | (M b²ryst)]

~īh :

~īg [-yk¹]

bāliš [b²lšn¹ ! | N ~]

bām [b²m | = M]

bāmbišn [MLKTA < A mlkt²; b²nbšn¹ | M b²nbyšn]

bāmdād [b²md²t¹ | M b²md²d, N ~]

bāmīg [b²myk¹]

-bān [-p²n¹ | M -b²n, N ~]

band [bnd | = P, N ~]

band-, → bastan.

bandag [bndk¹ | P bndg, N ~a]

bang [bng | N ~]

bānūg [b²nwk¹ | N bānū]

bar [bl | N ~]

bar-, ~išn, → burdan.

¹bār [b²l | N ~]

²bār [b²l | N ~]

از بهر آنکه، بنابراین

بهره‌مند؛ بخش‌پذیر، مرکب

بهره‌مندی؛ ترکیب

مشارکت، شرکت‌کننده، شریک

شرکت، امتیاز

باج، مالیات

بلادر (نام زهری کشنده)

بال

بالا، بلندی، قامت

نوک، قلّه

بالش، بالین

بالین‌گاه، نیمکت، تخت

بلغم

بالا‌ترین؛ قلّه؛ در نجوم: اوج

ارتفاع، بلندی

بلند، عالی

بالش، بالین

فروع، درخشندگی، شکوه

ملکه

بامداد، سپیده‌دم

بامی، درخشان، باشکوه

- بان، - دار (پسوند)

بند، گره

بنده

بنگ

بانو

بر، میوه، سود، حاصل

بار، دفعه

بار، ساحل

bār	bāz
³ bār [b ^ʔ l M b ^ʔ r, N ~]	بار، میوه
⁴ bār [b ^ʔ l M b ^ʔ r, N ~]	بار، پشته؛ وظیفه
bārag [b ^ʔ lk ¹ N ~a]	بار، اسب
barbut [blbwt ¹ N ~]	بربط
bārestān [b ^ʔ lst ^ʔ n ¹]	بردبار، متحمل
~īh:	بردباری، تحمل
bārīg/k [b ^ʔ lyk ¹ N bārīk (cf. tārīg)]	باریک، نازک، دقیق
bār-ĵāmag [b ^ʔ ly ^ʔ mk ¹ N ~a]	بارجامه، خرجین
barōmand [bl ^ʔ wmnd N ~]	برومند، بارور
barsom [blswm M brswm]	برسم (دسته‌ای ترکه بهم بسته، که در مراسم مذهبی زردشتیان به کار می‌رود)
baršnūm [blšnwmm]	برشنوم (مهمترین مراسم شستشوی مذهبی زردشتیان)
bastan, band- [ASLWN-in ¹ < A √ ^ʔ sr; bstn ¹ , bnd- M bstn, (bn-), P bnd-, N ~]	بستن
bāstān [b ^ʔ st ^ʔ n ¹ M b ^ʔ yst ^ʔ n, N ~]	اغلب، همیشه
bāš [YHWWNš M b ^ʔ š, N ~]	باش (امر از بودن)
baškuč [bškwc]	جانور افسانه‌ای که نیمی شیر و نیمی دال بود
bašn [bšn ¹ = P] → buš.	بشن، نوک، بالا (قامت)؛ فش، یال
baw-, ~išn, → būdan.	
baxš-, ~išn, → baxtan.	
baxt [b ^(ʔ) ht ¹ N ~]	بخت، اقبال، قسمت، سرنوشت
baxtan, baxš- [HLKWN-in ¹ < A √ h ¹ lq; b ^(ʔ) htn ¹ , bhš- M bxt, bxš-, N baxšīdan]	بخش کردن، توزیع کردن، سهم دادن
~išn:	بخشش، قسمت
bay [ORHYA < A ^ʔ lh; bk ¹ , bg M by]	خدا، سرور
īm ~:	شاه، اعلیحضرت
ōy ~:	شاه فقید
bayaspān [by ^ʔ sp ^ʔ n ¹ = M]	پیام‌آور، فرستاده
bayaspān īh:	سفارت، مأموریت
~īg [-yk ¹]	اسب چاپار
bāz [b ^ʔ c N ~]	باز، شاهین

bāzā

bēšōmand

bāzā [b²c²y | (N bāzū)]

بازو

~bānag [-p²nk¹]

بازوبند، زره بازو

bazag [bck¹ | M bzg, N ~a]

بزه، بدی

~īh: = bazag.

bazakkar [bckkl | M bzkr]

بزه گر، گناهکار

bāzā-zanišnīh [b²c²y znšnyh = Av. bāzu.ǰata-]

بازوزنشی (نام درجه ای از گناه)

bazišn [bcšn¹]

بخش، قسمت

bazm [bzm | = M, N ~]

بزم، سور

~-āwurd [-²wlt¹ | N ~]

بزم مورد (نوعی کلوچه)

¹bē [BRA < A br² | M b²]

اما؛ بیرون

~... (enyā)

بجز

~... enyā ... nē:

در غیر این صورت

~az:

بدون

²be [BRA | M b², N bi-]

ب- (پیش فعل و با 0 کاربرد تعریف پذیر ندارد)

-bed [-pt¹ | M -byd, N -balīhud]

- بد (پسوند)، سرور

bēdom [bytwm | M bydwm]

دورترین

bēgānag [byk²nk¹ | N ~a]

بیگانه، غریب

bēgār [byk²l | N ~]

بیگار، سخره

bēh [byh | N bih]

به (میوه)

bēl [byl | (M byr), N ~]

بیل

bēlūr [bylwl | P bylwr, N bilūr]

بلور

bērōn [bylwn¹ | M byrwn, N bērūn]

بیرون

bēš [byš]

آسیب، دشمنی؛ اندوه، درد

~burdan:

دشمنی کردن

bēš-, ~išn, → bištan.

bēšāz [byš⁽²⁾z]

شفادهنده، طبی

bēšāz(ēn)- [byš⁽²⁾z(y)n)-, byš⁽²⁾c(y)n)- | M byš⁽²⁾z-]

شفا دادن، درمان کردن

~išnīh:

درمان

bēš-burdār [byšbwl²l]

دشمن

bēšīdan [byšym¹] = bištan.

bēšōmand [byš²wmnd]

اندوهگین

bēwar	bōy-dār
bēwar [bywl M bywr, N ~]	بیور، ده هزار
P bid [byt' P byd]	دوباره
bidaxš [bythš]	وزیر اعظم
*bijagān [bck'n']	طبی
bīm [bym = M, N ~]	بیم، وحشت
~gēn [-kn']	بیمگین، وحشتناک
~gēnīh:	بیمگینی
~ōmand [-'wmnd]	بیمگین
*bistag [bstk' N busta]	فندق
bīš [byš N ~]	پیش (= اقونیطون)، نوعی گیاه سمّی
bištan, bēš- [byš-tn' M byšt, byš-]	آزردن، زجر دادن
~išn:	آزار، زجر
bizešk [bcšk' M bzyšk, N pizišk]	پزشک، طیب
bōb [bwp N ~]	بوب، قالی ظریف
bōr [bwl N ~]	بور، کهربایی
borz [bwlc P bwrz]	بلند
borz-wāng [bwlcw'ng]	بانگ بلند
~īhā [-yh']	به صدای بلند
bowandag [bwndk' M bwndg]	کامل، تمام، بی نقص
~īh:	تمام بودگی، تمامی، کمال
~-menišnīh [-mynšnyh]	درست‌اندیشی
bōxtag [bwhtk' M bwxtg]	رستگار
~īh:	رستگاری
bōxtan, bōz- [bwhtn', bwc- M bwxtn, bwz-]	رستگار شدن، نجات یافتن
~išn [-šn' J bwzyšn/t, N pōziš]	رستگاری؛ پوزش
bōxtār [bwht'l M bwxt'r]	نجات‌بخش
~īh:	رستگاری، نجات
¹ bōy [bwd]	حس، درک
² bōy [bwd M bwy, N ~]	بوی، رایحه، بخور
bōyāg [bwd'k' M bwy'g, N bōyā]	بویا
bōy-dār [bwdd'l N ~]	بوی‌دار

bōyēnīdan

brīnōmand

bōyēnīdan, bōyēn- [bwdyn-ytn¹]

بوی دادن، معطر کردن

bōyestān [bwdst²n¹ | M bwyst²n, N hōstān]

بوستان، باغ گل

~bān [-p²n¹]

باغبان

bōyīdan, bōy- [bwd-ytn¹ | N ~]

بوییدن، بو کردن

bōz-, ~išn, → bōxtan.

brād [AH < A ²h; b¹t¹ | M br²d]

برادر

~ar [b¹t¹ | M br²dr, N hirādar]

برادر

*brādarōd [b¹tlwr¹]

خویشاوند(ناتنی)، شریک، رقیب

~īh:

خویشاوندی، رقابت

brāh [b¹h | N barāh]

درخشندگی، شکوه

brahm(ag) [bl⁽²⁾hm(k¹) | M brhm(g)]

روش، شکل، لباس

brahnag [bl⁽²⁾hmk¹ | M brhng, N barahna]

برهنه

brām- [b(w)l²m- | (P brm-)]

گریستن، نالیدن

~ag [-k¹ | P -g]

ناله

brāzīdan, brāz- [bl²c-ytn¹ | M br²z-, N barāzīdan]

تابیدن، درخشیدن

~išn:

تابش، درخشندگی

~išnīg:

تابان، درخشنده

brēh [bly(y)h]

قسمت، سرنوشت

brēhēnīdan, brēhēn- [blyhyn-ytn¹]

۱- آفریدن، ساختن ۲- مقدر کردن

~āg [-²k¹]

تقدیرگر

~išn:

۱- آفرینش ۲- تقدیر، سرنوشت

brēz-, → brištan.

brēzan [blycn¹ | M bryzn, N barēzan]

برزن، کوره، اجاق

brīdan, brīn- [PSKWN-t¹ < A √ psq; blytn¹, blyn- | M bryd, بریدن، قطع کردن

N burīdan]

brīn [blyn¹]

بخش، برش؛ قسمت، محدود، معین

~gar [-kl]

تقدیرگر؛ قاطع

¹brinǰ [blnc | N birinǰ]

برنج (خوراکی)

²brinǰ [blnc | (M bryng), N birinǰ]

برنج (آلباژ)

~ēn [-yn¹]

برنجین، برنزی

brīnōmand [blyn²wmnd]

محدود

brištan	burg
brištan, brēz- [<i>blyštn¹, blyc-</i> M <i>bryz-</i> , N <i>birištan</i>]	برشتن
brūg [<i>blwk¹</i> M <i>brwg</i> , N <i>abrū</i>]	ابرو
būdan, b(aw)- [<i>YHWWN-in¹</i> < A <i>yhwwn</i> , √ <i>hwh</i> ; <i>bwt¹, b-</i> M <i>bwdn</i> , <i>bw-</i> , N <i>būdan</i>]	بودن، شدن
bawišn :	پیدایش، تکوین
būf [<i>bwp</i> N ~], *būg [<i>bwk¹</i>]	بوف، جغد
buland [<i>bwlnd</i> = M, N ~]	بلند، به صدای بلند
būm [<i>bwm</i> N ~]	بوم، سرزمین، کشور
~ -čandag [<i>-cndk¹</i>]	زمین لرزه
¹ bun [<i>bwn¹</i> = M, N ~]	اساس، نهاد، ته
² bun [<i>bwn¹</i> N ~] = wan .	
bunag [<i>bwnk¹</i> N ~a]	بنه؛ خیمه گاه، مسکن
~ dāštan :	سکناگزیدن، مستقر شدن
bun-dahišn(īh) [<i>bwndhšn¹, -yh</i>]	بندهش، آفرینش نخستین
bunīh [<i>bwnyh</i>]	آغاز
buništ [<i>bwnyšt¹</i> = M]	اساس، بنیاد
~ ag [<i>-k¹</i>]	اصل
bun-kadag [<i>bwnk¹tk¹</i>]	بن کده (= خانه اصلی)، خانه
bun-xān [<i>bwnh²n¹</i>]	سرچشمه
bur- , ~ išn , → burīdan .	
burāg [<i>bw¹k¹</i>]	برآ، برنده
burām- , → brām- .	
burd [<i>bwlt¹</i> M <i>bwrd</i>]	بردبار
~ īh :	بردباری
burdan, bar- [<i>YBLWN-in¹</i> < A √ <i>ybl</i> ; <i>bwlt¹, bl-</i> M <i>bwrd</i> , <i>br-</i> , N ~]	بردن، حمل کردن، ستاندن، تاب آوردن
~ išn :	تحمل، رفتار
burdār [<i>bwlt¹l</i>]	بردار (= حمل کننده)؛ رحم
~ īh :	بردباری
burd-ešnōhr [<i>bwlt¹ šnwht</i> P <i>bwrđyšnwht</i>]	سپاسگزار، شکرگزار
burg [<i>bwlg</i> (Ar. <i>burj</i>)]	برج

burīdan

čandīh

burīdan, bur- [bwl-ytn¹ | M bwr-, N ~] = brīdan.

~išn:

برش

Burz [bwlc]

برز (نام ایزد حامی کشاورزی)

برزین مهر (نام سومین آتش مهم ساسانیان، خاص طبقه کشاورزان)

Burzēnmihr [bwlcynmtr¹]

burzīdan, burz- [bwlc-ytn¹]

بزرگ داشتن، ستودن

~išn:

احترام، ستایش

~išnīg:

ستودنی

buš [bwš | N ~]

بش، یال

būšāsp [bwš²sp | M bwšy²sp, N ~]

خواب، کاهلی، رویا

but [bwt¹ | = M, N ~]

بت؛ بودا

buz [AZ < A 'z; bwc | N ~]

بز

Č

čābuk [c²pwk¹ | N ~]

چابک، چست، برترین

~īh:

چابکی

čādur [c²nwl | N ~]

چادر، پوشش

čagād [ck²r¹ | (N čakād), J čeyād]

چکاد، قلعه

čagar [ckl]

همسر (درجه دوم)، چگر

čāh [c²h | N ~]

چاه، گودال

čahār [ALBA < A 'rb'; ch²l | M ch²r, N ~]

چهار

~dah [ch²ldh | N ~]

چهارده

~-pāy [ch²lp²d | N ~ > čārwā]

چهارپای

čakōk [ckwk | N ~, čakāwak]

چکاوک

čakuč [ckwc | N čakuš]

چکش

čambar [cmbl | N ~]

چنبر، حلقه

čamišn [cmšn¹ | M cmbyšn (?)]

ادرار (= عمل ادرار کردن)؛ دستشویی (= مستراح)

čand [cnd | = M, N ~]

چند، چه اندازه؟ هراندازه، هرچند؛ اندکی، کمی

~īh:

چندی، کمیت، مقدار

čandal [cndl | N ~]

(چوب) صندل

čandīdan, čand- [cnd-ytn¹ | (M cn-ystn), J ~]

تکان خوردن، لرزیدن

~išn [N čandiš]

چندش، حرکت

čang [cng | M šng, N ~]

چنگ

~-srāy [-s¹d]

چنگ‌سرای، نوازنده چنگ

čār [c¹l] = čārag.

čarag [clk¹ | M crg]

چراگاه، چرا؛ گله

čārag [c¹lk¹ | N ~a]

ابزار، چاره

~garīh [-g¹yh]

چاره‌گری، قابلیت

čarb [clp | P crb, N ~]

چرب، روغنی؛ ملایم، نرم

~īh :

چربی؛ ملایمت

~išn [-š¹n¹]

روغن، چربی

~išnōmand [-š¹n¹wmnd]

چربی‌دار

čarm [clm | M crm, N ~]

پوست، پوست خام، چرم

čārūg [c¹hwk¹ | N čārū]

آهک، ساروج

~ēn [-yn¹]

آهکی

čarz [clz | N ~]

چرز (نام پرنده‌ای)

čāšīdan [c¹š-ytn¹] = čāštan.

čašm [AYNE < A 'ynh; cšm | = M, N ~]

چشم

¹čašmag [cšmk¹ | M cšmg, N ~a]

چشمه، سرچشمه

²čašmag [cšmk¹]

نامی

čašmagāh [cšmk²s | M cšmg²h]

آشکار، انگشت‌نما، علنی

~īh :

انگشت‌نمایی، محکومیت

čašm-arešk [cšm ²lyšk¹]

حسود

~īh :

حسد

čašm-dīd [cšm dyt¹]

آشکار، پدیدار، پیدا

čāšnīg [c¹šnyk¹ | M c¹šnyg, N čāšnī]

چاشنی، مزه

čāšt [c¹št¹ | N ~]

چاشت، غذای (نیمروز)

¹~ag [-k¹]

خوراک

²čāstag [c¹št¹k¹]

آموزش، آموزه

čāštan, čāš- [c¹š-t¹]

آموختن

~išn :	آموزش
čatrang [ctlng (Ar. šatranj)]	شترنج
*čaw(la)gān [cwpk²n¹ Ar. šawlaǰān, N čaugān]	چوگان، چوب خمیده چوگان
čaxrag [c²hlk¹ M cax, N čarx]	چرخ، حلقه
čaxšāgīh [chš²kyh]	حس چشایی
čaxšišn [chššn¹ M, J cxš-, N čaš-]	مزه، طعم
¹čē [ME < A mh M cy, N či]	کدام، چه
~rāy :	برای چه، چرا
~īh :	چیستی، ماهیت
²čē [ME, → ¹čē]	چه، چون، برای، زیرا، که
čē-ēwēnag [ME ²dwynk¹]	چگونه
~īh :	چگونگی
čegām-iz [cyk²m-c M cyg²myc], ~-ē(w) :	کمی؛ هرچه
čegāmag [cyk²mk¹ N č(ag)āma]	چکامه، سرود
čēh-, ~išn, → ²čīdan.	
*čēhag [cyhk¹]	غم
čehel [40 N čihil]	چهل
čēh-widarag [cyhwtlg] = činwad puhl.	
čēlān [cyl²n¹ = M, N ~]	دشنه
~gar [-kl, -gl N ~]	چلنگر، آهنگر
čēr [cyl M cyr, N ~]	چیره، پیروز، شجاع
~īh :	چیری، شجاعت
čērīhistan, čērīh- [cylyh-stn¹]	چیره‌شدن، پیروز شدن
¹čīdan, čīn- [cym¹, cyn- M cyydn, cyn-, N ~]	جمع کردن، چیدن
~išn :	جمع‌آوری
²čīdan, čēh- [cym¹, cyh- M cy-]	زاریدن، سوگواری کردن، غصه خوردن
~išn :	زاری
~išnīg :	غم زده
¹čīhr [cyhl M cyhr, N ~]	چهره، سیما، شکل، ظاهر
²čīhr(ag) [cyhl(k¹) M cyhr, P -g, N ~]	بنیان، تخمه؛ طبیعت، ماهیت
čihrēnīdan, čihrēn- [cyhlyn-ym¹]	شکل دادن

čihrīg

dahišn

čihrīg [cyhlyk¹]

طبیعی

čihr-šnāsīh [cyhlšn²syh]

چهرشناسی (= مزاج شناسی)

čim [c(y)m | M cym, N ~]

سبب، علت، قصد، معنی

~ (rāy):

چرا؟

čim-gōwāgīh [cym gwb²kyh]

منطق (علم)

čimīg [cymyk¹]

منطقی، موجه، یا معنی

čīn-, ~išn, → ¹čīdan.

čīnag [cynk¹ | P cyng, N ~a]

چینه، دانه

čīnār [cyn²l | N ~]

چنار

čīnwad [cynw(p)t¹], ~puhl: (پل جداکننده روان پرهیزگاران از روان گناهکاران)

čīrāy [cl²γ | P cr²g, N ~]

چراغ

čiš [MNDOM | P cyš] = tis

čiyōn [cygwn¹ | M c²wn, N čūn]

چون، مانند، چگونه، کی (چه وقت)

~ka:

چنانکه

~īh:

چگونگی، ماهیت

čōb [cwp | N ~]

چوب

~ag [-k¹ | N ~a]

چوبه، گرز

D

¹dabr [dpl]

فریبکار، گناهکار

²dabr [dpl]

* تیره‌رنگ

dad [dr¹ | M dd, N ~]

دد، حیوان وحشی

¹dād [d²t¹ | M d²d, N ~]

داد، قانون؛ نوشته‌هایی که به مطالب دینی مربوط می‌شود

²dād [d²t¹ | N ~]

زاد، سن

³dād [d²t¹]

دندان

⁴dād, → ahlaw-dād.

dādan, dah- {YHBWN-t¹ < A √ ylh; d²tn¹, dh- | M d²dn, ۱- دادن ۲- آفریدن

(dy-), P dh- N ~, dih-]

~išn [dh(y)šn¹]

بخشش، دهش؛ آفرینش

dādār

dām

dādār [d²r²l | N ~]

دادار، آفریدگار

~īh:

داداری، آفریدگاری

dādestān [DYNA < A dyn²; d²tst²n¹ | M

داد، داوری، قانون؛ روند، مورد (قانونی)

d²(d)yst²n, N dā(de)stān]

dād-gāh [d²tg²s] = daxmag

جای وقفی، آتشکده

dādīg [d²tyk¹]

قانونی، مربوط به قانون

dād-meh [d²tms]

بالغ، بزرگسال

dādwar [d²twbl | (M d²ywr, P d²dbr), N dā(d)war]

داور

~īh:

داوری

daftan, dam- [dptn¹, dm- | M dm-, N dam-īdan]

دمیدن، نفس کشیدن

~išn:

دم، نفس

daftar [dptl | N ~]

دفتر، دفتر محاسبه

dagr [ALYK < A ²ryk; dgl | M dgr > dyr, N dēr]

دیر، دراز

dagrand [dglnd | N dērand]

دیرنده، دراز

~-xwadāy [-hwr²y]

دارای پادشاهی طولانی

dagr | -pattāy [dglpt²d]

دیرپا

~-zamān [-zm²n¹]

دیرزمان، زمان طولانی

~-zī(w)išn [-zywšn¹]

دیرزی

dah [to, ASLYA < A 'sr² | M dh, N ~]

ده

dah-, ~išn, → dādan.

Dahāg [dh²k¹ | (N Dahāk)] = Azdahāg.

dahān [PWME < A p(w)m-h | M dhyn, N dahān]

دهان

dahibed [dhywpt¹ | M dhybyd]

دهبد، فرمانروا

dahigān [dhywk²n¹ | N dihgān]

دهقان، کشاورز

dahlīz [d²hlyc | (M dhryz), N ~]

دهلیز

dahm [d²hm]

بافضیلت، پارسا؛ عضو جماعت زردشتی، محرم

dahom [d²hwm | M dhwm, N ~]

دهم

dālman [d²hmn¹ | N dāl(man)]

دالمن، عقاب

dam-, ~išn, → daftan.

¹dām [d²m | = M]

آفریده، آفرینش

²dām [d²m | = M, N ~]

دام، حیوان اهلی

dām

dārmag

³dām [d²m | P d²mg, N ~]

تله، تور، دام

dāmād [d²m²t¹ | M d²m²d, N ~]

داماد، شوهر دختر

~īh:

دامادی، شوهری دختر

damēnag [dmynk¹]

بادزن

damīdan [dmyn¹] = daftan.

dān, ~išn, → dānistan.

-dān [-d²n¹ | = M, N ~]

- دان، - دار (پسوند)

dān(ag) [d²n(k)¹ | N ~a]

تخم، دانه

dānāg [d²n²k | M d²n²g, N dānā]

خردمند، دانا

~īh:

خرد، دانایی

dandān [KKA < A kk²; dnd²n¹ | = M, N ~]

دندان

dānistan, dān- [YDOYTWN-stn¹ < A √ yd²; d²n-stn¹ | M d²n-ystn,

دانستن

N ~]

~išn:

دانش

~išnōmand [-šn²wmnd]

دانشمند

dar [BBA < A bb²; dl | M dr, N ~]

در؛ کاخ؛ باب، موضوع

dār [d²l | M d²r-, N ~]

دار، درخت؛ چوب

dār-, ~išn, → dāštan.

-dār [-d²l | M -d²r, N ~]

- دار، - بان (پسوند)

P darāy [dl²g | J -, N darāy]

درای، زنگ

*darak [dlk¹]

بخش، فصل

darband [BBAbnd | N ~]

دروازه

darbās [dlp²s]

کاخ

dard [dlt¹ | M drd, N ~]

درد

~ōmand [-²wmnd | M -wmnd, N ~mand]

دردمند، بیمار

dārēn [d²lyn¹ | M d²rwyn]

چوبین

dargāh [dlg²s | N ~]

درگاه

dārgardīh [d²lkrtyh | M d²rgyrdyh]

دارآویختگی، تصلیب

dar-handarzbed [BBA-, dl-hndlcpt¹]

رایزن دربار

darīgbed [dlykpt¹]

رئیس تشریفات دربار

*dārmag [d²lmk¹]

ریز، ظریف

darmān

pad . . . dāštan

darmān [dlm²n¹ | M drm²n, N ~]

دارو، درمان

darrīdan, darr- [SDKWN-tm¹ < A √ sdq; dl-ym¹ | N ~]

پاره کردن، دریدن

dārūg [d²hwk¹ | M d²rwg, N dārū]

دارو، درمان

dār-wāzīg [d²hw²cyk¹ | N dār-bāz]

دارباز، چوب باز

darz [dlc | N ~]

درزه، شکاف

~īg [-yk¹ | N darzī]

درزی، خیاط

dās [d²s | N ~]

داس

dās²r [d²sl = Av. dāθra-]

پاداش، هدیه

dast [YDE < A yd-h; dst¹ | = M, N ~]

دست

dastag [dstk¹ | N ~a]

بسته، دسته، گروه

dast(a)gird [YDE-, dst-krt¹ | M dstygyrd, N dastgird]

دستگرد، ملک

dast-gīr [dstgyl | N ~]

۱- دستگیر، یاور ۲- دستگیر، اسیر، برده

dast-graw [dstglwb¹]

بردگی، اسارت

dast-kārīh [YDEk²lyh | N ~ ī]

کاردستی

dast-šōy [dstšwd] = gōmēz.

dastwar [dstwbl | M dstwr, N dastūr]

دستور، وزیر، باقدردت

~īh:

رسم؛ اختیار

dastyār [dstyd²l | (P dstd²r), N ~]

دستیار

~īh:

دستیاری، کمک

dašn [dšn¹ | = M]

دست راست

dāšn [d²šn¹ | M d²š(y)n]

هدیه

dašnag [dšnk¹ | N ~a]

۱- دست راست ۲- دشنه

dašt [dšt¹ | = M, N ~]

دشت، زمین هموار

daštān [dšt²n¹ | N ~]

دشتان (قاعدگی)؛ زن قاعده

~estān [-st²n¹]

جای مجزا برای زنان قاعده

~-māh [-m²h]

دوران قاعدگی

~ōmand [-²wmnd]

زن قاعده

dāštan, dār- [YHSNN-tm¹ < A √ ḥsn;

حفظ کردن، داشتن، گرفتن، نگاه داشتن

d²štn¹, d²l- | M d²štn, d²r-, N ~]

pad . . . dāštan:

تصور کردن، فرض کردن

pad ēd dāštan

dēn-āstawān

pad ēd dāštan [cf. N *pindāštan*]

پنداشتن

~išn:

حفظ، نگاهداری

dāštār [*dʰštʰl*]

محافظ، مراقب

daw-, → dawīdan, dawistan.

¹dawāl [*dwbʰl* | N ~]

پوست، دوال

²dawāl [*dwbʰl* | N ~]

فریب، نیرنگ

¹dawīdan, daw- [*LHTWN-tnʰ* < A √ *rht*; *dwytʰnʰ*, *dwb-* | M *dw-*, N ~]

دویدن

²dawīdan, daw- [*dw-ytnʰ*]

گفتن (اهریمنی)

^{1, 2} dawistan [*LHTWN-stnʰ*, *dwstnʰ*] = ^{1, 2} dawīdan.

daxmag [*dhm̥kʰ* | P *dxmg*, دخمه (جایی که اجساد را تا هنگام نابودی نگاهداری می‌کنند)

N ~a]

~estān [*-stʰnʰ*]

گورستان

daxšag [*dhškʰ* | M *dxšg*]

نشان، علامت، ویژگی؛ یاد

pad ~ dāštan:

به یاد داشتن

az ~ hištan:

فراموش کردن، از یاد بردن

~ōmand [*-ʰwm̥nd*]

نشاندار

Day [*ddwʰ* | M *dyy*, N ~]

آفریدگار؛ گاه‌نما: نام دهمین ماه سال، هشتمین،

پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه

dāyag [*dʰykʰ* | M *dʰyg-*, N ~a]

دایه

~ānīh [*-ʰnyh*] | (N *dāyagī*)

دایگی، پرستاری

dazīdan, daz- [*dc-ytnʰ*]

داغ کردن، سوزاندن

~išn:

سوختگی

dēbāg [*dypʰkʰ* | N *dēbā*]

دیبا

dēbahr [*dypʰhl* | P *dybhr*]

خشم

pad ~ dāštan:

تبعید کردن

dēg [*dykʰ* | N ~]

دیگ

deh [*MTA* < A *mrʰ* | M *dylt*, N ~]

ده؛ سرزمین، کشور

~gān [*MTA-*, *dʰhkʰnʰ*] = dahigān.

dēn [*dynʰ* | = M, N *dīn*]

دین؛ گاه‌نما: نام بیست و چهارمین روز ماه

dēnār [*dynʰl* | N *dīnār*]

دینار، سکه طلا

dēn-āstawān [*dynʰstwbʰnʰ*], dēn-burdār [*dynbwtʰl*]

باایمان، معترف به دین

dēnīg

dōk

dēnīg [dynyk' | N dīnī]

دینی، دیندار

dēnōdag [dynwtk']

شیرده، ماده

dēr, dērand, → dagr, dagrand.

dēs(ag) [dys(k') | M dys]

دیس (= شکل)، ظاهر

dēsīdan, dēs- [dys-yin' | M dys-yd]

ساختن

dēw [ŠDYA < A šyd', pl. šydy' | N ~]

ابلیس، دیو

dēwān [d(p)yw'n' | N ~]

دیوان، مجموعه نوشته‌ها

dēwānag [dyw'nk' | N ~a]

دیوانه، دیوی (منسوب به دیو)

dēwār [dyw'l | M dyw'r, N ~]

دیوار

dēw|-ēsniḥ [ŠDYAysnyh | (M dyw'snyh)]

اهریمن پرستی، دیوپرستی

~ēzagīh [ŠDYAyckyh] = ~-ēsniḥ.

dēwōk [dywwk' | N dēwuk]

زالو

dibīr [dpy(w)r' | M dbyr, N ~]

دبیر، نویسنده

~ih:

دبیری، نویسندگی

~estān [-st'n' | N ~]

مدرسه

did [TWB < A twb; dt']

بعلاوه، پس، دوباره، دیگر

dīdan, wēn- [HZYTWN-in' < A √ ḥzy; dym', wyn- | M dydn, wyn-, N دیدن

~, bīn-]

~išn:

بینایی، بینش

~išnīg:

پدیدار، پیدا

dīdār [dyr'l | N ~]

دیدار؛ دیدنی

pad ~ [N padīdār]

پدیدار

didom [dtvəm]

دوم

dig [YTMAL < A * 'tm'l | N dī]

دی، دیروز

dil [LB(B)ME < A lb(b)-h; dyl | = M, N ~]

دل

dilēr [dylywl, dyl | N ~]

دلیر

diz [KLYTA < A qryt'; dc | M dyz, N ~]

دژ

dō [2, TLYN' < A tyn | M dw, N du]

دو

~-axwānīg [2 'hw'nyk']

دوجہانی، مربوط به دو جهان

~gānag [dwk'nk' | M dwg'ng, N dugāna]

دوگانه؛ توأم

dōk [dwk' | N ~]

دوک

dōl

drang

dōl [dwl | N ~]

دلو؛ درنجوم: برج دلو

dō[-pahikar] [dwptkl | N du-paikar]

در نجوم: دو پیکر، برج جوزا

~**-pāy** [2 LGLE, dwp³k | N du-pā]

دوپا، بشر

dōs [dws | N ~]

انگم؛ اندود

dō-saxwan [2 shwn¹]

فریبنده، دوسخنه

dōsēn [dwsyn¹]

انگمی (= چسبنده)؛ اندوده؛ لعابدار؛ سفالینه

dōst [dwt¹ | = M, N ~]

دوست

~**ih**:

دوستی، مهر

¹**dōš** [dwš | N ~]

دوش، شانه

²**dōš** [dwš | N ~]

دوش، دیشب، شب قبل

dōš-, ~**išn**, → ^{1, 2} **dōšīdan**, ¹**dōxtan**.

dōšag [dwšk¹]

عزیز، محبوب

~**ih**:

عشق، مهر

dōšāram [dwš²lm | M dwš²rm]

عشق، مهر

dōšastar [dwšstl]

مغرب

¹**dōšīdan**, **dōš-** [dwš-ytn¹]

دوست داشتن، عشق ورزیدن

~**išn**:

دوستی، خوشی

²**dōšīdan** [dwšytn¹] = ¹**dōxtan**.

dōšīzag [dwšyck¹ | (M dwxš, J dwškyzh), N ~a]

باکره، دوشیزه

~**ih**:

بکارت، دوشیزگی

dōwom [2wm | N ~]

- دوم (در اعداد ترکیبی)

¹**dōxtan**, **dōš-** [dwhtn¹, dwš- | N ~]

دوشیدن

²**dōxtan**, **dōz-** [dwhtn¹, dwc- | N ~]

دوختن

dōys^ar [dwysl = A → dōiθra-]

چشم

dōz-, → ²**dōxtan**.

drafš [dlpš | P drfš, N ~]

درفش

drafšīdan, **drafš-** [dlpš-ytn¹ | P drfš-, N ~]

۱- درخشیدن ۲- لرزیدن

drahm [Z̄WZ̄N¹ < A zwzn | M drhm, N dir(h)am]

درهم

dra(h)nāy [dl(h)n²d]

درازا

dramanag [dlmnk¹ | N dirmana]

درمنه (نام گیاهی است)

drang [dlng | N dirang]

ادامه، درنگ (دوره)

dranjīdan

drūdan

dranjīdan, dranǰ- [dlnc-ytn¹]

گفتن

~išn:

سخن، گفته

draxt [dl(ʔ)ht¹ | M drxt, N diraxt]

درخت

drāy-, ~išn, → drāyīdan.

drayā(b) [dlyd²(p̄) | M dry²b, N daryā(b)]

دریا

~-bār [-b¹l | N -bār]

دریابار، ساحل

drāyān-ǰōyišn [dl²d²n ywdšn¹]

کسی که به هنگام خوردن حرف می‌زند
گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن

~īh:

drāyīdan / drāyistan, drāy- [dl²d-ytn¹, -stn¹ | M هرزه‌گویی کردن]

dr²yšt, dr²y- N darāyīdan]

~išn:

هرزه‌گویی

drāz [dl²c | N dirāz]

دراز

driyōš [dlgwš | N daryōš, darwēš]

درویش، نیازمند، فقیر

~īh:

درویشی، نیازمندی، فقر

drō [KDBA < A kdb²; dlwb¹ | M drw, (N darōy)]

دروغ، فریب

drōd [ŠRM < A šlm; dlwt¹ | M drwd, N darōd] آرامش، تندرستی، سلامتی، کامیابی

drō-dādwarīh [KDBA d²twblyh]

داوری دروغ

¹drōn [dlwn¹ | N darūna]

کمان

²drōn [dlwn¹ | N darūn] درون: نان مقدس؛ مراسمی که نان مقدس در آن به کار می‌رود

drōn yaštan:

نان درون را تقدیس کردن

drōš [dlwš]

داغ، علامت؛ پادافراه

~ag [-k¹]

*ویران

drōšīdan, drōš- [dlwš-ytn¹]

داغ زدن

drōšom [dlwšwm]

علامت

drōz-, → druxtan.

drōzan [dlwcn¹ | M, J drwzn]

دروغزن، دروغگو

~īh:

دروغ

drubušt [dl(w)pwšt¹]

دژ، دفاعی

~īh:

بارو، سنگر

drūdan, *drūn [HCDLWN-tm¹ < A √ ḥṣd | M dr'wd, حاصل برداشتن، درو کردن

(dwr-), N durūdan, diraw-]

drust

duš-arz

drust [drw(d)st¹ | (M *dryst*), N *durust*]

~īh:

drustabed [drwystpt¹]

društ [dlwšt¹ | N *durušt*]

~īh:

~-āwāz, ~-ēwāz [-²p²c, -²yw²c]

druwand [dlwnd | M *drwnd*]

~īh:

druxtan, drōz- [dlwhtn¹, dlwc- | M *drwxt*, *drwz-*]

druz [dlwc | (P *drwj*)]

dūd [dwt¹ | M *dwd*, N ~]

dūdāg [dwtk¹ | N ~a]

dudīgar [dtykl | M *dwdygr*, N *dīgar*]

duj-, = **duš-**.

~-daft [dwšdpt¹]

~-dānāg [dwšd²n²k¹]

~-dēn [dwšdyn¹ | M *dwjdyn-*]

~-dōys^arīh [dwšdwyslyh]

~-gand [dwšgnd | P *dwjgnd*]

~-gandīh:

dum(b) [dwm(b¹) | N ~]

~-ōmand [-²wmind]

dūr [LHYK¹ < A *rhyq*; dwl | M *dwr*, N ~]

durgar [dwlgl | N ~]

dusraw [dwsrwb¹]

~īh:

duš- [dwš- | = M]

~īh:

~-āgāh [dwš²k²s]

~-āgāhīh:

~-arz [-²lc]

درست؛ تندرست، سالم

درستی؛ تندرستی

سرپزشک، رئیس پزشکان

درشت، زبر، سخت

درشتی، سختی

درشت‌آواز

بد، ناپاک، دروند، گناهکار

ناپاکی، گناه

دروغ گفتن، فریفتن

دیو

دود

دوده

ددیگر، دوم

بددم، کوتاه دم

نادان

بددین

بدچشم

بدبو

بدبویی

دم

دمدار

دور، فاصله‌دار، بعید

درودرگر، نجار

بی‌آبرو، بی‌آزم

بی‌آبرویی، بی‌آزمی

بد -، دش - (پیشوند)

بدی، تبهکاری

ابله، احمق، نادان

حماقت، نادانی

بی‌ارج، بی‌ارزش

duš-čašm

duš-xwadāyīh

~čāšm	حسود
~čāšmīh	حسادت
~čīhr [-cyhl M dwšcyhr]	بدچهر، زشت، بدخو، بدسرشت
~ēwāzīh [-'yw'cyh (M dwšw'cyh)]	افترا، گفتار بد
~farrag [-plg P dwšfr]	بدبخت
~farragīh :	بداقبالی
~gōwišn [-gwbšn ¹]	بدگفتار؛ گفته بد
~humat [-hwmt ¹]	اندیشه بد
~hūxt [-hwht ¹ M dwšxwptyy ¹]	گفتار بد
~kām [-k ² m]	بدخواه، دژکام
~kanīg [-knyk ¹]	کنیز زشت
~kar [-kl]	دشوار
~kunišn [-kwnšn]	بدکار، کردار بد
dušmat [dwšmt ¹ = Av. dušmata- M dwšmtyy !]	اندیشه بد
dušmen [dwšm(y)n ¹ = M, N dušman]	دشمن
~īh :	دشمنی
~ādīh [dwšmn ² tyh M dwšmny ² dyh, J dwšmn ² dy]	خصومت، دشمنی
duš- -menišn [dwš-mynšn ¹]	بداندیش؛ اندیشه بد
~nām [-n ² m (M dwjn ² m), N ~]	دشنام، ناسزا؛ بدنام
dušox [dwšhw ¹ M dwš(w)x]	دوزخ
~īg [-yk ¹]	دوزخی
duš-pādixšā(y) [dwšp ² thš ² (d)]	پادشاه بد
~īh :	پادشاهی بد، فرمانروایی بد
dušrām [dwšl ⁽²⁾ m]	ناشاد، بدبخت
~īh :	بدبختی
dušwār [dwš ² wl (M dwjw ² r), N ~]	دشوار، ناسازگار
~īh :	دشواری، سختی، ناراحتی
duš- -wīr [dwš-wyl]	بدفکر
~wurrōyišnīh [-whwdšnyht]	بی دینی
~xēm [-hym]	بدخیم
~xwadāyīh [-hwt ² yh]	فرمانروایی بد

duš-xwār

ēdōnīh

~xwār [-hwʰl | N ~] = dušwār.

dušxwaršt [dwšhwwlštʰ | M dwšxwʰštʰ!]

کردار بد

duxt [BRTE < A brt-h; dwhtʰ | M dwxt, N ~]

دخت

~ar [dwhtl | N ~]

دختر

duz(d) [GNBA < A gnbʰ; dwc(t) | M dwz, N duzd]

دزد

~īh [dwc(d)yh]

دزدی

duzīdag [dwcytʰkʰ]

دزدیده: روزهای افزودهٔ آخر سال، پنجهٔ دزدیده

duzīdan, duz- [dwc-ytnʰ | N duzdīdan]

دزدیدن

dwārīdan / dwārīstan, dwār- [dwʰʰl-ytnʰ, -stnʰ

حرکت کردن، دویدن (اهریمنی)

| M dwʰr-]

~išn:

دوزخ، مسکن (دیوان)

dwāzdah [dwʰcdh | M dwʰzdh, N duwāzdah]

دوازده

~ān [-ʰnʰ]

بروج دوازده گانه

E

ē [ʰy | (M hyb)]

-ی (از ادات است و به فعل مضارع مفهوم تمنایی می دهد)

ē, → ēd, ēw.

ēbārag [ʰdypʰlkʰ, ʰdwʰlkʰ | N ēwār]

اوار، غروب

ēbgat(īh) [ʰybgʰtʰ, -yh = Av. aiβi.gati-]

(تازش) اهریمن، مخالف

ēbsrūsrim [ʰyp-, ʰybsʰwslʰym = Av.

زمان بین غروب خورشید و نیمه شب

aiβisrūθrima-]

ēbyānghan [ʰyp-, ʰywbyʰnghanʰ, ... = Av. aiβyānghanā- = kustīg]

کمر بند مقدس

ēč [ʰyc | (P ʰywyc), N hēč]

هیچ (با ادات نفی)

ēčand, → ēw-čand.

ēd [HNA < A hnʰ | M ʰyd] → dāštan

این

~rāy čē [cf. N z-ē-rā]

ایرا، چونکه

ēdar [LTME < A l-tnh | M ʰydr, N ~]

ایدر، اینجا

ēdōn [ʰytnʰ | N ēdūn]

ایدون، چنین

~īh:

روش (درست)، ایدونی

ēg [ADYN ¹ < A ² dyn M ² yg]	آنگاه، پس
ēk [ʔywk ¹ M yk, N yak]	یک
ēkānag [ʔywk ² nk ¹ N yagāna]	وفادار، با وفا
~īh:	وفاداری، با وفایی
ēk-dād [ʔywk ² t ¹]	یکتا آفریده
ēmēd [ʔdmyr ¹]	امید
ēn [ZNE < A znh M ² yn, N īn]	این
-ēn [-yn ¹ = M, N -īn]	-ین (پسوند سازنده صفت نسبی)
-endag [-ndk ¹ M -yndg, N -anda]	-نده (پسوند سازنده صفت فاعلی)
-ēn-īdan [-yn-ym ¹ M [پسوند سازنده فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدی] -yn-ydn, (N -ān-)]	-انیدن
*ēnōkēn [ʔynw(k)kyn ¹ = Av. *aēnō. kaēnā-]	وارث (دختری که تعهد به ادامه روش پدر دارد)
enyā [ʔyny ² (M ² n ² y)]	بعلاوه، غیر از
¹ ēr [ʔdl M ² yr, → azēr]	زیر، پایین؛ پست؛ تحت
~ud abar:	زیر و زبر
² ēr [ʔyl]	آزاده؛ پهلوان
~īh:	آزادگی، رفتار خوب
Erān [ʔyl ² n ¹ N ~]	(سرزمین) آریاها، ایران
~ag [-k ¹]	ایرانی، آریایی
ērang [ʔylnɡ]	سرزنش، نکوهش؛ خطا؛ بی دینی
~īh: = ērang.	
ēranǰ-, → ^{1, 2} ēraxtan.	
Ērān -šahr [ʔyl ² nštr ¹ N ~]	ایرانشهر (= سرزمین آریاها)
~-wēz [-wyc]	ایرانویج (= سرزمین اصلی آریاها)
¹ ēraxtan, ēranǰ- [ʔyllhm ¹ , ʔylnc- J ² yrxt]	سرزنش کردن، ملامت کردن، ناسزا گفتن
² ēraxtan, ēranǰ- [ʔyllhm ¹ , ʔylnc- M ² yrxt, (ʔyrnz-)]	جنگیدن، مشاجره کردن
ēraxtār [ʔyllht ² l]	جنگجو
ēr-kaš [ʔdlkš M ² yrkš]	دست به سینه (به نشان احترام)، سلام، درود
¹ ērmān [ʔylm ² n ¹ (M ² ry ² m ² n), N ~]	دوست؛ ایرمان (نام ایزدی است)
~īh:	دوستی

ēr-mān(ag)

ēw-kard(ag)

²ēr-mān(ag) [²dln²n(k)¹]

فروتن

ēr-menišnīh [²dlnynšnyh]

فروتنی

ēr-tan [²dln¹]

فروتن

~īh:

فروتنی

ērwār [²yhw²l]

گردوار، درخور پهلوان

ērwārag [²dhw²lk¹ | J ²rw²rh]

آرواره، گونه

ēsm [²ysm] = ēzm.

esp^o, → sp^o.

ēstādan, ēst- [YKOYMWN-tn¹ < A yqym, √ qwm; ²st²tn, ²wst-²tn¹ | M ²yst-²dn, N ~]

ایستادن؛ بودن، ادامه دادن (به عنوان معین برای ساختن فعل ماضی نقلی با معنی استمرار)

~išn:

پایداری، دوام، مسکن

ēš [²yš | N xēš]

خیش، گاو آهن

ešn^o, → šn^o.

ē(w) [t; HD < A ḥd | M ²yw, N -ē]

-ی (نکره که در آخر اسم می آید)، یک

ēwan [²dwn¹]

تنه، ساقه

ēwān [²dw²n¹]

دهنه

ēwar [²ywl | J ²yβ²r]

مطمئن (مطمئناً)، یقین (یقیناً)

ēwarz [²dwlc]

حرکت

ēwarzīdan, ēwarz- [²dwlcydn¹]

حرکت کردن، سفر کردن

ēwarzīg [²dwlcyk¹]

متحرک

¹ēwāz [²yw²c]

کلام، گفته

²ēwāz [²yw²c]

تنها، فقط

~īg [-yk¹]

خاص، فردی

ēw-bār [²ywb²l]

یکبار

ē(w)-čand [²y(w)cnd]

اندکی، یک چند

ēwēn [²dwyn¹ | M ²ywyn, (N āyīn)]

آداب، آیین، روش، شکل

pad ~ :

به آیین، مطابق رسم و معمول

¹ēwēnag [²dwynk¹ | M ²ywynag] = ēwēn; → čē-

²ēwēnag [²dwynk¹ | (N āyīna)]

آیینه

ēw-kard(ag) [²ywkrt(k)¹, -kltk¹]

پیوسته، یکپارچه

ē(w)-mōg

frahixtan

ē(w)-mōg [ʔy(w)mwk¹]

یک موزه داشتن، تنها یک کفش به پا داشتن

ēw-sān [ʔyws²n¹ | (N yak-sān)]

شبيه، یکسان

~īh:

همانندی، یکسانی

ēw-tāg [ʔywt²k¹ | M ʔyw r²g, (N yaktā)]

تنها، فرد، یکتا

ēz-, → yaz-

~išn [ʔycšn¹]

پرستش

ēzm [CYBA < A syb² | N hēzum]

سوخت، هیزم

F

farr-, → xwarrah.

Farrōbāy [plwb⁽²⁾g]

آذرفرنبغ (نخستین و مهمترین آتش دوره ساسانیان، خاص طبقه موبدان و نجبا)

farrox [plhw¹ | M prwx, N ~]

خشنود، خوشبخت، فرخ

~īh:

خوشبختی، شادی، فرخی

filāsōfā [pyl²swkp²y]

فیلسوف

frabīh [plpyh | (P frbyw), N farbīh]

چاق، فربه

Fradadafš [pldtpš = Av. fradaδšū-] (نام اقلیم جنوب شرقی از هفت اقلیم)

fradāg [MHL < A mhr; pl²k¹ | N fardā]

فردا

frādahišnīh [pl²dhšnyh]

افزایش، ترقی

fradom [AWLA < Ar. ! ʔwl²; pltwm | (M prtwm)]

نخست

~īh:

نخست، آغاز

fragān [plk²n¹]

اساس، بنیاد؛ اصل

fragandan, fragan- [plkn-dn¹]

بنیاد نهادن

frahang [pl²hng | N farhang]

آگاهی؛ فرهنگ

~estān [-st²n¹]

مدرسه

frahanj-, → frahixtan.

frahist [plh(y)st¹ | (M pr²yst)]

بیشترین (صفت عالی برای freh)

frahixtag [plhhtk¹ | N farhixta]

فرهیخته، کارآموده، ماهر

frahixtan, frahanj- [plhhtn¹, pl²hnc- | P frhynj-, N far~]

فرهیختن، آموختن،

تعلیم دادن

framādār

frawār

- framādār** [plm²t²l] رئیس، فرماندار، فرمانده
- framān** [plm²n¹ | M frm²n, N farmān] دستور، فرمان (کوچکترین درجه گناه)
- ~-burdār** [-bwl²l | N -bardār] فرمانبردار، مطیع
- framāy-**, **~išn**, → **framūdan**.
- frāmōš** [pl⁽²⁾mwš | M pr²mwš, N farāmōš] فراموش
- framōšīdan** [plmwšyt²n¹] = **framuštan**.
- framūdan**, **framāy-** [plmw²tn¹, plm²d- | M prm²dn, prm²y-, N far~] دستور دادن، فرمودن
- ~išn:** دستور، فرمایش
- frāmuštan**, **frāmōš-** [pl⁽²⁾mwš-t²n¹ | M pr²mwšt, pr²mwš-, N farā~] فراموش کردن
- franaftan**, ***franam-** [plnpt²n¹, *plnm- | M prnpt, prnm-] رفتن، پیش رفتن، روانه شدن
- franāftan**, **franām-** [pln²p̄tn¹, pln²m- | P frn²m-] ۱- پیش بردن، دور کردن، رهبری کردن، هدایت کردن
۲- اقرار کردن (به دین)، رواج دادن
- ~išn:** پیشرفت، دوری، اقرار
- frārāst** [pl²t²st¹] ذراع، واحد طول (= ۱۸ اینچ)
- frārōn** [pl²hwn¹] پرهیزگار، درستکار
- ~īh:** پرهیزگاری، درستکاری
- frasang** [plsng | N farsang] فرسنگ (= چهار میل رومی)
- frasāwand** [pls²wnd] فرسودنی، گذرا
- ~īh:** گذرایبی
- frasp** [plsp | N farasp] تیر سقف، دیرک، فرسپ
- *fraš** [plš] سنان
- fraš(a)gird** [plškr²t¹ | M prš(y)gyrd] فرشگرد، بازسازی در پایان جهان
- ~īg** [-yk¹] فرشگردی، جاودانگی پس از بازسازی در پایان جهان
- fraš(a)murw** [plšmw²hw¹ | M fršymwrw] طاووس
- frašn** [plšn¹] پرسش
- frawahr** [plw²hl | M prw²hr-] فروهر (= روان بی مرگ انسان)، فرشته نگهبان
- frawār** [plw²l | N farwār(a)] در طول زندگی
فروار، خانه یا کوشکی که اطرافش باز باشد

fraward [plwlt¹ | M frwrd-] = frawahr.

frawardag [plwltk¹ | M prwrdg]

طومار، نامه

***frawārdan, frawār-** [plw²l-tn¹]

پیش آوردن، تعارف کردن (غذا)

Frawardīgān [plwlytk²n¹ | N farwardagān]

فروردیگان (= جشن فرورهاها)،

gāhānīh

پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی

Frawardīn [plwlytn¹ | M frwrdyn,

فروردین؛ گاه‌نما: اولین ماه سال و نوزدهمین روزماه

N far~]

frāx [pl²hw¹ | N farāx]

پهن، جادار، فراخ، کافی، فراوان

~īh:

فراخی، فراوانی

frāxēnīdan, frāxēn- [pl²hwyn-ytn¹]

فراخ کردن، موجب پیشرفت شدن

frāy [pl²y | M pr²y]

بیش، فراوان

frayād [plyd²t¹ | N faryād]

فریاد (= کمک)، یاری

frayādīdan, frayād- [plyd²t-ytn¹ | M pry²d-]

به فریاد رسیدن، یاری کردن

~išn:

کمک، یاری

~išnīg:

کمک بخشی

frāz [pr²c | M pr²z, N farāz]

فراز، جلو

~abgandan:

فراز افکندن

~az:

پس از، جدا از

~brēhēnīdan:

آفریدن، ساختن

~griftan:

به عهده گرفتن، انجام دادن؛ تصمیم گرفتن، منصوب کردن

~ō:

تا به

frazaftan [plcptn¹ | (M przwps-)]

انجام شدن، کامل شدن

frazāftan, frazām- [plc²p̄tn¹, plc²m- | M

به پایان رساندن، تمام کردن، کامل کردن

prz²ptn]

~išn:

فرجام یافته، تکمیل

frazām [plc²m | (N farjām)]

فرجام، نتیجه

frazāmēnīdan, frazāmēn- [plc²myn-ytn¹] = frazāftan.

frazām-pērōzīh [plc²m pyhwcyh]

پیروزی نهایی

frazānag [plc²nk¹ | P frz²ng, N farzāna]

دانا، فرزانه

~īh:

دانایی، فرزاندگی

frazand [prz/znd | M frzynd, N farzand]

فرزند، پسر، بچه

frazandīb

gačēn

~īh:

frazēn [pʎcyn¹ | N farzīn]

فرزندی
فرزین (وزیر در بازی شترنج)؛ (تحت اللفظی):
موقعیت دفاع در صفحه شترنج

frēb [pʎyp | N firēb]

حیله، فریب

frēftan, frēb [pʎyp-m¹ | N fir~]

فریفتن

frēftār [pʎypt¹]

فریبکار؛ فریب خورده

frēg [pʎyk¹ | M prygg]

(تیغ) شانه

freh [pʎyh | N firih]

frāy = زیاد، بیش، فراوان

~būd(īh) [-bwt¹, bwtyh]

افراط

frēstādan / frēstīdan, frēst- [šDRWN-(y)m¹ < A √ šdr; pʎyst-²m¹, -ym¹ | M pryst-²d, N firistādan]

فرستادن

frēstag [pʎystk¹ | M prystg, (N firīšta)]

فرشته، فرستاده

frēz [pʎyc]

اجبار، وظیفه

~bānīg, ~wānīg [-p²nyk¹, -w²nyk¹]

اجباری، تعهدآور

~bānīh, ~wānīh [-p²nyh, -w²nyh]

انجام وظیفه

frōd [pʎwt¹ | M prwd, N furō(d)]

فرود

~mānd [-m²nd]

کاستی، کمبود

frōg [pʎwk¹ | N furōγ]

درخشندگی، فروغ

frōgīhistan, frōhīh- [pʎwkyh-sm¹]

درخشیدن

frōxtan, frō(x)š- [MZBNW-m¹ < A mzbh, √ zbh | M prwxš-, N furōxtan, furōš-]

فروختن

frušag [pʎwšk¹ | (M prwšg), N furša]

افروشه / فروشه (نام حلوایی است
که در آن شیر و روغن را با هم می آمیزند)

G

gabr [gpl, gwbl | M gbr, N ? gōr]

حفره، سوراخ، رحم

~īh:

گودی

gač [gc | N ~]

گج، سنگ گج

-ēn [-yn¹]

گچی

gad

gan(n)āgīh

gad [gt¹ = Av. gadā-]

چماق، گرز

gādan, gāy- [SLYTWN-t¹ < A √ sry? ; g²tn¹ | N ~]

گادن

gādār [g²t¹]

شوهر

gadwar [gtwl = Av. gadawara-]

گرزور، حمل کننده گرز

¹gāh [g²s | M g²h, N ~]

بالین، تخت، جا

²gāh [g²s | N ~]

زمان؛ یک پنجم شبانروز = گاهنبار

³gāh [g²s]

سرود، گاه (سرودی از سرودهای گاهان)

gāhān [g²s²n¹]

گاهان: قدیمی ترین بخش کتاب اوستا که با الهیات ارتباط دارد

gāhānbār [g²s²nb¹ | N gāhānbār]

گاهنبار، هر یک از شش بخش سال؛

جشنهای پنج روزه که در پایان هر یک از این شش بخش برپا می شود

gāhānīg [g²s²nyk¹]

گاهانی (= مربوط به گاهان)، روحانی، پنج روز آخر سال

gāhbed [g²spt¹ | N *gahbad]

خزانه دار، گنجور

~īh:

گنجوری

gahl [g²(²)hl | N gāl]

ارزن درشت، گاورس

gāhūg [g²hwk¹]

تابوت

gāhwārag [g²sw²lk¹ | N gāhwāra]

گهواره، ننو

gāl [g²l]

حشر، حشم

galōg [glwk¹ | N gulō]

گلو

gām [g²m | = M, N ~]

پی، قدم، گام؛ واحد طول (= سه فوت)

~ī dō pāy:

گام دو پا (= یک گام، پنج فوت)

-gānag [-k²nk¹ | M -g²ng, N -gāna]

گانه (پسوند سازنده صفت عددی)

gand [gnd | N ~]

گند

gandag [gndk¹ | (M gng), N ~a]

گنده، بدبو

~īh:

گندگی، بدبویی

gandanāg [gndn²k¹ | N gandanā]

گندنا، تره

gandum [H⁸ < A ḡnṭh | (M gnwm), N ~]

گندم

ganǰ [gnc | (M gnz), N ~]

گنج، گنجینه

~war [-wbl | M -wr, N ~]

گنجور

gan(n)āg [gn²k¹ | (P gnd²g)] → gandag

پلید، فاسد

~mēnōg:

گناگ مینو، مینوی بد

~īh:

فساد

gar

gāw

gar [gl]

کوه

-gar [-kl, -gl | M -gr, N ~]

— گر (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)

-gār [-k'l | M -g'r, N ~]

— گار (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)

garān [gl'n¹ | M gr'n, N girān]

سخت، دشوار، گران، سنگین

~īh:

سنگینی، وزن

garasmān [glsm'n¹ | M gr'sm'n] = garōdmān.

gard [gl't¹ | N ~]

گرد

gardan [gltn¹ | M grdn, N ~]

گردن

gardānāg [gl't'n'k¹]

مهره (بازی)

gardānīdan, gardān-[gl't'n-ytn¹ | M grd(y)nydn, N ~]

گردانیدن

gardīdan, gard-[gl't-ytn¹ | M grd-, N ~]

گردیدن، گشتن

~išn:

گردش، سیر

garm [glm | M grm, N ~]

گرم، داغ

~īh:

گرمی، حرارت

garm-ābag [glm'p̄k¹ | N ~a]

گرمابه

garmāg [glm'k¹ | M grm'g, N garmā]

گرماء، حرارت

garmōg [glmwk¹]

گرم، تفته، باحرارت

garmōwar(īh) [glmwk wl(yh)] ورگرم: آزمایش ایزدی برای بازشناختن راست از دروغ و گناهکار از بیگناه

garmsēr [glmsyl | N ~]

گرمسیر، زمین پست

garōdmān [ghwtm'n¹ = Av. garō dāmāna- | P grdm'n]

گرودمان، بهشت برین

~īg [-yk¹]

بهشتی

yarrānāg [gl'n'k¹ | M grn'g ?]

رعد

yarrānīdan, yarrān-[gl'n-ytn¹ | (N yarrīdan)]

غریدن، نعره زدن

~išn:

غرش

garzag [glck¹ | N garza]

گَرزه، مار

garzīdan, garz-[glc-ytn¹]

گله کردن، اعتراف کردن

~išn:

گله

~išnīg:

گله مند

gaw [gw¹]

دست (اهریمنی)

gāw [TWRA < A twr' | M g'w, N ~]

گاو نر، گاو اهلی؛ در نجوم: برج ثور

gāwars

ō gird āmadan

gāwars [*P^z < A prg^z; g^zwls | N ~*]

گاورس، ارزن درشت

gawazn [*g^zv^zzn¹ | N ~*]

گوزن

gawdar [*g^zwtl | N ~*]

گودر، گوساله

gāw-dumb [*g^zṗ^zdwm^b | N ~dum*]

گاودم، شیپور

gāw-mēš [*TWRAmyš | N gā(w)mēš*]

گاومیش

gāy-, → **gādan.**

Gayōmart [*g^zyw^zkmlt¹ = Av. gayō marəta | (M gyhmwrd), (انسان نخستین),*

N ~]

gaz [*gc | N ~*]

گز (درخت)

gaz-, ~išn, → **gazīdan.**

gazāg [*gc^zk¹*]

گزنده

gāzar [*g^zcl | N gāzur*]

گازر، رختشوی

gazdum [*gcd(w)m, gzd(w)m | N každum !*]

گژدم؛ درنجوم؛ برج عقرب

gazīdag [*gzytk¹ | N gazīd*]

گزیت، جزیه

gazīdan, gaz- [*gc-, gz-ym¹ | N ~*]

گزیدن، نیش زدن

~išn:

نیش

gēg [*gdk¹ | M gyyg*]

دزد

gēhān [*gyh^zn¹ | = M, N gihān, jahān*]

کیهان، جهان

~īg [*-yk¹*]

کیهانی، جهانی، فانی

-gēn [*-k(y)n¹ | M -gyn, N -gīn*]

-گن، -گین (پسوند سازنده صفت توصیفی)

gēs [*gys | (M gyswg, N gēsū)*]

گیس، گیسو

gētīg [*gytyk, gytydy | M gytyg, N gētī*]

۱-گیتی ۲-جهانی

~īg [*-yk¹*]

جهانی

gil [*TYNA < A tyn^z; gl | N ~*]

گل

gilag [*g(y)lk¹ | N gila*]

گله، شکوه

~ōbār [*-^zwp^zl*]

گله اوبار، متحمل

gilēn [*TYNAyn¹ | N gilīn*]

گلی

gilistag [*glystk¹*]

خانه دیوان، مسکن دیوان

gīr-, ~išnīg, → **griftan.**

gird [*gl¹ | M gyrd, N ~*]

گرد، مدور؛ گردآمده

(ō) ~ āmadan:

گرد آمدن، جمع شدن

gird kardan

gōšwār

~kardan:	گرد کردن، جمع کردن
~īh:	گردی
girdag [gltk ¹ N ~a]	دایره، گرده
gišnag [gšnk ¹ P gyšng]	کوتاه، کوچک
gišnīz [gšnyc N ~]	گشنیز
giyā(h) [gy ² h, gȳ ² h (M gy ² w), N ~]	گیاه
~īzag [-yck ¹]	تیغ گیاه، کاه
gizistag [gcystk ¹ J w/βzsth]	ملعون، تنفرانگیز
gōgird [gwkl ¹ M gwgyrd, N ~]	گوگرد
~ōmand [- ² wmnd]	گوگردی
gōhr [gwhl M gwhr, N gauhar]	جوهر، ماهیت، مایه؛ جواهر؛ خمیره، نسل
gōhrag [gwhlk ¹] = gōhr.	
~dānāg [-d ² n ² k ¹]	گوهرشناس، طبیعت‌شناس
¹ gōhrīg [gwhlyk ¹]	اساسی، ذاتی
*gōhrīg [gw(°)hlyk ¹]	جانشین، به جای، معادل
*gōkān [gwk ² n ¹]	جزئیات
~īg [-yk ¹]	به صراحت؛ مفصل
gōmēz [gwmyc N gimēz] (به عنوان پاک‌کننده در مراسم به کار می‌رود)	گمیز، ادرارگاو
gōmēz- [gwmyc- N gimēz-]	ادرار کردن
gōn [gwn ¹ N gūn]	رنگ، گون
~ag [-k ¹ M gwng, N gūna] = gōn.	گونه، شکل، نوع
gōr [gw/ N ~]	گورخر
gōspand [KYNA < A qnyn ² ?; gwspnd N ~]	گوسفند، چهارپای (کوچک)
~čihrag [-cyhllk ¹]	دارای تخمه چهارپایان
gōstān [gwst ² n ¹]	ستورگاه، آخور
¹ gōš [gwš = M, N ~]	گوش
² Gōš [gwš N ~]	گوش؛ گاه‌نما: چهاردهمین روز ماه
gōšag [gwšk ¹ N ~a]	گوشه
gōšōsrūd [gwš ² wshwt ¹ = Av. gaošō.srūta-]	آموخته، کسب کرده
gōšt [BSLYA < A bsr ² ; gwšt ¹ N ~]	گوشت
gōšwār [gwšw ² / N ~]	گوشوار

gōw-, ~išn, → **guftan**.

gōwāg [gwb²k¹ | M gw²g, N gōyā]

گویا فصیح؛ سخنگو

***gōwizār** [gwwc²l]

به تفصیل، صریح

gōy [gwd | N ~]

گوی

gōz [gwc | N ~]

گوز، گردو

~**ēnag** [gwzynk¹ | N gōzīna]

گوزینه (شیرینی که با مغز گردو می‌سازند)

Gōzihr [gwcyl | Ar.ǰawzahr]

جوزهر؛ در نجوم: تنین

~**dumb**:

نقطه اعتدال پاییزی

~**sar**:

نقطه اعتدال بهاری

grāb [gl²p̄ | P gr²b]

رحم

grāmag [gl²mk¹ | P gr²mg]

ثروت، دارایی

grāmīg [gl²myk¹ | M gr²myg, N girāmī]

گرامی، عزیز

~**ih**:

احترام، محبت

¹**graw** [glwb¹ | P grww]

نی‌نازک

²**graw** [glwb¹ | N giraw]

گرو، وثیقه

~**ih**, ~**(a)gān** [glwk²n¹ | M grwg²n, N giraugān] = ²**graw**.

grāyīdan, **grāy-** [gl²d-ytn¹ | P gr²y-, N girāy-] گراییدن، متمایل شدن؛ قصد داشتن، آرزو کردن

griftan, **gīr-** [OHDWN-tn¹ < A √ ʾhd; glptn¹, gyl- | M grypt, gyr-, N giriftan, ~] گرفتن، ستاندن، جلوگیری کردن

~**išnīg**:

ملموس، گرفتنی

griftār [glpt²l | N gir~]

گرفتار، گرفته؛ اسیر

~**ōmand** [-²wmnd]

ملموس، گرفتنی

grih [glyh | N girih]

گره

¹**grīw** [CWLE < A ṣwr-h; glyw¹]

گردن، گلو

²**grīw** [CWLE, glyw¹ | M gryw]

خویشتن، نفس

³**grīw** [glyw¹ | P gryw, N girī(b)]

جریب (واحد اندازه‌گیری سطح)؛

پیمانۀ برای اندازه‌گیری خشکبار

grīwag [glywk¹ | N girīwa]

گریوه، دره

grīwbān [glywp²n¹ | N girībān]

گریبان، یقه

griyistan, **griy-** [BK̄YWN-stn¹ < A √ bky; gl̄d-stn¹ | M

گریستن، گریه کردن

gryy-stn, N girīstan, giry-]

grōh

gund

grōh [glwh | N gurōh]

گروه، دسته

gubrāg [gwpl²k¹]

گوش به زنگ، زرنگ، بیدار

gubrās- [gwpl²s-] = wigrās-, → wigrādan.

guftan, gō(w)- [YMRRWN-, YMLLWN-in¹ < A

گفتن، حرف زدن، بیان کردن

ymlwn, √ mill; gwptn¹, gwb- | M gwptn, gw-, N ~, gō(y)-]

~išn:

گفتار

guftār [gwpt²l | N ~]

گوینده

~īh:

(قدرت) بیان، فصاحت

gugān- [gw²n- | M gw²n-]

نابود کردن

gugār(ī)dan, gugār- [gw²l-(y)tn¹ | N guwār-īdan]

گواردن

gugāy [gw²dy | M gw²y, N guwāh]

گواه

~īh:

گواهی

gūh [gwh | N ~]

گه، مدفوع

guhrāyēnīdan, guhrāyēn- [gw²hl²yn-ytn¹]

انگیختن، بیدار کردن

gul [gwł | N ~]

گل، رز

gumān [gwm²n¹ | = M, N ~]

گمان، شک

~gar [-kl]

شکاک

~īg [-yk¹]

مشکوک

~īh, ~īgīh:

گمان، شک

gumārdag [gwm²ltk¹]

گمارده، مأمور

gumārdan, gumār- [gwm²l-in¹ | M gwm²r-dn, N gumāštan, gumār-]

گماردن،

منسوب کردن، تفویض کردن

gumbad [gwmbr¹ | N ~]

گنبد، آتشکده

gumēg [gwmyk¹ | M gwmyg]

آمیزه

gumēxtan, gumēz- [gwmyhtn¹, gwmyc- | M gwmyxtn,

آمیختن، مخلوط کردن

gwmyz-]

~išn: = gumēzagīh.

آمیختگی، آمیزه

gumēzag [gwmyck¹]

آمیزه، آمیختگی

~īh:

آمیختگی جهان مادی، طول دوران جهان مادی

'gund [gwnd | = P]

سپاه، لشکر؛ گروه، جماعت

gund

hādamāns^ar

²gund [gwnd | N ~]

گند، بیضه

gung [g(w)ng | N ~]

گنگ

gurbag [gwlbk¹ | N ~a]

گر به

gurd [gwlt¹ | P gwrđ, N ~]

گرد، پهلوان

¹~īh :

گردی، پهلوانی، شجاعت

gurdag [gwltk¹ | N ~a]

گرده، کلیه

²gurdīh [gwltyh]

سلاح (بعضی قطعات)

gurdwār [gwltw²l]

گردوار، درخور پهلوان

gurg [gwlg | N ~]

گرگ

gurgānīg [gwlg²nyk¹ | N ~ī]

گرگانی، منسوب به گرگان

gursag [gwlsk | N gurusna !]

گرسنه

~īh :

گرسنگی

gušn [gwšn¹ | N ~]

گشن، نر

gušnag [gwšnk¹ | J gušna]

گشنه، گرسنه

Gušnasp [gwšn⁽²⁾sp̄] (دومین آتش مهم دوره ساسانیان، خاص طبقه ارتشتاران)

gyāg [gyw²k¹ | M gy²g, N jāy]

جای

~rōb [-lwp | N jārō(b)]

جاروب

gyān [HYA < A hy²; y²n¹ | M gy²n, N jān]

جان، روان

~kandan :

جان کندن، نزع

~-abespār [-²p̄sp²l | N jān-sipār]

بی امید، بی پروا؛ جان سپار، فدایی

~īg [-yk¹ | M -yg]

روحانی؛ حیاتی

~war [-wl | (P -br), N jānwar]

جانور؛ جاندار

H

h- [HWE- < A √ hwh; h- | M h-]

بودن (فعل ناقص)

¹hād [HWEt¹ ! = Av. āat] (= ā)

اکنون، پس؛ یعنی

²hād [h²t¹]

هات، هر یک از بخشهای یسنا

hādamāns^ar [h²tkm²nsl = Av. haḍa.māθra-]

هاتمانسر (نوشته هایی که با مطالب

دینی ارتباط دارد)

hādamāns^arīg	hambār
~īg [-yk ¹]	مربوط به هاتمانسر
hādōxt [h ² twht ¹ = Av. ha ² aoxta-]	هادخت (یکی از نسکهای گم شده اوستا)، مراسم مذهبی خاص
haft [h ² p ¹ t ¹ M hpt, N ~]	هفت
~ād [70 M hpt ² d, N ~]	هفتاد
~ag [-k ¹ N hafta]	هفته
~ān [- ² n ¹]	هفتان، هفت سیاره
haftār [h ² p ¹ t ¹ (N kaftār !)]	کفتار
haftdah [h ² p ¹ tdh N ~, hifdah]	هفده
Haftōring [h ² p ¹ tw(k)lng = Av. haptōiringa-]	هفتورنگ؛ در نجوم: دب اکبر
hagriz [hklc M hgryc, N hargiz]	همیشه؛ (با نفی) هرگز
halag [hlk ¹]	احمق، هرزه (= خل)
~īh :	دیوانگی، حماقت
halām [hl ² m N ~]	هلام، گوشت قرمه
halālag [hl ² lk ¹ N ~a]	هليله (گیاهی است که میوه آن مصرف دارویی دارد)
ham [hm = M, N ~], → ō	هم؛ همان
~īh :	پیوستگی، همی (= اتحاد)، هماهنگی، نشست
hamābēr [hm ² p ¹ yl M h ² m ² byr]	انبار
hamāg [hm ² k ¹ M h ² m ² g, N hama]	همه
~dēn [-dyn ¹]	همه دین (مراسم مذهبی)
hamagīh [hmkyh N ~ī]	همگی، همه
hamahl [hm(²)hl] = hamāl.	
hamāl [hm ² l N ~]	همال، همتا؛ دوست، رفیق
hambadīg [hmbtyk ¹]	حریف، معارض
hambah- , → ² hambastan.	
hambāh- , ~išn, → hambāstan.	
hambān [hmb ² n ¹ N anbān(a)]	انبان، کیسه چرمی
hamband [hmbnd]	پیوسته
~īh :	پیوستگی
hamband- , ~išn, → ¹ hambastan.	
hambār [hm-, hmb ² l N anbār]	انبار

hambārīdan

ham-dādestān

hambārīdan, hambār- [*hm-, hnb¹l-ytn¹ | M hmb¹r-, N anbārdan*] انباشتن، گردآوری کردن

hambasān [*hnbs¹n¹ | M ²mbs¹n*] دشمن، معارض
~īg [-yk¹] دشمنانه، مغایر

hambast [*hmbst¹ | N anbast*] متراکم، به هم پیوسته

¹hambastag [*hmbstk¹ | N anbasta*] مرکب، متشکل

²hambastag [*hnbstk¹ | M hmbst*] افتاده، فرو ریخته

hambāstag [*hmb¹stk¹*] * همه

¹hambastan, hamband- [*hmbstn¹, hmbnd-*] ترکیب کردن، شکل دادن؛ احاطه کردن،
بهم بستن، بهم پیچیدن

~išnīh : بهم بستگی، بهم پیچیدگی

²hambastan, hambah- [*hnbstn¹, hnb¹h- | M hmbst, hambh-*] فرو افتادن، خراب شدن

hambāstan, hambāh- [*hnb¹stn¹, hnb¹d- | M hmb¹stn, hmb¹h-*] به زیر افکندن، برانداختن، ویران کردن

~išn : براندازی، فروریزی، تخریب

ham-bašn [*hmbšn¹*] هم قامت

hambaw-, ~išn, → hambūdan.

hambāy [*hmb¹g | (M hmb¹w)*] انباغ، شریک؛ حریف

hambāz [*hm-, hnb¹c | M ²mb¹z, N anbāz*] انباز

hambedīg [*hmbytyk¹*] = **hambadīg.**

hambōš-, ~išn [*hnbwš-, -šn¹ | N anbōšiš*] = **hambūs-, ~išn.**

hambōy- [*hnbwd- | M hwmbwy-, N anbōyīdan*] بوییدن، بو کردن

~āgīh [-²kyh] ~išn : بویایی (حس)

hambūdan, hambaw- [*hm-YHWWN-tn¹, → būdan; hmbwtn¹*] ترکیب شدن، یکی شدن

~išn(īh) : اتحاد، ترکیب

hambun [*hmbwn¹*] اصلاً، هیچ (با ادات نفی)

hambūsīdan, hambūs- [*hnbws-ytn¹- | N anbūsīdan*] انبوسیدن، آبستن شدن

~išn : آبستنی

ham-dādestān [*hm-DYNA, -d¹tst¹n¹ | N ham-dāstān*] همداستان، موافق

hamdam

hammōxtan

hamdam [hmdm | N ~]

همدم، مونس

ham-dēsag [hmdysk¹]

همدیس، هم شکل

hamē [hm²y | M hmyw, N ~]

همیشه

~ka:

هر زمان (که)

ham-ēdōn [hm²ytwn¹ | N hamēdūn]

همیدون، هم چنین

hamē [īg [hm²yyk¹ | M hmywyg]

جاوید

~īhā [-yh²]

جاویدان

hamēmāl [hmym²l | = J]

حریف، معارض

~īh:

مخالفت

hamēnīdan, hamēn- [hmyn-ytn¹]

یکی کردن، ترکیب کردن

hamē-rawišnīh, hamē-ud-hamē-rawišnīh [(hm²y W) hm²y lwbsšnyh]

ابدی

hamēst [hmyst¹]

کسی که کارهای خوب و بدش برابر است

~(ag) ān [-(k)²n¹]

اعراف، طبقه میان بهشت و دوزخ

hamēstār, ~īh [hmyst²l, -yh] = hamēmāl, ~īh.

hamēšag [hmyšk¹ | M hmyšg, N ~a]

همیشه

~īh:

همیشگی

~-sōz

همیشه سوز

hamē-wahār [hm²y wh²l | N hamēša-bahār]

گل همیشه بهار

ham-ēwēnag [hm²dwynk¹]

همانند، یک جور

ham-gōhr [hmgwhl | M hmgwhr]

هم گوهر، هم ذات

ham-gōnag [hmgwnk¹ | M hmgwng]

همانگونه، چنین

P hāmharz [h⁽²⁾mhlc | P h²mhyrz]

همراه، ملازم

hāmīn [h²myn¹ | = M]

تابستان

~īg [-yk¹]

تابستانی

hāmīst [KHDE, → hammis; h²mst¹]

همه

ham-kār [hmk²l | N ~]

همکار

~īh:

همکاری

hāmkišwar [h²mkyšwl | M -wr]

عالم

hammis [KHDE < A k-īdh], az . . . ~ :

همراه... با

hammōxtan, hammōz- [ALPWN-m¹ < A √²lp; hmwhm¹,

آموختن؛ یاد گرفتن

hmwc-,hmwz- | M hmwxtn, N āmōxtan, āmōz-]

hammōzišn

handēmān

~išn :

hammōxtār [hmwht²l]

~īh :

hammōz-, ~išn, → hammōxtan.

~gār [hmwck²l | N āmōzgār]

ham-nibardīh [hmnpltyh]

hamōg [hmwg]

hāmōn [h²mwn¹ | N hāmūn]

hāmōyēn [h²mwdyn¹]

ham-pursag [hmpwrsk¹]

~īh :

ham-|-rānīh [hml²nyh]

~sāmān [-s²m²n¹]

~sardag [-sltk¹]

~sāyag [-s²dk¹ | N hamsāya]

~tāg [-t²k¹ | N hamtā]

~tan [-m¹]

~tōhmag [-twhmk¹]

hamwar [hmwl | N hamwār]

hāmwār(ag) [h⁽²⁾mw²l, -k¹ | N hamwāra]

ham-zamān [hm ODNA | N ~]

handām [hnd²m | = P, N andām]

handarz [hndlc | M ²ndrz, N andarz]

handarzēnīdan, handarzēn- [hndlcyn-ytn¹]

handāxtan, handāz- [hnd²htn¹, hnd²c- | M hnd²c-, N an~]

~išn :

handāxtār [hnd²ht²l]

handāz-, ~išn, → handāxtan.

~ag [hnd²ck¹ | N andāza]; ~ handāzag ī

handēmān [hndym²n¹ | = M]

آموزش، یادگیری

آموختار، یادگیرنده

یادگیری

آموزگار

نبرد، هم‌نبردی

برابر، شبیه

هامون، زمین هموار

همه

مشاور، همپرس (= طرف گفتگو)

مشاوره

جنگ، نبرد

مجاور

همنوع، شبیه

همسایه

همتا، قرین

هم‌تن، هم‌قامت

هم‌تخمه، خویشاوند

هموار، مسطح

همواره

همزمان، فوراً

اندام، عضو

اندرز، حکم، وصیت

اندرز دادن

طرح ریختن،

تخصیص دادن، تخمین زدن، داوری کردن

داوری

طراح

اندازه، روش؛ مانند

پیش، درحضور

handēmānīh

han.j-

~īh :

بار، حضور

handēmāngar [hndym³nkl]

رئیس تشریفات، معرفی کننده (به حضور)

~īh :

معرفی

handēšīdan, handēš- [hndyš-ytn¹ | M hndyš-,

اندیشیدن، فکر کردن، تصور کردن

N an~]

~išn :

اندیشه، فکر

handēšīdār [hndyšty³l]

اندیشنده

handōxtan, handōz- [hndwhtn¹, hndwc- | N an~]

اندوختن، کسب کردن، گرد کردن

~išn(īh) :

کسب، تحصیل

handraxtag [hndl³htk¹ | P ³ndrxt]

ستم‌دیده

~īh :

ستم، رنج

handūdan, *handāy- [hndwtn¹ | (M ³nwd)

اندودن، روغن مالی کردن، مالیدن

N an~]

hangad [hngt¹ | P ³ngd]

توانگر، دارا

~īh :

دارایی، ثروت

hangām [hng³m | N ~]

زمان، هنگام

~īg [-yk¹]

بهنگام

hangārag [hng³lk¹ | N angāra]

شماره، حساب

hangārdan, hangār- [hng³l-tn¹ | M hng³r-, N an~]

حساب کردن، تصور کردن

~išn :

رسیدگی، توجه، ملاحظه

hangēxtan, hangēz- [hngyhtn¹, hngyc- | (M

انگیختن، تحریک کردن، تهییج کردن

hgjyn-), N an~]

~išn :

انگیزش

hangirdēnīdan, hangirdēn- [hngltyn-ytn¹]

خلاصه کردن، کامل کردن

hangirdīg [hngltyk¹]

بی نقص، کامل؛ خلاصه

~īh :

تکمیل، خلاصه

hangōšīdag [hngwšytk¹ | M ³ngwšydg]

راه، روش، همانندی

~ī :

مانند

hangrāyīdan [hngl³dytn¹]

سوگواری کردن

hangrūdag [hnglwtk¹]

سوگواری

hanj-, → hixtan.

hanjaftan

hāwišt

- hanjaftan** [*hncptn*¹ | P *hnjft*, (M *hnzpt*)] انجام شدن
- hanjāftan, hanjām-** [*hnc'p̄tn*¹, *hnc'm-* | P *hnj'ft*, *hnj'm-*, (M *hnz'pt*, N *anjāmīdan*)] اجرا کردن، انجام دادن، کامل کردن
- hanjām** [*hnc'm* | N *anjām*] عاقبت، انجام، برآمد، نتیجه
- hanjāman** [*hncmn*¹ | (P *'njmn*, M *hnmn*), N *anjūman*] اجتماع، انجمن،
گردهم آیی، مجمع
- ~īg** [*-yk*¹] عضو برجسته انجمن، سخنران، خطیب
- hanjīdan** [*hnc-ym*¹ | N ~] = **hixtan.**
- hannām** [*hn'm* | = M] = **handām.**
- Harborz** [*hlbwlc* | N *Alburz*] البرز، رشته کوهی که دور زمین را فرا گرفته است
- harg** [*hlg* | cf. M *hr'g*, Ar. *xarj*, *xarāj*] خراج، مالیات؛ کار، کوشش
- *harrōb-** [*hlwp-* | M *hrwb-*] جمع کردن، گردآوری کردن
- ~išn(īh) :** گردآوری، مجموعه
- har(w)** [*KRA* < A *kl*²; *hl* | M *hrw*, N *har*] هر، همه، هریک
- harwīn** [*hlwyn*¹ | M *hrwyn*] همه
- harwisp** [*hlwsp*¹ | M *hrwsp*] همه
- ~īn** [*-yn*¹] همه
- harzag** [*hlck*¹ | N *harza*] آزاد، رها
- hās^ar** [*h'sl* = Av. *hāθra-*] هاسر: مقیاس زمان (۱/۱۲ شبانروز)؛ مقیاس طول
(فرسنگ، یا ۱/۴ فرسنگ، یک میل)
- haspīn** [*hspyn*¹ | = M] آسایش، استراحت
- hast, ~īh** [*AYT*¹, *-yh*] = **'ast, ~īh.**
- hašāgird** [*hš'klr*¹ | M *hš'gyrd*, N *šāgird*] دانش آموز، شاگرد
- hašt** [*TWMNYA* < A *tmny*²; *hšt*¹ | = M, N ~] هشت
- ~ād** [*80* | N ~] هشتاد
- ~dah** [*hštdh* | N ~, *hiždah*] هجده
- ¹hāwan** [*h'wn*¹ | N ~] هاون
- ²hāwan** [*h'wn*¹ = Av. *hāwani-*] بامداد (یکی از پنج بخش شبانروز)
- hāwand** [*h'wnd* | M *h'w(y)nd*] شبیه، مانند
- ~īh :** شباهت، همانندی
- hāwišt** [*h'wšt*¹] دانش آموز، شاگرد

~īh:	شاگردی
haxt [<i>h(²)ht¹</i>]	ران، سرین، کفل
hāxtan, hāz- [<i>h²htn¹, h²c-</i>]	ترغیب کردن، راهنمایی کردن، رهبری کردن، گرواندن
~išn:	ارشاد، ترغیب
hazār [<i>4,000, hc¹l M hz¹r, N ~</i>]	هزار
~ag [<i>-k¹ N -a</i>]	هزاره
hazzān [<i>²/hz²n¹</i>]	گور، استودان، جایی که استخوان مرده‌ها را در آن می‌ریزند
hēn [<i>hyn¹ M hyyn</i>]	لشگر
~īh:	حمله، هجوم
hērbēd [<i>hylpt¹ N hērbud</i>]	هیربید، آموزگار علوم دینی
~īh:	هیربیدی
hērbēdestān [<i>hylptst¹n¹</i>]	هیربیدستان، مدرسه هیربیدی
~īh:	آموزش هیربیدی، تحصیل علوم دینی
hērīg [<i>hylyk¹ N h/xērī</i>]	خیری، شب‌بو
hēzag [<i>hyck¹ (M hyjg), N hēz</i>]	دلو
hil- , ~išn, → hištan.	
hindūg [<i>hndwk¹ M hyndwg, N hindū</i>]	هندی
~ān [<i>-²n¹</i>]	هندوستان
hištan, hil- , (P hirz-) [<i>šBKWN-tm¹</i> گماردن، قراردادن، عفو کردن، رها کردن، ترک کردن < A √ šbq; (<i>hlc-</i>) M <i>hyštn, hyl-</i> , (P <i>hyrz-</i>), N ~]	
~išn:	رهایی، عفو
hixr [<i>hyhl</i>]	مدفوع، کثافت
hixtan, hanj- [<i>hyhtn¹, hnc-</i> P <i>hxt</i>]	کشیدن (آب)
P hō [<i>hw¹ = P</i>]	آن، او
Hōm [<i>hwṁ N ~</i>]	هوم، گیاه مقدس
homānāg [<i>h(w)m²n²k¹ N hamānā J xumānā</i>], ō . . . ~:	مانند
~īh:	همانندی
hōmāst [<i>hwṁ²st¹</i>]	هماست (دعاهای مختلف)
hōm ēn, - īg [<i>hwṁyn¹, -yk¹</i>]	هوم، منسوب به گیاه هوم
~ōmand [<i>-²wmnd</i>]	هوم دار
Hordād [<i>hwrdt¹ M hrwd²d, N Xurdād</i>]	خرداد (= کمال): نام پنجمین امشاسپند
	و نگهبان آب؛ گاه‌نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه

hōšag

humāy

hōšag [hwšk¹ | M hwšg, N xōša]

خوشه، دسته؛ در نجوم: برج سنبله

hōšēnīdan, hōšēn- [hwšyn-ytn¹]

خشکاندن

hōšīdan, hōš- [hwš-ytn¹ | M hwš-, N x~]

خشکیدن، خوشیدن

hōy(ag) [hwy, -k¹ | M hwy]

(دست) چپ

Irōm [hlwm | M hrwm, N Rūm]

بیزانس، روم

~āyīg [-²dyk¹]

بیزانسی، رومی، یونانی

hu- [hw- | = M]

خوب، نیک -

~īh:

خوب، خوبی

hu-bōy [hwbwd]

خوشبو، معطر

~īh:

بوی خوش

hu-čašm [hwcšm]

نیک چشم، نیکخواه

~īh:

نیکخواهی

hu-čīhr [hwcyhl | M hwcyhr, (N xuǰīr)]

نیکو، هجیر، زیبا

hudā(ha)g [hwɖ²(h)k¹ = Av. hudāh-]

خوب، نیکوکار

~īh:

نیکوکاری

hu-|-dast [hwɖst¹]

تردست، ماهر

~-dēn [-dyn¹]

دارای دین خوب (مزدیسنی)

~-dōšag [-dwšk¹]

خوشایند

~-ēwāz [-²yw²c]

خوش گفتار، دلجو

~-ēwāzīh:

دلجویی

~-fraward [-phwt¹]

آمرزیده، مرحوم

hūg [HZWLYA < A ḥzyr²; hwk¹ | M hwg, N xūg]

خوک

hugar [hwgl]

ساده؛ نیکوکار

hu-|-gōwišn [hwgwbšn¹]

خوش گفتار

~-gugār [-gwk²l]

خوشگوار

hūkar(ag) [hwkl (k¹) | N xūkara]

خوکره

~-kunišn [-kwnšn¹]

خوش کردار

~-mānīh [-m²nyh]

نیک اندیشی، نیکخواهی

humat [hwmt¹ = Av. humata-]

اندیشه نیک

humāy [hwmt²y | N ~]

همای، مرغ سعادت؛ عقاب

hu-menišn

hušk-kūn

hu-menišn [hwmyňšn¹]

نیک‌اندیش

hu-murwāg [hwmwłw²k¹]

مروای نیک

hunar [hwɪl | M hwnr, N ~]

هنر، قابلیت، مهارت

hunarāwand [hwɪl²wɪnd | M hwnr²wynd]

ماهر، بافضیلت

~īh:

مهارت، هنرمندی

hunarōmand [hwɪl²wɪmnd | N hunarmand] = hunarāwand.

hunīdan [hwɪnɪdn¹]

بیرون کشیدن (شیره)، فشردن

huniyāg [hwɪnɪd²k¹ | N xunyā]

مطبوع، لذت‌بخش

~īh:

سرگرمی، لذت، رضایت‌خاطر

huniyāgar [hwɪnɪd²kl | N xunyāgar]

خنی‌گر، نوازنده، رامشگر

hu-niyōxš [hwɪnɪdwhš]

باتوجه

hunsand [hwɪnsnd | = P, (N xursand)]

خرسند، خشنود

~īh:

خرسندی، خشنودی

hunušak [hwɪnšk¹ = Av. hunuš]

فرزند (اهریمن)

hunušakēnīdan [hwɪnškɪnɪdn¹]

زادن (اهریمنی)

hu-pādixšā(y) [hwɪp²thš²(d)]

پادشاه خوب

~īh:

پادشاهی خوب

hu-passandagīh [hwɪpsndkɪh]

رضایت

hur [ŠKL < A škr²; hwɪ]

مشروب الکلی، * قومیس یا قومیز

(شیر ترش مادیان است که به عنوان مسکر مصرف می‌شده است)

huram [hwɪlm | N xurram !]

خرم

~īh:

خرمی

hurām [hwɪl²m]

شاد

hu-|-ramag [hwɪlmk¹]

خوب رمه، دارای رمه خوب

~-rust [-hwst¹]

خوب رسته

~-sāzagīh [-s²ckɪh]

سازگاری

~-spās [-sp²s]

سپاسگزار

husraw [hwɪstwb¹ | (M hwsrwg), N xusraw]

خوش‌آوازه، نیک‌نام

~īh:

آوازه، نیک‌نامی

hušk [hwšk¹ | = M, N xušk]

خشک

~-kūn [-ŠTE]

عقیم

hu-škōh

-iz

hu-škōh [hwškw] باشکوه، باوقار

~īh: وقار

hušnūd(ag) [hwšnwt(k)'] | M hwšnwd, N xušnūd خرسند، خشنود

~īh: خرسندی، خشنودی

hu-tuxš [hwtwhš] هنرمند

huwaršt [hwwlšt' = Av. hwaršta-] پرهیزگاری، کردار نیک

hu-xēm [hwhym] خوش خو، خوش خیم

~īh: خوش خیمی، خوی خوش

hūxt [hwht' = Av. hūxta-] گفتار نیک

*huzārag [hwc'lk | N xujāra] کم، اندک، خرد

I

ī [Y, ZY- < A zy | M 'y(g), N i] ضمیر موصولی: که، کدام؛ ادات ربط (کسره اضافه)

-īdan [-ym' | M -ydn, N ~] -یدن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)

-īg [-yk' | M -yg, N -ī] -ی (پسوند سازنده صفت نسبی)

-īh [-yh | M -yh, -yy, N -ī] -ی (پسوند سازنده اسم معنی)

-īhā [-yh' | = M, N -hā] -ها (پسوند سازنده قید که بعدها به عنوان نشانه جمع به کار رفته است)

-īh-istan [-yh-stn' | M -yh-ystn] -ایهستن (پسوند سازنده فعل مجهول و مشتق)

im [LZNE < A l-znh; 'm | M 'ym, N ~] این

~čim rāy: بدین سبب

~rōz: امروز

-(i)m [-m | = M, N -am] مرا، مال من (ضمیر متصل اول شخص)

-istan [-stn' | M -ystn, N ~] → -īh-istan. -استن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)

-(i)š [-š | = M, N -aš] او را، مال او، آن را، مال آن (ضمیر متصل سوم شخص مفرد)

-išn [-šn' | M -yšn, N -iš] -ش (پسوند سازنده ۱ - اسم مصدر

۲ - به آخر بن مضارع افزوده می شود و معنی لزوم و بایستن را می رساند)

-(i)t [-t | = M, N -at] تو را، مال تو (ضمیر متصل دوم شخص مفرد)

-iz [-(y)c | M -yc, -yz] هم، نیز (از ادات متصل قیدی)

-īzag

ĵastan

-īzag [-yck¹ | M -y²zg, N -īza]

— ایزه (پسوند تصغیر)

Ĵ

ĵād [y²t¹]

بهر، پاره

¹ĵadag [ytk¹ | M jdg]

فال، بخت

²ĵadag [ytk¹]

خاصیت، عرض

ĵādag [y²tk¹ | M ĵ²dg]

بهر، پاره؛ سبب، مورد

ĵādag-gō(w) [y²tkgwb¹]

وکیل، شفیع

~īh:

شفاعت

ĵadag-wihīrīh [ytkwhylyh]

تغییر، دگرگونی

ĵadārīh [y²lyh]

نگاهداری

*ĵadišn [y²šn¹]

خاصیت، عرض

~īg [-yk¹]

عرضی، غیر اصلی

ĵādūg [y²twk¹ | M j²dwg, N ĵādū]

جادو، جادوگر

~īh:

جادوگری، جادویی

*ĵay [y²h | N ~]

جغ (درخت)

ĵagar [ykl | N ĵigar]

جگر

ĵah-, → ĵastan.

ĵahišn [yhyšn¹ | J jhyšn-]

اقبال، شانس، فال

ĵahišn-ayār [yhyšn hdyb²l | N ĵhišy²r]

خوشبخت؛ جهشیار (نام شخص)

~īh:

خوشبختی

ĵahūd [yhwt¹ | N ĵuhūd]

جهود

¹ĵām [y²m | N ~]

جام، شیشه

²ĵām [MANE < A m²n-h; y²m | M j²m, N ~]

جام، پیاله

¹ĵāmag [y²mk¹ | N ĵāma] = ²ĵām.

²ĵāmag [y²mk¹ | M j²mg, N ĵāma]

جامه، لباس

ĵang [yng | M jnng, N ~]

جنگ، پیکار، رزم

ĵār [y²wl | M j²r]

هنگام، زمان

ĵastan, ĵah- [y²stn¹, y²h-]

جستن، روی دادن پدیدار شدن

~išn, → ǰahišn.	
ǰašn [yšn ¹ N ~]	جشن، عید
ǰaw [Š ⁸ < A š'rt ² N ~]	جو
ǰāwēd [y ² wyt ¹ (P y ² wyd), N ~]	جاوید
ǰāwēdān [LOLMN < A l-'lmn; y ² wyt ² n ¹ (P y ² wyd ² n, M j ² yd ² n), N ~]	جاویدان، همیشه
~ag [-k ¹ (P -g), N -a]	جاودانه، ابدی
ǰawēn [Š ⁸ yn ¹ N ǰawīn]	جوین
ǰeh [yh, yyh = Av. ǰahī-]	جه (سر دیو مؤنث)
ǰīw [cyw ¹ , yyw ¹ = Av. ǰīwya-]	شیر (تقدیس شده)
*ǰomā [ywm ² y]	هر دو؛ همراه با
ǰōrdā [ywl ² y, - ² k (P yw ² rd ² w), J *ǰwrd ² r]	دانه، غله
ǰō(y) [ywd, ywb ¹ N ~]	جوی، نهر
ǰōy-, ~išn, → ǰūdan.	
ǰud [ywdt ¹ M jwd]	جدا، متفاوت؛ ضد
~az. [N ǰuz]	جز، جدا از
ǰudāg [ywdt ² k ¹ N ǰudā]	جدا، متفاوت
~īh:	جدایی؛ تفاوت
ǰūdan, ǰōy- [ywt ¹ n ¹ , ywd- M jwwdn, (jwy-), (N ǰawīdan)]	جویدن؛ بلعیدن (اهریمنی)
~išn:	عمل جویدن (اهریمنی)
ǰud- -bēš [ywdt byš]	بی گزند، پادزهر
~-dādestān [-DYNA]	مخالف، ناموافق، ناسازگار
~-dēw [-ŠDYA]	ضد دیو
~-nāy [-n ² d]	واحد طول (شش پا)
ǰud-ristag [ywdt lystk ¹]	بی دین، مشرک
~īh:	بی دینی
ǰuy [ywg N ~]	یوغ
ǰumbāgīh [ywmb ² kyh]	جنبش
ǰumbēnīdan, ǰumbēn- [ywmbyn-ytn ¹]	جنبانیدن
ǰumbīdan, ǰumb- [ywmb-ytn ¹]	جنبیدن

ǰumbišn

kadār-iz-ē(w)

~išn :

جنبش، حرکت

ǰumbīhistan, ǰumbīh- [ywmbyh-sin¹]

جنبانیده شدن

ǰuttar [ywdtl | M ǰwtr]

متفاوت، غیر از

~īh :

متضاد، مخالف

ǰuwān [ywh²n¹ | (P yw²n), N ǰawān]

جوان، یک جوان (جوانی)

~īh :

جوانی

ǰuxt [ywh¹t¹ | (P ywxt), N ǰuft¹]

جفت، دوتا

K

ka [AMT < A ²nty | M k², N ki]

کی (= چه وقت)؛ اگر، چون

kabāh [kp²h | Ar. qabā]

قبا، جامه

kabārag [kp²lk¹ | N ~a]

کباره (سبدی که از چوب و حصیر بافند)، آوند، ظرف

kābēn [k²pyn¹ | N kābīn]

کابین، مهریه

kabīg [kpyk¹ | N kab/pī]

کپی، میمون

kabīz [kpyc | (N kawīž)]

کویز (مقیاس غلات، ۱/۱۰ جریب)

kabk [kpk¹ | N ~]

کبک

~-anjīr [-²ncyl | N ~]

کبکنجیر (نوعی دراج)

kabōd [kpwt¹ | N ~]

کبود؛ کبوتر

kabōtar [kpwtl | M kbwtr, N ~]

کبوتر

kāč [k²c | N kāš(ki)], ~ka :

کاش؛ کاشکی

kādag [k²tk¹]

سرگرمی، شوخی

kadag [ktk¹ | M kdg, N kada]

کده، خانه

~-bānūg [-b²nwk¹ | N kadbānū]

کدبانو

~īg [-yk¹]

اهلی؛ بنده، خدمتکار

~-xwadāy [-hwt²y | P qdyxwd²y, N kadxudā]

کدخدا

kadām [kt²m | M kd²m, N kudām]

کدام، چه

~-iz-ē(w) [-c-HD]

هرکدام

kadār [kt²l]

کدام، که

~-iz-ē(w) [-c-HD]

هرکه

kaf

kamālīg

kaf [kp | N ~]

کف، گل و لای

kaf-, → kaftan.

kafč [kpc | N ~]

کفگیر، ملاقه

~ag [-k¹ | N ~a]

قاشق

kafš, ~ag [kpš, -k¹ | N kafš]

کفش

~gar [-kl | N ~]

کفشگر، کفاش

kaftan, kaf- [kp-tn¹ | P kft, kf-]

افتادن

kāh [TBNA < A ibn³ | N ~]

کاه، علف خشک

kāh-, ~išn, → kāstan.

kahas [kts | M khs]

کاريز، قنات

kāhēnīdan, kāhēn- [k²hyn-ytn¹]

کاهش دادن، کم کردن

kāhīdan [k²hytn¹ | N ~] = kāstan.

kahist [kss¹]

کمترین

kah-rubāy [khlp³d | N ~rubā]

کهربا

kahwan [khwbn¹ | M qhwn, N kuhan]

کهن

kākom [k²kwm | N ~]

قائم

~ī spēd :

قائم سفید

kālbod [k²lpwt¹ | (M k²lbyd), N ~]

کالبد، قالب، تن

~ōmand [-²wmnd]

جسمانی

kam [km | M kmb, N ~]

کام، آرزو، هدف

kām [k²m | = M, N ~]

kām-, → kāmistan.

¹kāmag [k²mk¹ | N kāma]

کامه (انواع سوپ)

²kāmag [k²mk¹ | N kāma] = kām.

~-hanjām [-hnc²m]

کامکار، موفق

~-hanjāmīh :

کامکاری، موفقیت

~ōmand [-²wmnd]

مشتاق، مایل

~-widār [-wt¹l | N kām-gudār]

کامروا، خودکامه

~-xwadāy [-hwt²y]

خودکامه، مستبد

kamāl [km²l | (M km²r)]

سر (اهریمنی)

~īg [-yk¹]

سر، رئیس (اهریمنی)

kamān

kār-āgāh

kamān [km²n¹ | = M, N ~]

کمان

~dār [-d²l | N ~]

کماندار

kamar [kml | N ~]

کمر؛ بند، کمر بند

~-band [-bnd | N ~]

کمر بند

kāmgār [k²mk²l | P k²mg²r, N ~]

کامگار، مستبد

kamist [kmyst¹]

کمترین

~īh: pad ~īh,

حداقل

kāmistan, kām- [YCBEN-stn¹ < A yšbh, √ šbh; k²m-(y)stn¹ | M k²m-yst]

آرزو کردن، خواستن

kām | -rawāg [k²m lw²k¹ | N ~rawā]

کامروا

~-zī(w)išn [-zywšn¹]

آزاد، خودکامه

kam-zōr [kmzwl | N ~]

کم زور

~īh:

کم زوری

kan-, → kandan.

kanār [kn²l | N ~]

کنار، لبه؛ آغوش

~ag [-k¹ | M kn²rg, N ~a]

کناره، مرز، سامان

~agōmand [-k²wmnd | M -gwmnd]

کناره مند، محدود

kandan, kan- [HPLWN-in¹ < A √ ḥpr; kn-dn¹, -tn¹ | M knd, N ~]

کندن؛ ویران کردن، نابود کردن

kanīg [knyk¹ | M knyg]

کنیز، دوشیزه

kanīzag [knyck¹ | M knycg, N kanīz(ak)] = kanīg.

kantigr [kntgl]

کنتیر، تیردان

kāpūr [k²pwl | Ar. kāfūr]

کافور

kar-, → kardan.

¹kār [k²l | M k²r, N ~]

کار، امر، عمل

~framūdan:

کار فرمودن، مورد استفاده قرار دادن

²kār [k²l], pl. ~ān:

عموم

³kār [k²l]

کره

kār-, → kištan.

karafs [klps | N ~]

کرفس

kār-āgāh [k²l²ks | N ~]

کار آزموده، با تجربه

~īh :	تجربه، مهارت
karak [kɾk¹ N ~]	کرک، بلدرچین
karān [kɾ¹n¹ P kɾ²n, N ~]	کران، کنار، سامان، پایان
kārawān [k²hw²n¹ P k²rw²n, N kārwān]	کاروان، ستون نظامی
~īg [-yk¹ N ~ī]	کاروانی، مسافر
karāwuš [kl¹wš N ~]	چرخشت
karb [klp]	کرپ (روحانی دشمن زردشت)
karbāš [klb²š N karbaš, ...]	کرباش، چلباسه
karbūg [klpwk¹, klbwk¹]	مارمولک
kard [kɾɾ¹ M kyrd, N ~]	کرده، عمل؛ امر، چیز
kārd [SKYNA < A skyn²; k²lt¹ N ~]	کارد
¹kardag [klk¹]	پاره، فصل، قسمت
²kardag [kɾtk¹, klk¹ N karda]	کرده، عمل
kārdāg [k²ld²k¹]	سرگردان، مسافر، مهاجر
kardagān [kɾt-, klk²n¹ M kyrdg²n]	عمل، خدمت (ایزدان)
kardagār [kɾtk²l M kyrdg²r, N ~]	توانا
kardan, kun-, (P kar-) [OBYDWN-m¹ < A	کردن، عمل کردن، اجرا کردن، ساختن
√ 'bd; kɾtn¹, kwn-, (kl-) M kyrdn, kwn-, (P kɾ-), N]	
~išn, → kunišn.	
kardār [kɾt-, klk²l N ~]	کاری، فعال؛ کارگر، انجام‌دهنده
~īh :	فعالیت
kard-espās [kɾtsp²s]	خدمتکار، ملازم
kārezār [k²lyc²l M k²ryz²r, N kārzār]	(میدان) کارزار
kār-framān [k²lplm²n¹ M k²rprm²n, Ar. qahramān]	کارفرما، سرکارگر
karg [klg N ~]	کرگدن
kargās [klk²s N kargas]	کرکس
kārīg [k²lyk¹ N kārī]	کاری؛ جنگجو
~īh :	فعالیت
kark [klk¹ N ~]	کرک (= مرغ خانگی)، ماکیان
karkēhan [klkyhn¹]	کرکهن (= سنگ یمانی)، نوعی کوارتز
karm [klm P kɾm]	عمل

karmīr	kem
karmīr [klmyr]	قرمز، لاکی
kār-nāmag [k ² ln ² mk ¹]	کارنامه، تاریخچه
karr [kl M qr, N ~]	کر
*karzang [klcng M kyrzng, (N xarčang)]	خرچنگ؛ در نجوم: برج سرطان
kas [AYŠ < A 'yš M ks, N ~]	کس، شخص
~iz [-c]	کسی، (با ادات نفی) هیچکس
kāskēn [k ² skyn ¹]	سنگ لاجورد
~(ag) murw [-k ¹ N kāskīna]	کاسکینه / کاسانه (= سبزه)، * کلاغ زاغی
~ēn [-yn ¹]	آبی متمایل به سبز؛ لاجوردی
kāstan, kāh- [k ² stn ¹ , k ² h- N ~]	کاستن، کاهش دادن، کم کردن
~išn :	کاهش، نقصان
kastār [kst ² l]	خطا کار، ویرانگر
~īh :	خطا کاری، ویران سازی
kāstār [k ² st ² l]	کاهش دهنده
kaš [kš N ~]	بغل
kašawag [kšwk ¹ N kašaw]	کشف، لاک پشت
kašk [kšk ¹ N ~]	کشک
kaštīg [kštyk ¹ N kaštī]	کشتی، قایق
*kawādak [kw ² tk ¹]; → kōdak	جوان؛ طفل
¹kay [AYMT < A 'ymt N ~]	کی، چه وقت
²kay [kd N ~]	کی (لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)؛ کیانیان
~ak [-k ¹]	کیک (روحانی دشمن زردشت)
kayk [kdyk ¹ N ~]	کیک (حشره)
kē [MNW < A mn-w M ky, N kī]	که (= چه کسی)، کدام
P keč [kyc = P]	کس، شخص
kēd [kyt ¹ P qydyg]	فالگیر، جادوگر
~īgīh [-ykyh]	فالگیری، پیشگویی
keh [ks M kyh, N ~]	که (تر)، کم (تر)، جوان (تر)
~tar [-tl N ~] = keh .	
kem [kym]; → kam	کمتر، خردتر

kēn

kišw(ān)zār

kēn [kyn¹ | = M, N kīn(a)]

کینه، بدخواهی، انتقام

~īg [-yk¹]

کینه جو، کینه ورز

kennār [kn²l]

بربط، چنگ

~-srāy [-sl²d]

چنگ نواز

kēnwar [kynwl | (M kynw²r), N kīnawar]

کینه ور، کینه جو

~īh:

کینه جویی

kēr [kyl | N ~]

کیر

kēsar [kysl]

قیصر

kēš [kys̄ | = M, N ~]

عقیده دینی، کیش (در مورد غیرزردشتیان)

~-dār [-d²l]

غیرزردشتی، فرقه گرا

kešīdan, keš- [k(y)š-ytn¹ | (M krš-), N kašīdan]

کشیدن، درآوردن

Kēwān [kyw²n¹ | Ar. kaywān]

درنجوم: کیوان

kēwūd [kypwt¹ | M k'ywd]

جعبه، صندوق

kilēl [klyl | (N kilīd)]

کلید

kirb [klp | M kyrb]

تن، قالب

kirbag [krpk¹ | M kyrbg, N kirfa]

کرفه، عمل نیک، ثواب

~īg [-yk¹]

پارسا، بافضیلت

kirbakkar [krpkkl | M kyrbkr]

کرفه گر، نیکوکار

~īh:

نیکوکاری

kirīh- [OBYDWNyh-, → kardan, klyh- | M kyryh-]

کرده شدن، ساخته شدن

kirm [klm | M krm, N ~]

کرم، مار

kirrēnīdan, kirrēn- [klyn-ytn¹]

ساختن؛ آفریدن (اهریمنی)

kirrōg [k(y)hwk¹ | M qrwg]

هنرمند، صنعتگر؛ ماهر، متخصص

~īh:

هنر، صنعت، فن، تخصص

kiš [k(y)š̄ | M kš, N ~]

خط، شیار

kišnīz [kš̄nyc] = gišnīz.

kištan, kār- [ZLYTWN-t¹ < A √ zr²; kyštm¹, k²l-

کشتن؛ شخم زدن، افشاندن

| M kyšt, k²r-, N ~]

kištār [ZLYTWNt²l]

کشت

kišw, ~ān [kyšw¹, -²n¹ | P kyšf²n]

کشت

~(ān)zār [-c²l | (N kištzār)]

کشتزار

kišwar

kūn

kišwar [kyšwl | M kyšwr, N ~]

کشور، اقلیم، سرزمین، قاره

kišwzār, → kišwānzār.

kōb-, → kōftan.

kōdak [kwtk¹ | M qwdk, N ~]

جوان، کوچک؛ کودک

kōf [kwp | = M, N kōh]

کوه، تپه؛ کوهان

~ag [-k¹ | N kōha]

کوهه، زین

~īg [-yk¹ | N kōhī]

کوهی، وحشی

kōftan, kōb- [kwp-tn¹ | N ~]

کوفتن، زدن، خرد کردن

kōr [kwl | M kwr, N ~]

کور

~-dil [-dyl | M -dyl, N ~]

کوردل، اصلاح ناپذیر

kōstan [kwstn¹ | = M, N ~]

کوفتن، زدن

kōš-, → kōxš-.

kōšk [kwšk¹ | N ~]

کوشک، کاخ، خیمه

kō(x)šīdan, kō(x)š- [kw(h)š-ytn¹ | M kwš-ydn, N kōšīdan]

کوشیدن، سعی کردن، ستیز کردن

~išn :

کوشش، ستیز

~išnīg :

کوشا

kōy [kwd | N ~]

کوی، کوچه

kū [AYK < A 'yk | M kw, N kū, ki]

که؛ کجا؛ تا به

~gyāg [N kuǰā]

کجا

~tā :

به طوریکه

kūč(ak) [kwc(k¹) | N kūčak]

کوچک

kūk [kwk¹]

کوچک، کوتاه

kulāčag [kwl²ck¹ | N kulīča]

کلوچه

kulāf [kwl²p̄ | N kulāh]

کلاه، سرپوش

~ak [-k¹] | N ~hak]

کلاهک؛ غلاف

kulang [klnɡ | N ~]

کلنگ

kullag [kwlk¹]

ملخ

kumīg [kwmyk¹]

معدّه

kun-, ~išn, → kardan, kunišn.

kūn [ŠTE < A *št-h; kwn¹ | N ~]

کون، مقعد، نشیمنگاه

kundāg

lipā

kundāg [*kndʰkʰ* | M *qndʰ-*, N *kundā*]

فالگیر، جادوگر

~īh:

جادو، نجوم

kundur [*kwndl* | N ~]

کندر

kunišn [*kwnšnʰ* | M *kwnyšn*]

کنش، عمل

~gar [-*kl* | M -*gr*]

کننده، انجام دهنده

kunjid [*ŠMB* < A *šmšmʰ*; *kwnc(y)tʰ* | N ~]

کنجد

kūn-marz [*kwnmlc*]

لواط؛ لواطگر

kurkum [*kwlkwm*]

زعفران

kurrag [*kwlkʰ* | N ~*a*]

کره اسب، کره الاغ

¹**kust** [*kwstʰ*]

سمت، سوی، ناحیه

²**kust** [*kwstʰ* | Ar. *qušt*]

قسط (گیاهی از تیره زنجبیلیها که ۱۵ گونه دارد)

kustag [*kwstkʰ* | M *kwstg*] = ¹**kust**.

~bed [-*ptʰ*]

فرمانده ناحیه

kustīg [*kwstykʰ* | N ~*ī*]

کستی، کمر بند مقدس

kuštan, **kuš-** [*NKSWN-tnʰ* < A √ *nks*; *kwš-tnʰ* | M *kwšt*, *kwš-*, N ~] کشتن

L

lab [*lp* | M *lb*, N ~]

لب

lābag [*lʰp̄k* | (M *rʰb*), P *lʰb*, N *lāba*]

لابه

lābakkar [*lʰp̄kkl*]

لابه کننده

~īh:

لابه گری

laĵan [*lcnʰ* | N ~]

لجن، گل و لای

larzīdan, **larz-** [*llc- ymʰ* | P *lrz-*, N ~]

لرزیدن، مرتعش شدن

laškar [*lškʰl* | N ~]

لشکر

~īg [-*ykʰ* | N ~*ī*]

لشکری، سرباز

~īgīh:

سربازی

lawzēnag [*hwcyнкʰ* | N ~*īna*] لوزینه (شیرینی که با آرد بادام و شکر تهیه می شود)

***lipī** [*lpyh*]

یک درجه (از قوس)

M

mǎ [<i>AL</i> < <i>A</i> 'l <i>M</i> m', <i>N</i> ma]	نه
~ agar [<i>N</i> magar]	مگر؛ مبادا
mād [<i>AM</i> < <i>A</i> 'm-y, → <i>mādar</i> <i>M</i> m'd]	مادر
¹ mādag [<i>NKB</i> < <i>A</i> nqb: m'tk' (<i>M</i> m'yg), <i>N</i> māda]	ماده
~ ih :	مادگی
² mādag [m'tk' (<i>M</i> m'yg, <i>N</i> māya)]	ماده، مایه
~ ig [-yk']	اساسی
~ war [-wl]	اساسی، مخصوص، مهم
madan [mtn' <i>M</i> mdn]	آمدن
madār [m'tl]	آینده، کسی که می آید
mādar [<i>AMYtl</i> < <i>A</i> 'm-y; m'tl <i>M</i> m'dr, <i>N</i> ~]	مادر
¹ mādayān [m'tgd'n' <i>M</i> m'dy'n]	کتاب
² mādayān [m'tyd'n']	ماهیت، زمینه، هسته؛ اساسی، اصلی؛ صحنه شترنج
mādišt [m'tyšt']	‡ ماده، سفیده یاخته (= پرتوپلاسم)
mādiyān [m'tyg'n <i>N</i> ~]	مادیان
may [my <i>N</i> ~]	مغ، گودال، سوراخ
magas [mks <i>P</i> mgs, <i>N</i> ~]	مگس
~ ī angubēn :	مگس انگبین (زنبور عسل)
magind [mkn'd <i>M</i> mgyn(d)]	سپر، حایل
māh [<i>BYRH</i> < <i>A</i> b-yrh; m'h = <i>M</i> , <i>N</i> ~]	(کره) ماه؛ ماه؛ گاه‌نما؛ دوازدهمین روز ماه
māhīg [m'hyk' <i>M</i> m'hyg, <i>N</i> māhī]	ماهی؛ در نجوم: حوت
māhīgān [<i>BYRH</i> -, m'hyk'n' <i>M</i> m'hyg'n, <i>N</i> māhiyān]	ماه (ماه‌های سال)
mahist [msst', mhst' <i>M</i> mhyst, <i>N</i> ~]	مهیست، بزرگترین
makōg [mkwk' <i>M</i> mkwg, <i>N</i> makō(k)]	مکوک، قایتق
mālīdan [m'lytn' <i>N</i> ~] = muštan .	
man [<i>L</i> < <i>A</i> l-y <i>M</i> mn, <i>N</i> ~]	من، مرا
mān [m'n' = <i>M</i>]	مان، خانه، مسکن
¹ mān- , → māndan .	

mān-

marčābukīh

²mān- [m²n- | = M]

~išn:

زندگی کردن، سکنا گزیدن

جا، مسکن

³mān- [ma²n- | = M, N ~]

مانند بودن

mānag [m²nk¹ | P m²ng]

ذهن، فکر

mānāg [m²n²k¹ | M m²n²g, N mānā]

مانا، مانند، شبیه

~īh:

شباهت، همانندی

mānbān [m²np²n¹]

سگ نگهبان

mānbed [m²npt¹]

صاحبخانه، آقای خانه

mānd [m²nd | = M]

خانه

māndag [m²ndk¹ | M m²ndg, N ~a]

مانده، خسته؛ بی حال؛ تقصیر، گناه

~īh:

ماندگی، خستگی

māndan, ¹mān- [KTLWN-m¹ < A √ ktr | M

ماندن؛ باقی ماندن

m²nd, N ~]; → ^{2,3}mān

mang [mng]

منگ

mānīg [m²nyk¹]

عضو خانه، صاحبخانه

mānistan [KTLWNstn¹] = māndan.

māništ [m²nyšt¹]

مسکن، منزل

~ag [-k¹]

مقیم، مستقر

māns r [m²nsl = Av. māθra-]

مانسر (= کلام مقدس)، افسون

~bar [-bl]

موبد

~spand [-spnd = Av. spānta-]; → māraspand

مانسر سپند (= کلام مقدس)

¹mar [ml | M mr, N ~]

آمار، حساب، عدد؛ رتبه

²mar [ml]

بدکار، تبهکار

mār [m²l | N ~]

مار

mār-, ~išn, → mārđan.

marag [mlk¹]

عدد

mārāg [m²l²k¹]

حساس، دریابنده

Māraspand [m²rspnd | N ~] (= māns^arspand)

مارسپند؛ گاه‌نما: نام

*marčābuk [mlc¹ṗwk¹]

بیست و نهمین روز ماه

~īh:

چابک، شجاع

چابکی، شجاعت

mard

mašk

mard [GBRA < A gbr³; mlt¹ | M m(y)rd, N ~]

مرد

mārdan, mār- [m²l-tn¹]

درک کردن، ملتفت شدن، حس کردن

~išn:

درک

~išnōmand [-šn²wmnd]

دریابنده

mardānag [mlt²nk¹ | N ~a]

مردانه، شجاع

~īh:

مردانگی، شجاعت

mardōm [ANŠWTA < A 'nšwt²; mltwm | M mrdwhm, N mardum]

انسان، بشر، مردم

~īh:

انسانیت، مردمی

mardōm-zādag [mltwm z²tk¹ | N mardum-zād]

مردم‌زاده، بشر

~īh:

مردمی

marg [mlg | M mrg, N ~]

مرگ

~-arzān [-'lc²n¹]

مرگ‌زان، شایسته مرگ

~īh: = marg.

~ōmand [-'wmnd]

فانی

mārīg [m²lyk¹ | M m²ryg-]

افسون، کلام

marw [mlw¹ | M mrw, N ~, (mary)]

گیاه

marz [mlc | M nrz, N ~]

مرز، سرحد؛ در نجوم: قرآن

marzangōš [mlcngwš | N ~]

مرزنگوش

marzīdan, marz- [mlc-ytn¹ | M nrzyst, nrz-]

جفت‌گیری کردن

~išn(īh):

جفت‌گیری، جماع

marz(o)bān [mlcp²n¹ | N ~]

مرزبان، مرزدار

-masāy [-ms²d]

— مسای، — اندازه گرفته شده (پسوند)

mast [mst¹ | = M, N ~]

مست، مدهوش

māst [m²st¹ | N ~]

ماست

mastarg [mstlg | (M mstgrg)]

جمجمه

mastōg [mstwk¹]

مست، مدهوش

~īh:

مستی، مدهوشی

māš [m²š | N ~]

ماش، بنشن

¹mašk [mšk¹ | N ~]

مشک

²mašk [mšk¹ | N maškō]

مشکو، سراپرده، چادر

maškabarzēn

mēnōgīg

~abarzēn [- ² p̄lzyn ¹ M mškb̄r̄zyn]	سراپرده، شاهی
maškīzag [mškyck ¹ N ~a]	مشکیزه، سفره
maxš [mħš]	مگس
may [HS < A ħmr ² ?; mdy M my, N ~]	می
mayān [mdy ² n ¹ M my ² n, N miyān]	میان؛ بین، وسط
~ag [-k ¹ N ~a]	میانه، میانگین
mayān jīg [m̄dy ² ncyk ¹ N miyān jī]	میانجی، واسطه، داور
~īh :	میانجیگری
mayg [KMCA < A qm̄s ² ; mdk ¹ N ~]	ملخ
māyišn [m ² dšn ¹]	جفت‌گیری
māzandar [m ² z-, m ² cndl]	مازندر (دیو بزرگ)، غول
māzanīg [m ² znyk ¹]	(دیو) مازنی
māzdēs̄n [m ² zd(y)sn ¹ M m ² zdys]	مزدیسن، مزداپرست
~īh :	مزدیسنی، مزداپرستی
mazg [mzg (M mgj, N mayz)]	مغز، نخاع
mazgit [mzgt ¹ N ~]	مسجد
mēdyōzarm [mytyw̄kzlm = Av. maidyōi.zarāmaya-]	بهار
mēy [myy P myg, N ~]	میغ، مه
meh [ms M mhy, myh, N ~]	مه (تر)، بزرگ (تر)
mēhan [myhm ¹ N ~]	میهن
mehēnīdan, mehēn- [msyn-ytm ¹]	افزودن، بزرگ کردن
~išn :	افزایش
mehmān [m(²)hm ² n ¹ P myhm ² n, N ~]	میهمان، ساکن؛ پذیرفتنی
~īh :	میهمان‌نوازی؛ سکونت
mehtar [mstl, ms ² tl (< P ms ² dr) N ~]	مهتر، بالغ
~īh :	مهتری
menīdan, men- [myñ-ytm ¹ M mñ-, N man-]	فکر کردن، تصور کردن
~išn :	خوی، منش، نیت
~išnīg :	با ملاحظه، با فکر
mēnōg [mymw̄k M mymw̄g, N mīnō]	آسمانی، مینویی؛ مینو (= روح)
~īg [-yk ¹]	مینوی، روحانی

mēnōg(īg)īh	mizagdārīh
~(īg)īh :	روح، روحانیت
mēnōg-wēn [<i>mynw̄k HZYTWN</i>]	دارای بینش روحانی
~īh :	بینش روحانی
mērag [<i>mylk¹</i>]	مرد جوان، شوهر
mēš [<i>HLLN < A r̄il ?; myš = P, N ~</i>]	میش، گوسفند
mēšag [<i>myšk¹</i>]	ادرار
mēš-sār [<i>myšs¹ N ~</i>]	میش سار (آلت زینتی)
mēwag [<i>mywk¹ M myw, N mēwa</i>]	میوه
mēx [<i>myh P myx, N ~</i>]	میخ، قلاب
~ ī gāh :	میخ‌گاه؛ در نجوم: ستاره قطبی
^{1,2} mēz-, → ¹ mēzišn, mistan.	
mēzd [<i>my(²)zd N mēz</i>]	غذا، نذر، قربانی
~bān [<i>-p²n¹ N ~</i>]	میزبان
¹ mēzišn [<i>myčšn¹</i>]	چشمک، چشم برهم زنی
mih [<i>mt¹</i>]	دروغ، متضاد، مخالف
mihōxt [<i>mywht¹ = Av. miθaoxta-</i>]	دروغ
¹ mihr [<i>mitr¹ M myhr, N ~</i>]	مهر؛ خورشید: گاه‌نما: هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه
² mihr [<i>mitr¹, ...</i>] ~ druxtan:	پیمان، قرارداد؛ پیمان شکستن
³ mihr [<i>mitr¹, ...</i>]	مهر، دوستی
mihrbān [<i>mitr¹p²n¹ P myhrb²n, N ~</i>]	مهربان، یاور
mihr-drōz [<i>mitr¹dlwc</i>] = mihrōdruj.	
mihrōdruj [<i>mitr¹²w-, mitrwk-dlwc = Av. miθrō.drujim</i>]	پیمان‌شکن
~īh :	پیمان‌شکنی
mihr-zan [<i>mitr¹zn¹</i>] = mihrōdruj.	
miĵ(ag) [<i>myc(k¹) N muž(a)</i>]	مژه؛ پلک
miĵūg [<i>myc-, myšwk¹ N mižū</i>]	مشو، عدس
mīr- , → murdan.	
mistan, ²mēz- [<i>mstn¹, myc- N mēzīdan</i>]	ادرار کردن
~išn(īh) :	ادرار، عمل ادرار
mizag [<i>m(y)ck¹ N maza</i>]	مزه
~dārīh [<i>-d²lyh</i>]	چشایی (حس)

mizagōmand

murw-nīš

~ōmand [- ² wmnd]	مزه دار
mīzd [m(y)zd N muzd]	مزد، پاداش، پرداخت
~war [-wbl N -ūr]	مزدور
mizīdan, miz- [myc- ytn ¹ N mazīdan]	مکیدن
*mīznē [m(y)znydy]	شب‌نم، میغ
mōg [mwk ¹]	
mowmard [mgw-mlt ¹ , -gGBRA N muty]	مغ مرد
mōr [mwl N ~]	مور
mōrd [mwlt ¹ N ~]	مورد (گیاه)
mōrwārīd [mwlw ² lyt ¹ M mwrw ² ryd, N ~]	مروارید
*mowbed [mgwpt ¹ N mōbad]	موبد
mōy [mwd M mwy N ~]	موی
mōyag [mwdk ¹ N mōya]	مویه
mōyēn [mwdyn ¹]	مویین
mōz [mwc N ~]	موز (میوه)
mōzag [mwck ¹ N mōza]	موزه، کفش
*mūdāg [mwtk ¹]	خراب، تباه
muy [DKRA < A dql ² N mux]	مُخ، نخل
muhr [mwdl M mwhr, N ~]	مهر
~ag [mwhlk ¹ P mwhrg, N ~a]	مهره، مهره نرد، دانه تسبیح
*muhrišn [mwtlšn ¹]	مدفوع
mulān [mwlt ² n ¹]	شکم (اهریمنی)
P murd [mwlt ¹ P mwrt !]	مرگ
murdan, mīr- [YMYTWN-tn ¹ < A ymwtnw, √ mwt; mwlt ¹ M mwrđ, myr-, N ~]	مردن
murdār [mwrt ² l, mwld ² l N ~]	مردار
murnjēnīdan, murnjēn- [mwlnycyn-ytn ¹]	نابود کردن
murw [mwhv ¹ M mwrw, (N mury)]	مرغ، پرند
murwāg [mwhv ² k ¹ M mwrw ² , N murwā]	مروا، فال
murwīzag [mwhwyck ¹]	مرغک، پرندۀ کوچک
murw-nīš [mwlwnyš]	پیش‌بین، فالگیر

must

namāz burdan

¹must [mwst¹]

ظلم، فشار

²must [mwst¹] = mušt.

³must [mwst¹]

مُست، شکوه

must|-abarmānd [mwst¹²p̄lm²nd]

مهاجم، تجاوزگر

~gar [-kl]

سرکش، ظالم

mustōmand [mwst²wmnd | N mustmand]

گله‌مند، ناشاد

¹mušk [mwšk¹ | N ~]

مُشک

²mušk [mwšk¹ | (N mūš)]

موش

mušt [mwšt¹ | N ~]

مُشت

muštan, māl- [mwšt¹, m²l- | N ~]

مالیدن، رُفتن

N

nab [np | N nawa]

نوه

nabānazdišt [nb²nzdšt¹ = Av. nabānazdišta-]

خویشاوند نزدیک

nāf [n²p̄ | M n²p]

خانواده

~ag [-k¹ | N nāf(a)]

ناف

¹naft [npt¹ | = M, N ~]

نفت؛ مرطوب، نمناک

²naft [npt¹]

پشت، نسل

nahang [nsng]

استان

*nakkīrā [nkyl²y]

ردکنند، منکر

~yīh:

رد، انکار

nāl- [n²l- | P (n²r-), N ~]

نالیدن، شکوه کردن

nam [nm | N ~]

نم

nām [ŠM < A šm; n²m | = M, N ~]

نام، آوازه

namad [nmt¹ | N ~]

نمد

nāmag [MGLTA < A mglt²; n²mk¹ | M n²mg, N nāma]

نامه، کتاب

namak [nmk¹ | M nmyhk, N ~]

نمک

namāz [OSGDE < A sgdh; nm²c | = M, N ~]

تکریم، دعا، نماز

~burdan:

نماز بردن، تعظیم کردن

nām-burdār

nazdīkīh

nām-burdār [*n³m bwl³l* | N ~]

وارث، حافظ نام پدر

nāmčīšt [*n³m-*, *ŠMcšt¹*], (pad)~:

بویژه، مخصوصاً

~īg [*-yk¹*]

مشهور، معروف

nāmīg [*n³myk¹* | N *nāmī*]

نامی، مشهور

~īh:

شهرت

nān [*LHMA* < *A lhm³*; *n³n¹* | = M, N ~]

نان، قوت

nang [*nng* | N ~]

شرم، حیا

nar [*ZKL* < *A zkr; nl* | M *nr*, N ~]

نر، مردانه

nargis [*nlgs* | N ~]

نرگس

nārīg [*n³(y)lyk¹*]

بانو، زن، همسر

narm [*nlm* | M *nrm*, N ~]

نرم، فروتن، متواضع

nasā [*ns³y* | M *n(y)s³h*, N ~]

جسد، مردار

nask [*nsk¹* | N ~]

نسک (هر یک از بخشهای اوستا)

nasrušt(īh) [*nslwšt¹*, *-yh*]

پلیدی، فساد

nastaran [*nstln¹* | N ~]

نسترن، گل دشتی

nawad [90 | N ~]

نود

naxčir [*nhcyl* | M *nhcyhr*, P *nxcyr*, N ~]

نخجیر، شکار، سرگرمی

naxōd [*nhwt¹* | N ~]

نخود

P naxšag [*nhšk¹* | P *nxšg*]

خوب، ظریف

nāxun [*n³hwn¹* | P *nxwn*, N *nāxun*]

ناخن (انگشت)

naxust [*nhwst¹* | M *nxwst*, N ~]

نخست

nay [*KNYA* < *A qny³*; *n³d* | N ~]

نی، نیشکر

nay-, → nīdan.

nāy [*n³d* | M *n³y*, N ~]

نای، فلوت؛ دیرک، واحد طول (= ده پا)

~pazd-:

دمیدن، نواختن (نی)

*nāydāg [*n³ywt³k¹*]

گود، قابل کشتی رانی، گذر نکردنی

nayestān [*KNYAst³n¹* | N ~]

نیستان، نیزار

nāy-srāy [*n³dsl³d*]

نی زن

nazd [*nzd* | = M, N ~]

نزدیک

nazdīk [*nzdyk¹* | = M, N ~]

نزدیک

~īh:

نزدیکی

nazdist

nibēm

nazdist [nzdst¹]

نخست

nāzišn [n³cšn¹ | N nāziš]

۱- نازش، فخر ۲- مهربانی

nāzūk [n³cwk¹ | (M n³zwwg), N ~]

نازک، نرم؛ بی ثبات

nē [LA < A l³ | M ny, N na]

نه، خیر

nēk [nywk¹ | M nyk, N ~]

نیک، زیبا

~ih:

نیکی، کار نیک، مهربانی

nēk-gōhr [nywk gwhl]

نیک گوهر، با فضیلت

~ih:

فضیلت، خوبی

nēkōg [nywkwk¹ | M nyyqww !, N nēkō] = nēk.

nēm [PRG < A plg; nym | = M, N ~]

نیم

~ag [nymk¹ | N ~a]

نیمه، سوی، جهت

~-asp [-³sp] درنجوم: برج قوس نیماسب (اسبی که از کمر به بالا به شکل آدمی است):

~-rōz [-lwc | M -rwc, N ~]

نیمروز، جنوب

~-tan [-m¹ | N ~]

نیمه تن، میان تن

nērang [nyhng | N ~]

نیرنگ، سحر، افسون

nērōg [nyhwk¹ | M nyrwng, N nērō]

نیرو، زور

~ōmand [-³wmind]

نیرومند، زورمند

nēst [LOYT¹ < A l³yty | M nyst, N ~]

نیست

~ih:

نیستی

nēw [TB < A th; nyw¹ | = M, N ~]

نیو (= دلیر)، خوب

~-ardaxšīr [nyw³lthšyl | N nard !]

نرد (بازی)

nēzag [nyck¹ | N nēza]

نیزه

nēzūmān, ~īg [nycwm³n¹, -yk¹ | M nyzwm³n]

تردست، ماهر

~ih:

مهارت، ظرافت

nibard [nplt¹ | N nabard]

نبرد، پیکار، جنگ

~ag [-k¹ | N ~a]

نبرده، باتجربه

nibardīdan, nibard- [nplt-ytn¹ | P nbrd³d]

نبرد کردن، جنگیدن

nibastan, nibay- npstn¹, npd- | M nbst]

خوابیدن، دراز کشیدن

nibāstan, *nibāy- [np³stn¹ | M nb³st, P nb³y-]

تسلیم شدن، زمین نهادن

nibēg [npyk¹ | M nbyg, N niwē]

نبی (= نوشته)، کتاب، کتاب مقدس

nibēm [npdm | (P nbdm-)]

خوابیده، دراز کشیده

nibištan

*nihēb

nibištan, nibēs- [YKTYBWN- <i>m</i> ¹ < A <i>yktbwn</i> , √ <i>ktb</i> ; <i>npštn</i> ¹ M <i>nbyšt, nbys-</i> , N ~]	نوشتن
nīdan, nay- [DB(Y)LWN- <i>m</i> ¹ < A √ <i>dbr</i> M <i>nyydn, ny-</i>]	هدایت کردن
nidom [<i>nytwm</i>]	کمترین، کوچکترین
nifrīdag [<i>nplytk</i> ¹ N <i>nifrīd</i>]	نفرین شده
nifrīn [<i>nplyn</i> ¹ N ~]	نفرین
nigāh [<i>nk²s</i> M <i>ng²h</i> , N ~]	نگاه، توجه
~ dāštan :	نگاه داشتن، مواظب بودن، محافظت کردن
~ kardan :	نگاه کردن
~- dārīh , ~- dārišnīh [- <i>d²l(šn)yh</i> N ~ <i>dārī</i>]	نگاهداری، مواظبت
nigān [<i>nk²n</i> ¹ P <i>ng²n</i>]	مدفون
nigār- [<i>nk²l-</i> M <i>ng²r-</i> , N ~]	نگاشتن، کشیدن، تصویر کردن
~ ag [- <i>k</i> ¹ (M <i>ng²r</i> , N <i>nigār</i>)]	نگاره، پیکر، طرح
nigāstār [<i>nk²st²l</i>]	نگاهداری؛ دفاعی
nigerīdan, niger- [<i>nkyl-ytm</i> ¹ N <i>nigarīdan</i>]	نگریدن، مشاهده کردن
~ išn :	نگرش، ملاحظه
~ išnīg :	معلوم، هویدا
nigēxtan, nigēz- [<i>nkyltm</i> ¹ , <i>nkyc-</i>]	توضیح دادن، شرح دادن
~ išn :	شرح
nigēz [<i>nkyc</i>]	شرح
nigūn [<i>nkwn</i> ¹ N ~]	نگون، وارون
~ īh :	نگونی، ژرفا
~ sār [- <i>s²l</i> M <i>ngwvs²r</i> (P <i>ngvs²r</i>)]	نگونسار
nihādag [<i>nyd²tk</i> ¹ M <i>nyh²dg</i>]	نهاد، اساس
nihādan, nih- [HNHTWN- <i>m</i> ¹ < A <i>hnht</i> , √ <i>nht</i> M <i>nyh²d</i> , <i>nyh-</i> , N ~]	بنا نهادن، گذاشتن، قرار دادن
nihāl [<i>nh²l</i> N ~]	نیال، درخت نونشانده
nihān [<i>nyh²n</i> ¹ N ~]	نیهان، پنهان
~ īg [- <i>yk</i> ¹ N ~ <i>ī</i>]	نیهانی
nihang [<i>nsng</i>]	اندک، کم
* nihēb [<i>nyhyṗ</i> N ~]	ترس، وحشت

nihuftan

*niwēy-

nihuftan, nihumb- [nhwptn¹, nhwmb- | = M, N ~]

نهفتن، پنهان کردن، پوشاندن، برتن کردن

nihumbīdan [nhwmbym¹] = nihuftan.

*nikōhīdan, nikōh- [nkwh-ytm¹ | N ~]

نکوهیدن، نفرین کردن

~išn:

نکوهش

~išnīg:

قابل نکوهش، نفرت‌انگیز

nīl [nyl | N ~]

نیل

nīlōpal [nylw(k)pl | N ~, nīlōfar]

نیلوفر

nimūdan, nimāy- [nmwtm¹, nm²d- | M nmwdn, نشان دادن، نمودن، راهنمایی کردن، nm²y-, N ~]

nirfs- [nlps-]

کاهش دادن، کم کردن

~išn:

کاهش، نقصان

nīrmad [nylmt¹]

بهره، سود

~ōmand [-²wmnd]

پرسود

P nisāg [nys²k¹ | P nys²g]

درخشان، باشکوه

nīš- [nyš- | M nyyš-ydn, J, ~]

دیدن، مشاهده کردن

nišān-, → nišāstan.

nišān [nyš²n¹ | = M, N nīšān]

نشان، علامت

nišast [nšst¹ | N ~]

نشست، گردهم‌آیی

nišastan, nišīn- [YTYBWN-stm¹ < A √ytb; nšstm¹ | M nšst, (nšyy-), N ~]

نشستن

nišāstan, nišān- [YTYBWN-stm¹, -²n-;

نشانیدن، قرار دادن، پی‌افکنیدن، کاشتن

nš²stm¹, nš²n- | M nš²st, (nš²y-), N ~]

nišāyišn [nš²dšn¹ | M nš²y-, → nišāstan]

بنیاد، اساس

nišēb [nšyḫ̄ | N ~]

نشیب؛ در نجوم: حضيض

~īg [-yk¹]

سراشیبی

nišēm [nšdm | M nšym, N ~an]

جا، جایگاه

~ag [-k¹]

منزل، اقامتگاه

nišīn-, → nišastan.

niwāg [nw²k¹ | M nw²g, N nawā]

آهنگ، سرود، نوا

*niwē [nwyk¹ | (N nuwēd)]

نوید

*niwēy-, ~išn, → niwistan.

niwēyēnīdan

ō ham kardan

*niwēyēnīdan [nwykyn-ytn¹] = niwistan.

niwistan, *niwēy- [nwstn¹, nwyd- / nwyk-]

اعلام کردن، خبر دادن

~išn(īh):

خبر

nixwār- [nswb¹l- | M nyxw¹r-]

شتافتن

~išn:

شتاب

niyābag [nyd¹p̄k¹ | M ny¹bg]

درخور، سزاوار، مناسب

~īh:

تناسب

niyāg [nyd¹k¹ | M ny¹g, N niyā]

نیا، جد

niyāyišn [nyd¹dšn¹ | N ~iš]

نیایش، دعا

niyāz [nyd¹c | M ny¹z, N ~]

نیاز، فقر، احتیاج

~ōmand [-¹wmind | N ~mand]

نیازمند

~ōmandīh:

نیازمندی، لزوم

niyōxšidan, niyōxš- [n(y)dwhš-ytn¹ | M nywš-, N niyōšīdan]

نیوشیدن، شنیدن

~išn:

نیوشش

nizār [nz¹l | (P nyz¹wr), N ~]

نزار، کمزور

~īh:

نزاری

nizārīh- [nz¹lyh-]

نزار شدن

nō [TŠA < A tš^c | M nwh, N nuh]

نه (عدد)

nōg [nwk¹ | M nwg, N naw]

نو، تازه

~-rōz [-lwc | N nawrōz]

نوروز

~-zād(ag) [-z¹t(k)¹ | N nawzād]

نوزاد

nohom [nhwm | = M, N ~]

نهم

nōzdah [nwzdh | N ~]

نوزده

nūn [KON < A k'n | M, J nwn]

اکنون

O

ō [OL < A 'l; 'w | M 'w]; → ōh

به، در

~gird āmadan:

گرد آمدن، جمع شدن

~ham kardan:

به هم کردن، جمع کردن

~ham madan :	گرد آمدن؛ به پایان رسیدن
*ōbad-, → ōbastan, *ōftādan.	
ōbārdan, ōbār- [² wp ³ l-t ¹ M ² wb ³ rd]	او باریدن، بلعیدن
ōbastan, *ōbad- [NPLWN-st ¹ < A √ npl; ² wpst ¹ , ² wpt- (→ ōft-,) M ² wbyst, J ² wβst-]	افتادن
*ōftādan, ōft- [² wpt- M ² wpt ³ d, N uft~]	افتادن
ōgār [² wk ³ l]	جزر
ōgārdan, ōgār- [² wk ³ l-t ¹]	بیرون انداختن، دفع کردن
*ōgrā [² wgl ³ y]	افت، پایین رفتگی
ōh [KN < A kn M ² wh]	ایدون، چنین؛ (با فعل، مفهوم تردید را می‌رساند): شاید، ممکن است
Ohrmazd [² whrmzd M ² whrm(y)zd, N Hōrmuzd]	هرمزد؛ در نجوم: مشتری؛ گاه‌نما: اولین روز ماه
-om [-wm = M, N ~]	— ام (پسوند سازندهٔ عدد ترتیبی از پنجم به بعد)
-ōmand [- ² wmind M -wmind, N -mand]	— مند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
*ōrēb(īh) [² wlyp(yh)]	نامیدی
ōrōn [² wlwn ¹ M ² wrwn]	اینجا
az . . . ~ :	از ... تاکنون
ōsān- [² ws ³ n- = M]	فرو افکندن
ōspurdan, ōspar- [² wspl-t ¹]	سپردن (= پایمال کردن)، لگدمال کردن
ōst°, → awest°.	
ōst [² wst ¹]	محکم، قابل اعتماد
ōstīgān [² wstyk ³ n ¹ M hwstyg ³ n, N ustuwān ?]	محکم، قوی، قابل اعتماد، مطمئن
~īh :	پایداری، استحکام
¹ ōš [² wš = M, N bōš]	هوش، فراست
~īh : = ōš.	
² ōš [² wš = M]	مرگ
³ ōš [² wš]	سپیده دم
ōšastar [² wšstl]	مشرق
ōš(e)bām [² wšb ³ m M ² wšyb ³ m]	سپیده دم
ōšmārag [² wšm ³ lk ¹ N šumāra]	آمار، شماره

ōšmurdan

padēx

ōšmurdan, ōšmār-, (ōšmur-) [MNYTWN-tn' < A √mnh; 'wšmwlt'n', 'wšm'l-
| M 'w)šm'r-, N šumurdan, šumār-] حساب کردن، شمردن؛

بررسی کردن، به یاد آوردن، توجه کردن، تصور کردن

~išn:

شمارش؛ بررسی، رسیدگی

ōšmurdīg [ʔwšmwlyk']

شمرده شده (تقویم شمسی)

ōšōmand [ʔwš'wmnd]

فانی

ōšyār [ʔwšd' | N h~]

هوشیار

ōwōn [ʔwgwn' | M 'wn]

چنین، چون

ōy [OLE < A 'l-h | M 'wy, N ~]; (pl. awēšān)

او، آن

*ōyrišt [ʔw(k)ylšt' = Av. awaoirišta-]

اویرشت (نام درجه‌ای از گناه)

ōz [ʔwc]

زور، نیرو

ōzadan, ōzan- [YKTLWN-, YKTLWN-tn' < A yqtlwn, √ qtl; 'wctn'

کشتن

| M 'wzdn, 'wzn-]

ōzōmand [ʔwc'wmnd]

زورمند، نیرومند

P

pa(č)čēn [pcgn']

رونویس

*pa(č)čībāg [pcyḫ'k', PWNc- | N *paḫw]

فریبنده

~īh:

فریب، دورویی

*pa(č)čībāy- [pcyḫ'd-, PWNc-]

فریفتن

pad [PWN, برای *pty | M pd, N pa]

به، در، برای، بوسیله

pad- [pt- | M *pd-]

افتادن

padām [pd'm | (N panām)]

پنام (پارچه‌ای که پیشوایان زردشتی به هنگام مراسم

مذهبی بر دهان می‌بستند)

¹padan, pāy- [NTLWN-tn' < A √ nṛ;

پاییدن، حمایت کردن، نگهداری کردن

p'tn', p'd- | M p'd, p'y-, N pāyīdan]

²padan, pāy- [NTLWN-tn', . . .]

ایستادن، منتظر شدن

pādāšn [p'd'šn' | M p'd'syn, N pādāš]

پاداش، مزد

padēx [ptyhw']

بهره‌مند، کامیاب

~īh :

padēxēnīdan, padēxēn- [ptyhwyn-ytn¹]کامیابی
کامیاب کردن، خوشبخت کردنpādēz [p²tyc | M p²dysz, N pāyēz]

پاییز

pad-gōhr [PWNghwl]

۱- به گوهر آراسته ۲- گوهری (= اصیل)، نجیب‌زاده

pādifrāh [p²tpl²s | M p²dypr²h, N *pādafrāh]

پادفراه، کيفر

padīr-, ~išn: → padīriftan.

padīrag [ptylk¹ | M pdyrg, N padīra]

به سوی، پذیره، در برابر

(ō) ~ madan:

به پذیره آمدن

~īh :

pādīrān [p²igl²n¹]

برخورد، رودرویی

pādīrān(ēn)īdan, pādīrān(ēn)- [p²igl²n(y)n-ytn¹]

عقب مانده، فرونشاندن

padīriftan, padīr- [MKBLWN-tn¹ < A mabl, √qbl; ptgl-ptn¹ | M pdyr-yptn, N padīruftan]

پذیرفتن، قبول کردن

~išn :

¹padisār [ptys²l | N padīsār ?]

پذیرش، قبول

²padisār [ptys²l]

آغاز، اساس

padisāy [pts²d | M pdys²y]

افسار، دهنه

padist [ptst¹ | P pdyst]

به خاطر، به سبب

~(abar) burdan:

عهد، قول، تهدید

padistādan, padist- [ptyst-²tn¹ | (P pdystwd)]

پیمان بستن

padistā(g) [ptyst²k¹ | (M pdyst²w)] = padist.

قول دادن، پیمان بستن

padiš [ptš | M pdyš]

بدان، بدو؛ پسواژه (pad =) به و...

padištān [ptyšt²n¹ | P pdyšt²n]

پا

padišxwar [ptšhwl]

ظرف، کاسه

pādixšā(y) [ŠLYTA < A šlyt²; p²thš²(d) | M p²dxš²y]

پادشاه؛ نیرومند، مقتدر، مجاز

~īh :

pādixšīr [p²thšyl]

پادشاهی، اختیار

pad-nērōg [PWNnyhwk¹]

پیمان، موافقت‌نامه

pad-nigerišn [PWNnkylšn¹]

به نیرو، قوی

pādofrāh [p²twpl²s] = pādifrāh.

به دقت

pad-pānag [PWNp²nk¹]

محافظت شده، مواظبت شده

pādrāzm

pahnāy

P pādrāzm [p²tłcm]

جنگ

pād-rōzag [p²tlwck¹ | M p²drwczg]

روزه‌دار

pād-uzwān [p²t²wzw²n¹]

کتمان‌کننده

~īh:

کتمان

pad-wizēn [PWNwczyn¹]

گزیده، ممتاز

pādyāb [p²ty²p̄ | N ~]

پادایاب (= تطهیر شده)؛ مراسم تطهیر

~īh:

مراسم تطهیر

pādyāwand [p²tyd²wnd | J p²dywnd]

زورمند، نیرومند

~īh:

زور، برتری

pādzahr [p²tzhł | N pā(d)zahr]

پادزهر، تریاق

pad-zyān [PWNzyd²n¹]

زیان‌آور

pafšār- [ppš²l-]

شرمسار کردن

pafšīr- [ppš²yl-]

شرمنده شدن

~išn(īh):

شرم

pah [p²h]

گوسفند

~ast [-st¹]

آغل، طویله

pahikaftan, pahikaf- [ptkp-tn¹ | M
phykf-]

برخورد کردن، حمله بردن، زدن، لمس کردن

~išn:

حمله، پیکار

pahikāftan, pahikāf- [ptk²p̄-tn¹]

جنگ کردن، فرو کوفتن

pahikar [ptkl | M phykr, N paykar]

پیکر، تصویر

pahikār [ptk²l | M phyk²r, N paykār]

پیکار، جنگ، مجادله

¹pahikār- [ptk²l-]

جنگیدن، شکست دادن، مجادله کردن

pahikārdan, ²pahikār- [ptk²l-tn¹]

درخواست کردن، ادعا کردن، رایزنی کردن

pahikōftan, pahikōb- [ptkwp-tn¹]

زدن

pahlawīg [*p²hlwbyk¹ | (M phlw²nyg), N pahlaw(ān)ī]

پارتی؛ پهلوی

pāhlom [p²hlwm]

بهترین، برترین، پیشترین

~īh:

برتری

pahlūg [p²hlwk¹ | N pahlū]

پهلوی، کنار

pahn [p²hn¹ | N ~]

پهن، فراخ

~āy [-²d | N ~ā]

پهنای، فراخی

pahrēxtan

parāhōm

¹pahrēxtan, pahrēz [p²hlyhtn¹, p²hlyc- | M phryz-, J ~, N parhēxtan, parhēz-] پرهیختن، دوری کردن، اجتناب کردن

²pahrēxtan, pahrēz- [p²hlyhtn¹, p²hlyc- | M (phrystn), phryz-] حمایت کردن، مراقبت کردن، مواظبت کردن

pahrēz [p²hlyc | N parhēz]

*pahrmāh- [ptlm²h- | (N parmās-)]

~āgīh [-²kyh], ~išn:

pāk [DKYA < A dky²; p²k¹ | = M, N ~]

~īh:

pākīzag [p²kyck¹ | N ~a]

palang [plng | N ~]

~-mušk [-mwšk¹ | N ~]

pālūdāg [p²lwtk¹ | N ~a] پالوده (خوردنی که از نشاسته پزند و با شربت تند خورند)

pālūdan, pālāy- [p²lwtm¹, p²l²d- | (M p²rwdn, p²r²y-), N ~] پالودن، تصفیه کردن، صاف کردن

pambag [pmbk¹ | N panba]

~ēn [-yn¹]

pānāg [p²n(²)k¹ | M p²ng]

~īh:

panāh [pn²h | = M, N ~]

pad ~ griftan:

~īh:

pand [pnd | = M, N ~]

panīr [pnyl | N ~]

panj [pnc | P pnj, (M pnz), N ~]

~ag [-k¹ | N ~a]

~āh [-²h | N ~]

pānzdah [p²ncdh | M p²nzdah, N ~]

¹pārag [p²lk¹ | N pāra]

²pārag [p²lk¹ | M p²rg, N pāra]

parāhōm [pl²hwm = Av. para.haoma-] پراهوم، نوشیدنی مقدس (مخلوط هوم)، شاخه درخت انار و شیر که در مراسم مذهبی به کار می‌رود

pardag

parwālišn

pardag [pltk¹ | N *parda*]

پرده، حجاب

pardaxtan, pardaz- [pld^htn¹, pldc- | M *prdx*, N~], ~az:

پرداختن از، فارغ شدن از

~ō:

به عهده گرفتن، پرداختن به ...

~išn:

آزادی؛ تعهد

pardāxtan, pardāz- [pld^htn¹, pld^c- | N ~]

پرداختن، به انجام رساندن

~az:

(خود را) آزاد کردن از

pargandan, pargan- [plkn-, plgn-dn¹ | (P *pr^gnd*, N *parāgandan*)]

پراگندن، بخش کردن، توزیع کردن

pargast [plgst¹ | N ~]

پرگست (= مبادا)، خدای ناکرده

pargūd [plgwt¹ | P *prgwdg*], ~az:

رها، خالی از

parīg [plyk¹ | M *pryg*, N *parī*]

پری

parisp [plsp | M *prysp*]

دیوار

paristag [plstk¹ | N *pirista*]

پیشخدمت

~īh:

پرستش، خدمت

paristār [plst¹ | N *parastār*]

پرستار

paristīdan, parist- [plst-ytn¹ | M *pryst-*, N *parastīdan*]

پرستیدن، خدمت کردن

~išn:

پرستش، خدمت

paristōg/k [plstwk¹ | P *prstwg*, N *piristū(k)*]

پرستو

parnagān [plnyk²n¹ | M *prng²n*, N *parniyān*]

پرنیان

parr [pl | M *pr*, N ~]

پر، بال

parrag [plk¹, plg | P *prg*, N ~a]

پر

~īg [-yk¹]

پردار

parrēxtan, parrēz- [plyhtn¹, plyc-]

زاید بودن، زیادی بودن

parrōn [plwn¹ | M *prwn*]

دور، آن سو

parrwar [plwl | M *prwr*]

پردار

pārsīg [p²lsyk¹ | N *pārsī*]

پارسی

parš [plš]

خالدار، لکدار

parwāl [plw²l | (P *prwrz*)]

پروراری، تغذیه

parwāl- [plw²l- | (P *prwrz²dn*)]

پروردن، تغذیه کردن

~išn:

پرورش

parwānag

passandišnīg

parwānag [plw²nk¹ | M prw²ng, N ~a]

پروانه، رهبر

~īh:

پروانگی، پیشوایی، رهبری

parwand [plwnd | N ~]

پروند، حصار، فراگیری

parwand-, → parwastan.

P parwāngāh [*plw²ng²s]

تخت

parwār [plyw²l | N ~]

فروار؛ بارو؛ حومه، اطراف

parwardan, parwar- [plwl-tn¹ | M prwrđn, N~]

تغذیه کردن، پروردن، تعلیم دادن،

پرورش دادن

~išn:

تغذیه، پرورش، تعلیم

parwast [plwst¹]

حصار

parwastan, parwand- [plwstn¹, plwnd-]

احاطه کردن، در میان گرفتن، دربرداشتن،

دارا بودن

parwāz [plw²c | N ~]

پرواز

parzīn [plcyn¹ | M prcyn, J przyn, (N parčīn)]

پرچین، نرده

pas [AHL < A ²hr; BATL < A b-²tr; ps | = M, N ~]

پس، سپس، دنبال

~ az:

پس از

~īh:

عقب

pās [p²s | = M, N ~]

پاس، مواظبت

~dāštan:

پاس داشتن، نگهبانی کردن

pāsbān [p²sp²n¹ | M p²sb²n, N ~]

پاسبان، نگهبان

~īh:

پاسبانی، دفاع

pas-dānišnīh [AHLd²nšnyh]

ناآگاهی، نادانی

pasēmāl [psym²l, → hamēmāl]

مدافع، متهم

~īh:

دفاع (قانونی)

pasēn [psyn¹ | N pasīn]

پسین، آخرین

pāsox [p²shw¹ | N ~] = passox.

passand [psnd | N pasand]

پسند، میل

passandīdan, passand- [psnd-ym¹ | M psynd-, N

پسندیدن، تأیید کردن

pasandīdan]

~išn:

پسند، تأیید

~išnīg:

پسندیدنی

passāxt

pay

passāxt [ps'ht']

آزمون

passāxtan, passāz- [ps'htn', ps'c- | M ps'xt, ps'c-]

آماده کردن، ساختن؛

جا دادن؛ امتحان کردن

~išn:

تدارک، ترکیب

passazag [psck' | M pscg]

درخور، مناسب

~ih:

تناسب

passox [pshw' | M pswx, N pāsux]

پاسخ

past [pst' | N ~]

پست، پایین؛ در نجوم: حضيض

pašēmān [pšym'n' | = M, N ~]

پشیمان، توبه کار

~ih:

پشیمانی، توبه

pašm [pšm | N ~]

پشم

~ēn [-yn' | N ~in]

پشمین

pašn [pšn']

پیمان، موافقت

pāšnag [p'šnk' | N ~a]

پاشنه

pāšom [p(²)šwm]

برترین

paššing [pšng | N pišing]

پشنگ، قطره

paššinĵag [pšnck' | N pišanĵa]

قطره

paššinĵīdan, paššinĵ- [pšnc-yn' | N pišanĵīdan]

پشنجیدن، ترشح کردن

~išn:

ترشح

pašt(ag) [pšt(k)' | J pšt]

پیمان، موافقت، عهد

*pattān [pt'n']

صدا، طنین

~ōmand [-²wmnd]

طنین دار

pattāyīstan [pt²dsm' | = pattūdan.

pattūdan, pattāy- [ptwn', pt²d- | P ptwdn, M pt²y-]

ماندن، دوام آوردن،

باقی ماندن، تاب آوردن

pattūg [ptwk']

بردبار، پرطاعت، با پشتکار

~ih:

بردباری، پشتکار، تحمل

paxšag [phšk' | N paša]

پشه

¹pay [pdy | N ~]

پا؛ جاپا، ردپا

~ī:

پی، دنبال

²pay [pdy | M ppy, N ~]

پی، عصب

pāy

payrōg

pāy [LGLE < A rglh; p²dy | M p²y, N ~] پا، ساق پا؛ پا (واحد طول = ۱۲ اینچ)
1. 2pāy-, → 1. 2 pādan.

payādag [pd²tk¹ | M py²dg, N pīyāda] پیاده، پیاده نظام، پیاده (در بازی شترنج)

pāyag [p²d(y)k¹ | N pāya] اساس، پایه

paydāg [pyt²k¹ | M pyd²g, N paydā] پیدا، آشکار، پدیدار

~ih:

paydāgēnīdan, paydāgēn- [pyt²kyn-ytn¹ | M pyd²gynyd] آشکار ساختن، شرح دادن

paydāgīhistan, paydāgīh- [pyt²kyh-stn¹] آشکار شدن، پیدا شدن

payg [pdk¹ | (P pdg), N ~] پیک، پیاده نظام

*paygāl [pyg²l | N payyāla, piyāla] پیاله، کاسه

~gar [-kl]

پیاله ساز

paygām [pgt²m ! | M pyg²m, N pay(y)ām] پیغام

~bar [-bl | N -bar]

پیغامبر، فرستاده

pāygōs [p²tkws | M p²ygws] استان، ناحیه

paymān [ptm²n¹ | M pym²n, N ~] پیمان؛ دوره، اندازه؛ اعتدال

ō ~ madan:

به سن بلوغ رسیدن

~ag [-k¹ | N ~a]

پیمان، اندازه، دوره

paymānīg [ptm²nyk¹] به اندازه، متعادل

~ih:

اعتدال، اندازه

*pāymār [PKDWN < A pqdwn; p²tym²l] انتصاب، واگذاری

paymāy-, → paymūdan.

paymōg [ptmwg | M pymwg] جامه، لباس

paymōxtan, paymōz- [ptmwhtn¹, ptmwc- | M pymwxt, pymwc-] پوشیدن، دربر کردن

paymōzan [ptmwcn¹ | M pymwcn] جامه، لباس

paymūdan, paymāy- [ptmwtn¹, ptm²d- | N ~] پیمودن، اندازه گرفتن

*pāyram [p²ilm] عامه، مردم

payrāstan, payrāy- [pt-, pyl²stn¹, pyl²d- | M pyr²st, pyr²y-, N pērāstan] آراستن، پیراستن

payrāyag [pyl²dk¹ | M pyr²yg, N pērāya] پیرایه، زینت

payrōg [ptlwk¹] فروغ، روشنی

paywand

pērōzgar

paywand [ptwnd | (M pywn), N ~]

پیوند؛ فرزند

paywand-, → paywastan.

paywāsag [ptw²sk¹]

خرجین، کیف چرمی

paywastag [ptwstk¹ | N ~a]

پیوسته

paywastan, paywand- [ptwstn¹, ptwnd- M pywst, (pywyn-), N ~]

پیوستن، متصل کردن

paywāz- [ptw²c- | M pyw²z-]

پاسخ دادن، جواب دادن

~ag [-k¹], ~išn:

جواب

paz-, → poxtan.

pāzand [p²cnd | N ~]

پازند (تفسیر پهلوی اوستا (= زند) که با حروف اوستایی نوشته شده است)

pazd [pzd | = P]

اذیت، ستم

pazd- [pzd- | = M]

دمیدن، نواختن

pazdagīh [pzdkyh]

اخراج، دفع

pazdēnīdan, pazdēn- [pzdyn-ytn¹ | P pzd-]

ترساندن، تعقیب کردن

pāzen [p²c(y)n¹ | M p²cn, N pāzan]

پازن، بزکوهی

pazūg. [pzwk¹ | (N payūk, xabazdū)]

خبزدو (نوعی سوسک)

~ī gūhgard / gūhward:

سرگین گردانک

pazzāftan [pz²p̄tn | (M pzpt, intr.)]

پزاندن، عمل آوردن

pazzām- [pz²m-]

رسیدن، عمل آمدن

~išn:

رسیدگی (میوه)، عمل آمدگی

pazzāmēnīdan [pz²myn-ytn¹] = pazzāftan.

pēčīdan, pēč- [pyc-ytn¹ | N ~]

پیچیدن، درهم بافتن

pēm [pym]

شیر

pēmēnīdan, pēmēn- [pymyn-ytn¹]

متورم کردن، برآمده کردن

pen [p(y)n¹]

بخیل، پست، خسیس

~īh:

پستی، بخل

pērāmōn [pyl²mwn¹ | M pyr²mwn, N ~mūn]

پیرامون

pērōz [pylwc | M pyr²wz, N ~]

پیروز

~īh:

پیروزی

pērōzgar [pylwckl | N ~]

پیروزگر

pērōzgarīh

pih

~ih :

پیروزگری

pēs [pys | N ~]

پیس؛ پیس دار، خط خط

pēsīdan, pēs- [pys-ytn¹]

زینت کردن، رنگ کردن

~išn :

زینت

pestān [pyst²n¹ | N ~]

پستان

pēš [LOYN¹ < A l-'yn-, pyš | = M, N ~]

پیش

¹pēšag [pyšk¹ | N pēša]

پیشه، بازرگانی؛ رسته، صنف

*pēšag [pyšk¹]

اندام، عضو، بخش

pēšānīg [pyš²nyk¹ | N pēšānī]

پیشانی

pēšār [pyš²l | M pyš²r]

پیشوا، رهبر

~būdan :

گناهکار بودن، مرتکب گناه شدن

pēšār wār [pyš²lw²l, → pēšyār]

ادرار (= عمل ادرار کردن)

pēšēmāl [pyšym²l, → hamēmāl]

مدعی

~ih :

پیگرد

pēšēnīg [pyšy²nyk¹ | (M pyšyn(g), N pēšīna)]

پیشین؛ پیشترین، آزاده

pēš-gāh [gyšg²s | N ~]

پیشگاه؛ تالار حضار

pēš-kār [pyšk²l | N ~]

پیشکار

pēšōbāy [pyš⁽²⁾wp²d | M pyšwb²y, N pēšwā]

پیشوا، رهبر

~ih :

پیشوایی

pēš-pārag [pyšp²lk¹ | N ~a]

پیش پاره، پیش غذا

pēšyār [pyšk²l | N ~]

پیشاب، ادرار

petīt [pytyl¹ = Av. paitita-]

توبه

~īg [-yk¹]

توبه کار

~īgīh :

توبه کاری، تنبّه

petyārag [p(y)tyd²lk¹ = Av. paityāra- | M pty²r, N paityāra]

بدی، بدبختی؛ دشمن؛ در نجوم: پتیاره

~ih :

(حمله) اهریمن

¹pid [AB¹ < A ²b-y; p(y)t¹ | M pyd]

پدر

²pid [p(y)t¹ | (M pyt) P pyd]

گوشت

pidar [ABYtl, → ¹pid; pytl | M pydr, N ~]

پدر

pih [pyhw¹]

خوراک، قوت

p̄h

pūdag

p̄h [TLBA = A trb²; pyh | N ~]

پیه، چربی

p̄l [pyl | M pyl, N ~]

فیل؛ فیل (بازی شترنج)

~bān [-p²n¹ | N ~]

فیلبان

pillagān [plk²n¹ | M pylg, N ~]

پلکان، نردبان

p̄m [pym]

درد، اندوه، محنت

~gēn [-kyn¹]

اندوهگین

p̄r [pyl | N ~]

پیر، مسن، قدیمی

~ih :

پیری

piring [plng | M pryng, (N pirind)]

پرند

pist [pst¹ | N ~]

پست، آرد سرخ شده

pistag [pst¹k¹ | N pista]

پسته

pišiz [pšyc | N ~]

پشیز (سکه کوچک مسی)

pōhišn [pwhšn¹]

زوال، فساد

pōlāwad [pwl²p̄t¹ | M pwl²wd, N pōlād]

فولاد

~ēn [-yn¹]

فولادین

pondik [pndk¹ / Ar. b/fundug]

فندق

pōr [pwl | N ~]

دراج

pōryōtkēš [pwlyw(k)tkyš = Av. paairyō.tkaēša-]

پوریوتکیش، (یکی)

از نخستین آموزگاران دین زردشتی

~ih :

بنا بر سنن نخستین آموزگاران دین رفتار کردن

pōst¹ [pwst¹ | = M, N ~]

پوست، چرم؛ پوست درخت، قشر

~ēn [-yn¹ | N ~m]

پوستین

pōšīdan, pōš- [pwš-yn¹ | N ~]

پوشیدن، در بر کردن، بر تن کردن

~išn :

پوشش

potk [pwtk¹ | N ~]

پتک

poxtan, paz- [APPWN-tn¹ < A √²ph; pwhm¹, pc- | M pwxin, N ~]

پختن،

طبخ کردن

pōy- [pwd- | (P pwd-), N ~]

پویدن، دویدن

~isnīg :

پوینده، دونده

pōz(ag) [pwc(k¹) | N pōz(a)]

پوز / پوزه

pūdag [pwtk¹ | N pūda]

پوده، فاسد، گنده

pūdagīh

rādīh

~īh:

پودگی، فساد

¹puhl [pwhl | N pul]

پل

²puhl [pwhl]

دیه، کفاره؛ کیفر

puhlēnīdan [pwhlynytn¹]

کفاره دادن

purñāy [pwlñ²d = Av. pərənāyu-]

برنا، بالغ

purr [MALE < A mlh; pwl | M pwr, N~]

پُر

~-gāh [-g²s]

مردنی، در حال نزع

~-māh [-m²h]

ماه پر، بدر

purr-marg [-mlg]

پرمرگ، کشنده

~-rawišnīh [-lwbšnyh]

پُری

~-sardag [-stk¹]

پرسرده، دارای انواع گوناگون

~-xwarrah [-GDE]

پُرفره

pursīdan, purs- [pwrś-ytn¹ | M pwrś-ydn, N ~]

پرسیدن

~išn:

پرسش

~išnīg:

مسئول، مطلع

pus [BRE < A br-h; pws | = M, N ~]

پسر

~ar [BREL, pwsr | M pwsr, N ~]

پسر

~yān [pwsd²n¹ | M pwsy²n]

رحم

pušt [pwšt¹ | = M, N ~]

پشت، عقب؛ پستی، حمایت

puštag [pwšt¹k¹]

پشته، باری که بر پشت حمل می شود

puštībān [pwštīkp²n¹ | N ~]

پشتیبان، حامی

~īh:

پشتیبانی، حمایت

R

rabih [lpyh | M rbyh]

ظهر، (گرمای) نیمروز

rad [r¹ | N ~]

رد، پیشوای مذهبی، سرور

~īh:

مقام ردی، سروری

rād [r²t¹ | P r²d, N ~]

راد، بخشنده

~īh:

رادی، بخشندگی

radag

ranǰ

radag [l¹k¹ | M rdg, N rada]

رده، ردیف، رسته

radōmand [l¹ʷmnd]

دارای رد

rad-passāg [l¹ps¹k¹]

مراسم جشنهای گاهنبار

radunay [l¹wny = Av. ratunaya-]

کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است

raftan, raw- [SGY¹TWN-t¹n¹ < A √ sg²; lwb- | M rptn, rw-, N ~]

رفتن، پیش رفتن، حرکت کردن

~išn, → rawišn.

raftār [l¹pt¹l | N ~]

رونده

rag [l¹k¹ | M rg, N ~]

رگ

~īh:

خوی، منش

ray [l¹g̃ | P rg]

تند، زود

rāy [l¹g | N ~]

راغ، دشت

rah [l¹s, l¹h, l¹h̃ | M rh(y)]

گردونه، کالسکه

rah-, → rāstan.

rāh [l¹s | M r¹h, N ~]

راه، جاده

rahag [l¹hk¹ | P rhg = rag.]

rāh-dār [l¹sd¹l | N ~]

راهدار، راهزن

~īh:

راهزنی

rahīg [l¹syk¹, l¹hyk¹ | M rhyg, N rahī]

رهی، بچه، مرد جوان

~īh:

بچهگی

rāh-nimāy [l¹snm¹d | (M r¹hnmwd¹r), N ~numā]

راهنما

rām [l¹m | M r¹m, N ~]

رام (= آرامش): گاهنما: بیست و یکمین روز ماه

ram(ag) [l¹m(k¹) | P rm, N ram(a)]

رمه، گله

rāmēnīdan, rāmēn- [l¹myn-ytn¹ | M r¹myn-]

آرامش بخشیدن، خوشی دادن

rāmišn [l¹mīšn¹ | M r¹mīšn, N rāmiš]

راحتی، آرامش، خوشی

~īg [-yk¹ | N ~išī]

راحت، آسوده

rān [l¹n¹ | N ~]

ران

P rān- [l¹n-]

جنگیدن

randīdan, rand- [l¹nd-ytn¹ | N ~]

رنده کردن، خراشیدن، ساییدن

rang [l¹ng | M rng, N ~]

رنگ، لون

ranǰ [l¹nc | P rnj, (M rnz), N ~]

رنج، زحمت

ranǰag

rāyēnišn

~ag [-k¹ | N ~a]

رنجه

ranǰēnīdan, ranǰēn- [Incyn-ytn¹]

رنجانیدن

ranǰwar [Incwl | (M rnzwr), N ranǰūr]

رنجور، غم زده

rapihwin¹ [lpys-, lpty-pyn¹, -wyn¹ = Av. rapiθβina-]

گاه بعد از ظهر، (یکی از پنج

بخش شبانروز)؛ جنوب

~tar [-t/]

جنوبی

rasan [Isn¹ | N ~]

رسن

rasēnīdan, rasēn- [Isyn-ytn¹]

رسانیدن

rasīdan, ras- [YHMTWN-tn¹ < A yhmṭwn, √ mt²;

رسیدن، کامل شدن

Is-ytn¹ | M rs-ydn N ~]

rāspīg [l²spyk¹]

راسپی (دومین موبد انجام دهنده مراسم دینی)

rāst [l²st¹ | M r²st, N ~]

راست، مستقیم، صریح

~īh:

راستی

rastag [lstk¹ | N rasta]

رده، رسته، سلسله؛ عنصر

rastan, rah- [lsm¹, l(²)h- | N ~]

رستن

rastārīh [l²tyh]

فرار، رهایی

rasūg [lswk¹ | (N rāsū)]

راسو

Rašn [lšn¹ | M ršn, N ~]

رشن (= ایزد عدالت)؛ گاه‌نما: هیجدهمین روز ماه

raštan, *raz- [lštn¹]

رنگ کردن

raw-, → raftan.

rawāg [lwb²k¹ | N rawā]

جاری، رایج

~īh:

جریان، رواج

rawāgēnīdan, rawāgēn- [lwb²kyn-ytn¹]

رواج دادن، به حرکت درآوردن

rawēnīdan, rawēn- [SGYTWNyn-ytn¹, → raftan]

وادار به رفتن کردن، کشاندن

rawišn [lwbšn¹, SGYTWNšn¹, → raftan | N rawiš]

جنبش، حرکت

~īh:

رفتار؛ (به عنوان پسوند، اسم معنی می‌سازد)

rāy [l²d | M r²y, N rā]

برای، به سبب (پسواژه)

rāyēnāg [l²dyn²k¹ | M r²yn²g]

مدیر

rāyēnīdan, rāyēn- [l²dyn-ytn¹ | M r²yn-ydn]، هدایت کردن، رهبری کردن،

ترتیب دادن،

~išn:

متشکل کردن
عمل، وظیفه؛ ترتیب

rāyēnīdārīh

riy-

rāyēnīdārīh [l²dynyt²lyh | M r²ynyd²ryh]

رهبری، سازمان‌دهی، مدیریت

rāyišn [l²dšn¹]

نظم، ترتیب

rāyōmand [l²d²wmnd]

توانگر، دارا

raz [lc, lz | M rz, N ~]

رزه؛ تاکستان

rāz [l²c | M r²z, N ~]

راز، سر

~īg [-yk¹]

سری

rāz-kirrōg [l²c kylwk¹ | M r²z qrwg]

رازیگر، معمار، مهندس

razm [lcm | M rzm, N ~]

رزم

~gāh [-g²s | P -g²h, (M rzm²h), N ~]

رزمگاه

razūr [lcwl | M rzwr]

بیشه

rēbās [lyp²s | N ~]

ریباس

rēdak [lytk¹ | N ~]

ریدک، غلام بچه

rēg [lyk¹ | N ~]

ریگ

rēm [lym | M rym, N ~]

ریم، کثافت، آلودگی

rēman [lymn¹ | M rymn, N ~]

ریمن، کثیف، آلوده

~īh:

ریمنی، کثافت

¹rēš [lyš | N ~]

ریش، زخم

²rēš [lyš | N ~]

ریش (صورت)

rēšag [lyšk¹ | N rēša]

ریشه، بافت

rēšīdan, rēš- [lyš-ytn¹ | N ~]

زخم کردن، مجروح کردن

rēškēn [lyškn¹]

دردناک، مجروح

~īh:

درد، رنجوری

rēxtan, rēz- [lyhtm¹, lyc- | P rxt, M ryz-, N ~]

ریختن، جاری شدن

~išn:

ریزش

rīdan, riy- [lytn¹, ld- | N ~]

ریدن، دفع کردن

rist¹ [lyst | M ryst]

مرده

¹ristag [lystk¹]

جسد

²ristag [lystk¹, N rasta]

راه، روش؛ فرقه

rist-āxēz [lyst²hyc | M ryst²hyz, N ~]

رستاخیز

rištag [l(y)št¹ | N ~a]

رشته، رسن، طناب

riy-, → rīdan.

riyahrīh	rōzēnīdan
riyahrīh [<i>ld³hlyh</i>]	تمسخر، ریشخند
rōb [<i>lwp</i>]	سرقت
rōb- [<i>lwp-</i> N <i>ruftan</i> , ~]	زُفتن، مالیدن
rōbāh [<i>TALE</i> < A <i>t³l³</i> ; <i>lwp³h</i> N ~]	روباه
¹ rōd [<i>lwt¹</i> M <i>rwd</i> , N ~]	رود
² rōd [<i>lwt¹</i> N ~]	رود (آلت موسیقی)
rōd-bār [<i>lwtb³l</i> N ~]	رودبار، ساحل
rōdīg [<i>lwtyk¹</i> (N <i>rōda</i>)]	روده، شکمبه؛ روده‌ای (مربوط به روده)، امعاء (جمع)
rōyn [<i>M(H)ŠYA</i> < A <i>mšh³</i> ; <i>lwkn¹</i> P <i>rwgn</i> , (M <i>rwyyn</i>), N <i>rauyan</i>]	روغن، کره
~ -xwardīg [<i>-hwlytk¹</i>]	شیرینی
rōn [<i>lwn¹</i> M <i>rwn</i>]	سوی، جهت
ō...~ :	به سوی
rōspīg [<i>lwspyk¹</i> N ~ī]	روسپی
~ īh :	روسپیگری
rōstāg [<i>lw(t)st³k¹</i> (P <i>rwdyst³g</i>), N <i>rōstā</i>]	بستر رود؛ روستا، ناحیه
rōšn [<i>lwšn¹</i> M <i>rwšn</i> , N <i>rōšan</i>]	روشنی؛ درخشان، روشن
~ īh :	روشنی
rōšn ag [<i>lwšnk¹</i>]	آشکار، واضح
~ gar [<i>-kl</i> (P <i>-³gr</i> , M <i>-ygr</i>), N <i>-gar</i>]	روشنگر
rōx [<i>lhw¹</i> N ~]	رخ، قلعه (در بازی شترنج)
¹ rōy [<i>lwd</i> M <i>rwy</i> , N ~]	روی، صورت
² rōy [<i>lwd</i> M <i>rwy</i> , N ~]	روی، مس
rōy- , ~ išn , → rustan .	
rōyan [<i>lwdyn¹</i> N ~]	روین، روناس
rōyēn [<i>lwdyn¹</i> M <i>r³wyn</i> , N <i>rōyīn</i>]	رویین، برنجی
rōz [<i>YWM</i> < A <i>ywm</i> ; <i>lwc</i> M <i>rwc z</i> , N ~]	روز
rōzag [<i>lwck¹</i> M <i>rwcg</i> , N <i>rōza</i>]	روزه، روزه‌دار
rōzāg [<i>lwc³k¹</i>]	برق
rōzan [<i>lwcn¹</i> N ~]	روزن
rōz(b)ānag [<i>lwc(p)³nk¹</i>]	
rōzēnīdan , rōzēn- [<i>lwcyn-ytn¹</i> M <i>rwcyn-</i>]	روشن کردن، نورانی کردن

rōzgār

sahistan

rōzgār [lwck²l | N ~]

روزگار

rōzīg [lwcyk¹ | N rōzī]

روزی، خوراک روزانه

rōz-šabān [YWM, lwc šp²n¹ | N šabān(a)rōz]

شبانروز

rōzwārag [lwcw²lk¹]

روزانه، هر روز

rōz-ward [lwcwlt¹]

بی ثبات، ناپایدار

rubūdan, rubāy- [lpwtn¹, lp²d- | M rbwdn, rb²y-, N ~]

ربودن، قاپیدن

rūdan, rūn- [lwt¹, lwn- | (N rūda)]

رودن، کندن

rūrag [lwlk¹]

گیاه، گیاه دارویی

rustan, rōy- [lwstn¹, lwd- | M rwst, rwy-, N ~]

رُستن

~išn:

رویش، رشد

ruwān [lwb²n¹ | M rw²n, N ~]

روان

~īg [-yk¹ | N ~ī]

روانی

ruzd [lwzd | M rwzd, N razd]

حریص،

~īh:

حرص

S

sabuk [spwk¹ | N ~]

آسان، سبک

sabz [spz, sbz | N ~]

سبز، تازه

sad [100 | M sd, N ~]

صد

Sadwēs [stwys | M sdwys]

سدویس (ستاره)

¹sag [KLBA < A klb² | N ~]

سگ

²sag [sk¹]

سنگ

sāg [s²k | P s²g]

عدد

sagēn [skyn¹ | M sygyn]

سنگی

sagr [sgl | N sēr]

سیر، پُر

~īh:

سیری

sahīg [shyk¹ | M shyg, N sahī]

ارزشمند

~īh:

ارزشمندی

sahistan, sah- [MDMEN-stn¹ = A mdmh,

به نظر رسیدن؛ درست به نظر رسیدن

√ dmh | (M shyd), P s²y-]

~išn :	رضایت
sahm [shm = M, N ~]	سهم، ترس، هراس
~gēn [-k(y)n ¹ N ~gīn]	سهمگین، ترسناک
~genīh :	سهمگینی، ترس
sahōg [shwk ¹]	خرگوش صحرايي
sāk [s ² k ¹ (N sāw)]	ساو، باج، خراج
sāl [ŠNT < A šnt (M s ² r), N ~]	سال
-sālag [ŠNTk ¹ , s ² lk ¹ N -sāla]	— ساله (پسوند)
~īh :	— سالگی (پسوند)
sālār [srd ² l M s ² l ² r, s ² r ² r, N ~]	سالار، رهبر
~īh :	سالاری، اقتدار
sālwār [s ² lw ² l]	سالوار، بادوام، ماندنی
sāmān [s ² m ² n = M, N ~]	سامان، مرز
~ōmand [- ² wmnd M -wmnd]	سامانمند، محدود
samōr [smwl N ~]	سمور
sān [s ² n ¹ N ~]	سان (= نوع)، روش
sang [KYPA < A kyp ² ; (به خطا: CCA); sng (P ² sng), N ~]	سنگ، صخره
~sār [-s ² l]	سنگسار، جای سنگی
sanǰ-, → saxtan.	
sanwar [snwl = Av. ōanwar-]	کمان
sar [LOYŠE < A r ² šh; sl M sr, N ~]	سر؛ نوک، قله؛ آخر، آغاز
sarāsar [sl ² sl N ~]	سراسر
sard [sl ¹ M srd, N ~]	سرد
~īh :	سردی
sardag [sltk ¹ = Av. sarəða- (M s ² rg), J srdg]	سرده، نوع، قسم
sardsēr [sltsyl N ~]	سردسیر، مرتفع (زمین)
sārēnīdan, sārēn- [s ² lyn-ym ¹]	تحریک کردن
sargēn [slgyn ¹ N sargīn]	سرگین، کود
sarmāg [slm ² k ¹ N sarmā]	سرما
sarw [slw(b) ¹ M srw, N ~]	سرو

sārwār [s ¹ lw ¹ l]	کلاه خود
sās [s ² s N ~]	ساس
sāstār [s ² st ¹ l P s ² st ¹ r]	فرمانده؛ ستمگر
~īh :	ستمگری
Sawah [sw ² h = Av. sawahī-]	سوه (اقلیم غربی از هفت اقلیم)
saxt [s ⁽²⁾ ht ¹ N ~]	سخت، بسختی، شدید، قوی؛ زیاد
~īh :	زور، سختی
saxtag [shtk ¹ (N saxtiyān)]	سختیان، پوست بز دباغی شده
saxtan, sanj- [s ² htn ¹ , snc- N ~]	سختن، سنجیدن
sāxtan, sāz- [s ² htn ¹ , s ² c- (P s ² c-), N ~]	آماده کردن، ساختن؛ تحمل کردن
sāxtārīh [s ² ht ² lyh]	تحمل، گذشت
saxwan [MRYA < A mly ² ; shwn ¹ M sxwn, N suxan]	سخن، کلام
sāy- , → sūdan .	
sāyag [s ² dk ¹ M s ² yg, N sāya]	سایه، تیرگی
sayistan, say — [ŠKBHWN— tn < A √škb P sy—]	خوابیدن
¹ saz- [sc- M sz-, N ~]	مناسب بودن، در خور بودن، سزیدن
~išn(īh) :	تناسب، شایستگی
² saz-, ~išn, → sazistan .	
sāz- , → sāxtan .	
sazāg [sc ² k N sazā]	در خور، سزا
~īh :	سزاواری، تناسب
~wār [-w ² l N sazāwār] = sazāg	
sazistan, ²saz- [sc-stn ¹]	سپری شدن
~išn :	بی ثباتی، گذرایی
~išnīg :	زودگذر، گذرا، فانی
sē [3; TLTA < A tlt ² M sh, N si]	سه
sēb [syḫ N ~]	سیب
sēj [syč Av. ⁱ 0yejah- N ~]	سیج (= سختی) خطر
~ōmand [- ² wmnd N ~mand]	خطرناک
sel [sl N ~]	سل (= زوبین)، نیزه
sēm [sym N ~] = asēm .	

sēn(ag)	sōr
¹ sēn(ag) [syn(k) ¹ N sīna]	پستان، سینه
² sēn murw [synmwlw (N sīmury)]	سیمرغ
se-pāy [3-p ² d N sipā]	سه پا
sēr, → sagr.	
se-šabag [3-špk ¹]	سه شبه
seyom [3wm N ~]	— سیم (پسوند، در اعداد ترکیبی)
sězd [s(y)zd P syzd, (N sěz [agī?])]	قدرت، ستمگری؛ ستمگر
sēzdah [sycdh M syzdh, N ~]	سیزده
sězdēn [s(y)zdyn ¹ P syzdyn]	قدرتمند، ستمگر
sī [sy]	غاز
sidīg(ar) [styk ¹ , -kl M sdyg, N sidīgar]	سدیگر، سوم
sīh [30 M syh, N sī]	سی
~om [-wm]	سی ام
sik [HLYA < A ḥl ² ; sk N ~]	سک، سرکه
sīsīmbar [sysymb ¹ , -nbl N sīsambar]	سیسنبر (گیاهی از تیره نعناعیان)
*Skandar [swkndl N sikandar] = Aleksandar.	
snāh [sn ² h]	خشونت، زد و خورد، ضربه
sneh [snyh N ~]	اسلحه، گرز
snēxr [snyhl]	برف
snēzag [snyck ¹]	برف
snōy [snwd]	ابر (— بارانی، — برفی)
sōfistā [swkpsr ² k ¹]	سوفسطا
¹ sōg [swk ¹]	سود، فایده، امتیاز
² sōg [swk ¹ N ~]	سوز، سوزش
³ sōg [swk ¹ N sō(y)]	سوی، جهت
sōgand [swknd M swgnd, N saugand]	سوگند
~xwardan:	سوگند خوردن
sōhistan, sōh- [swh-stn ¹]	احساس کردن، لمس کردن
~išn:	احساس، حس
~išnīg:	حساس، مؤثر
sōr [swl]	شور

sōrag	spenāg
~ag [-k ¹]	شوره زار
sōsan [swsn ¹ N ~]	سوسن
Sōšāns [swkš ¹ ns = Av. saošyās]	سوشیانس، نجات بخش (بویژه آخرین نجات بخش که پدیدآورنده فرشگرد است)
sōxtan, sōz- [swhtn ¹ , swc- M swxt, swc-, N ~]	سوختن
~išn :	سوز، سوزش
~išnīg :	سوزان، شعله ور
sōzāg [swc ¹ k ¹ M swc ¹ gyn, N sōzā]	سوزا، سوزان
sōzan [swcn ¹ N ~]	سوزن
spāh [sp ¹ h N sipāh]	سپاه
~bed [-pt ¹ N -bud]	سپهبد، فرمانده
spandān [spnd ¹ n ¹ N sip~]	سپندان، دانه خردل
Spandarmad [spndrmt ¹] N isfandārmud	سپندارمد (= اندیشه مقدس)؛ چهارمین امشاسپند و ایزد نگهبان زمین؛ گاه‌نما: دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه
spar [spl M 'spr, N sipar]	سپر
spar-, → spurdan.	
spās [sp ¹ s M 's-, 'sp ¹ s, N sipās]	سپاس، تشکر، خدمت
spās dāštan, ~ hangārdan :	سپاس داشتن، تشکر کردن
spās-dār [sp ¹ sd ¹ l N sip~]	سپاسگزار، شکرگزار
~īh :	سپاس، سپاسداری
spās -ešnās [sp ¹ sšn ¹ s]	سپاسگزار، شکرگزار
~ōmand [- ¹ wmnd]	شکرگزار، سپاسگزار
spāš [sp ¹ š = Av. θβāša-]	جو، فضا
spaxr [sp ¹ hl M 'spxr, N *siparx]	شادی، شادمانی
spazg [spzgz M 'spgz], N sipazg-	بدگو
~īh :	بدگویی
spēd [spyt ¹ M 'spyd, N sapēd]	سپید
~ag [-k ¹ N -a]	سپیده (تخم مرغ و...)
~bāg [-p ¹ k ¹ N -bā]	سپیدبا، آش ماست
~-dār [-d ¹ l N -dār]	سپیدار
spenāg [sp(y)n ¹ k ¹ = Av. spanta-, cf. gannāg]	مقدس

~mēnōg:	سپندمینو (= مینوی خوب)
spīg [spyk ¹ M 'spyg, (N saprīy)]	۱ - درخشندگی ۲ - جوانه، شاخه
spīhr [spy(y)hl (M 'spyr), N sipīhr]	سپهر، آسمان، فلک، بخت
~īg [-yk ¹]	آسمانی
spin jānagīh [spnc ¹ nkyh]	میهمان‌نوازی
spiš [spyš (N šipiš)]	شپش
Spitāmān [spyt ¹ m ¹ n]	سپیتمان (منسوب به خاندان سپیتمه)
spīz [spyc- M 'spyxtn, 'spyz-]	۱ - درخشیدن ۲ - جوانه زدن
~išn:	۱ - درخشندگی ۲ - جوانه‌زدگی
spōxtan, spōz- [spwhtn ¹ , spwc- M 'spwxt, N sip~]	سپوختن؛ تجاوز کردن، نافرمانی کردن؛ تأخیر کردن، رد کردن
~išn:	رد؛ نافرمانی
spōz [spwc N sipōz]	سپوز، تأخیر؛ نافرمانی
~gār [-k ¹ N ~]	سپوز، نافرمان، تأخیرکننده
sprahm(ag) [splhm(k ¹) M 'sprhm(g), N siparham]	سپرغم، گیاه خوشبو
spul [spwl]	سپرز
spurdan, spar- [spwlt ¹ , spl- N sip~]	سپردن، طی کردن، پایمال کردن
spurrīg [spwlyk ¹ (M 'spwr), N siparī]	سپری، کامل، تمام
~īh:	کمال، تمامی
spurz [*splz P *'spwrz, N sipurz]	سپرز
srat [sl ¹ cf. Ar. sirāt]	نردبان
sraw [slwb ¹]	افسون، کلام
srawēnīdan, srawēn- [slwbyn-ytn ¹]	گزارش کردن، انتشار دادن
sraxtag [slhtk ¹ = Av. sraxti-]	بخش، جهت
srāy [sl ¹ d N sarāy]	سرای، خانه
¹ srāy, ~išn, → srūdan.	
srāyīdan, ² srāy- [sl ¹ d-ytn ¹ = Av. ōrāya-]	حمایت کردن
~išn:	حمایت
srešk [sl(y)šk ¹ (P srsk), N sirišk]	سرشک، اشک
srištan, *srēš- [slštn ¹ P sryš-, N sir~]	سرشتن، آمیختن
srišwadag [slyšwtk ¹ = Av. ōrišwa-]	یک سوم

srōd

stēndag

srōd [shwt¹ | M srwd, N surōd]

سرود

Srōš [shwš¹ | M srwš, N surōš]

سروش (ایزد فرمانبرداری)؛ گاه‌نما: هفدهمین روز ماه

~īg [-yk¹]

فرمانبردار

srū [shwb¹ | N surū(n)]

سرو، شاخ، ناخن، چنگال

srub [sl(w)p | N usrub]

سرب

~ēn [-yn¹]

سربی

srūdan, srāy- [shwt¹, sl²d- | M sr²y-, N sur~]

سرودن، نواختن، آواز خواندن

~išn(īh):

سرایش، سرودخوانی

srūwar [shwbwl]

شاخدار

srūwēn [shwbyn¹]

شاخی

stabr [stpl | M 'stbr, N sitabr]

ستبر، خشن، قوی

~īh:

ستبری؛ نیرو، قدرت

stabrag [stplk¹ | Ar. istabraq]

استبرق

stadan, stān- [YNSBWN-t¹ < A ynsbwn, √ nsb | M 'std, 'st²n-,

ستاندن

N sit~]

staft [stpt¹ | M 'stpt]

استوار، محکم؛ سخت دل، ستمگر؛ زیاد

stahm [sthm | N sitam]

ستم، زور

~ag [-k¹]

ستمگر، قوی

~(ag)īh:

ستم

stambag [sthmbk¹ (-h- < stahm) | M 'stmbg, N sitamba]

ستمگر؛ سرسخت

~īh:

ستم؛ سرسختی

stān-, → stadan.

star [stl] = stārag.

stārag [st²lk¹ | M 'st²rg, N sitāra]

ستاره

stard [st¹lt¹]

گیج، مبهوت، متحیر

~īh:

گیجی، بهت

star-ōšmār, ōšmur [st¹wšm²l, -²wšmw¹l]

ستاره‌شمار، منجم

starwan [stlwn¹ | N sit~]

سترون، عقیم

stāyīdan [st²dym¹ | M 'st²yd, N sit~] = stūdan.

stēy [styk¹ | N sitēy]

ستیغ

stēndag [styndk¹]

ایستاده، پا بر جا

stēr

sūrāg

stēr [styl | N sitēr]

ستیر، سیر (واحد وزن)

stēzag [styck¹ | M 'styz-, N sitēza]

ستیزه، نزاع

stī [sty(y) = Av. sti-]

هستی، وجود

stō [stwb¹ | (P 'stwb, N sutōh)]

ستوه، پریشان

~wīh:

پریشانی

stōr [stwl | P 'stwr, N sutōr]

اسب، ستور؛ چهارپای بزرگ

~bān [-p²n¹ | N -bān]

ستوریان

~gāh [-g²s]

ستورگاه

*stōš [stwš]

سدوش (چهارمین روز پس از مرگ)

stōwēnīdan, stōwēn- [stwbyn-ytn¹]

شکست دادن، غلبه کردن

stōwīh, → stō

stūdan, stāy- [stwn¹, st²d- | M 'stwd, 'st²y~, N sit~]

ستودن

~išn:

ستایش

~išnīg:

ستودنی، قابل ستایش

stūn(ag) [stwn(k)¹ | M 'stwn, N sutūn]

ستون، رکن، دیرک

stūr [stwl]

امین، سرپرست، قیم

~īh:

قیمومت

sturg [stwlg | N suturg]

سترگ، سخت؛ خشن، زمخت

sūd [swt¹ | M swd, N ~]

سود، فایده، امتیاز

sudāb [st²p̄ | N ~]

سداب (نام گیاهی دارویی است)

sūd-abgār [swt²p̄k²l]

پرسود

sūdāg [swtk¹]

غافل، اهمالکار

~īh:

غفلت، اهمالکاری

sūdan, sāy- [swtn¹, s²d- | N ~]

سودن، کوبیدن

sūd(ō)mand [swt(²w)mnd | N sūdmand]

سودمند

suft [swpt¹ | N ~]

سفت، دوش، کتف

suftan, sumb- [swptn¹, swmb- | N ~]

سفتن، سوراخ کردن

sumb [swmb¹ | N ~]

سم

¹sūr [swl | M swr, N ~]

میهمانی، سور

²sūr [swl]

قوی

sūrāg [swl(²)k¹]

سوراخ، نقب

sūrāgīg

šāhān šāh

~īg [-yk ¹]	(حیوانات) سوراخ زی
~ōmand [- ² wmnd]	سوراخدار
sūrāx [swl ² h N ~]	سوراخ
sust [swst ¹ = M, N ~]	سست، تنبل
~īh:	سستی، تنبلی
¹ suš [swš (N štuš)]	شش، ریه
*suš [swš]	درجه‌ای (از کمان)
suxr [swhl N surx]	سرخ
suy [swd M swy-]	گرسنگی
*swahistan, swah- [swh-stn ¹ P swh-]	افسوس خوردن
syā [syd ² (P sy ² w, N siyāh)]	سیاه
~hag [-hk ¹ N -a]	سیاهه، مردمک چشم

Š

šab [LYLYA < A lyl(y) ² ; šp M šb, N ~]	شب
~ag [špk ¹ N ~a]	۱ - شبهه (= سیاه براق)، سنگ معدنی ۲ - ... - شبهه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست: یک شبهه، دو شبهه، ...)
~estān [špst ² n ¹ N ~]	شبهستان، اندرونی
šabīg [špyk ¹ N šabī]	شبی، جامهٔ زیر (مخصوص مراسم مذهبی زردشتی)
šabīxōn [špyhwn ¹ N ~xūn]	شبیخون
šabyār [špy ² l N ~]	شربت انگور
šād [š ² t ¹ M š ² d, N ~]	شاد، خرم
~īh:	شادی، خرمی
šādurwān [š ² t ² whw ² n ¹ N ~]	شادروان، شاه‌نشین؛ استخر، حوض، فواره
šafšēr [špšyl M šfšyr] = šamšēr.	
šagr [šgl M šgr, N šēr]	شیر؛ در نجوم: برج اسد
P šah- [šh- = P]	توانستن، قادر بودن
šāh [MLKA < A mlk ² ; šh M š ² h, N ~]	شاه
~ān šān [MLKAN MLKA N ~]	شاهنشاه

~balūt [šhblwt ¹ N ~]	شاه بلوط
~dānag [-d ² nk ¹ ~dāna]	شاهدانه
~esprahm [-splhm N ~isparam]	شاه اسپرم
šāhīgān [šhyk ² n ¹ M š ² hyg ² n]	کاخ
šahr [štr ¹ M šhr, N ~]	سرزمین، کشور؛ شهر
~estān [MDYNA < A mdyn ² ; štr ¹ st ² n ¹ M šhrst ² n, N ~]	شهرستان؛ پایتخت، شهر (بزرگ)
Šahrevar [štrywr N ~]	شهریور (= شهریاری مطلوب): سومین امشاسپند و نگهبان فلزات؛ گاه‌نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه
šahryār [štr ¹ d ² l M štry ² r, N ~]	شهریار، پادشاه، حاکم
~īh:	شهریاری، سلطنت، حکومت
šāhwār [šhw ² l P š ² hw ² r, N ~]	شاهانه، شاهوار
šakar [škl M šqr, N ~]	شکر
šalwār [štw ² l N ~]	شلوار
šām [š ² m = P, N ~]	شام (زمان و غذای شام)
šambalīdag [šmblytk ¹ N šambalīd, -līla]	شنبلیله
šamšēr [šmšyl N ~]	شمشیر
šan [šn ¹ N ~]	شن، کنف
šānag [š ² nk ¹ N ~a]	۱ - شانه ۲ - دو شاخه ۳ - استخوان شانه
šanēn [šny ² n ¹]	کنفی، شاهدانه‌ای
šarm [šlm M šrm, N ~]	شرم
~gāh [-g ² s N ~]	شرمگاه
~gēn [-k(y)n ¹ N ~gīn]	شرمگین
šasab [šsp (P šhrb)]	ساتراپ، حاکم نواحی در ایران باستان
~īgān [-yk ² n ¹]	ساتراپ‌نشین
šast [60 M šst, N ~]	شصت
šaš [ŠTA < A št M šš, N ~]	شش
šaw-, → šudan.	
*šawāg [šwb ² k ¹]	شیکور، خفاش
šāyendag [š ² dyndk ¹]	ارزشمند، قابل
~īh:	ارزشمندی، قابلیت

šāyistan	šken(n)-
šāyistan, šāy- [š ² d-stn ¹ M š ² y-, N ~]	شایستن، قادر بودن
šāyēd [š ² (d)yr ¹ N šāyad]	شاید، ممکن است
šāzdah [š ² cdh M š ² zdh, N šānzdah]	شانزده
šēb [šyp N ~]	شیب
šēb- [šyp- M šyb, N ~]	تند رفتن؛ پریشان شدن
~āg [- ² k ¹ N ~ā]	چالاک، چست؛ شیبا (= افعی)
~išn:	پریشانی
šēd [šyr ¹ N ~]	شید (= درخشان)؛ (اسب) کنند
*šēdā [šyr ² y]	برکت، سعادت
šēr, → šagr.	
šēwan [šywn ¹ N ~]	شیون
šiftālūg [špt ² lwk ¹ (P šyft 'شیر'), N šaftālū]	شفتالو
šiftēnag [šptynk ¹ (P šyftyn 'شیرین')]	شیرینی
šimšār [šmš ² l N ~]	شمشاد (درخت)
šīr [HLBA < hlb ² ; šyl M šyrr, N ~]	شیر (خوردنی)
šīrēn [šylyn ¹ M šyryn, N ~īn]	شیرین
~īh:	شیرینی، ملاحظ
šišag [šyšk ¹ N šiša]	شیشه، بطری
škaft [škpt ¹] ¹ = škeft; ² .	شکاف
škāftan, škāf- [šk ² p-tm ¹ M 'šk ² pt, N šikāftan]	شکافتن، پاره کردن
škarag [šklk ¹ P 'škr-]	شکره، مرغ شکاری
škarwīdan, škarw- [šklw-ytn ¹ M 'škrw-st, N šikarfīdan]	مردد بودن، لغزیدن، تلوتلو خوردن
škastan, šken(n)- [TBLWN-tm ¹ < A √ tbr; škstn ¹ , škyn- M 'škn-, N šikastan, šikan-]	شکستن
~išn:	شکننده
škēbāg [škyp ² k ¹ P 'škyb-, N šikēbā]	شکیبا
~īh:	شکیبایی
škeft [škyp ¹ P 'škyft, N šigift]	شگفت، فوق العاده؛ سخت؛ زیاد
~īh:	شگفتی؛ سختی؛ مصیبت، مشقت
šken(n)-, ~išn, → škastan.	

ških-

šudan

ških- [škyh- | N šikih-]

شکسته شدن

škōf-, → škuftan.

škōfag [škwpk' | N šukōfa]

شکوفه، گل

škoft [škwpt'] = škeft.

¹škōh [škwh | M 'škwh]

فقیر

~ih:

فقر

²škōh [škwh | N šukōh]

شکوه، وقار؛ ترس

škuftan, škōf- [škwpt-in' | N šukuftan]

شکفتن، گل کردن

šnās-, → šnāxtan.

šnāsag [šn'sk' | P 'šn'sg]

شناسا، فهمیده، آگاه؛ حس

~ih:

شناسایی، آگاهی

šnāxtan, šnās- [šn'htn', šn's- | M 'šn'xtn, 'šn's-, N šin~]

شناختن، تشخیص

دادن

šnāyēnīdan, šnāyēn- [šn'dyn-ytn']

خشنود کردن، احترام کردن

~išn:

خشنودی

šnāyīdan, šnāy- [šn'd-ytn']

احترام کردن، ستودن

~išn:

ستایش، سپاس

šnāz [šn'c | (N šinā(w))]

شنا

šnāzīdan, šnāz- [šn'c-ytn' | M 'šn'z, (N šināw-)]

شنا کردن

šnōhr [šnwhl | M 'šnwhr]

خرسندی، سپاس

šnōmag [šnwmk' | M 'šnwm-]

خرسندی، رضایت

šnōšag [šnwšk' | N šunōša]

شنوسه (= عطسه)

šnūg [šnwk' | M 'šnwg]

زانو

šnūman [šnwmn' = Av. xšnūmaine]

خشنودی

šōn [šwn']

روش، نوع

~īg [-yk']

مرسوم، معمول

šōy-, → šustan.

šōy [šwd | N ~]

شوی، شوهر

~mand [-mnd]

شوهردار

šubān [šp'n' | P šwb'n, N ~]

شبان

šudan, šaw- [OZLWN-in' < A √ 'zl; šwb- | M šwdn, šw-, N ~]

رفتن

šuhr

tagarg

šuhr [šwsl = Av. xšuδra-]

مايع، سيال؛ نطفه

šustan, šōy- [HLLWN-m¹ < A √ ḥll | M šwst, šwy-, N ~]

شستن

šuy [šwd]

گرسنگی

T

¹tā [OD < A 'd | (M d², P t²), N ~]

تا، در حالی که، در ظرف

²tā [t²k¹ | N ~]

همتا، جفت

tab [tp | N ~]

تب

tab-, ~išn, → taftan.

tāb-, ~išn, → tāftan.

tābag [t²p̄k¹ | N tāba]

تابه

tabāh [tp²h | N ~]

تباہ، تلف شده، خراب

~ih:

تباہی، خرابی

tabāhīhistan, tabāhīh- [tp²hyh-stn¹ | J tb²hh-]

تباہ شدن

tabangōg [tpngwk¹ | N tabangō]

تبنگو، صندوق

tabar zad [tplzt¹ | N ~]

تبرزد، نبات

tābestān [t²p̄st²n¹ | N ~]

تابستان

tābīdan [t²p̄ytn¹ | N ~] = tāftan.

tadan, tan- [ttn¹, tn- | N tan-]

تندیدن

tadar(w) [ttl | (N tadarw)]

تذرو

taftan, tab- [tp-m¹]

تفتن؛ درخشیدن

~išn:

گرما، تب

tāftan, tāb- [t²p̄-m¹ | P t²b-, N ~]

تافتن، سوزاندن؛ درخشیدن

~išn:

تابش

taftīg [tptyk¹ | (P tft)]

آتشی، سوزان، تفته

tag [tk¹ | N ~]

تک، حمله

~kardan abar, ō:

حمله بردن

tāg [t²k¹, M t²g | N tā]

تا؛ شاخه، فقره؛ تنها، تک

tagarg [tklg | M tgrg, N ~]

تگرگ

tagīg		tar
tagīg [tkyk ¹]		چابک، قوی
~ih:		سرعت، قدرت، زور
tah [th N ~]		ته
tahm [thm = M, N ~]		تهم، قوی
tāk [t ² k ¹ N ~ شراب]		شاخه
takōk [tkwk ¹ N ~]	تکوک (ظرفی که از طلا یا نقره یا مس بر صورت پرنده یا حیوانی بسازند و در آن شراب خورند)، ظرف آشامیدنی	
talag [tlk ¹ N tala]		تله، دام
~čīn [cyn ¹]		صیاد
tambūr [tm-, tnbwl N ~]		تنبور، عود
~ag [-k ¹]		تنبور (?)
tan [tn ¹ = M, N ~]		تن، شخص
tan-, → tadan.		
*tanāpuhl [tn ² pwhl = Av. tanu.pərəθa- (N tanāfūr)]		تنافور (نام درجه‌ای از گناه)
tan-bahr [tn ¹ b ² hl]		وضعیت جسمی
tand [tnd = P]		ضعیف، سست
~ih:		ضعف، سستی
tan-drust [tn ¹ drw(y)st ¹ = N ~]		تندرست، سالم
~ih:		تندرستی
tang [tng = M, N ~]		تنگ، باریک
~ih:		تنگی؛ پریشانی
tanīg [tn ¹ yk ¹ N tanī]		تنی، جسمی
tanīgard(īg) [tnykrt(yk) ¹ M tnygyrd]		جسمانی، مادی
tanīhā [tn ¹ yh ² M tnyh ² , N tanhā]		تنها
tanōmand [tn ¹ 2wmnd N ~]		جسمانی
~ih:		حالت مادی داشتن
tan-tōhmag [tn ¹ twhmk ¹]		شیره گیاهان
tanuk [tnwk ¹ N ~]		تُنک، تُنک آب
tanūr [tnwl M tnwr, N ~]		تنور
tar [LCDr ¹ < A l-ṣd; tl M tr]		آن سو، از میان، وراء

~kardan, ~menīdan:	خوار شمردن، دشنام دادن
-tar [-tl (M -dr), N ~]	تر (پسوند سازنده صفت تفضیلی)
tār [tʰl M tʰr]	تار، تاریکی
tarāzēnīdan, tarāzēn-	تراز کردن، وزن کردن
[tlʰcyn-ytnʰ]	
tarāzūg [tlʰcwkʰ (P tlʰzwg), N tarāzū]	ترازو، کفه؛ در نجوم: میزان
targ [tlg N ~]	ترک، کلاه خود
targumān [tlgmʰnʰ M trgwmʰn]	ترجمان
tārīg/k [tʰykʰ M tʰryg, N tārīkʰ]	تاریک
~īh:	تاریکی
tarist [tlstʰ] = tar.	
tar-mānīh [tlmʰnyh]	آلوده دامنی
tar-menišn [tlmynʰšnʰ N tarmaništʰ]	آلوده دامن؛ ترمنش، خودسر، متکبر
~īh:	آلوده دامنی؛ ترمنشی، خودسری، تکبر
tarr [tl, (LCDr: به خطا، → tar) N ~]	تر، مرطوب
~ag [tlkʰ N ~a]	تره (= سبزی)
tars [tls M trs, N ~]	ترس، احترام
tarsāg [tlsʰkʰ M trsʰg, N tarsā]	ترسا
tarsāgāh [tlsʰkʰs]	مؤدب، متواضع
~īh:	احترام، تواضع
tarsīdan, tars-	ترسیدن، بیم داشتن
[tls-ytnʰ (M tyrsʰdn), N ~]	
tarwēnīdan, tarwēn-	غلبه کردن، مغلوب کردن
[tlwyn-ytnʰ M trw-]	
tās [tʰs N ~]	تاس (بازی)
tasum [tswm = M]	چهارم
tāšīdan, tāš-	بریدن، تراشیدن؛ آفریدن
[tʰš-ytnʰ]	
taškanag [tʰknkʰ]	لباس زیر
tašt [tʰstʰ N ~]	تشت
tāšt [tʰštʰ]	✱ اطمینان
~īg [-ykʰ]	مطمئن
tāwān [tʰ(d)wʰnʰ N ~]	تاوان، تعهد
taxl [tʰhl (M thr), P txl, N talx]	تلخ
~īh:	تلخی

taxt [<i>tʰhtʰ</i> N ~]	تخت، سریر
~ag [-kʰ N ~a]	تخته، لوح، صفحه (شترنج)
taxtan, taz- [<i>tʰhtmʰ, tc-</i> M <i>txtn, tz-</i>]	جاری شدن، دویدن
~išnīh:	جریان
tāxtan, tāz [<i>tʰhtmʰ, tʰc-</i> M <i>tʰc-</i> , N ~]	تازاندن، روان ساختن؛ تعقیب کردن؛ ریختن
taxt-gāh [<i>tʰhtgʰh</i> N ~]	تخت‌گاه، نیمکت
taz- , ~išnīh, → taxtan.	
tāz , → tāxtan.	
tazāg [<i>tcʰkʰ</i>]	جاری، تازان
tāzānag [<i>tʰcʰnkʰ</i> N <i>tāz(y)āna</i>]	تازیانه
tazēnīdan, tazēn- [<i>tcyn-ytmʰ</i>] = tāxtan.	
tazīdan, taz- [<i>tc-ytmʰ</i>] = taxtan.	
¹ tāzīg [<i>tʰcykʰ</i> N <i>tāzī</i>]	تند، سریع
² Tāzīg [<i>tʰcykʰ</i> N <i>tāzī</i>]	تازی، عرب
tēmār [<i>tymʰl</i> M <i>tymʰr</i> , N ~]	تیمار، غم، اندوه
¹ tērag [<i>tylkʰ</i> N <i>tēra</i>]	تیره، تاریک
² tērag [<i>tylkʰ</i>]	قله، نوک (کوه)
tēx [<i>tyh</i> N <i>tēy</i>]	تیز، تیغ؛ پرتو
¹ tēz [<i>tyc</i> M <i>tyz</i> , N ~]	تیز، تند
~īh:	تیزی، سرعت
² tēz [<i>tyc</i> (P <i>tyj</i>), N ~]	تیز
~īh:	تیزی
* tīdag [<i>tytkʰ</i> (N <i>dīda</i>)]	دیده، مردمک چشم
tigr [<i>HTYA</i> < A <i>ḥtyʰ; tgl</i> M <i>tygr</i> , N <i>tīr</i>]	تیر
* tīhōg [<i>tyhwkʰ</i> N <i>tīhū</i>]	تیهو
<i>tīr</i> , → tīgr.	
Tīr [<i>tyl</i> M <i>tyr</i> , N ~]	تیر (نام ایزدی که با تیشتر اشتباه گرفته می‌شود)؛ در نجوم: عطارد؛ گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه
tis [<i>MNDOM</i> < A <i>nndʰm; ts</i> M, J <i>tys</i>]	چیز، کار
~iz [-c M -yc]	هیچ چیز، نه... اصلاً (با ادات نفی)
tišn [<i>tyšnʰ</i>]	تشنگی

tišnag

tuwānīg

tišnag [tyšnk¹ | M tyšng, N ~a]

تشنه

~ih:

تشنگی

Tištar [tyšt¹ | N ~]

تیشتر؛ در نجوم: شعرای یمانی

tō [LK < A l-k | M tw, N tu]

تو، ترا

*tōf [twp | N tō]

تو (= لا)

tōhm(ag) [twhm(k¹) | M twhm, -g, N tuxm, -a]

تخم؛ دوده، خاندان

tom [t(w)m | M tm, N tam]

تم، تاریکی

-tom [-twm | (M -dwm)]

پسوند سازنده صفت عالی

tōm [twm | (M twhm, N tuxm)]

تخم، دوده

tōrag [twlk¹ | N tōra]

توره، شغال

tōšag [twšk¹ | N tōša]

توشه

tōxtan, tōz- [twhn¹, twc- | M twz-, N ~]

توختن (= جبران کردن)، ادا کردن

~išn:

کفاره، ديه

tōz [twc | N ~]

توز، پوست درخت، پوست

tru(f)š [thv(p)š | (P tryfš), N turš]

ترش

truftag [thwptk¹]

دزدیده؛ روزهای افزوده به آخر سال (= کبیسه)

tuhīg [twhyk¹ | M twhyg, N tuhī]

تهی، بیهوده

~ih:

تهیگی، خلاء

tumbag [twmbk¹ | N ~a]

تنبک

tund [twnd | N ~]

تند، خشن

~ih:

تندی، خشونت

Tūr [twl | N ~]

تور (یکی از دشمنان ایران)، تورانی

~ān [-²n¹ | N ~]

(سرزمین) توران

Turk [twlk¹ | N ~]

ترک

tušt [twšt¹]

خاموش، ساکت

tuwān [twb²n¹ | M tw²n, N ~]

توان، نیرو

~(مصدر +):

می توان، ممکن است

~āg [-²k¹ | N ~a]

توانا، قابل

~gar [-kl | N ~]

توانگر

~garīh:

توانگری، ثروت

~īg [-yk¹]

قابل

tuwānīgīh

uskārdan

~īgīh :

قابلیت، توانایی

~sāmān [-s'm'n']

حد توانایی

tuxšāg [twhš'k' | M twxš'g, N tuxšā]

تخشا، کوشا

~īh :

تخشایی، سعی

tuxšīdan, tuxš- [twhš-ytn' | (M twxš'yst), N ~]

تخشیدن، سعی کردن، کوشیدن

~išn :

سعی، کوشش

U

u- [AP- < A 'p | M 'w-] = ud

(زمانی که با ضمیر متصل می آید، مثلاً: u-š)

ud [W < A w | M 'wd, N u]

و

udrag ['wdlk' = Av. udra-]

گربه آبی

ul [LALA < A l-'l' | M 'wl]

(سوی) بالا

~āmadan :

برخاستن

~īh :

رو به بالا

ul-āmadān [LALA YATWNt'n', 'wl'mt'n']

در نجوم: طالع

*ul-drafs, → xurdruš.

ummēd ['wmyt' | N ~]

امید

~wār [-w'l | N ~]

امیدوار

Urdwahišt ['wrwhšt'] = Ardwhišt.

Urišlīm ['wlyšlym | N ~]

اورشلیم

urmōd ['wlmwt' | (N anrōd)]

امرود، گلابی

*uruspar ['whwspl = Av. uruθβar-]

روده؛ رجم، هسته، عصاره

urwāhm(an) ['wlw'hm(n') | M 'wrw'hm-]

شاد

~īh :

شادی، خوشی، لذت

urwar ['wlwt | M 'wrwr]

گیاه، سبزی

*urwāzistan, urwāz- ['wlw'c- = Av. urwāza-]

خوشحالی کردن، شادی کردن

~išn :

خوشحالی، خشنودی

uskārdan, uskār- ['wsk'l-tn' | J ~, (N sigāl-)]

سگالیدن، فکر کردن، اندیشیدن،

بحث کردن

uskārišnīh

wābarīgān

~išn(īh) :

سگالش، فکر، اندیشه

uspurrīg [ʰws̄p̄wlyk¹] = spurrīg

us(t)ōfrīt [ʰws(t)wplyt¹ = Av. us̄friti-]

استوفرید (= نذر، قربانی)

ušahin [ʰwšhyn¹ = Av. ušahina-]

گاه‌شب (یکی از پنج بخش شبانروز)

ušnūg [ʰwšnwk¹] = šnūg.

uštān [ʰwštʰn¹ = Av. uštāna-]

جان، روان

~īh :

نیروی زندگی

~ōmand [-ʰwmnd]

زنده، جاندار

uštar [GMRA < A gml²; ʰwšt | N uštur]

شتر

~-gāw-palang [ʰwštlgʰpplng | N ~]

شتر گاو پلنگ، زرافه

uzdehīg [ʰwc-, ʰwzdhyk¹ | M ʰwzdh]

تبعید شده؛ بیگانه

~īh :

تبعید

uzdēs [ʰwc-, ʰwzdys | ʰwzdys]

بت

~-parist [-plst¹ | M -pryst]

بت پرست

~-paristišnīh :

بت پرستی

~-zār [-cʰl | M -cʰr]

بتکده

uzēnag [ʰwcyнк¹ | N hazīna]

هزینه، قیمت؛ خروج

uzērin [ʰwz(ʰ)ylyn¹ = Av. uzayeirina-]

گاه عصر (یکی از پنج بخش شبانروز)

uzīdan [ʰwcytn¹ | M ʰwzyd, ʰwzyh-]

خارج شدن

uzmūdan, uz māy- [ʰwzmwtn¹, ʰwzmʰd-]

آزمودن، امتحان کردن، سنجیدن

~išn :

آزمایش

uzumburd [ʰwzmbwlt¹ | N zumurrud]

زمرّد

uzwān [ŠNA < A lšn²; ʰwzwʰn¹ | M ʰzwʰn, (N zabān)]

زبان، بیان

uzwārdan, uzwār- [ʰwzwʰl-tn¹ | M ʰzwʰrdn]

فهمیدن، دانستن

~išn :

فهم؛ هزوارش

W

wābar [wʰp̄l | M wʰbr, (N bāwar)]

باور، ایمان؛ راستی

wābarīgān [wʰp̄lykʰn¹ | M wʰbrygʰn]

راست، قابل اعتماد

wābarīgānīh	wahār
~īh:	اطمینان، اعتماد
wabz [wpc, wpz]	زنبور
wačast [wɕst ¹ = Av. wačas-tašti-]	یک بیت از گاهان
waččag [wɕk ¹ , (ɕk ¹) N bačča]	بچه، طفل، کودک
wad [SLYA < A sry ² ; wt ¹ M wd, N bad]	بد، پلید
~īh:	بدی، پلیدی
wād [w ² t ¹ M w ² d, N bād]	باد، دم، روان؛ گاهنما: نام دومین روز ماه
wadag [wtk ¹]	بد، شریر، مکار
~īh:	بدی، شرارت
wādām [w ² t ² m N bādām]	بادام
wādbān [w ² tp ² n ¹ N bādbān]	بادبان
wad-baxt [wtb ² hr ¹ N badbaxt]	بدبخت
wad-dil [wtɕyl M wɕɕyl, baddil]	بددل، ترسو؛ از روی ترس
wadgarīh [wtgɕyh]	بدکاری، عمل بد
wād-girdag [w ² tɕltk ¹ (N gird-bād)]	گردباد
wad-gōhr [wtgwhl N bad-gauhar]	بدگوهر، بدنژاد
wad-kāmag [wtk ² mk ¹]	بدخواه
~īh:	بدخواهی
wādrang [w ² tɕng N bādrang]	بادرنگ، خیار
~bōy [-bwd N -bōya]	باد رنجبویه
wad -tōhm [wtwɕhm] = wad-gōhr .	
~wāzag [-w ² ɕk ¹ (N gawāža)]	گوازه، دشنام
~xēm [-hym]	بدخیم
waf- [wp- P wf-, (N bāf-)]	بافتن
~išn:	بافت
wafr [wpl M wpr, N barf]	برف
~ēnag [-ynk ¹]	برفینه (نوعی شیرینی است)
waydān [wyt ² n ¹ = Av. waydāna-]	سر (هرمزدی)
wahāg [wh ² k ¹ M wh ² g, N bahā]	بها؛ تجارت، بازرگانی
~burdan:	قیمت کردن، تخمین زدن
wahār [wh ² l, (bh ² l) M wh ² r, N bahār]	بهار

~īg [-yk' | N -ī]

بهار، بهاری

wahīg [ZZLA < A *zmr' (?); whyk' | M whyg, N *bahī] بزغاله؛ درنجوم: برج جدی

wahišt [whšt' | M whyšt, N bihišt]

بهشت

~īg [-yk' | N -ī]

بهشتی

Wahman [whwmn' | M whmn, N bahman] بهمن (= اندیشه نیک)، اولین امشاسپند

و نگهبان چهارپایان؛ گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه

wāhmān [*w-n' = w'hm'n' | M 'w'hm'n, J whm'n, N bahmān] بهمان

Wahrām [wlhl'n', w'hl'm | M whr'm, N bahram] بهرام (= ایزد جنگ)،

پیروزی؛ در نجوم: مریخ؛ گاه‌نما: نام بیستمین روز ماه

ātaxš ī ~:

آتش بهرام (مهمترین آتش زردشتیان)

wak [wk' | N bak]

بک، قورباغه

wālan [w'ln' | (N barzan)]

برزن، محله، انجمن

walg [wlg] = Warg.

wālīdan, wāl- [w'l-ytn' | N bālīdan]

بالیدن، افزودن، پیشرفت کردن

~išn:

بالش، رشد

wāmīdan, wām- [w'm-ytn']

قی کردن

wan [wn' | N bun]

درخت؛ تنه، ساقه

~ ī gurgānīg:

درخت پسته

~ ī was-tōhmag:

درخت بسیار تخمه

wān, ~išn, → wānīdan.

wanafšag [wnpšk' | N bunafša]

بنفشه

Wanand [wnnd]

ونند (ستاره)

wandag [wndk']

بند، طناب

wāng [KALA < A ql'; w'ng | = M, N hāng]

بانگ، صدا

wānīdan, wān- [w'n-ytn' | M w'n-yst]

غلبه کردن، مغلوب کردن، نابود کردن

~išn:

نابودی، غلبه

wanīgar [wnykt]

مسرف

~īh:

اسراف، اتلاف

wany [H(W)BDN < A hwbdn', √'hd | M wny]

تلف شده، از بین رفته

wany(b)ūdīh [HWBDN'bwtyh, -YHWWNtyh | M wny(b)wdyh]

تباهی، خرابی

war [wl | M wr, N bar]

بر، سینه

war

warm

²war [wl]

دریاچه

³war [wl]

ور (= آزمایش ایزدی)، سوگند

⁴war [wl]

حصار، پناه

wār-, → wārīdan.

warāy [wl²g | J br²γ]

کلاغ

waran [wln¹]

آرزو، شهوت

warān [wl²n¹]

بره

wārān [w²l²n¹ | M w²r²n, N bārān]

باران

waranīg [wlnyk¹]

حریص

~īh:

حرص، آز

wārānīg [w²l²nyk¹ | bārānī]

باران، بارانی

warāz [wl²c | N gurāz]

گراز

war-čašm [wlcšm]

چشم بر سینه

ward-, → ¹waštan.

¹wardag [wltk¹ | M wrdg, N barda]

برده، زندانی

~īh:

بردگی

²wardag [wltk¹]

حالت فحلی حیوان مؤنث

~īh:

گرما

*wardānāg [wlt²n²k¹ | N gardanā]

گردنا، سیخ کباب

wardēnīdan, wardēn- [wlty-n-ytn¹ | (N gardānīdan)]

گردانیدن، تغییر دادن،

عوض کردن

wardišn [wlīšn¹ | M wrdyšn, N gardiš]

گردش، تغییر، دگرگونی

~īg [-yk¹]

گذرا، ناپایدار

~(īg)īh:

ناپایداری، بی ثباتی

wardyūn [wltywn¹ | P wrdywn, N gardūn]

گردونه، کالسکه، درشکه

warg [wlg | N barg]

برگ

wārīdan, wār- [w²l-ytn¹ | M w²r-yst, N bārīdan]

باریدن

warišn [wlīšn¹]

رفتار، کردار

¹warm [wlm | N barm]

یاد، خاطر

~ kardan:

از بر کردن، به خاطر سپردن

²warm [wlm | N barm]

آبگیر، استخر

wārom	wāstaryōš
wārom [w ³ hw̄m]	خاطر
warōmand [wl ³ w̄mnd]	مشکوک
~īh:	شک
warr [LBWŠYA < A lbwš ³]	پشم؛ جامه
warrag [KNNa < ?; wl ³ k ¹ M wr̄g, N barra]	بره، قوچ؛ در نجوم: برج حمل
wars [wls]	موی
war-wēzag [wl-w ³ yck ¹] andāxtan:	قرعه کشیدن
¹ warz [wlc M wrz, N barz]	کار، کشاورزی
² warz [wlc M wr̄c z]	قدرت اعجاز، معجزه
³ warz [wlz N gurz]	گرز، چماق
warz-, ~išn, → warzīdan.	
warzāg [wlc ³ k ¹ (N warzāw)]	ورزا، گاو نر
warzāwand [wlc ³ w̄nd M wr̄c ³ w̄ynd]	ورجاوند (= داری قدرت اعجاز)، نیرومند
warz-būm [wlc̄bw̄m]	زمین کشت شده
warzīdan, warz- [wlc-ȳm ¹ N ~]	ورزیدن، کار کردن، عمل کردن؛ کشتن؛ به وجود آوردن
~išn:	کشت، کار
warzīgar [wlc̄ykl M wr̄zygr, N barzīgar]	برزگر، کارگر
was [KBD < A kbyr; ws = M, N bas]	بس، بسیار، فراوان
P wasnād [wsn ³ d = P]	برای، به خاطر
wāspuhr [w ³ spwhl]	مهم، اساسی
wāspuhragān [w ³ spwhlk ³ n ¹]	۱ - خاص، مخصوص ۲ - درباری
~īh:	اختصاص
wassad [wst ¹ N bussad]	بُسد، مرجان
~ēn [-yn ¹ N -īn]	بُسدین، مرجانی
wastar [wstl = Av. wastra-]	جامه، لباس
wastār [wst ¹ N bistār]	خودسر، سرسخت؛ مغرور
~īh:	خودسری؛ غرور
wāstar [w ³ stl]	چراگاه، علوفه
wastarag [wstlg] = wastar.	
wāstaryōš [w ³ stlywš = Av. wāstyō.fšuyant-]	کشاورز

~īh :

was-tōhmag [wstwhmk¹]**was-xwāstag** [KBDhw³stk¹]**wasyār** [wsy(k)²l | N bisyār]**P wāš** [w³š | = P]***wašag** [wšk¹ | N uša?]**waštag** [wštk¹]

~īh :

¹waštan, ward- [wštn¹, wlt- | M wštn, wrd-, N gaštan, gard-]

منحرف شدن؛ تغییر کردن

~išn, → wardišn.

²waštan [wštn¹] = wārīdan.**waštīh** [wštyh] = waštagīh.**wattar** [SLYtl, → wad | M wtr, N hat(t)ar]

بد، بدتر، ناپسند

~īh :

wattom [wtwom]

بدی، تبهکاری

waxr [w³hl | (P wxr-)]

بدترین

¹waxš [whš (M w³xš)]

خمیده، کج

²waxš [whš]

روح

waxš, ~išn, → ^{1.2}waxšīdan.

سود، بهره

waxšendag [whšndk¹ | P wxšyndg]

سوزان، شعله‌ور

waxšgar [whškl]

ریاخوار

¹waxšīdan, waxš- [whš-ytn¹ | P wxš-]

افروختن، سوختن، شعله‌ور شدن

²waxšīdan, waxš- [whš-ytn¹]

افزودن، بالیدن

~išn :

رشد

waxšīg [whšyk¹]

روحانی

waxšwar [whšwl | N waxšūr]

و خشور، پیغامبر

~īh :

پیغامبری

P wāxtan, wāž- [w³htn¹, w³c- | P w³xtn, w³c-]

حرف زدن، گفتن

¹way [w³d = Av. way-]

پرنده

²way [w³d = Av. wayu- | P wyw]

هوا، جو

way ī wattar

wēhmīh

~ ī wattar :

وای بدتر (دیو)

~ ī weh :

وای به (ایزد)

wāy [w³d | M w³y, N ~]

اندوه

¹wāy- [w³d- | M w³y-]

پرواز کردن

~endag [-(y)ndk¹ | J w//β³ynd³]

پرنده

wāyīdan, ²wāy- [w³d-ytn¹]

وزیدن (باد)

wayōdagān [wydwtk³n¹ | M *wywdg³n, N bayōgān(ī)]

بیوگانی، عروسی، جشن

waz-, ~išn(īg), → wazīdan.

wāz [w³c | = M, (N bāj)]

سخن، کلام؛ باژ (دعای قبل از غذا)

~griftan :

باژ گرفتن (= دعا خواندن)

^{1,2}wāz-, ~išn, → ^{1,2}wāzīdan.

P wāž-, → wāxtan.

wāzag [w³ck¹]

گفته، سخن

wazay [wzy | N ~, bazay]

وزغ

wāzār [w³c³l | M w³c³r-, N bāzār]

بازار

wāzāragān [w³c³lk³n¹ | M w³c³rg³n, N bāzārgān]

بازرگان

~īh :

بازرگانی، تجارت

wazīdan, waz- [wc-ytn¹ P wz-, N ~]

وزیدن (باد)، حرکت کردن

~išn :

وزش

~išnīg :

متحرک

¹wāzīdan, wāz- [w³c-ytn¹]

حرکت دادن، راندن؛ پرواز کردن

~išn :

پرواز

²wāzīdan, wāz- [w³c-ytn¹ | N bāzīdan]

بازی کردن، تفریح کردن

-wāzīg [-w³cyk¹ | N -bāz]

— بازیگر

wazr [wzl] = ³warz.

wēd [wyt¹ | N bēd]

بید

weh [ŠPYL < A špyr; wyh | M why, wyh, N bih]

به (= بهتر)، خوب

~īh :

خوبی

~-dēn [-dyn¹ | N bih-dīn]

بهدین، دین زردشتی

wēhm [*wyyhm | M wylm]

وسیع، پهن، فراخ

~īh :

پهنا، فراخی

wēm

widārdan

wēm [wym | = P]

صخره

wēmār [wym^ʔl | M wym^ʔr, N bēmār]

بیمار، مریض

~īh :

بیماری

wēn [wyn^ʔ]

دم

wēn-, ~išn(īg), → dīdan.

wēnāb [wyn^ʔp̄ | N bīnāb]

بیناب، دید

~dāg [-d^ʔk^ʔ, t^ʔk^ʔ]

پدیدار

wēnāg [wyn^ʔk^ʔ | M wyn^ʔg, N bīnā]

بینا

~īh :

بینایی، بینش

wēnīg [wynyk^ʔ | M wynyg, N bīnī]

بینی

wēnōg [wynwk^ʔ | N bunū]

بنو (= عدس)

wēš [wyš | =M, N bēš]

بیش، بیشتر

wēšag [wyšk^ʔ | N bēša]

بیشه، جنگل

~estān [-st^ʔn^ʔ]

بیشه‌زار

~īg [-yk^ʔ]

جنگلی

wēwag [wdpk^ʔ | N bēwa]

بیوه

¹wēxtan, wēz- [NSHWN-in^ʔ < A √ nsḫ; wyhtn^ʔ, wyc- | P wyxt-, N bēxtan, bēz-]

بیختن، گزیدن، انتخاب کردن، تصفیه کردن، پاک کردن، جدا کردن، غربال کردن

~išn :

گزینش

²wēxtan, wēz- [wyhtn^ʔ, wyc-]

افکندن، تاب دادن، چرخاندن، ریختن

wēzag [w^ʔyck^ʔ]

قرعه

Wīdadafš [wydtpš = Av. wīdadafšū-] ویددافش (اقلیم جنوب غربی از هفت اقلیم)

widang [wīng | P wdng]

زحمت، سختی، مشقت

widār [wt^ʔl | N gudār]

گذار، گذر

widarag [wtlg | M wdr, N gudār]

گذر، راه

widardan, wider- [wtlt^ʔ, wt(y)l- | M wd(y)r-, N gudār-] گذشتن، عبور کردن،

مردن

~išn(īh) :

گذر، گذشت، مرگ

~išnīg :

گذرا

widārdan, widār- [wt^ʔl-t^ʔn^ʔ | M wyd^ʔr-, N gudārdan] گذاردن، حمل کردن؛ تاب

آوردن، تحمل کردن

widārīdan

wimuštan

widārīdan [wt²lytn¹] = widārdan.

widaštan [wtštn¹ | N guḍaštan] = widardan.

widāxtan, widāz- [wt²htm¹, wt²c- | (P wd²c-), N gudāxtan, gudāz-] گدازاندن،
حل کردن

widāzīhistan, widāzīh- [wt²cyh-stn¹]

گداختن، حل شدن

wider-, ~išn(īg, -īh), → widardan.

widerān [wt(y)l²n¹ | N guḍarān]

گذران، مردنی

widest [wt(y)st¹ | N bidast]

بدست، وجب (= نه اینچ)

~īg [-yk¹]

بدستی، وجبی، به اندازه وجب؛ کوتاه قد

widimās [wtym²s | (M wyd²m²s)]

شگفتی، اعجاز

~īg [-yk¹]

شگفت‌انگیز

~īh:

معجزه

widimušt [wtymwšt | M wd(y)mwšt]

شگفت‌زده

~īh:

شگفتی

*wīdwar [wytwl]

خرسند، متوکل

~īh:

خرسندی، توکل، تسلی

wiftag [wyp²k¹]

مفعول بودن

wigrād [wgl²t¹ | N bīdār]

بیدار، زرتنگ

wigrādan, wigrās- [wgl²tn¹, wgl²- | M wygr²d, wygr²s-]

بیدار شدن، برخاستن

~išn(īh):

بیداری

wih-, → wistan.

wihān(ag) [wh²n(k)¹, (b-) | M wh²ng, N bahāna]

بهانه (= سبب)، علت

wihēz- [wyhyc- | M whyz-]

حرکت کردن، پیشروی کردن

wihēz(ag) [wyhyc(k¹)]

پیشروی، حرکت

~agīg [-yk¹]

متحرک؛ اندرگاهی (= کیسه)

wihīr- [whyl- | (M whwr-)]

تغییر کردن

~išn:

تغییر

wimand [wymnd | = M]

حد، سامان، مرز

~īg, ~ōmand [-yk¹, -²wmnd]

سامانمند، محدود

*wimēhgēn [wmyhkn¹ | M wymyh-]

* خوش ترکیب

wimuštan [wymwšt¹ | M wynurz- (< P)]

خراب کردن، نابود کردن

win

wished

win [wn ¹]	ون (نام سازی است)
wināh [wn ² s M wyn ² h, N gunāh]	گناه، جرم
wināhgār [wn ² sk ² l M wn ² hg ² r, (N gunāhkār)]	گناهکار
~īh :	گناهکاری
wināhīdan, wināh- [wn ² s-ytn ¹ M wyn ² h-]	تباه کردن، صدمه زدن، خراب کردن
~išn :	تباهی، صدمه، خرابی
winastag [wnstk ¹]	خراب، فاسد
windādan, wind- [HŠKHWN-tn ¹ < A hškḥ, √ škḥ; wnd ² tn ¹ M wynd ² d, wynd-]	یافتن، به دست آوردن، کسب کردن
~išn :	درآمد، کسب
~išnīg :	یافتنی
winjīšk [wncšk ¹ N gunjīšk, binjīšk]	گنجشک
win(n)ārdan, win(n)ār- [wyn ² l-tn ¹ M wyn ² r-dn]	آراستن، مرتب کردن، منظم کردن
~išn :	آرایش، نظم
win(n)irdan [wynltn ¹ M wynyrdn]	ترتیب یافتن، منظم شدن؛ ماندن
¹ wīr [wyl M wyyr]	پهلوان، مرد
² wīr [wyl M wyr-, N bīr]	ذهن، یاد
³ wīr [wyl N bīr]	بیر، رعد
wirāstan, wirāy- , (P wirāz-)	ترتیب دادن، آماده کردن، پیراستن، آباد کردن
[wyl ² stn, wyl ² d-, (wl ² c-) M wyr ² st, wyr ² y-, (P wyr ² št, wyr ² z-)]	
~išn(īh) :	آرایش، ترتیب
wirēg [wlyk ¹ N gurēy]	گریز، فرار
wirēxtan, wirēz- [OLYKWN-tn ¹ < A √ 'rq; wlyhtn ¹ , wlyc- P wryxt, N gurēxtan, gurēz-]	گریختن، فرار کردن
wīrōmandīh [wyl ² wnindyh M wyrwmindy]	یاد
wirōzag [*whwck ¹ (P wrwc)]	برق
wis [wys = M]	ده
wisāndan, wisān- [ws ² n-dn ¹]	جدا کردن
~išn(īh) :	جدایی
wisāy- [ws ² d- M wys ² y-]	آسودن
wisbed [wyspt ¹ M wysbyd]	رئیس ده، کدخدا

wisē

wišōbišn

wisē [wsydy | (P *wsyd*), N *gusē*]

گسی، گسیل

~kardan:

گسیل کردن، فرستادن

wisistan, wisin(n)- [wsstn¹, wsyn- | N *gusistan*, (*gusil-*)]

گسستن، پاره کردن

wisp [wsp | M *wysp*]

هر، همه

wispurdan, *wispar- [wšpwlt¹]

به پای سپردن، پایمال کردن

wīst [20; wyst¹ | = M, N *bīst*]

بیست

wistan, *wih- [šDYTWN-t¹ < A √ šdh; wstn¹]

افکندن، پرتاب کردن

wistar(ag) [wstl(g) | N *bistar*]

بستر، پوشش

wistardan, wistar- [wstl-t¹ | N *gustardan*]

گسترده

wistāx [wst¹hw¹ | M *wyst¹h*, N *gustāx*, *bistāx*]

گستاخ، معتمد

~īh:

گستاخی، اعتماد

wiš [w(y)š | M *wyš*, N *guš*]

زهر، سم، زرداب

wišād [šLYTWNt¹, wš¹t¹ | M *wš¹d*, N *gušād*]

گشاده، رها، باز

wišādan, *wišāy- [šLYTWN-t¹ < A √ šrh; wš¹tn¹ |

گشادن، باز کردن، آزاد کردن

M *wyš¹dn*, (*wyš¹h-*), N *gušādan*, *gušāy-*]

wišād-dar [šLYTWNt¹ BBA]

میهمان‌نواز، گشاده در

wišād-dwārišnīh [wš¹t¹ dwb¹lšnyh]

بدون کستی یا شبی راه رفتن

wišān- [wš¹n- | = P]

تکاندن، فروریختن

*wišāy-, → wišādan.

wiškar [wškl | N *bišgar(d)*]

بشگرد (= شکارگاه)، صحرا

wiškīdan, wiškin(n)- [wškytn¹, wškn-]

بخش کردن، جدا کردن

~išn:

جدایی

wiškōfag [wškwpk¹ | N *biškōfa*]

بشکوفه (= شکوفه)

wiškuftan, wiškōf- [wškwpt¹ | J *gwškwftn*, *gwškwβ-*]

شکفتن؛ از تخم درآمدن

wišōb-, ~išn(īg), → wišuftan.

wišōmand [wš¹wmnd]

زهردار، سمی

wišūdāg [wšwtk¹ | (M *ghwdg*)]

سقط شده، موجود اهریمنی

wišūdan [wšwt¹]

زادن (اهریمنی)

wišuftan, wišōb- [wšwp-t¹ | M *wšwb-*, N **gušuftan*]

آشفتن، بر هم زدن، ویران

کردن

~išn:

خرابی

wišōbišnīg

wizend

~išnīg:

*wixšay- [whšd-]

~išn(īh):

~išnīg:

¹wiyābān [w(y)d'p'n' | P wy'b'n, N bīābān]

²wiyābān [wyd'p'n']

~īh:

wiyābānēnīdan, wiyābānēn- [wyd'p'nyn-ytn']

wiyābān | garīh [wyd'p'nklyh]

~īg [-yk']

wiyāftan, *wiyāb- [wd'p'm' | M wy'b-]

wiyān [wyd'n' | M wy'n, N giyān]

wiyōz- [wydwc-]

*wiyufs- [wdwps-]

~išn:

~išnīg:

wizandag [wzndk']

wizandīdan, wizand- [wznd-ytn']

~išn:

wizār [wc'l | M wc'r]

wizārdan, wizār- [wc'l-t'n' | M wyc'rd, wyc'r-, J bz'rd-, N guzārdan]

شرح دادن، تفسیر کردن؛ گزاردن، اجرا کردن، رستگار شدن

~išn:

wizārd-wars [wc'lt' wls]

Wizarš [wyzlš]

wizāyīdan, wizāy- [wyz'd-ytn', wyz'd- | M wyz'y-, N guzāy-]

آسیب رساندن، زیان رساندن، صدمه زدن

~išn:

~išnīg:

wizēn [wcyn' | N guzīn]

wizend [wz(y)nd | M wzynd, N guzand]

گزین، انتخاب

گزند، آسیب، صدمه

خراب شدنی

بخشاییدن، گذشت کردن

گذشت، شکیبایی

با گذشت، شکیب

بیابان

گمراه، سرگردان؛ فریب خورده

گمراهی، فریب

گمراه کردن، فریفتن

فریب

سرگردان، گمراه، مغشوش

باز کردن (دهان)

چادر

باز کردن، شل کردن

شادی کردن

شادی

شاد

لرزه

تکان خوردن، لرزیدن

لرزش

جدایی؛ توضیح، شرح

جدا کردن؛

شرح دادن، تفسیر کردن؛ گزاردن، اجرا کردن، رستگار شدن

تصمیم، گزیر؛ رستگاری

با موی دو تا

وژرش (نام دیو)

آسیب رساندن،

زیان رساندن، صدمه زدن

صدمه، زیان

صدمه زننده، زیان آور

گزین، انتخاب

گزند، آسیب، صدمه

wizēngar

xāk

wizēngar [wcyngl] گزیننده؛ انتخابی

wizīdan-, wizīn [wcytn¹, wcyng- | M wcyd, N guzīdan, guzīn-] انتخاب کردن،

گزیدن، ترجیح دادن، تمیز دادن

wizīhīdan, wizīh- [w(y)cyh-tm¹] جدا شدن

~išn(īh): جدایی؛ پگاه

wizīn-, → wizīdan.

wizīr [wcyrl] گزیر، تصمیم، داوری

wizīristan, wizīr- [wcyrl-stm¹ | J bzyr-, N guzīr-] صرف نظر کردن، اجتناب کردن

~išnīg: اجتناب پذیر

wizistan [wcystm¹ | M wcyst] آموختن

wizōstan, wizōh/y- [wcywstm¹, wcywd- | (J bzwb-, N pižōhīdan)] پژوهیدن،

رسیدگی کردن

~išn: پژوهش

wizūdan [wcywmtm¹] = wizāyīdan.

wizurd [wcywlt¹] راست، معتبر، واقعی

~īh: راستی، اعتبار

Wōrūbaršt [w²wkhwblšt¹ = Av. wouru.barāštī-] وروبرشت (نام اقلیم شمال غربی

از هفت اقلیم)

Wōrūjarst [w²wkhwclšt¹ = Av. wouru.jarāštī-] وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی

از هفت اقلیم)

wurrōyistan, wurrōy- [HYMNN-sm¹ < A hymn, √ 'mn | M گرویدن؛ گزیدن

wrrwyst, (wrrw-), J *brwy-, grww-, N brw-, girawīdan]

~išn [wbrwšt¹] گوش، ایمان

wuzurg [LBA < A rb²; wc(w)lg | M wzrg, N buzurg] بزرگ، عظیم

~īh: بزرگی، اندازه

wuzurg-framādār [LBA plm²t²l] بزرگ فرمدار، نخست وزیر

X

xāk [APLA < A 'pr²; h²k¹ | N ~]

خاک، زمین

xām [<i>h³m</i> N ~]	خام، نارس
xāmīz [<i>h³myc</i> N ~]	خامیز (= گوشت نمک سود)
xāmōš [<i>h³mwš</i> N ~]	خاموش
¹xān [<i>h³n¹</i> P <i>x³n</i> , N ~]	خانه
~ ud mān :	خان و مان، مسکن
²xān [<i>h³n¹</i> P <i>x³n</i>]	خان، چشمه
xānag [<i>BYTA</i> < A <i>byt³</i> ; <i>h³nk¹</i> N <i>xāna</i>] = ¹xān .	
xandīdan, xand- [<i>*GHBHWN-ym¹</i> < A √ <i>ghk</i> , یا √ <i>*qhqh</i> ; <i>hnd-ym¹</i> (M <i>xnyst</i>), N ~]	خندیدن
xānīg [<i>h³nyk¹</i> M <i>x³nyg</i> , N <i>xānī</i>] = ²xān .	
xar [<i>HMRA</i> < A <i>hmr³</i> ; <i>hl</i> N ~]	خر، الاغ
xār [<i>h³l</i> M <i>x³r</i> , N ~]	خار
xar-buz [<i>hlbwc</i> M <i>xrbwz</i>]	خربز (= بز ماده)
xar-gōš [<i>hlgwš</i> N ~]	خرگوش
xārōmand [<i>h³l³wmnd</i>]	خاردار
xār-pušt [<i>h³lpwšt¹</i> N ~]	خارپشت، جوجه تیغی
xastan [<i>hstn¹</i> M <i>xst</i> , N ~]	آسیب رساندن، خستن، مجروح کردن
xašēn [<i>hšyn¹</i> N <i>xašīn</i>]	خشن، کبود
xāyag [<i>h³d(y)k¹</i> N <i>xāya</i>]	خایه، تخم
~- dēs [- <i>dys</i>]	تخم مرغی شکل، بیضوی
xayūg [<i>h(³)dwk¹</i> N <i>xayū</i>]	خیو، آب دهان
xaz [<i>hz</i> N ~]	خز
xēm [<i>hym</i>]	خیم، طبیعت
xēšm [<i>²yšm, hšm</i> M <i>xyšm</i> , N <i>xīšm</i>]	خشم؛ دیو خشم
~- ēn [- <i>yn¹</i> M <i>-yn</i>]	خشمگین
xīg [<i>ZKYA</i> < A <i>zq³</i> N <i>xī(k)</i>]	خیک
xīndag [<i>hyndk¹</i> M <i>xyndg</i>]	بیمار، مریض
~- īh :	بیماری، مرض
xīr [<i>CBW¹</i> < A <i>šbw</i> ; <i>hyl</i> M <i>xyr</i>]	چیز، کار
xīrs [<i>hls</i> N ~]	خرس
xišt [<i>hšt¹</i> (P <i>hyštyg</i>), N ~]	خشت

xōg

xwāh-

xōg [hwk¹ | N xwk, xōy]

خوی، خیم، طبیعت، منش

xōn [DMYA < A dm²; hwn¹ | M xwn, N xūn]

خون

xormā [Tᵛ < A tmryn; hwlm²k¹ | N ~]

خرما

xrad [hlt¹ | M xrd, N xirad]

خرد، عقل

~īg, ~ōmand [-yk¹, -²wmnd | N -mand]

خردمند

xrafstar [hlpstl = Av. xrafstra-]

حیوان موزی، حشره زیانکار

xrīdan, xrīn- [ZBNN-tn¹ < A √zbn | M xryd, xryn-, N xarīdan, (xar-)] خریدن

xrōhak [hlwhk¹ | N ~]

خروهک، مرجان

xrōs [DYLKA < A dkr²; hlws | P xrws, N xurōs]

خروس

xrōstan [hlwstn¹ | M xrwst]

خروشیدن، خواندن

xūb [hwp | M xwb, N ~]

خوب

~īh:

خوبی

xuftan, xufs- [HLMWN-tn¹ < A √hlm; hwptn¹, hwps- | M xwpt, N خفتن

xuftan, xusp-]

xumb [hwmb¹ | M xwmb, N ~]

خُم، کوزه

xunak [hwnk¹ | M xwnk, N xunuk]

خوشا! خنک!

xurdruš [hwldlwš, -dlpš = Av. xrwidruš] خونین نیزه (لقب دیو خشم که بعدها به غلط به «* برافراشته درفش» تفسیر شده است)

xwāb [hw²b | N ~]

خواب

xwābar [hw²pl | M xw²br]

نیکوکار، مهربان

~īg [-yk¹]

نافع

~īh:

احسان، نیکوکاری

xwad [BNPŠE < A b-npš-h; hwt¹ | M xwd, N ~]

خود؛ براستی

~īh:

خودی، عصاره

xwadāy [hwt²y | M xwd²y, N xudāy]

سرور، خدا

~īh:

سروری، فرمانروایی

~wār [-w²l]

خدایوار، آقاوار

xwad-dōšag [hwtdwšk¹]

خودخواه

~īh:

خودخواهی

xwah [AHTE < A ²hth | N ~]

خواهر

^{1, 2}xwāh-, ~išn, → xwastan, xwāstan.

xwahaṛ [AHTEl, → xwah ; hw ² hl (M xw ² r), N xwāḥar]	خواهر
xwahl [hw ² hl (M xwhr), N ~]	خوהל، خمیده، منحنی
xwā(h)rīh [hw ² (h)lyh M xw ² ryy]	شادی، خوشبختی، سعادت
xwālist [hw ² lyst ¹ (M xw ² ryst)]	مطبوع‌ترین، شیرین‌ترین
xwamn [hw ² mn ¹ , hmn ¹ M xwmn]	خواب، رؤیا
~wizār [-wc ² l]	خواب‌گزار
xwān [hw ² n ¹ M xw ² n, N ~]	خوان، سفره، سینی
xwandan, xwān- [KRYTWN-, KLYTWN-m ¹ < A √qr ² M xwnd, xw ² n-, N xwāndan]	احضار کردن، خواندن
Xwanirah [hw ² nyls = Av. x ² aniraθa-]	خونیره (نام اقلیم مرکزی از هفت اقلیم)
¹ xwar [hw ² l M xwr, N ~]	خور (= خورشید)؛ گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه
² xwar [hw ² l = Av. x ² ara-]	خور (نام درجه‌ای از گناه)
xwar- , ~išn, → xwardan .	
¹ xwār [hw ² l M xw ² r; N ~]	آسان، سبک؛ خوار، فرومایه
~īh:	آسانی ← xwāhrīh
² xwār [hw ² l M xw ² r]	خوراک
xwār- , ~išn, → xwārīdan .	
xwaran [hw ² ln ¹ M xwrn]	میهمانی، ضیافت
xwarāsān [hw ² l ² s ² n ¹ M xwr ² s ² n, N ~]	طلوع (خورشید)، مشرق
xwār-bār [hw ² lb ² l M xw ² r w b ² r, N ~]	خواربار
xwardan, xwar- [OŠTEN-m ¹ < A ² šth, √šth; hw ² ln ¹ M xwr ² dn, xwr-, N ~]	خوردن، مصرف کردن
~išn:	خورش
~išīng:	خوردنی
~išnīh:	خوراک، خورش
xwardār [hw ² l ² l]	خوردنی (شرعی)
xwardīg [hw ² lyk ¹ M xwr ² dyg, N ~ī]	خوردی، خوراک
xwārēn [hw ² lyn ¹]	خوردنی
xwārēn- [hw ² lyn-]	خوراندن، نوشاندن؛ غذا دادن؛ آبیاری کردن
xwarg [hw ² lg J xw ² wrg]	خُل، گُل آتش
xwārīdan, xwār- [hw ² l-ytn ¹]	آشامیدن

~išn:	آشامیدنی، شربت
xwarōfrān [hwl(ʰ)wplʰnʰ M xwrwprʰn]	غروب (خورشید)، مغرب
xwarrah [GDE < A gdh (M prh, N farr)]	فره، شکوه، خوشبختی
~ōmand [-ʰwmnd]	با شکوه، خوشبخت
xwaršēd, → xwarxšēd.	
xwārtar [hwʰtl]	(گناه) سبک
xwarwarān [hwlwlʰnʰ, -blʰnʰ] = xwarōfrān.	
xwar(x)šēd [hwl(h)šyrʰ M xwrxšyd, N xuršēd]	خورشید
xwāstag [NKSYA < A nksyʰ; hwʰstkʰ M xwʰstg, N ~a]	خواستہ، ثروت
~ōmand [-ʰwmnd]	ثروتمند
xwastan, ʰxwāh- [(Y)PLHWN-inʰ < A √ plh; hwstnʰ, hwʰd- J xwh-, N xwast]	پایمال کردن، خستن؛ کوفتن، لگدمال کردن
~išn:	لگدمال
xwāstan, ʰxwāh- [BOYHWN-stnʰ < A √ bʰy; hwʰstnʰ, hwʰd- M xwʰstn, xwʰh-, N ~]	خواستن، آرزو کردن، جستجو کردن؛ جلب کردن، کسب کردن
~išn:	خواهش، آرزو
xwastūg [hwstwkʰ N xustū]	خستو، معترف
~īh:	خستویی، ایمان، باور
xwaš [BSYM < A bsym; hwš M xwš, N ~]	خوش، شیرین، زیبا
~īh:	خوشی، لذت
xwēd [hwyrʰ M xwyd, N ~]	خوید، تر
~īh:	خویدی، تری
xwēdōdah [hwyrw(k)ds, -dʰtʰ = Av. xʰaēt-wadaθa-]	خویدوده (= ازدواج با نزدیکان)
xwēn-āhan [hw(y)nʰsynʰ = Av. xʰaēna- (ayah-)]	خماهن، سنگ آهن
xwēš [NPŠE < A npš-h; hwyš M xwy(b)š. N ~]	خویش
~īh:	خویشی، تملک
~āwand [hwyšʰwnd N ~]	خویشاوند
xwēšēnīdan, xwēšēn- [hwyšyn-ymʰ]	از آن خویش کردن، به خود اختصاص دادن
xwēš-kār [hwyškʰl]	وظیفه شناس
~īh:	وظیفه شناسی
xwēš-tan [NPŠE mʰ N ~]	خویشان

xwēy

yōjdaḡgarīh

xwēy [hwyd | N xway]

خوی، عرق

xwīstan [hwystn¹]

خوی ریختن، عرق کردن

xwurd [hwlt¹ | N ~]

خرد، کوچک

xwurdag [hwltk¹ | N ~a]

خرده؛ جزیی، در نجوم: خانه ماه؛ قسمتی از پای اسب
(از میج پا تا استخوان سم)

~īh :

خردی، کوچکی

Y

P yad [yr¹ | P yd]

تا؛ به طوری که

yak, → ēk.

yākand [y²knd, -nt¹ | P y²kwnd, N ~]

یاکند، یاقوت

yāl [yl | N ~]

یل، پهلوان

yāsaman [y²smn¹ | N ~]

یاسمن

yask [ysk¹ | = M]

بیماری، مرض

yasn [ysn¹ | = M]

ستایش، پرستش

yašt [yšt¹ | = M]

پرستش، دعا

yaštan, yaz- [YDBHWN-in¹ < A ydbḥwn, √dbḥ; yštn¹, yc- | M yz-]

پرستیدن، جشن گرفتن، سرودن

~išn :

پرستش

yāt [y²t¹ = Av. yāta-]

یات (نام درجه‌ای از گناه)

P yāwēd(ān) [y²wyt(ān)¹ | P. y²wyd(ān)]

جاویدان، همیشگی

yaz-, ~išn, → yaštan.

yazad [yzd¹ | M yzd, N īzad, yazd]

ایزد، خدا

yāzdah [y²cdh | M y²zdah, N ~]

یازده

yazadān [yzd²n¹] (pl.)

ایزدان، مینوها

yōjdaḡr [ywšd²sl | M ywšdḡr]

پاک، مقدس

~īh :

پاکی، تقدس

yōjdaḡgar [ywšd²slkl]

پاک‌کننده

~īh :

پاک‌سازی، تقدیس

yōz

zamestān

yōz [ywc | N ~]

یوزپلنگ

Z

zādag [z'rk' | M z'dg, N zāda]

زاده؛ بچه

zadan, zan- [MHYTWN-tm' < A √ mħ'; ztn', zn- | M zdn, zn- N ~]

زدن، تنبیه کردن، ضربه زدن، کوفتن

~išn:

آزار، ضربه

zādan, zāy- [LYDWN-tm' < A √ yld; z'tn' | M z'd, z'y-, N ~]

زادن؛ زاده شدن

~išn:

زایش

~išnīg:

زاده، هستی یافته، جانور (بطور کلی)

zadār [zr'l]

زننده؛ نابودکننده، مخرب

zadūg [zrwk' | (N žad)]

ژد، صمغ

zafar [zpl | N ~]

زفر (دهان اهریمنی)

*zahā [zh'(k')]

گودی

zahābag [zh'p'k' | N zahāb]

زهاب، چشمه

¹zahag [zhk', (z'hk')] | M zhg, N zah]

زه (= بچه)، فرزند

²zāhag [z'hk']

عنصر (آب، آتش، هوا، خاک)

zahagōmand [zhk'wmnd]

آبستن، حامله

zahār [zh'l | N ~]

زهار، آلت تناسلی مرد و زن

*zahīh [zhyh] = zahā.

zahr [z'hl | M zhr, N ~]

زهر، سم

zahrag [z(')hlk' | N ~a]

زهرا، صفرا

zalūg [zhwk' | N zalū]

زالو

zam [zm | P zmg]

زمستان

zamān [ODNA < A 'dn'; zm'n', zmn' | M zm'n, N ~]

زمان، ساعت

~ag [zm'nk'] = zamān.

*zamānīg [zm'nyk']

زمانی (= مزمان)

zāmēnīdan, zāmēn- [z'myn-ytn' | M z'myn-]

فرستادن، هدایت کردن

zamestān [zmst'n' | (M dmyst'n), N ~]

زمستان

zamīg

zarr

zamīg [z-, zmyk¹ | M zmyg, N zamī]

زمی، زمین

~īg [-yk¹]

خاکی، زمینی

~-paymānīh [-ptm¹nyh]

هندسه

zāmyād [*z¹md¹t¹ (zām-yazd? = z¹myzdt¹ شده) | M z¹my¹d, N ~]

زامیاد؛ گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه

zan [NYŠE < A nšh; zn¹ | = M, N ~ (pl. -ān, -īn)]

زن، همسر

zan-, ~išn, → zadan.

¹zand [znd | N ~]

زند، تفسیر، توضیح

²zand [znd | = M]

ناحیه، قبیله

zandag [zndk¹ | N zanda]

ژنده، بزرگ، عظیم

zandbed [zndpt¹ | M zndbyd]

رئیس ناحیه، قبیله

zandīk [zndyk¹ | N ~]

زندیق، مانوی

~īh:

زندیقی

zang [zng]

ساق پا، قوزک پا

zangīg [zngyk¹ | N zangī]

زنگی، سیاه

zanjīr [zncyl | (P zyncyhr), N ~]

زنجیر

zānūg [z¹nwk¹ | P z¹nwg, N zānū]

زانو

zard [zlt¹ | N ~]

زرد

~īh:

زردی

zardag [zltk¹ | N zarda]

زرده (تخم مرغ)

zardak [zltk¹ | N ~]

زردک

zard|-ālūg [zlt¹lwk¹ | N ~ū]

زردآلو

~čōbag [-cwpk¹ | N ~čōba]

زردچوبه

Zardu(x)št [zltw(h)št¹ | (M zrdwšt), N Zardušt]

زردشت

zargōn [zlgwn¹ | P zrgwng, N zaryūn]

زرگون، سبز، تازه

~īh:

زرگونی

zarīg [zlyk¹ | M zryg]

زاری، اندوه

~ōmand [-¹wmnd]

اندوهگین، غمگین

zarmān [zlm¹n¹ | M zrm¹n-, N ~]

مرد پیر؛ پیری، فرتوتی

~īh:

پیری

zarr [ZHBA < A zḥb¹; DHBA < A dḥb¹ | M zr-, N ~]

زر

zarrēn

zišt

~ēn [ZHB^Ayn¹, zlyn¹ | M zryn; N ~īn]

زرین

~(ī)gar [zlykl | N ~gar]

زرگر

zarwān [zhwp³n¹ | P zrw³n]

پیری

zastan, zāy- [zstn¹, z(³)d-]

خواستن، تقاضا کردن

zaxm [ztm, z³hm | (P jxm), N ~]

زخم

zay [zyd̄y = Av. zaya-]

اسلحه، ابزار

zāy-, → zastan.

zāy-, ~išn(īg), → zādan.

zāyč(ag) [z³yc(k¹) | N zāyča]

زایچه

zāyistan [z³dstn¹] = zastan.

zayt [zyr¹]

زیتون

zāz [z³z | = M, (N žāž)]

ژاژ، علف هرز

*zēfān [zyp³n¹ | (N zīf)]

بد، نادرست

¹zēn [zyn¹ | = M]

زره، اسلحه

²zēn [zyn¹ | N zīn]

زین

zēn-abzār [zyn³p̄c³l | N zīnafzār]

زین افزار

zēnāwand [zyn³wnd]

زرنگ، زیرک

zēndān [zynd³n¹ | = M, N zindān]

زندان

~bān [-p³n¹ | N -bān]

زندانبان

~īg [-yk¹ | N -ī]

زندانی

zēnēnīdan, zēnēn- [zynyn-ytn¹]

مراقبت کردن، حفظ کردن

zēnhār [zynh³l | N zinhār]

زنهار، پشتیبانی، حمایت

zēnīg [zynyk¹]

مسلح

*zibāl [zb³l | N zībāl]

زیبال (= حیوان تندرو: اسب و...)

zīh [zyh | N zih]

زه

zīndag [zy(w)ndk¹ | M zyndg, N zinda]

زنده، دارای زندگی

~īh:

زندگی

zīndakkar [zywndkkl | M zyndkr]

زنده کننده، حیات بخش

zīnēnīdan, zīnēn- [zynyn-ytn¹]

آسیب رساندن، صدمه زدن

zīrak [zylk¹ | M zyr, N ~]

زیرک، عاقل

zīstan, → zīwistan.

zišt [zyšt¹ | = P, N ~]

زشت، نفرت انگیز

zīwēnīdan , zīwēn- [zywyn-yin ¹ M zywyn-]	زنده کردن، حیات بخشیدن
zī(wi)stan , zī(w)- [zyw-stn ¹ M zywystn, zyw-, N zīstan]	زیستن
zī(w)išn [zywšn ¹ M zyyšn]	زندگی؛ گذران
~īh:	زندگی، زنده بودن
~ōmand [- ² wmnd]	زنده، دارای زندگی
ziyānag [zyd ² nk ¹]	زن جوان
zīyišn , → zī(w)išn .	
zofāy [zwp ² d M zwp ² y]	گود؛ گودی
*~īh:	گودی
zofr [zwp ¹ l M zwwpr, J zwrf, (N žarf)]	ژرف
~āy [- ² d]	ژرفا
~-pāyag [-p ² dyk ¹]	ژرف پایه
zōhr [zwhl M zwhr]	زوهر (آب پاک، آب مقدس)، نذر
zōr [z(²)wl M zwr, N ~]	زور، نیرو
~īg, ~ōmand [-yk ¹ , - ² wmnd M -mnd, N ~mand]	زورمند، نیرومند
zōt [zwt ¹ = Av. zaotar-]	زوت (موبدی که در مراسم مذهبی برخی از امور تشریفاتی را بر عهده دارد)
~īh:	زوتی (= مقام زوت)
zraw- , → zruftan .	
¹ zrēh [zlyh P zryh]	دریا، دریاچه
² zrēh [zlyh N zirih]	زره
zruftan , zraw- [zlwp-tn ¹] = azruftan .	
zūd [zwt ¹ M zwd, N ~]	زود
~īh:	سرعت
zūr [zwl M z'wr]	دروغ، فریب
zūr-gugāy [zwlgw ² dy M zwrgwg ² y]	کسی که گواهی دروغ می دهد
~īh:	گواهی دروغ
zurwān [zwhw ² n ¹]	زمان؛ ایزد زمان، زروان
zuwān [zwh ² n ¹] = uzwān .	
zūzag [zwzk ¹ (N žūža)]	ژوژه، خارپشت
zyān [zyd ² n ¹ M zyy ² n, N ziyān]	آسیب، زیان، خسارت
~gār, ~ōmand [-k ² l, - ² wmnd]	زیانبار

بخش دوم

فارسی - پهلوی

«آ»

āb	آب
bādag	آب انگور تازه در خم کرده
ābād	آباد
ābādān	آبادان
ābādānīh	آبادانی
wīrāstan	آباد کردن
ābādīh	آبادی
Abān	آبان: گاه‌نما: نام هشتمین ماه سال و دهمین روز ماه
warm	آب انبار
zōhr	آب پاک و مقدسی که در مراسم مذهبی به کار می‌رود
wašag	آبجو
āb-čīhrag	آب چهره
āb-dān	آبدان
xayūg	آب دهان
āb-tazan	آبرو
āzarm	آبرو
āzarmīg	آبرومند
ābzan	آبزَن
ābīg	آبزی
afsālān	آبسالان
ābestan = ābustan , zahagōmand	آبستن
hambūsīdan	آبستن شدن
ābusīh , hambūsišn	آبستنی
āb-kāmag	آب کامه
warm	آبگیر
ābgēnag	آبگینه
ābilag	آبله
ābnūs	آبنوس
ābīg	آبی
kāskēnēn	آبی متمایل به سبز
xwārēn-	آبیاری کردن

ātaxš	آتش
Ataxš ī wahrām	آتش بهرام
āsrō-kerpa	آتش شکل
ādur-gāh	آتشگاه
dādgāh , gumbad	آتشکده
taftīg	آتشی
abdom , sar	آخر
abdom , pasēn	آخرین
āxwarr , gōstān	آخور
āxwarr-sālār	آخور سالار
ēwēn	آداب
ādarōg	آدروگ
Ādur	آذر (ایزد آتش)
Ādur	آذر: گاه‌نما: نام نهمین ماه سال و نهمین روز ماه
Farrōbāy	آذر فرنبغ
Gušnasp	آذر گشنسپ
Burzēnmihr	آذر برزین مهر
ārāstan , payrāstan , wīn(n)ārdan	آراستن
āsān , hammist , rāmišnīg	آرام
āsānīh , āštīh , drōd , rām(išn)	آرامش
rāmēnīdan	آرامش بخشیدن
aspānsūr	آرامگاه
ārāyišn , win(n)ārišn , wirāyišn(īh)	آرایش
ārd	آرد
ārdan	آرد کردن
ārzōg , kām(ag) , waran , xwāhišn	آرزو
abāyīstan , grāyīdan , kāmīstan , xwāstan	آرزو کردن
kāmagōmand	آرزومند
āranj	آرنج
ērwarag	آرواره
Ērān	آریاها (سرزمین)
Ērānag	آریائی
āz , waranīgīh	آز

āzād , harzag , kām-zīwišn	آزاد
wišādan	آزاد کردن
pardāxtan az	آزاد کردن از...
ērīh	آزادگی
abarmānīg , āsnud(ag) , āzād , āznāwar , ċr , pēšēnīg	آزاده
āzādīh , pardazišn	آزادی
āzār(išn) , bēšišn , zanišn	آزار
āzardān (= āzārdān = āzurdan) , bištān = bēšīdan	آزردن
āz-kāmagīh	آز کامگی
āz-kāmag	آز کامه
passāxt , uzmāyišn	آزمایش
kār-āgāhīh	آزمودگی
āzmūdan = uzmūdan , passāxtan	آزمودن
passāxt	آزمون
āzwar	آزور
āsān , sabuk , xwār	آسان
āsānīh , xwārīh	آسانی
āsāyišn , haspīn	آسایش
ārmēšt-gāh	آسایشگاه ناتوانان
āsrō , āsrōn	آسرون
āsrōīh	آسرونی
Āsmān	آسمان: گاه‌نما: نام بیست و هفتمین روز ماه
āsmān , mēnōg , spīhr	آسمان
spīhrīg	آسمانی
āsūdan , wisāy-	آسودن
āsyāg	آسیا
āsyāb	آسیاب
ārdan	آسیا کردن
anāgīh , āzarm , bēš , wizend , zyān	آسیب
wizāyīdan , xastan , zīnēnīdan	آسیب رساندن
a-bēš , abē-wizend	آسیب‌ناپذیر
a-bēšīh	آسیب‌ناپذیری
xwārīdan	آشامیدن

xwārišn	آشامیدنی
āštīh	آشتی
wiyābānīg	آشفتگی
āyōzīdan , wišuftan	آشفتن
čašmagāh , paydāg , rōšnag	آشکار
āškārāg	آشکارا
āškārāgēnīdan , paydāgēnīdan	آشکار ساختن
paydāgīhistan	آشکار شدن
āškārāgīh	آشکار سازی
spēd-bāg	آش ماست
ahlomōy	آشموغ
ahlomōyīh	آشموغی
āšnāg	آشنا
an-āštīh , āšōb	آشوب
āšyān(ag)	آشیان، آشیانه
bunīh , fradomīh , padisār , sar	آغاز
āyištāg	آغشته
pahast	آغل
āgōš , kanār	آغوش
Day	آفریدگار
dādārīh	آفریدگاری
āfrīdan , āfurīdan , dādan ,(frāz) brēhēnīdan , tāšīdan	آفریدن
kirrēnīdan	آفریدن (اخریمنی)
dām	آفریده
āfrīn	آفرین
āfurišn , brēhēnišn , dahišn , dām	آفرینش
bun-dahišn(Th)	آفرینش نخستین
āfrīdan	آفرین کردن
āfrīnagān	آفرینگان (نام دعا)
xwadāywār	آقاوار
mānbed	آقای خانه
āgāh , šnāsāg	آگاه
āgāhēnīdan , azdēnīdan	آگاه کردن

āgāhīh , frahang , šnāsagīh	آگاهی
Āgrift	آگرفت (نام درجه‌ای از گناه)
āgandan	آگندن
alālag	آلاله
āhīd	آلایش
āhīd , ālūdagīh , rēm	آلودگی
ālūdan	آلودن
āyištāg , ālūdag , rēman	آلوده
tar-menišn	آلوده دامن
tar-mānīh , tar-menišnīh	آلوده دامنی
āluh	آله (عقاب)
bahr(ag)warīh	آمادگی
bahrwar	آماده
ārāstan , passāxtan , sāxtan , wirāstan	آماده کردن
ōšmārag	آمار
āmārgar	آمارگر، حسابدار
pēmēnīdan	آماساندن
āmadan , madan	آمدن
āmurzišn	آمزش
hu-fraward	آمزیده
abaxšāyīdan , āmurzīdan	آمزیدن
hammōxtār	آموختار
āmōxtan = hammōxtan , čāšīdan = čāštan , frahixtan , wizistan	آموختن
gōšōsrūd	آموخته
āfrāh , čāšišn , čāštag , hammōzišn	آمزش
pōryōtkēšīh	آمزش نخستین دین زردشتی
hērbedestānīh	آمزش هیربدی
hammōzgār , hērbed	آموزگار
čāšišn	آموزه
gumēzagīh	آمیختگی (جهان مادی)
abyōxtan , āmēxtan , gumēxtan , srištan	آمیختن
āmēzišn	آمزش
gumēg , gumēzag(īh) , gumēzišn	آمیزه
ān , ōy , P . hō	آن

ān ī	آن (= متعلق به)
awēšān	آنان
ānōh , *ānōy	آنجا
āb-čihrag	آنچه جوهر یا نطفهٔ آب دارد
-(ī)š	آن را
tar , tarist	آن سو
and	آنقدر
ēg	آنگاه
āwāz	آوا
āwāz	آواز
srūdan	آواز خواندن
husrawīh , nām	آوازه
adēn- , ānīdan , āwurdan	آوردن
kabārag	آوند
āgustan	آویختن
čārūg	آهک
čārūgēn	آهکی
āhan	آهن
āhang	آهنج
niwāg	آهنگ
āhangar , čēlāngar	آهنگر
āhanēn	آهنین
āhūg	آهو (حیوان)
āhōg	آهو
āhanjīdan = āhixtan	آهیختن
āyaft	آیفت
madār	آینده (= کسی که می‌آید)
ēwēn(ag)	آیین
ēwēnag	آیینه

« ا »

-āg

ا (پسوند سازندهٔ اسم عامل از ماده‌های مضارع)

-ag	—ا (پسوند سازنده اسم از صفت و ماده‌های مضارع)
-ag	—ا (پسوند سازنده صفت از اسم و ماده‌های فعلی)
hamē-rawišnīh , hamē-ud-hamē-rawišnīh , jāwēdān(ag), P. yāwēdān	ابدی
abr , mēγ , miznē	ابر
snōy	ابر (— بارانی، — برفی)
brūg	ابرو
abrēšōm	ابریشم
abrēšōmēn	ابریشمین
abzār , čār(ag) , zay	ابزار
dušāgāh	ابله
dēw	ابلیس
āyōzišn , hamīh	اتحاد
wanīgarīh	اتلاف
brēzan	اجاق
frēz	اجبار
frēzbānīg , frēzwānīg	اجباری
hanjāman	اجتماع
wizīrišnīg	اجتناب پذیر
pahrēxtan , wizīristan	اجتناب کردن
a-wizīrišnīg	اجتناب ناپذیر
hanjāftan , kardan , wizārdan	اجرا کردن
bēgār	اجیر
hambastan , parwastan	احاطه کردن
āzarm , āzarmīgīh , burzišn , grāmīgīh , tars , tarsāgāhīh	احترام
šnāyēnīdan , šnāyīdan	احترام کردن
niyāz	احتیاج
pahrmāhāgīh , sōhišn	احساس
sōhistan	احساس کردن
xwābarīg	احسان
xwandan	احضار کردن
dušāgāh , halag	احمق
axtar	اختر
axtar	اختر (برجی از منطقه البروج)

axtar(ā)mār	اخترشناس
axtar(ā)mārīh	اخترشناسی
wāspuhragānīh	اختصاص
dastwarīh , pādixšā(y)īh	اختیار
pazdagīh	اخراج
xwarg	اخگر
tōxtan	ادا کردن
drang	ادامه
ēstādan	ادامه دادن
čamišn , mēzišn , pēšārwar	ادرار (= عمل ادرار کردن)
²mēz- , gōmēz-	ادرار کردن
dast-šōy , gōmēz	ادرار گاو
pahikārdan	ادعا کردن
-ādan	— ادن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)
abzār	ادویه
pazd	اذیت
axw	اراده
bālistīh	ارتفاع
abarmānd	ارث
Ahlišwang , Ard	ارد (نام یکی از ایزدان مؤنث)
Ard	ارد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه
Arduš	اردوش (نام درجه‌ای از گناه)
Ardwahišt = Ašwahišt = Urdwahiš	اردیبهشت، دومین امشاسپند و نگهبان آتش
Ardwahišt	اردیبهشت: گاه‌نما: نام دومین ماه سال و سومین روز ماه
arz , arzānīgīh , arzišn , arzōmandīh	ارزش
arzān(īg) , arzōmand , sahīg , šāyendag	ارزشمند
arzānīgīh , sahīgīh , šāyendagīh	ارزشمندی
alum , arzan	ارزن
gahl , gāwars	ارزن درشت
arzān	ارزنده
Arzūr	ارزور (نام کوهی بر دهانه دوزخ)
Arzūr	ارزور (نام دیوی)
Arzah	ارزه (نام اقلیمی از هفت اقلیم)

arzīdan	ارزیدن
arzīz	ارزیز
ars	ارس
ārešn	ارش (واحد طول)
hāzišn	ارشاد
aryand	ارغند
aryawān	ارغوان
arus	اروس
arwand	اروند
Arwand	اروند (نام رودخانه)
az, aziš	از
aziš	از آن
ān ī	از آن (= متعلق به)
(az) ān bahrag rāy	از آن رو
xwēšēnīdan	از آن خویش کردن
aziš	از او
ān bahr(ag) rāy, az ān bahr(ag)	از این جهت
warm kardan	از بر کردن
(az) ān bahr(ag) rāy	از بهر آنکه
wany	از بین رفته
az... ōrōn	از... تاکنون
wiškuftan	از تخم درآمدن
xwēdōdah	ازدواج با نزدیکان
wad-dil	از روی ترس
agārīh	از کار افتادگی
tar, tarist	از میان
az daxšag hištan	از یاد بردن
az	اژدها
Azdahāg	اژدهاک (= ضحاک)
dast-graw	اسارت
bun, buništ, fragān, nihādag, nišāyišn, pāyag	اساس
gōhrīg, mādagīg, mādagwar, mādayān	اساسی
asp, bārag, stōr	اسب

asp	اسب (نام یکی از مهره‌های شترنج)
bayaspānīg	اسب چاپار
šēd	اسب کردند
asprēs	اسپریس
aspast	اسپست
awestād	استاد
awestān , nahang , pāygōs	استان
ōstīgānīh	استحکام
stabrag	استبرق
šādurwān , warm	استخر
ast(ag) , astuxān	استخوان
šānag	استخوان شانه
haspīn	استراحت
āsūdan , wisāy-	استراحت کردن
awestarag	استره
-istan	— استن (پسوند سازنده مصدر ثانوی)
awestwār , staft	استوار
awestwārīh	استواری
astōdān	استودان
us(t)ōfrīt	استوفرید
Astwihād	استویهاد
wanīgarīh	اسراف
alā	اسفا!
Aleksandar , Skandar	اسکندر
sneh , zay , zēn	اسلحه
dast-gīr	اسیر
Aštād	اشتاد (نام ایزد راستی)
Aštād	اشتاد: گاه‌نما: نام بیست و پنجمین روز ماه
ars , srēšk	اشک
aškōb	اشکوب
āfrāh , buništāg , fragān	اصل
hambun , tis-iz	اصلاً (با نفی)
mādayān	اصلی

āxwarr	اصطبل
Pad-gōhr	اصیل
āšōb	اصطراب
parwār	اطراف
abē-gumānīh	اطمینان
wizurdīh	اعتبار
paymān , paymānīgīh	اعتدال
āstawānīh , āškārāgīh	اعتراف
āškārāgēnīdan , garzīdan	اعتراف کردن
a-petītīg	اعتراف ناکرده
abestām = abestān , wistāxīh	اعتماد
widimās	اعجاز
hamēst(ag)ān	اعراف
niwistan	اعلام کردن
ōy bay	اعلیحضرت
bāstān	اغلب
ōgrā	افت
kaftan , ōbastan , *ōftādan , pad-	افتادن
hambastag	افتاده
*anāst , duš-ēwāzīh	افترا
abd	افد
abdom	افدم
abrāz	افراز
abrāstan	افراشتن
freh-būd(īh)	افراط
abrōxtan , waxšīdan	افروختن
afrōšag	افروشه
abzār	افزار
abzāyišn , abzōn , frādahišnīh , mehēnišn	افزایش
abzōnīg	افزاینده
abzūdan , mehēnīdan , wālīdan , waxšīdan	افزودن
abzōn	افزون
padisār	افسار

afsān	افسانه
abesar	افسر
afsardan	افسردن
afsōs	افسوس
swahistan	افسوس خوردن
afsōsgar	افسوسگر
afsōn , mānsar , mārīg , nērang , sraw	افسون
afsūdan	افسون کردن
afšāndan , kištan	افشاندن
afšārdan = afšurdan	افشردن
šēbāg	افعی
abgandan , wēxtan , wistan	افگندن
nišēmag	اقامتگاه
bayōbaxt , baxt , ʾjadag , ʾjahišn	اقبال
abar-ōzīh , sālārīh	اقتدار
franāmišn	اقرار
franāftan	اقرار کردن (به دین)
kišwar	اقلیم
bīš	اقونیطون
anōš	اکسیر
hād , nūn	اکنون
akōman	اکومن
agar , ka	اگر
alā	الا!
xar	الاغ
Harborz	البرز
almās(t)	الماس
-om	— ام (پسوند سازندهٔ اعداد ترتیبی)
bē	اما
passāxtan , uzmūdan	امتحان کردن
abarmānd , bahr(ag)warīh , sōg , sūd	امتیاز
kār , kard	امر
Amurdād	امرداد: ششمین امشاسپند و نگهبان گیاهان

Amurdād	امرداد: گاه‌نما: نام پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه
urmōd	امرو
im rōz	امروز
amahraspand	امشاسپند
rōdīg(ān)	امعاء
ēmēd , ummēd	امید
ummēdwār	امیدوار
stūr	امین
-ān	— ان (نشان جمع)
-ān	— ان (پسوند سازندهٔ قید)
-ān	— ان (پسوند سازندهٔ صفت فاعلی)
anār	انار
hamābēr , hambār	انبار
hambāy , hambāz	انباز
āgandan , amburdan , hambārīdan	انباشتن
hambār	انباع
hambān	انبان
anbarag	انبره
hambūsīdan	انبوسیدن
ambag	انبه
wēxtan , wizīdan	انتخاب کردن
wizēngar	انتخابی
srawēnīdan	انتشار دادن
pāymār	انتصاب
kēn	انتقام
abdomīh	انتهای
hanĵam	انجام
frazāftan , frāz grīftan , hanĵāftan	انجام دادن
kardār , kunišngar	انجام دهنده
frazaftan , hanĵaftan	انجام شدن
frēzbānīh , frēzwānīh	انجام وظیفه
hanĵaman , wālan	انجمن
anjīr	انجیر

and	اند
handāzag , paymān(ag) , paymānīgīh , wuzurgīh	اندازه
paymūdan	اندازه گرفتن
-masāy	— اندازه گرفته شده
handām , hannām , pēšag	اندام
andčand	اندچند
andar(ag)	اندر
andar āmadan	اندر آمدن
handarz , pand	اندرز
handarzēnīdan	اندرز دادن
wihēzagīg	اندرگاهی (= کیسه)
andarmāh	اندرماه
andarōn	اندرون
šabestān	اندرونی
andak , kam=kem , nihang , ōzārak	اندک
ēwčand	اندکی
handōxtan	اندوختن
handōzišnīh	اندوختن (عمل)
dōs	اندود
handūdan	اندودن
dōsēn	اندوده
andāg , andōh , bēš , pīm , tēmār , wāy , zarīg	اندوه
andāg(g)ēn , andōhgēn , bēšōmand , pīmgēn , zarīgōmand	اندوهگین
axw , handēšišn , uskārišn	اندیشه
duš-humat , dušmat , duš-menišn	اندیشه بد
humat	اندیشه نیک
handēšīdan	اندیشیدن
handēšīdār	اندیشنده
mardōm	انسان
mardōmīh	انسانیت
Anagrān	انگران (= روشنایی بی کرانه)
Anagrān	انگران: گاه‌نما: نام سی‌امین روز ماه
*nakkīrāyīh	انکار

hangārdan	انگاردن
angubēn	انگبین
angust	انگشت
angust	انگشت (واحد اندازه گیری طول)
angustbān	انگستانه
angustbān	انگشت پوش (تیرانداز)
angustarīg	انگشتری
čašmagāh	انگشت نما
čašmagāhīh	انگشت نمایی
angustbān	انگشتوانه
dōs	انگم
dōsēn	انگمی
angūr	انگور
guhrāyēnīdan , hangēxtan	انگیختن
hangēzišn	انگیزش
ahōš , anōš	انوش
anōšag-ruwān , hu-fraward	انوشه روان
-ēn-īdan	— انیدن [پسوند سازنده فعل سببی و اسمی (= جعلی) متعدی]
anērān	انیران (= غیر ایرانی)
anērān	انیران (= جهان آن سوی ایران)
ān , ōy , P. hō	او
ēbārag	اوار
ōbārdan	اوباریدن
bālist	اوج (نجوم)
-(i)š	او را
Urišlīm	اورشلیم
abrang	اورنگ
abestāg	اوستا
-āwand	— اوند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
*Ōyrišt	اویرشت (نام درجه ای از گناه)
ahreman	اهریمن
dēw-ēsnih , dēw-ēzagīh	اهریمن پرستی
gāl	اهل خانه

ādehīg , kadagīg	اهلی
sūdag	اهمال کار
sūdagīg	اهمال کاری
ahunawar	اهونور
ay	ای (= یعنی)
ēdar	ایدر
ēdōn , ōh	ایدون
ēdōnīh	ایدونی
ēd rāy cē	ایرا
Ērān	ایران
Ērānag	ایرانی
Ērān-šahr	ایرانشهر
Ēran-wēz	ایرانویج
Ērmān	ایرمان (نام ایزد)
abargar , yazad	ایزد
yazadān	ایزدان
Zurwān	ایزد زمان
-īzag	— ایزه (پسوند تصغیر)
P.awištādan ; ēstādan , pādan	ایستادن
stēnag	ایستاده
awēšān	ایشان
wābar , wurrōyišn , xwastūgīh	ایمان
ēd , ēn , im	این
awar , ēdar , ōrōn	اینجا
-īh-istan	— ایهستن (پسوند سازنده فعل مجهول و مشتق)

«ب»

be	بـ (پیشوند فعل، کاربرد تعریف پذیر ندارد)
abāg	با (بای معیت)
arzān , arzōmand	با ارزش
dēn-āstawān	با ایمان

dar	باب
pattūg	با پشتکار
kār-āgāh , nibardag	با تجربه
bāĵ , sāk	باچ
wāz	باژ (دعای قبل از غذا)
wāz grifan	باژ گرفتن (دعا خواندن)
garmōg	با حرارت
wād	باد
Wād	باد: گاه‌نما: نام بیست و دومین روز ماه
wādām	بادام
wādbān	بادبان
wādrang-bōy	باد رنجبویه
wādrang	بادرنگ
damēnag	بادزن
a-sazišnīg , sālwar	بادوام
bādag	باده
bār , ĵār	بار (= دفعه)
bār	بار (= ساحل)
bār	بار (= میوه)
bār	بار (آن چه حمل می‌شود)
handēmānīh	بار (= حضور)
wārān , wārānīg	باران
wārānīg	بارانی
bār-ĵāmag	بار جامه
drubuštīh , parwār	بارو
barōmand	بارور
bārag	باره
waštan = wārīdan	باریدن
bārīg/k , tang	باریک
wišād	باز
bāz	باز (پرنده)
abāz	باز (= پس)
wāzār	بازار

abāz ēstādan az	باز ایستادن از...
abāz dāštan	بازداشتن
wāzāragān	بازرگان
pēšag , wahāg , wāzārgānīh	بازرگانی
abāz kardan , wišādan , wiyōz	باز کردن
wiyāftan	باز کردن (دهان)
abāz kardan az	باز کردن از...
abāz waštan ō	بازگشتن به...
abāz māndan	بازماندن
bāzā	بازو
bāzābānag	بازوبند
Bāzā-zanišnīh	بازو زنی (نام درجه‌ای از گناه)
ahanūz	باز هم
wāzīg	بازی
wazīdan	بازی کردن
-wāzīg	– بازیگر
bāš	باش (فعل امر از «بودن»)
bāmīg , hu-škōh , rāyōmand , xwarrahōmand	باشکوه
buland	با صدای بلند
bāy	باغ
bōyestānbān	باغبان
bōyestān	باغ گل
abēdān	بافایده
wafišn	بافت
waf-	بافتن
dahm , hunarāwand , kirbagīg , nēk-gōhr	باقضیلت
menišnīg	بافکر
abāz pādan , māndan , pattāyistan = pattūdan	باقی ماندن
dōšīzag	باکره
*wixšāyišnīg	باگذشت
bālag , parr	بال
abar , ul	بالا
bālāy	بالا (= بلندی)

bašn	بالا (قامت)
abrāstan , ahrāftan	بالا بردن
abar(dar)	بالا تر
abardom , ayrē , bālist	بالا ترین
āhixtan	بالا کشیدن
ulīh	بالایی (= رو به بالا)
bālēn , bāliš	بالش
wālišn	بالش (= رشد)
dād-meh , mehtar , purnāy	بالغ
wālīdan , waxšīdan	بالیدن
bālēn , bālišn , gāh	بالین
bālēngāh	بالین گاه
bāmdād	بامداد
hāwan	بامداد (یکی از پنج بخش شبانه روز)
čimīg	با معنی
huniyōxš , menišnīg	با ملاحظه
wizārd-wars	با موی دو تا
bāmīg	بامی
-bān , -bār	— بان (پسوند)
wāng	بانگ
borz-wāng	بانگ بلند
bānūg , nārīg	بانو
āstawānīh , wābar , xwastūgīh	باور
ēkānag	باوفا
ēkānagīh	باوفایی
hu-škōh	باوقار
čimīg	باهدف
āgenēn	با هم
abāy-	باید
an-ābādān	بایر
abāyist	بایست
abāyistan	بایستن
abāyišnīg	بایسته

babr	ببر
babrag	ببره
but , uzdēs	بُت
uzdēs-parist	بت پرست
uzdēs-paristišnīh	بت پرستی
uzdēs-zār	بتکده
bē... (ěnyā)	بجز
aburnāyīh , rahīgīh	بیچگی
aburnāy(ag) , frazand , rahīg , rēdag , waččag , zādag , zahag	بیچه
uskārdan	بحث کردن
baxt , ¹ jadag , spīhr	بخت
bahr(ag) , bazišn , pēšag , sraxtag	بخش
abaxšāyišn , āmurzišn	بخشایش
abaxšāyīdan , amurzīdan , wixš(a)y-	بخشاییدن
bahrōmand	بخش پذیر
baxšišn , dahišn	بخشش
baxtan , wiškīdan	بخش کردن
rādīh	بخشنندگی
rād , abaxšāyišnīg	بخشنده
penīh	بخل
² bōy	بخور
pen	بخیل
-bad , -bed	بد (= سرور)
akōmand , anāg , druwand , wad(ag) , wattar , *zēfān	بد
duǰ- , duš-	بد –
duš-farragīh	بداقبالی
awiš , padiš	بدان
duš-menišn	بداندیش
duš-čīhr	بدچهر
duš-čīhr	بدخو
duš-kām , wad-kāmag	بدخواه
wad-kāmagīh	بدخواهی
duš-xēm , wad-xēm	بدخیم

wad-dil	بددل
duǰ-daft	بدم
ag-dēn , duǰ-dēn , ahlomōy	بددین
ag-dēnīh , ahlomōyīh	بددینی (دین غیرزردشتی داشتن)
purr-māh	بدر (ماه)
widest	بدست
widestīg	بدستی
duš-gōwišn	بدسخن
duš-čīhr	بدرشت
ahlomōyīh	بدعت
ahlomōy	بدعت‌گذار
dušwīr	بدفکر
duš-kunišn , mar	بدکار
wadgarīh	بدکاری
anāg-kardār , duš-kunišn	بدکردار
duš-gōwišn	بدگفتار
spazg	بدگو
wad-gōhr = wad-tōhm	بدگوهر
spazgīh	بدگویی
duš-nām	بدنام
wad-gōhr = wad-tōhm	بدنژاد
awiš , padiš	بدو
abē , nē... az	بدون
a-petyārag	بدون بدبختی
wišād-dwārišnīh	بدون کستی یا شبی راه رفتن
a-gāh	بدون مقام و پایه
ak , anāgīh , bazag(īh) , duš(īh) , petyārag , wad(ag)īh , wattar(īh)	بدی
im čim rāy	بدین سبب
abar	بر
bar	بر (= میوه)
war	بر (= سینه)
hanjām	برآمد

abar āmadan	برآمدن (خورشید)
abar madan	برآمدن (از عهده کاری)
burāg	برآ
hamōg	برابر
brād , brādar	برادر
xwad	براستی
hangēxtan	برافروختن
hambāstan	برانداختن
hambāhišn	براندازی
čē , rāy , pad , P. wasnād	برای
čē rāy	برای چه
an-ērīh	بربریت
barbut , kennār	بربط
abar nišastan	بر تخت نشستن
abar(ag) , abaragān(ag) , abarīg(ān) , aziš-meh	برتر
abardomīh , pādyāwandīh , pahlōmīh	برتری
čābuk , pāhlom pāšom	برترین
nihuftan , pōšīdan	بر تن کردن
burg	برج
axtar	برجی از منطقه البروج
(abar) āxistan , ul āmadan , wigrādan	برخاستن
padīragīh	برخورد
pahikaftan	برخورد کردن
burdār	بردار (= حامل)
appārīh	برداشت
appār	برداشته
bārestān , burd , gilag-ōbār , pattūg	بردبار
bārestānīh , burdārīh , burdīh , pattūgīh	بردباری
dast-graw , wardagīh	بردگی
burdan	بردن
anašahrīg , dastgīr , wardag	برده
appār	برده شده
ōšmārišn	بررسی

ōšmurdan	بررسی کردن
Burz	برز (نام ایزد)
warzīgar	برزگر
wālan	برزن
brēzan	برزن (کوره، اجاق)
Burzēnmihr	برزین مهر
barsom	برسم
brīn , burišn	برش
brištan	برشتن
baršnūm	برشنوم
snēzag , snēxr , wafr	برف
wafrēnag	برفینه
rōzāg , wirōzag	برق
šēdā	برکت
walg=warg	برگ
waštan	برگشتن
purnāy	برنا
brinǰ	برنج (خوراکی)
brinǰ	برنج (آلیاژ)
rōyēn	برنجی
brinǰēn	برنجین
burāg	برنده
brinǰēn	برنزی
abar nišāstan	برنشاندن
abar nišastan	برنشستن
abar nigerīdan	برنگریستن
awardāg	برنگشتنی
abar nihumbīdan	برنهفتن
dwāzdahān	بروج دوازده گانه
barōmand	برومند
warān , warrag	بره
warrag	بره؛ در نجوم؛ برج حمل
wišuftan	برهم زدن

brahnag	برهنه
abēzār	بری
burīdan = brīdan , tāšīdan	بریدن
buz	بز
pāzan	بز کوهی
xar-buz	بز ماده
wuzurg , zandag	بزرگ
meh	بزرگ (تر)
ayrē	بزرگترین
burzīdan	بزرگ داشتن
dād-meh	بزرگسال
wuzurg-framādār	بزرگ فرمدار
mehēnīdan	بزرگ کردن
wuzurgīh	بزرگی
wahīg	بزغاله: در نجوم: برج جدی
bazm	بزم
bazmāwurd	بزماورد
bazag(īh)	بزه
bazakkar	بزه گر
was	بس
wistar(ag)	بستر
rōstāg	بستر رود
bastan	بستن
dastag	بسته
wassad	بُسد
wassadēn	بُسدین
was , wasyār	بسیار
was-tōhmag	بسیار تخمه
buš	بُش
dō-pāy , mardōm-zādag	بشر
padišxwar	بشقاب
baškuč	بشکوچ
wiškōfag	بشکوفه

wiškar	بشگرد
bašn	بشن
šīšag	بطری
rapihwin	بعد از ظهر (یکی از پنج گاه شبانه روز)
enyā , did	بعلاوه
dūr	بعید
kaš	بغل
wak	بک
dōšīzagīh	بکارت
balādur	بلادر
karak	بلدرچین
ōbārdan	بلعیدن
judan	بلعیدن (= اهریمنی)
balgam	بلغم
bālistīg , borz , buland	بلند
āxēzīdan = āxistan	بلند شدن
ahrāftan	بلند کردن
bālāy , bālistīh	بلندی
ābgēnag , bēlūr	بلور
ābgēnagēn	بلوری
az ān bahr(ag) , (az) ān bahr(ag) rāy	بنابراین
nihādan	بنا نهادن
bang	بنج
band , kamar , wandag	بند
band	بند (= پیمان)
bandag , kadagīg	بنده
bun-dahišnīh	بندهش
wanafšag	بنفشه
māš	بنشن
bun-kadag	بنکده
wēnōg	بنو
bunag	بنه
buništ , fragān , nišāyišn	بنیاد

fragandan	بنیاد نهادن
čīhr(ag)	بنیان
bōb	بوب
But	بودا
būdan , ēstādan , h-	بودن
bōr	بور
bāy , bōyestān	بوستان
būf	بوف
būm , deh , šahr	بوم
ādehīg	بومی
² bōy	بوی
bōyāg	بویا
hambōyīh	بویایی (= حس)
hu-bōyīh	بوی خوش
bōyēnīdan	بوی دادن
bōy-dār	بوی دار
bōyīdan , ham-bōy-	بوییدن
ō , pad , awiš , padiš	به
weh	به (= بهتر)
beh	به (= میوه)
pad ēwēn	به آیین
paymānīg	به اندازه
arz , arzānīgīh , arzišn , arzōmandīh , wahāg	بها
wahār , wahārīg , mēdyōzarm	بهار
wahārīg	بهاری
pardāxtan	به انجام رساندن
a-kard	به انجام نرسیده
widestīg	به اندازهٔ وجب
wihān(ag)	بهانه
hanzāftan	به پایان رساندن
ō ham madan	به پایان رسیدن
wispurdan	به پای سپردن
(ō) padīrag madan	به پذیره آمدن

pad panāh grifan	به پناه گرفتن
stardīh	بهت
weh	بهتر
gōwizār	به تفصیل
gōhrīg	به جای
ayārdēnīdan	به جوش آوردن
padisāy, wasnād	به خاطر
warm kardan	به خاطر سپردن
anōš xwardan	به خطر مرگ رفتن
xwēšēnīdan	به خود اختصاص دادن
rawāgēnīdan	به حرکت درآوردن
ayāftan, windādan	به دست آوردن
pad nigerišn	به دقت
weh-dēn	به‌دین
bahr(ag), jād(ag)	بهر
Wahrām	بهرام (ایزد جنگ)
Wahrām	بهرام: در نجوم: مریخ
Wahrām	بهرام: گاه‌نما: نام بیستمین روز ماه
bahr, nīrmad, waxš	بهره
ābād(ān), bahrōmand, padēx	بهره‌مند
bahrōmandīh	بهره‌مندی
bahrwar	بهره‌ور
bahr(ag)warīh	بهره‌وری
nibastan	به زمین نهادن
hambāstan	به زیر افکندن
padisāy, rāy	به سبب
saxt	به سختی
ō paymān madan	به سن بلوغ رسیدن
padīrag, ō... rōn	به سوی
āxrāmīdan	به سوی بالا خرامیدن
wahišt	بهشت
garōdmān, (garōsmān)	بهشت برین
garōdmānīg, wahištīg	بهشتی

borz-wāngīhā , buland	به صدای بلند
gōkānīg	به صراحت
dārgardīh	به صلیب کشیدگی
amaragānīhā	به طور کلی
kū tā , 'tā , yad	به طوری که
abar burdan , frāz griftan , pardaxtan ō	به عهده گرفتن
ayārīdan , frayādīdan	به فریاد رسیدن
āstārēnīdan	به گناه واداشتن
pad-gōhr	به گوهر آراسته
wāhmān	بهمان
hambandišnīh	به هم بستگی
hambastan	به هم بستن
hambandišnīh	به هم پیچیدگی
hambastan	به هم پیچیدن
āyōzišn	به هم پیوستگی
āyōzīdan = āyōxtan	به هم پیوستن
hambast	به هم پیوسته
ō ham kardan	به هم کردن
Wahman	بهمن: اولین امشاسپند و نگهبان چهارپایان
Wahman	بهمن: گاه‌نما: نام یازدهمین ماه سال و دومین روز ماه
sahistan	به نظر رسیدن
hangāmīg	بهنگام
pad-nērōg	به نیرو
warzīdan	به وجود آوردن
pad	به وسیله
nāmčišt	به ویژه
ayād kardan , ayāsīdan , ōšmurdan	به یاد آوردن
pad daxšag dāštan	به یاد داشتن
a- , abē-	بی – (پیشوند نفی)
an-	بی – (پیشوند نفی برای واژه‌هایی که با واکه آغاز می‌شود)
an-āzarm(īg) , dusraw	بی آبرو
dusrawīh	بی آبرویی
an-āštīh	بی آرامی

an-āzarm , dusraw	بی آزم
an-āzarmīh , dusrawīh	بی آزمی
a-petyārag	بی آفت
anāhīd , a-winast	بی آایش
an-āhōg	بی آهو
awar	بیبا!
wiyābān	بیابان
a-wiyābānīg	بیابانی: در نجوم؛ ستاره ثابت
duš-arz	بی ارج
duš-arz	بی ارزش
a-bun	بی اساس
anēr	بی اصل
anērīh	بی اصلی
a-paymānīh	بی اعتدالی
an-ummēd , gyān-abespār	بی امید
uzwān	بیان
guftārīh	بیان (قدرت)
guftan	بیان کردن
a-menīdār	بی اندیشه
an-āstawān	بی ایمان
an-āstawānīh	بی ایمانی
a-bīm	بی باک
abē-bar	بی بر
a-bun	بی بن
a-bahr	بی بهره
abē-bīm , a-bīm	بی بیم
abē-bīmīh	بی بیمی
a-sar	بی پایان
gyān-abespār	بی پروا
a-pus	بی پسر
a-zarmān	بی پیری
an-ērang	بی تقصیر
a-sazāg	بی تناسب

nāzuk , rōzward	بی ثبات
sazišn , wardišn(īg)īh	بی ثباتی
abe-bar	بی ثمر
a-čār(ag)	بی چاره
a-kanārag	بی حد
a-rawāg , a-wazišnīg	بی حرکت
abē-bōy , a-bōy , asōhišn	بی حس
abē-bōyīh , a-bōyīh	بی حسی
an-āgāh	بی خبر
wēxtan	بیختن
abē-wizend , a-sēj	بی خطر
a-xwamn	بی خواب
wēd	بید
a-dād , a-dādestān	بیداد
a-dādīh	بیدادی
gubrāy , wigrād	بیدار
wigrādan	بیدار شدن
guhrāyēnīdan	بیدار کردن
wigrāsišn(īh)	بیداری
a-dard	بی درد
jud-ristag	بی دین
duš-wurrōyišnīh , ērang(īh) , jud-ristagīh	بی دینی
wīr	بیر
a-band , abē-rāh	بی راه
an-āmurzīd	بی رحم
bē , bērōn	بیرون
ōgārdan	بیرون انداختن
abāz raftan	بیرون رفتن
āhanjīdan = āhixtan , hunīdan	بیرون کشیدن (شیره)
Hrōm	بیزانس
Hrōmāyīg	بیزانسی
abādyāwand	بی زور
abē-bēš , a-bēš , a-winast	بی زیان

abē-čim	بی سبب
wīst	بیست
a-sar	بی سر
abē-sūd	بی سود
abē-sūdīh	بی سودی
bīš	بیش (اقونیطون)
bēš	بیش (= درد)
frāy, freh, wēš	بیش (= بیشتر)
frahist	بیشترین
a-mar(ag), an-ōšmār, a-sāg	بی شمار
razūr, wēšag	بیشه
wēšagestān	بیشه زار
gund	بیضه
xāyag-dēs	بیضوی
abē-čim	بی علت
an-abēdānīh	بی فایدگی
agār, an-abēdān	بی فایده
a-menīdār	بی فکر
an-abzārīh	بی قابلیت
a-dādīh	بی قانونی
abādixšā(y)	بی قدرت
anagr	بیکران
anābuhlag	بی کفاره، (گناه)
a-kanārag	بی کناره
bēgār	بیگار
anōdag, bēgānag, uzdehīg	بیگانه
a-bēš, abē-wizend, ĵud-bēš	بی گزند
a-bēšīh	بی گزندی
abē-must	بی گله
abē-gumān, a-gumān	بی گمان
abē-gumānīh	بی گمانی
a-wināh, abē-wināh	بیگناه
bīl	بیل

bīm	بیم
dardōmand , waštag , wēmār , xīndag	بیمار
wašt(ag)īh , wēmārīh , xīndagīh , yask	بیماری
tarsīdan	بیم داشتن
a-mar(ag) , an-ōšmār , a-sāg	بی مر
a-hōš , a-marg , anōšag	بی مرگ
amahraspand	بی مرگ مقدس
a-hōšīh , a-margīh	بی مرگی
abē-mizag	بی مزه
a-pursišnīg	بی مسؤولیت
agār	بی مصرف
bīmgēn , bīmōmand	بیمگین
bīmgēnīh	بیمگینی
ambarag	بی مو (حیوان)
a-kāmagōmand	بی میل
andarag , mayān	بین
wēnāg	بینا
wēnāb	بیناب
wēnāgīh , wēnišn	بینایی
wēnāgīh , wēnišn	بینش
mēnōg-wēnīh	بینش روحانی
bowandag , hangirdīg	بی نقص
a-ganǰ	بینوا
wēnīg	بینی
abē-niyāz	بی نیاز
bēwar	بیور
wayōdagān	بیوگانی
wēwag	بیوه
tuhīg	بیهوده
abē-ōš	بی هوش
abē-ōšīh	بی هوشی

« پ »

pay , pāy , padištān	پا
pāy	پا (واحد طول = دوازده اینچ)
stēnag	پا برجا
dāsar , mizd , pādāšn	پاداش
drōš , pādifrāh , pādofrāh	پادافراه
anōš , ĵud-bēš , pādofrāh	پادزهر
pādixšā(y) , šahryār	پادشاه
duš-pādixšā(y)	پادشاه بد
hu-pādixšā(y)	پادشاه خوب
pādixšā(y)īh	پادشاهی
duš-pādixšā(y)īh	پادشاهی بد
hu-pādixšā(y)īh	پادشاهی خوب
pādyāb	پادیاب (مراسم تطهیر)
pahlawīg	پارتی
dahm , kirbagīg	پارسا
pārsīg	پارسی
bahrag , ĵād , ĵādag , kardag , pārāg	پاره
darrīdan , škāftan , wisistan	پاره کردن
pāzan	پازن
pāzand	پازند
pās	پاس
pāsbān	پاسبان
pāsbānīh	پاسبانی
passox , (pāsox)	پاسخ
paywāz-	پاسخ دادن
pās dāštan	پاس داشتن
pāšnag	پاشنه
rēxtan	پاشیدن
abēzag , āsnūd(ag) , pāk , yōĵdahr	پاک
yōĵdahrgarīh	پاک سازی
wēxtan	پاک کردن

yōjđahrgar	پاک‌کننده
abēzagīh , pākīh , yōjđahrīh	پاکی
pākīzag	پاکیزه
pālūdag	پالوده (= خوردنی)
pālūdan	پالودن
pānzdah	پانزده
abdomīh , karān	پایان
šahrestān	پایتخت (شهر بزرگ)
ěstišn , ōstīgānīh	پایداری
ōspurdan , spurdan , wisurdan , xwastan	پایمال کردن
pāyag	پایه
pādan	پاییدن
pādēz	پاییز
azēr , ēr	پایین
*ōgrā	پایین‌رفتگی
petyārag	پتیاره (در نجوم)
pōtk	پتک
pōxtan	پختن
pargandan	پخش کردن
pid , pidar	پدر
čašmdīd , (pad) dīdar , paydāg , wēnāhdāg , wēnišnīg	پدیدار
ayābag	پذیرا
padīrišn	پذیرش
padīriftan	پذیرفتن
mehmān	پذیرفتنی
padīrag	پذیره
parr	پر
parrag	پر / پره
purr , sagr	پُر
parāhōm	پراهوم
ašāndan , pargandan	پراگندن
wistan	پرتاب کردن
tēx	پرتو

ābād	پر جمعیت
parzīn	پرچین
mizd	پرداخت
pardaxtan az	پرداختن از...
pardāxtan ō	پرداختن به...
parragīg, parrwar	پردار
pardag	پرده
paristār	پرستار
dāyagānīh	پرستاری
ēzišn , paristagīh , paristišn , yašt , yazišn	پرستش
paristōg/k	پرستو
paristīdan , yaštan	پرستیدن
purr-sardag	پرسرده
frašn , pursišn	پرسش
nīrmadōmand , sūd-abgār	پرسود
pursīdan	پرسیدن
pattūg	پرطاعت
purr-xwarrah	پرفره
pargast!	پرگست! (= مبادا!)
*pahrmāh-	پرماسیدن
purr-marg	پرمرگ
piring	پرند
way , wāyendag	پرنده
murwīzag	پرنده کوچک
parnagān	پرنیان
parwāl	پرواری
parwāz , wāzišn	پرواز
wāy- , wāzīdan	پرواز کردن
parwānagīh	پروانگی
parwānag	پروانه
parwāl- , parwardan	پروردن
parwāl(išn) , parwarišn	پرورش
parwardan	پرورش دادن

parwand	پروند
abarwēz	پرویز
abarwēzīh	پرویزی
pahrēxtan	پرهیختن
anābišn , pahrēz	پرهیز
ahlaw , ardā , ašō , frārōn	پرهیزگار
ahlā	پرهیزگار (لقب ایزد سروش)
ahlawīh , ahlāyīh , ardāyīh , frārōnīh , huwaršt	پرهیزگاری
parīg	پَری
purr-rawišnīh	پُری
stō	پریشان
šēb-	پریشان شدن
stōwīh , šēbišn , tangīh	پریشانی
pazzāftan = pazzāmēnīdan	پزاندن
bizešk	پزشک
wizōh(/yišn)	پژوهش
wizōstan	پژوهیدن
ā , did , ēg , hād , pas	پس
frāz az , pas az	پس از
ēr , past	پست (= پایین)
past	پست: در نجوم: حضيض
pist	پست (= آرد سرخ شده)
pēstān , sēn(ag)	پستان
pistag	پسته
penīh	پستی
frazand , pus(ar)	پسر
passand(išn)	پسند
passandīdan	پسندیدن
passandišnīg	پسندیدنی
pasēn	پسین
āwādag , naft	پشت (= نسل)
pušt	پشت
pattūgīh	پشتکار

bār , puštag	پشته
abestām=abestān , pušt	پشتی
puštībān	پشتیبان
puštībānīh , zēnhār	پشتیبانی
pašm , warr	پشم
pašmēn	پشمین
paššinjīdan	پشنجیدن
paššing	پشنگ
paxšag	پشه
abaxš , paščmān	پشیمان
abaxš , abaxštīh , paščmānīh	پشیمانی
pištīz	پشیز
wizīhišn(īh)	پگاه
puhl	پل
mij(ag)	پلک
pillagān	پلکان
palang	پلنگ
palang-mušk	پلنگمشک = پلنگ
gan(n)āg , wad	پلید
āhīdīh , nasruštīh , wadīh	پلیدی
padām	پنام
abestām=abestān , panāh , war	پناه
pambag	پنبه
pambagēn	پنبه‌ای
panj	پنج
panjāh	پنجاه
panjag	پنجه
duzīdag , gāhānīg	پنجه دزدیده (= پنج روز آخر سال)
frawardīgān	پنج روز پایانی اسفندماه و پنج روز افزوده بعدی
pand	پند
pad (ēd) dāštan	پنداشتن
nihān	پنهان
nihuftan , (abar) nihumbīdan	پنهان کردن

panīr	پنیر
pūdagīh	پودگی
pūdag	پوده
pōryōtkēš	پوریوتکیش
pōryōtkēšīh	پوریوتکیشی
pōz(ag)	پوز/پوزه
pōzišn	پوزش
čarm , dawāl , pōst , tōz	پوست
čarm	پوست خام
pōst , tōz	پوست درخت
pōstēn	پوستین
nihumbīdan = nihuftan	پوشاندن
čādur , pōšišn , wistar(ag)	پوشش
paymōxtan , pōšīdan	پوشیدن
pōyišnīg	پوینده
pōy-	پویدن
pahlūg	پهلو
ēr , gurd , wir , yal	پهلوان
gurdīh	پهلوانی
pahlawīg	پهلوی
frāx , pahn , wēhm	پهن
pahnāy , wēhmīh	پهنا
pay	پی (= عصب)
gām	پی (= کام)
pay ī	پی (= پس از)
nišāstan	پی افکندن
payādag	پیاده
payādag	پیاده (در بازی شترنج)
payg , payādag	پیاده نظام
ǰām(ag) , paygāl	پیاله
*paygālgar	پیاله ساز
bayaspān	پیام آور
pēcīdan	پیچیدن

čašmdīd , paydāg , wēnišnīg	پیدا
paydāgīhistan	پیدا شدن
paydāgīh	پیدایی
bawišn	پیدایش
kahwan , pīr	پیر
ārāstan , payrāstan , wirāstan	پیراستن
pērāmōn	پیرامون
ārāyišn	پیرایش
payrāyag	پیرایه
meh	پیرتر
a-zarmān	پیر نشدنی
čērīhistan	پیروز شدن
abarwēz , pērōz	پیروز
pērōzgar	پیروزگر
pērōzgarīh	پیروزگری
abarwēzīh , pērōzīh ,	پیروزی
frazām-pērōzīh	پیروزی نهایی
pīrīh , zarmān(īh) , zarwān	پیری
pēs	پیس
pēs	پیس دار
anīg , handēmān , pēš	پیش
*frawārdan	پیش آوردن
mēšag , pēšyār	پیشاب
anīg , pēšānīg	پیشانی
abgār-	پیش بردن
murw-nīš	پیش بین
pēš-pārag	پیش پاره
pāhlom , pešcnīg	پیشترین
paristag	پیشخدمت
franāmišn	پیشرفت
wālīdan	پیشرفت کردن
franāftan	پیش بردن
franaftan , (abāz) raftan	پیش رفتن

wihēz(ag)	پیشروی
wihēz-	پیشروی کردن
pēš-pārag	پیش غذا
pēš-kār	پیشکار
pārag	پیشکش
pēš-gāh	پیشگاه
kēdīgīh	پیشگویی
pēšār , pēšōbāy	پیشوا
parwānagīh , pēšōbāyīh	پیشوایی
radīh	پیشوایی مذهبی
pēšag , radag , rastag	پیشه
pēšēnīg	پیشین
paygām	پیغام
paygambar , waxšwar	پیغامبر
waxšwarīh	پیغامبری
payg	پیک
ǰang , nibard , pahikār , pahikafišn	پیکار
nigārag , pahikar	پیکر
pēšēmālīh	پیگرد
mihr , pādixšīr , pašn , pašt(ag) , paymān	پیمان
padist (abar) burdan , padistādan	پیمان بستن
² mihr druxtan	پیمان شکستن
mihrōdruǰ = mihr-zan	پیمان شکن
mihrōdruǰīh	پیمان شکنی
paymānag	پیمانه
paymūdan	پیمودن
hambandīh , hamīh	پیوستگی
abyōxtan , paywastan	پیوستن
hamband , paywastag	پیوسته
ēw-kardag	پیوسته
parwand	پیوند
pīh	پیه

« ت »

-(i)t	ت (ضمیر متصل، دوم شخص مفرد، حالت مفعولی و اضافی)
az, tā , P. yad	تا
tāg	تا (= یکی)
burdan , pattūdan , widār(ī)dan	تاب آوردن
brāzišnīg	تابان
wēxtan	تاب دادن
hāmīn , tābestān	تابستان
hāmīnīg	تابستانی
brāzišn , tābišn	تابش
gāhūg	تابوت
tābag	تابه
frāz ō , kū	تابه (= به اندازه)
brāzīdan , tābīdan	تابیدن
tāxtan = tāzēnīdan	تاختن
spōz(išn)	تأخیر
spōxtan	تأخیر کردن
spōzgar	تأخیرکننده
abesar	تاج
tār	تار
kār nāmag	تاریخچه
tārī/k , tērag	تاریک
tārīg/kīh , tom	تاریکی
tazāg	تازان
tāxtan , tāzēnīdan	تازاندن
ēbgat(īh)	(تازش) اهریمن
sabz , zargōn	تازه
Tāzīg	تازی
āstar , tāzānag	تازیانه
tās	تاس
anōš xwardan	تا سرحد مرگ جنگیدن

tāftan = tābīdan	تافتن
pēš-gāh	تالار بار
tāwān	تاوان
passandišn	تأیید
passandīdan	تأیید کردن
tab , tabišn	تب
ānāst , mūdāg , tabāh	تباه
tabāhīhistan	تباه شدن
wināhīdan	تباه کردن
a-pōhišn	تباه نشدنی
ānāstīh , tabāhīh , wany (b)ūdīh , wināhišn	تباهی
tabarzad	تبرزد (گزانگین)
uzdehīgīh	تبعید
uzdehīg	تبعید شده
pad dēbahr dāštan	تبعید کردن
tabangōg	تبنگو
anāg-kardār , anāg-kunišn	تبهکار
duštīh	تبهکاری
kōf	تپه
pēšag , wahāg , wāzargānīh	تجارت
spōxtan	تجاوز کردن از...
must-abarmānd	تجاوزگر
kār-āgāhīh	تجربه
ēr	تحت
hangēxtan , sārēnīdan	تحریک کردن
handōzišnīh	تحصیل
herbedestānīh	تحصیل علوم دینی
bārestānīh , bārišn , pattūgīh , sāxtārīh	تحمل
sāxtan , widārdan	تحمل کردن
bālēn-gāh , taxt , taxt-gāh , P. parwāngāh	تخت
taxtag	تخته
taxtag	تخته (شترنج)
abesīhēnišn(īh) , afsēnišn , hambāhišn	تخریب

tuxšāg	تخشا
tuxšāgīh	تخشاگی
tuxšīdan	تخشیدن
handāxtan	تخصیص دادن
dān(ag), tōm, xāyag	تخم
xāyag-dās	تخم مرغی شکل
čihr(ag), tōhmag	تخمه
handāxtan, wahāg burdan	تخمین زدن
passāzišn	تدارک
tadar(w)	تذرو
tarr, xwēd	تر
-tar	— تر (پسوند سازنده صفت تفضیلی)
tarāzēnīdan	تراز کردن
tarāzūg	ترازو، (نجوم)
tāšīdan	تراشیدن
parwarišn	تریت
rāyišn, wirāyišn	ترتیب
rāyēnīdan, wirāstan	ترتیب دادن
targumān	ترجمان
wizīdan	ترجیح دادن
hu-dast, nēzūmān(īg)	تر دست
āhr, *nihēb, sahm(gēnīh), škōh, tars	ترس
tarsāg	ترسا
pazdēnīdan	ترساندن
sahmgēn	ترسناک
tarsīdan	ترسیدن
tru(f)š	ترش
paššinjīšn	ترشح
paššinjīdan	ترشح کردن
hāzišn	ترغیب
hāxtan	ترغیب کردن
frādahišnīh	ترقی
Turk	تُرک

targ	تَرک
abāz ēstādan az , hištan	تَرک کردن
bahrōmandīh , hambawišn(īh)	ترکیب
bahrōmandīh	ترکیب شدگی
hambūdan	ترکیب شدن
hambastan , hamēnīdan	ترکیب کردن
tar-menišn	ترمنش
tar-menišnīh	ترمنشی
tarrag	تره (سبزی)
gandanāg	تره فرنگی
xwēdīh	تری
pād-zahr	تریاق
abar-ōzīh	تسلط
wīdwarīh	تسلی
wīdwar	تسلیم شده در برابر تقدیر
tašt	تشت
šnāxtan	تشخیص دادن
āzādīh , spās	تشکر
āzādīh guftan , āzādīh hangārdan , āzādīh kardan , pad āzādīh dāštan , spās dāštan , spās hangārdan	تشکر کردن
tišn , tišnagīh	تشنگی
tišnag	تشنه
āsnūd(ag)	تصفیه شده
pālūdan , wēxtan	تصفیه کردن
wizīr	تصمیم
frāz griftan	تصمیم گرفتن
handēšīdan , hangārdan , menīdan , ōšmurdan , pad... dāštan	تصوّر کردن
pahīkar	تصویر
nigār-	تصویر کردن
pālūdan , wēxtan	تصفیه کردن
pādyābīh	تطهیر
frawārdan	تعارف کردن
namāz burdan	تعظیم کردن

pazdēnīdan , tāxtan	تعقيب کردن
āfrāh	تعليم
frāhixtan , parwardan	تعليم دادن
frēz , tāwān , pardāzišn	تعهد
frēzbānīg , frēzwānīg	تعهدآور
abāz dādan ō	تعيين کردن
parwāl(išn) , parwarišn	تغذيه
parwāl- , parwardan	تغذيه کردن
ǰādāg-wihīrīh , wardišn , wihīrišn	تغيير
wardēnīdan	تغيير دادن
waštan , wihīr-	تغيير کردن
a-wardišnīg	تغييرناپذير
a-wardišnīgīh	تغييرناپذيری
ǰudāgīh	تفاوت
taftan	تفتن
garmōg , taftīg	تفته
wāzīg	تفريح
wāzīdan	تفريح کردن
zand	تفسير
wizārdan	تفسير کردن
abespurdan , gumārdan	تفويض کردن
zastan	تقاضا کردن
abēzagīh , pākīh , yōǰdahrīh	تقدس
bayō-baxt , brēhēnišn	تقدير
brēhenāg , brīngar	تقديرگو
yōǰdahrgarīh	تقدیس
āgrift , māndag	تقصير
tāg	تک
čandīdan , wizandīdan	تکان خوردن
wišān-	تکاندن
tar-menišnīh	تکبر
namāz	تکریم
frazāmišn , hangirdīgīh	تکمیل

takōk	تکوک (ظرف آشامیدنی)
bawišn	تکوبین
tag	تگ
tagarg	تگرگ
taxl	تلخ
taxlīh	تلخی
tabāh , wany	تلف شده
škarwīdan	تلوتلو خوردن
dām , talag	تله
tom	تم
-tom	...تم (پسوند سازنده صفت عالی)
*pahrmāhāgīh , pahrmāhišn	تماس
bowandag , spurīg	تمام
bowandagīh	تمام بودگی
hanzāftan	تمام کردن
bowandagīh , spurīgīh	تمامی
xwēšīh	تملک
pāk	تمیز
wizīdan	تمیز دادن
kālbod , kirb , tan	تن
niyābagīh , passazagīh , sazāgīh , sazišn(īh)	تناسب
*Tanapuhl	تنافور (نام درجه‌ای از گناه)
tumbag	تنبک
aǰgahān , sust	تنبل
aǰgahānīh , sustīh	تنبلی
tambūr , tambūrag	تنبور
petītīgīh	تنبه
āwēnīdan	تنبيه کردن
ray , tēz , tund	تند
drust , tan-drust	تندرست
drōd , drustīh , tan-drustīh	تندرستی
šēb-	تند رفتن
*zibāl	تندرو (اسب و...)

tundīh	تندی
gizistag	تنفرانگیز
tanuk	تُنک
tanuk	تُنک آب
tang	تنگ
tangīh	تنگی
tanūr	تنور
bun , ēwan , wan	تنه (درخت)
ēwtāg , tāg , tanīhā	تنها
tanīg	تنی
tadan	تیدن
tō	تو
*tōf	تو (= لا)
tarsāgāhīh	تواضع
āštīh	توافق
dō-gānag	توأم
tuwān	توان
kardagār , tuwānāg	توانا
tuwānīgīh	توانایی
ādānīh	توانایی پرداخت وام
P. šah-	توانستن
hangad , rāyōmand , tuwāngar , was-xwāstag	توانگر
tuwāngarīh	توانگری
pašēmānīh , petīt	توبه
pašēmān , petītīg	توبه کار
pašēmānīh , petītīgīh	توبه کاری
a-petītīgīh , an-abaxšāwandīh	توبه ناکردگی
a-petītīg , an-abaxšāwand	توبه ناکرده
nigāh , hangārišn	توجه
bayō-baxt	توجه الهی
ōšmurdan	توجه کردن
tōxtan	توختن (= جبران کردن)
dām	تور

Tūr	تور (یکی از دشمنان ایران)
tō, - (i)t	تورا
Tūrān	توران
Tūr	تورانی
tōrag	توره
tōz	توز
baxtan, pargandan	توزیع کردن
tōšag	توشه
wizār, zand	توضیح
nigēxtan	توضیح دادن
wīdwarīh	توکل
andar āwurdan	تولید کردن
bun, tah	ته
padist	تهدید
tahm	تهم
tuhīg	تهی
hangēxtan	تهیج کردن
tuhīgīh	تهیکی
abgār-	تهیه کردن
tigr	تیر
Tīr	تیر (نام ایزد)
tīr	تیر: گاه‌نما: نام چهارمین ماه سال و سیزدهمین روز ماه
tīr	تیر: در نجوم: عطارد
frasp	تیر سقف
sāyag	تیرگی
tērag	تیره
tēx, tēz	تیز
tēzīh	تیزی
Tištār	تیشتر: در نجوم: شعرای یمانی
awestarag	تیغ
tēx	تیغ (= پرتو)
frēg, šānag	تیغ شانه (= استخوان شانه)
siyā(h)īzag	تیغ گیاه

dabr	تیره رنگ
tēmār	تیمار
*tīhōg	تیهور

« ث »

ādān(īh), grāmag, hangadīh, tuwāngarīh, xwāstag	ثروت
ādān, was-xwāstag, xwāstagōmand, hangad	ثروتمند
kirbag	ثواب

« ج »

gāh, gyāg, mānišn, nišēm	جا
pay	جاپا
passāxtan	جادادن
frāx	جادار
ǰādūg, kundāgīh	جادو
ǰādūg, kēd, kundāg	جادوگر
ǰādūgīh	جادوگری
ǰādūgīh	جادویی
rāh	جاده
gyāg-rōb	جاروب
rawāg, tazāg	جاری
āšixtan, rēxtan, tāxtan	جاری شدن
ǰām(ag)	جام
ǰām	جام (= شیشه)
ǰāmag, kabāh, paymōg, paymōzan, warr, watar(ag)	جامه
gyānwar, uštānōmand	جاندار
gyān-abespār	جان سپار
gōhrīg	جانشین
gyān kandan	جان کندن

gyānwar , zāyišnīg	جانور
ǰāwēdānag	جاودانه
dagrand-xwadāy , hamēīg , ǰāwēd	جاوید
ǰāwēdān , hamēīgīhā , P. yāwēd(ān) ,	جاویدان
dād-gāh	جای وقفی
nišēm	جایگاه
ādišt	جایگاه آتش
daštānestān	جای مجزا برای زنان قاعده
tōxtan	جبران کردن
anābuhlag	جبران ناپذیر (گناه)
niyāg	جد
ǰud(āg)	جدا
frāz az , ǰud az	جدا از
wizīhīdan	جدا شدن
wēxtan , wisāndan , wiškīdan , wizārdan	جدا کردن
ǰudāgīh , wisānišn(īh) , wiškin(n)išn , wizār , wizīhišn(īh)	جدایی
ǰud-nāy	جدنای (واحد طول = شش پا)
ayārīdan	جرات کردن
āgrift , wināh	جرم
rawāgīh , tazišnīh	جریان
grīw	جریب (پیمانه اندازه گیری خشکبار)
grīw	جریب (واحد اندازه گیری سطح)
xwurdag	جزئی
gōkān	جزئیات
ōgār	جزر
gazīdag	جزیه
xwāstan	جستجو کردن
ǰastan	جستن
nasā , ristag	جسد
astōmand , astwand , kālbodōmand , tanīgard(īg) , tanōmand	جسمانی
tanīg	جسمی
ǰašn , wayōdagān	جشن (عروسی)
yaštan	جشن گرفتن

kēwūd , tabangōg	جعبه
ǰay	جغ (درخت)
būm	جغد
ǰagar	جگر
ǰuxt , ²tā	جفت
āyōxtan	جفت کردن
marzišn(Ṭh) , māyišn	جفت گیری
marzīdan	جفت گیری کردن
xwāstan	جلب کردن
abrōxtan	جلا دادن
frāz	جلو
abāz dāštan , grifan , padīrān(ēn)īdan	جلوگیری کردن از...
marzišn(Ṭh)	جماع
gund	جماعت
mastarg	جمعمه
činišn	جمع آوری
(ō) gird āmadan	جمع شدن
gird kardan , ō ham kardan , harrōb- , P. amwaštan	جمع کردن
ǰumbēnīdan	جنباندن
ǰumbṬhistan	جنبانیده شدن
ǰumbāgṬh , ǰumbišn , rawišn	جنبش
ǰumbīdan	جنبیدن
ardīg , hamrānṬh , ǰang , nibard , P. pādrāzm	جنگ
ardīkkar , ēraxtār , kārīg	جنگجو
ardīkkarṬh	جنگجوئی
wēšag	جنگل
wēšagīg	جنگلی
āyōzīdan , ēraxtan , nibardīdan , pahikāftan , pahikār- , P. rān-	جنگیدن
nēm-rōz , rapihwin	جنوب
rapihwintar	جنوبی
ǰaw	جو
andarwāy , spāš , way	جو
frāx	جواب

paywāz	جواب دادن
ǰuwān , kawādak , keh , kōdak	جوان
keh(tar)	جوان(تر)
spīg	جوانه
spīzišn	جوانه زدگی
spīz-	جوانه زدن
ǰuwān , ǰuwānīh	جوانی
gōhr(ag)	جواهر
xār-pušt	جوجه تیغی
gōz	جوز
Gōzihr	جوزهر (در نجوم)
ayārdīdan	جوش آمدن
ayārdēnīdan	جوشاندن
ayārdēnišn	جوشش
ayārdēnīdan	جوشیدن
gōhr(ag)	جوهر (= ذات)
ǰō(y)	جوی
andarwāyīg	جوی
ǰudan	جویدن
ǰōyišn	جویدن (عمل)
ǰawēn	جوین
ǰeh	جه
axw(ān) , gēhān	جهان
anērān	جهان آن سوی ایران
gēhānīg , gētīg(īg)	جهانی
ālag , bahr(ag) , nēmag , rōn , sōg , sraxtag	جهت
ǰahišn-ayār	جهشیار
ǰahišn-ayārīh	جهشیاری
ǰahūd	جهود

«چ»

čābuk , *marčābuk , tagīg

چابک

čābukīh , *marčābukīh	چابکی
čādur , mašk , wiyān	چادر
čār(ag)	چاره
čāraggarīh	چاره‌گری
čāšt	چاشت
čāšnīg	چاشتی
frabīh	چاق
šēbāg	چالای
čāh	چاه
hōy(ag)	چپ (دست)
čē rāy , čim(rāy)	چرا؟
čarag	چرا
čirāy	چراغ
abrōzišn(īh)	چراغانی
čarag , wāstar	چراگاه
čarb	چرب
čarbīh , čarbišn , pih	چربی
čaxrag	چرخ
wēxtan	چرخاندن
karāwuš	چرخشت
wēxtan	چرخیدن
čarz	چرز (نام پرنده)
čarm	چرم
dōsēn	چسبنده
čābuk , šēbāg	چُست
čaxšāgīh , mizagdārīh	چشائی (حسن)
čašm , dōysar	چشم
aš , duj-dōysarīh	چشم (بد)
war-čašm	چشم بر سینه
mēzišn	چشم بر هم زنی
mēzišn	چشمک
čašmag , xān(īg) , zahābag	چشمه
čagād	چکاد

čēgāmag	چکامه
čakōk	چکاوک
cakuč	چکش
hangirdīg(īh)	چکیده (= خلاصه)
čagar	چگر
čē-ēwēnagīh , čēīh	چگونگی
čē-ēwēnag , čiyōn	چگونه
karbāš , karbunag	چلباسه
čēlāngar	چلنگر
gad , warz	چماق
āxrāmīdan	چمیدن
činār	چنار
čiyōn ka	چنانکه
čambar	چمبر
and , čand	چند
čandišn	چندش
čandīh	چندی
čang , kennār	چنگ
srū	چنگال
čang-srāy , kennār-srāy	چنگ سرای
ēdōn , hamgōnag , ōh , ōwōn	چنین
čōb , dār	چوب
dār-wāzīg	چوب باز
čaw(ba)gān	چوب خمیده چوگان
čōbag	چوبه
dārēn	چوبین
pānāg	چوپان
*čaw(ba)gān	چوگان
čē , čiyōn , ka , ōwōn	چون
ēd rāy čē	چونکه
čiyōnīh	چونی
čē , kadām	چه؟
čand	چه اندازه؟

čahār	چهار
čahār-pāy	چهارپای
gōspand	چهارپای (کوچک)
stōr	چهارپای (بزرگ)
čahārdah	چهارده
tasum	چهارم
čihr	چهر
čihr-šnāsīh	چهرشناسی
kē	چه کسی؟
čehel	چهل
kay?	چه وقت؟
čīdan	چیدن
čēr	چیره
čērīhistan	چیره شدن
čērīh	چیری
čiš , kard , tis , xīr	چیز
čēīh	چیستی
čēh-widarag , činwad-puhl	چینود پل
činag	چینه

«ح»

ǰastan	حادث شدن
bar	حاصل
drūdan	حاصل برداشتن
nām-burdār	حافظ نام پدر
šahryār	حاکم
šasab	حاکم نواحی در ایران باستان
wardag	حالت فحلی حیوان مؤنث
astōmandīh , tanōmandīh	حالت مادی داشتن
burdār	حامل
zahagōmand	حامله

pānāg, panāh, puštībān	حامی
magind	حایل
pardag	حجاب
wimand	حد
tuwān-sāmān	حد توانائی
(pad) kamistīh	حداقل
garmāg, garmīh	حرارت
āz, āz-kāmagīh, āzwarīh, ruzdīh, waranīgīh	حرص
P. wāxtan	حرف زدن
čandišn, ēwarz, ĵumbišn, rawišn, wihēz(ag)	حرکت
wāzīdan	حرکت دادن
ēwarzīdan, raftan, wazīdan, wihēz-	حرکت کردن
dwārīdan/dwāristan	حرکت کردن (اهریمنی)
āz-kāmag, āzwar, ruzd, waranīg	حریص
hambadīg, hambāy, hambedīg, hamēmāl, hamēstār	حریف
bōy, sōhišn, šnāsag	حس
hangārag	حساب
āmār-, hangārdan, ōšmurdan	حساب کردن
duš-čašmīh	حسادت
mārāg, sōhišnīg	حساس
arešk, čašm-areškīh	حسد
mārdan	حس کردن
areškēn, čašm-arešk	حسود
gāl	حشر
xrafstar	حشره زیانکار
gāl	حشم
awāhan, parwand, parwast, war	حصار
handēmānīh	حضور
nišāyišn, past	حضیض
gabr	حفره
dārišn	حفظ
dāštan, zēnēnīdan	حفظ کردن
handarz	حکم

šahryārīh	حکومت
widāzīhistan	حل شدن
čambar , čaxrag	حلقه
widāxtan	حل کردن
duš-āgāhīh , halagīh	حماقت
pānagīh , panāhīh , pušt , puštībān , zēnhār	حمایت
pādan , pahrēxtan , srāyīdan	حمایت کردن
burdan , widārdan	حمل کردن
abāz dādan ō	حمل کردن بر...
burdār	حمل کننده
hēnīh , pahikafišn , tag	حمله
pahikaftan , tag kardan abar/ō	حمله بردن
šādurwān	حوض
parwār	حومه
nang	حیا
zīndakkar	حیات بخش
zīwenīdan	حیات بخشیدن
gyānīg	حیاتی
frēb	حیله
dām	حیوان اهلی
zībāl	حیوان تندرو
anbarag	حیوان موی ریخته
xrafstar	حیوان موزی
dad	حیوان وحشی

«خ»

xār	خار
hukar(ag) , xār-pušt , zūzag	خارپشت
uzīdan	خارج شدن
anōdagīg , uzdechīg	خارجی
xārōmand	خاردار

ēwāzīg, wāspuhragān	خاص
žadag, *jadišn	خاصیت
warm, wārom	خاطر
xāk	خاک
ādurestar	خاکستر
ādurestarēn	خاکستری
zamīgīg	خاکی
parš	خالدار
a-gumēg	خالص
pargūd	خالی از
xām	خام
tušt, xāmōš	خاموش
(a)zruftan	خاموش شدن
afsārdan	خاموش کردن
xāmīz	خامیز
xān	خان
tōhm(ag)	خاندان
nāf	خانواده
xān ud mān	خان و مان
kadag, mān(d), srāy, xān(ag)	خانه
bun-kadag	خانه اصلی
gilistag	خانه دیوان
xwurdag	خانه ماه (در نجوم)
frawār	خانه یا کوشکی که اطراف آن باز باشد
xāyag	خایه (= تخم)
*niwēyišn(īh)	خبیر
niwistan, niwēyēnīdan	خبر دادن
pazūg	خبزدو
abargar, xwadāy, yazad	خدا
axw	خداوند
pargast	خدای ناکرده
xwadāywār	خدایوار
paristagīh, paristišn	خدمت

kardagān	خدمت ایزدان
kard-espās	خدمتکار
paristīdan	خدمت کردن
xar	خر
ānāst(ag), awērān, awērag, mūdāg, tabāh, winastag, wišōbišnīg	خراب
abesīhīdan, hambastan	خراب شدن
wimuštan, wināhīdan	خراب کردن
an-afsēnišn	خراب نشدنی
abesīhišn(īh), afsēnišn, ānāstīh, tabāhīh, wany (b)ūdīh, wišōbišn	خرابی
harg, sāk	خراج
xwarāsān	خراسان (= مشرق)
randīdan	خراشیدن
āxrāmīdan	خرامیدن
xar-buz	خربز
*karzang	خرچنگ
*karzang	خرچنگ: در نجوم: برج سرطان
bār-žāmag, paywāsag	خرجین
dānāgīh, xrad	خرد
xwurd	خُرد
Hordād	خرداد (= کمال): نام پنجمین امشاسپند و نگهبان آب
Hordād	خرداد: گاه نما: نام سومین ماه سال و ششمین روز ماه
kam/kem	خُردتر
āsn xrad	خرد فطری
afšurdan, kōftan	خُرد کردن
spandān	خردل
dānāg, xradīg, xradōmand	خردمند
xwurdag	خُرده
xirs	خرس
abē-must, hunsand, hušnūd, widwar	خرسند
hunsandīh, hušnūdīh, šnōmag, šnōhr, wīdwarīh	خرسندی
xargōš	خرگوش
sahōg	خرگوش صحرائی
huram	خرم

xormā	خرما
huraṃtīh	خرمی
uzēnag	خروج
xrōs	خروس
xrōšīdan	خروشیدن
xrōhak	خروهک
xrīdan	خریدن
xaz	خز
gāhbed	خزانه‌دار
zyān	خسارت
xastan , xwastan	خستن
āstawān , xwastūg	خستو
xwastūgīh	خستوئی
māndag	خسته
pen	خسیس
xišt	خشت
hušk	خشک
hōšēnīdan	خشکاندن
hōšīdan	خشکیدن
āhr , dēbahr , xēšm	خشم
xēšmēn	خشمگین
xašēn	خشن
stabr , sturg , tund	خشن
farrox , hunsand , hušnūd(ag) , *wīdwar	خشنود
šnāyēnīdan	خشنود کردن
hunsandīh , hušnūdīh , šnāyēnišn , šnūman , urwāzišn , wīdwarīh	خشنودی
tundīh	خشونت
dušmenādīh	خصومت
kiš	خط
ērang(īh)	خطا
kastār	خطا کار
kastārīh	خطا کاری
sēj	خطر

sējōmand	خطرناک
pēs	خط خط
hanĵamanīg	خطیب
*šawāg	خفاش
xuftan	خفتن
xwarg	خُل (آتش)
harzag	خل
tuhīgīh	خلاء
hangirdīg(īh)	خلاصه
hangirdēnīdan	خلاصه کردن
a-gumēgīh	خلوص
xumb	خُم
xwēn-āhan	خماهن
panĵag	خمسه
waxr , xwahl	خمیده
gōhr	خمیره
xandīdan	خندیدن
xunak	خنک
afsārišn	خنکسازی
huniyāgar	خنیگر
būšāsp; xwāb , xwamn	خواب
xwamn-wizār	خوابگزار
nibastan , sayistan	خوابیدن
nibēm	خوابیده
pen , xwār	خوار
tar kardan , tar menīdan	خوارشمردن
xwār-bār	خواربار
abāyistan , kāmistan , xwāstan , zastan	خواستن
xwāstag	خواسته
xwān	خوان
xrōstan , xwāndan	خواندن
xwāh , xwāhar	خواهر
xwāhišn	خواهش

hudā(ha)g, nēw, weh, xūb; hu-, huīh; P. naxšag	خوب
hu-rust	خوب رُسته
hu-ramag	خوب رمه
hu-kunišn	خوب کردار
huīh, nēk-gōhrīh, wehīh, xūbīh	خوبی
abar-menišn, abar-tan	خودپسند
abar-tanīh	خودپسندی
xwad-dōšag	خودخواه
xwad-dōšagīh	خودخواهی
wastār, tar-menišn	خودسر
wastārīh, tar-menišnīh	خودسری
kāmag-widār, kāmag-xwadāy, kām-zī(w)išn	خودکامه
xwadīh	خودی
mihr, xwar	خور
Xwar	خور: گاه‌نما: نام یازدهمین روز ماه
Xwar	خور (نام درجه‌ای از گناه)
čāštag, pīh, xwār, xwardīg, xwarišnīh	خوراک
rōzīg	خوراک روزانه
āmiz	خوراک غیراصلی
xwārēn-	خوراندن
xwardan	خوردن
xwārēn, xwarišnīg	خوردنی
xwardār	خوردنی (شرعی)
xwardīg	خوردی
xwarišn(īh)	خورش
mihr, xwar(x)šēd	خورشید
xwaš	خوش
husraw	خوش آوازه
xunak!	خوشا!
hu-dōšag	خوشایند
farrox, ĵahišn-ayār, xwarrahōmand	خوشبخت
pādēxēnīdan	خوشبخت کردن
ābādīh, farroxīh, ĵahišn-ayārīh, xwā(h)rīh, xwarrah	خوشبختی

hu-bōy	خوشبو
*wimēhgēn	خوش ترکیب
urwāzišn	خوشحالی
urwāzistan	خوشحالی کردن
hu-xēm	خوش خیم
hu-xēmīh	خوش خیمی
hu-xēm	خوش خو
hu-ēwāz , hu-gōwišn	خوش گفتار
hu-gugār	خوشگوار
hōšag	خوشه
hōšag	خوشه: در نجوم: برج سنبله
rāmišn , urwāhm(an)īh, xwaštīh	خوشی
rāmēnīdan	خوشی دادن
hōštīdan	خوشیدن
hug	خوک
hukar(ag)	خوکره
xōn	خون
Xwanirah	خونیره
*ul-drafs , xurdruš	خونین نیزه
menišn , ragīh , xōg	خوی
xwēy	خوی (= عرق)
hu-xēmīh	خوی خوش
xwēd	خوید
xwēdīh	خویدی
xwistan	خوی ریختن
xwēš	خویش
ham-tōhmag , xwēšāwand	خویشاوند
*brādarōd	خویشاوند (ناتنی)
nabāzazdišt	خویشاوند نزدیک
brādarōdīh	خویشاوندی
xwēštīh	خویشی
xwēdōdah	خویدوده
darzīh	خیاط

nē	خیر
ahlaw-dād	خیرات
hērīg	خیری (نام گل)
ēš	خیش
xīg	خیک
xēm, xōg	خیم
kōšk, mašk, mašk-abarzēn	خیمه
bunag	خیمه گاه
xayūg	خیو

((۵))

dād, dādestān	داد
dādār	دادار
dādārīh	داداری
dādan	دادن
-bān, -dān, -dār	— دار (پسوند)
dār	دار
dārgardīh	دار آویختگی
parwastan	دارا بودن
mēnōg-wēn	دارای بینش روحانی
dagrand-xwadāy	دارای پادشاهی طولانی
gōspand-čihrag	دارای تخمه چهارپایان
hu-dēn	دارای دین خوب
radōmand	دارای رد
hu-ramag	دارای رمه خوب
zī(w)išnōmand	دارای زندگی
warzāwand	دارای قدرت اعجاز
grāmag, hangadīh	دارایی
dār-wāzīg	دارباز
darmān, dārūg	دارو
dās	داس

afsān	داستان
dāštan	داشتن
garm	داغ
drōš	داغ
dazīdan	داغ کردن
drōšīdan	داغ زدن
dālman	دالمن
dām , talag	دام
dām	دام (حیوان اهلی)
dāmād	داماد
dāmādīh	دامادی
-dān	— دان (پسوند)
dānāg , frazānag	دانا
dānāgīh , frazānagīh	دانائی
dānistan , uzwārdan	دانستن
dānišn	دانش
hašāgird , hāwišt	دانش آموز
dānišnōmand	دانشمند
čīnag , dān(ag) , jōrdā	دانه
muhrag	دانه تسبیح
dādwar , mayānjīg	داور
dādestān , dādwarīh , handāzišn , wizīr	داوری
drō-dādwarīh	داوری دروغ
handāxtan	داوری کردن
girdag	دایره
dāyagānīh	دایگی
dāyag	دایه
dibīr	دبیر
dibīrīh	دبیری
duxt	دخت
duxtar	دختر
daxmag	دخمه
dad	دد (حیوان وحشی)

dudīgar	ددیگر
dar	در
ō , pad	در (حرف اضافه)
windišn	درآمد
kēšīdan	درآوردن
pōr	دراج
dagr , dagrand , drāz	دراز
dra(h)nāy	درازا
nibastan	دراز کشیدن
nibēm	دراز کشیده
P.darāy	درای
wāspuhragān	درباری
padīrag	در برابر
parwastan	دربرد داشتن
paymōxtan , pōšīdan	درببر کردن
suš	درجه (از کمان)
purr-gāh	در حال نزع
†tā	در حالیکه
handēmān	در حضور
dār , draxt , wan	درخت
wan ī was-tōhmag	درخت بسیار تخمه
wan ī gurgānīh	درخت پسته
nihāl	درخت نو نشانده
šēd , rōšn , P. nisāg	درخشان
bām , brāh , brāzišn , spīg , spīzišn	درخشندگی
bāmīg , brāzišnīg	درخشنده
brāzīdan , drafšīdan , frōgīhistan , spīz- , tābīdan = tāftan	درخشیدن
pahikārdan	درخواست کردن
abāyišnīg , niyābag , passazag , sazāg	درخور
saz-	درخور بودن
ērwār , gurdwār	درخور پهلوان
marg-arzān	درخور مرگ
bēš , dard , pīm , rēškēnīh	درد

rēškēn	دردناک
dardōmand	دردمند
darz	درز
darzīg	درزی
drust	درست
bowandag menišnīh	درست‌اندیشی
sahistan	درست به نظر رسیدن
ahlaw , ardā , frārōn	درستکار
ardāyīh , frārōnīh	درستکاری
drustīh	درستی
društ	درشت
društ-āwāz , društ-ēwāz	درشت‌آواز
društīh	درشتی
wardyūn	درشکه
ᵛtā	در ظرف
bē... enyā... nē	درغیر این صورت
drafš	درفش
bōy , mārišn , sōhišn	درک
mārdan	درک کردن
dargāh	درگاه
bešāz , darmān , dārūg	درمان
an-ādānīh	درماندگی
an-ādān	درمانده
bēšāz(ēn)-	درمان کردن
dramanag	درمنه
parwastan	درمیان گرفتن
drang	درنگ
darband	دروازه
ēr-kaš	دروود فرستادن
durgar	دروودگر
drūdan	دروودن
drō , mih , mihōxt , zūr	دروغ
drōzan	دروغزن

druxtan	دروغ گفتن
drōzan , mihr-drōz = mihrōdruj	دروغگو
mihōxt	دروغگویی
drūdan	درو کردن
drōn	درون (نان مقدس)
andarōn	درون
grīwag	درّه
āhīd	درهم
drahm	درهم
pēcīdan	درهم بافتن
āhīdīh	درهمی
drayā(b) , zrēh	دریا
drayā(b)bār	دریابار
mārāg , mārišnōmand	دریابنده
war , zrēh	دریاچه
abar madan	دریافتن
darrīdan	دریدن
duz(d) , gēg , rāh-dār	دزد
appar(išn) , duz(d)īh	دزدی
duzīdag , truftag	دزدیده
appurdan , duzīdan	دزدیدن
āwahan , diz , drubušt	دژ
duš-kām	دژکام
dast , panjag	دست
gaw	دست (اهریمنی)
ēr-kaš	دست به سینه
abdast	دستپناه (بخشی از زره)
hōy(ag)	دست چپ
dašn , dašnag	دست راست
čamišn	دست شوئی
dast(a)gird	دستگرد
dast-gīr	دستگیر
dast-gīr , griftār	دستگیر شده

dastwar	دستور
framān , framāyišn	دستور
framūdan , win(n)ārdan	دستور دادن
dastag , grōh , hōšag	دسته
dastyār	دستیار
dastyārīh	دستیاری
duj- , duš-	دُش – (پیشوند)
dašt , rāy	دشت
daštān	دشتان
daštānestān	دشتان‌گاه
daštān-māh	دشتان‌ماه
bēš-burdār , dušmen , hambasān	دشمن
hambasānīg	دشمنانه
an-āštīh , bēš , dušmenīh , dušmenādīh	دشمنی
bēš burdan	دشمنی کردن
duš-nām , wad-wāzag	دشنام
tar kardan , tar menīdan	دشنام دادن
čēlān , dašnag	دشنه
duš-kar , duš-(x)wār , garān	دشوار
duš(x)wārīh	دشواری
namāz , yašt	دعا
wāz grīftan	دعا خواندن
āfrīdan	دعای خیر خواندن
wāz	دعای پیش از غذا
pahrēz , pāsbānīh	دفاع
pasēmālīh	دفاع (قانونی)
drubušt , nigāstār	دفاعی
daftar	دفتر
daftar	دفتر محاسبه
pazdagīh	دفع
ōgārdan , rīdan	دفع کردن
bār	دفعه
bārīg/k	دقیق

ǰādāg-wihīrīh , wardišn	دگرگونی
dil	دل
hu-ēwāz	دلجو
hu-ēwāzīh	دلجوئی
āmurzīdan	دل سوختن
abaxšāyišnīg	دلسوز
dōl , hēzag	دلو
dōl	دلو: در نجوم: برج دلو
arwand , dilēr , nēw	دلیر
arwandīh	دلیری
dum(b)	دُم
damišn , wād , wēn	دَم
dum(b)ōmand	دُمدار
daftan , (damīdan) , nāy-pazd , pazd-	دَمیدن
pas , pay ī	دنبال
dād , dandān	دندان
dō	دو
dwāzdah	دوازده
dawāl	دوال
a-sazišnīgīh , ēstišn	دوام
pattūdan , (pattāyistan)	دوام آوردن
bid , did	دوباره
abāz wirāstan	دوباره ترتیب دادن
dō-pāy	دوپا
dō-pahikar	دوپیکر: در نجوم: برج جوزا
ǰuxt	دوتا
dō-axwānīg	دوجہانی
dōxtan	دوختن
dūd	دود
dūdāg , tōhmag	دوده
dūr	دور
gumēzagīh	دوران جهان مادی
parrōn	دورتر

bēdom	دورترین
ānāftan , franāftan	دور کردن
*pa(č)čībāgīh	دوروئی
drang , wihēz(ag) , paymān(ag)	دوره
ānābišn , franāmišn	دوری
pahrēxtan	دوری کردن
dušox , dwārišn	دوزخ
dušoxīg	دوزخی
ayār , dōst , *ērmān , hamāl	دوست
dōšīdan	دوست داشتن
ayārīh , dōstīh , dōšišn , ērmānīh , mihr	دوستی
dō-saxwan	دوسخنه
dōš	دوش
dōš , suft	دوش
šānag	دوشاخه
dōxtan = dōšīdan	دوشیدن
dōšīzagīh	دوشیزگی
dōšīzag , kanīg , kanīzag	دوشیزه
dōk	دوک
dō-gānag	دوگانه
dōwom	— دوم (در اعداد مرکب)
didom , dudīgar	دوم
pōyišnīg	دونده
dawīdan , (dawistan) , pōy- , taxtan , (tazīdan)	دویدن
dwārīdan , (dwāristan)	دویدن (اهریمنی)
deh , wis	ده
dah	ده
dahān	دهان
dahibed	دهید
dahišn	دهش
dahigān , (dehgān)	دهقان
dahliz	دهلیز
dahom	دهم

ēwān , padisār	دهنه
bēwar	ده هزار
Day	دی: نام دهمین ماه سال و هشتمین، پانزدهمین و بیست و سومین روز ماه
dīg	دی
dēbāg	دیبا
wēnāb	دید
dīdār	دیدار
dīdan , nīš-	دیدن
dīdār	دیدنی
dīdag	دیده
dagr	دیر
dagr-pattāy	دیرپا
dagr-zamān	دیرزمان
dagr-zī(w)išn	دیرزی
frasp , nāy , stūn(ag)	دیرک
dagrand	دیرنده
dīg	دیروز
dēs(ag)	دیس
dōš	دیشب
dēg	دیگ
abārīg , any , did	دیگر
dēn	دین
Dēn	دین: نام روز بیست و چهارم ماه
dēnār	دینار
weh dēn	دین زردشتی
dēnīg	دینی
ag-dēnīh	دینی غیر از دین زردشتی داشتن
dēw , druz	دیو
dēwār , parispa	دیوار
dēwān	دیوان (مجموعه نوشته‌ها)
halagīh	دیوانگی
dēwānag	دیوانه
māzandar	دیو بزرگ

dēw-ēsniḥ , dēw-ēzagīh
xēšm
dēwōk
māzanīg
dēwānag
dēw-ēsniḥ , dēw-ēzagīh
puhl

دیو پرستی
دیو خشم
دیوک
دیو مازنی
دیوی
دیویسنی
دیه

« ذ »

gōhrīg
frārāst
wārom , wīr

ذاتی
ذراع
ذهن

« ر »

framādār
kamālīg
drustabed
darīgbed
andar
āsān
āsāyišn , rāmišn
rād
rādīh
rāz
rāz-kirrōg
rāspīg
rāst , wābarīgān , wizurd
rāstīh , wābar , wizurdīh
rasūg

رئیس
رئیس (اهریمنی)
رئیس پزشکان
رئیس تشریفات
راجع به
راحت
راحتی
راد
رادی
راز
رازیگر
راسپی
راست
راستی
راسو

abc-must	راضی
rāy	راغ
hammist	راکد
rām	رام (آرامش)
Rām	رام: گاه‌نما: نام بیست و یکمین روز ماه
huniyāgar	رامشگر
haxt , rān	ران
wāzīdan	راندن
hangōšīdag , pand , rāh , ristag , widarag	راه
rāh-dār	راه‌دار
rāh-dār	راهزن
rāh-dārīh	راهزنی
rāh-nimāy	راه‌نما
hāxtan , nimūdan	راه‌نمائی کردن
rawāg	رایج
bōy	رایحه
dar-handarzbed	رایزن دربار
pahikārdan	رایزنی کردن
waxšgar	رباخوار
apparag	رباینده
rubūdan	ربودن
mar	رتبه
aškamb(ag) , aškom(b) , burdār , gabr , grāb , pusyān , uruspar	رَجم
abaxšāyišn	رحم
abaxšāyīdan , āmurzīdan	رحم کردن
abaxšāyišnīg	رحیم
rox	رخ (در بازی شترنج)
gāzar	رختشوی
nakkīrāyīh , spōzišn	رد
rad	رد (= سرور)
pay	ردپا
ānāftan , spōxtan	رد کردن
nakkīrā	ردکننده

radag , rastag	رده
radīh	ردی (مقام)
radag	ردیف
gul	رز (گل)
raz	رَز
ǰang , razm	رزم
razm-gāh	رزمگاه
aštagīh	رسالت
rasēnīdan	رسانیدن
rist-āxēz	رستاخیز
bōxtag	رستگار
bōxtan , wizārdan	رستگار شدن
bōxtagīh , bōxtārīh , bōzišn , wizārišn	رستگاری
rastan	رستن
rustan	رُستن
ārōyišnīg	رُستنی
pēšag , radag , rastag	رسته
dastwarīh	رسم
arwēs , rasan , rištag	رسن
an-āzarm	رسوا
an-āzarmīh	رسوایی
aštag	رسول
pazzāmišn	رسیدگی (میوه)
wizōstan	رسیدگی کردن
(abar) rasīdan	رسیدن
pazzām-	رسیدن (میوه)
abar rasīdan (ō) , ayāftan	رسیدن به...
abar rasīdan	رسیدن بر سر...
rištag	رشته
abzōn , abzāyišn , rōyišn , waxšišn	رشد
abzūdan , waxšīdan	رشد دادن
arcšk	رشک
areškēn	رشک برنده

Rašn	رشن (ایزد عدالت)
Rašn	رشن: گاه نما: نام هجدهمین روز ماه
pārag	رشوه
hupassandagīh , sahišn , šnōmag	رضایت
huniyāgīh	رضایت خاطر
γarrānag , wīr	رعد
barišn , rawišnīh , warišn	رفتار
ērīh	رفتار خوب
franāftan , raftan , šudan	رفتن
muštan , rōb-	رُفتن
hamāl	رفیق
*brādarōdīh	رقابت
*brādarōd	رقیب
stūn(ag)	رکن
ragag = rag	رگ
ram(ag)	رمه
ranj , handraxtagīh	رنج
ranjēnīdan	رنجانیدن
ranjwar	رنجور
rēškēnīh	رنجوری
ranjag	رنجه
randīdan	رنده کردن
gōn , rang	رنگ
pēsīdan , raštan	رنگ کردن
rawāgīh	رواج
franāftan , rawāgēnīdan	رواج دادن
frawahr , fraward , gyān , ruwān , uštān , wād	روان
tāxtan = tāzēnīdan	روان ساختن
ruwānīg	روانی
rōbāh	روباه
ulīh	رو به بالا
mēnōg(īh) , waxš	روح
gāhānīg , gyānīg , mēnōgīg , ruwānīg , waxšīg	روحانی

kayk	روحانی دشمن زردشت
mēnōg(īg)īh	روحانیت
rōd	رود (آلت موسیقی)
rōd	رود (= رودخانه)
rōd-bār	رودبار
padīragīh	رودروی
rūdan	رودن
rōdīg, uruspar	روده
rōdīg	روده‌ای
rōz	روز
rōzwārag	روزانه
rōzgār	روزگار
rōzan, rōz(b)ānag	روزن
rōzag	روزه
duzīdag, truftag	روزهای افزوده آخر سال (= کیسه)
pad-rōzag, rōzag	روزه‌دار
rōzīg	روزی
rōspīg	روسپی
rōspīgīh	روسپیگری
rōstāg	روستا
brahm(ag), ēwēn(ag), handāzag, hangōšīdag, ristag, šōn	روش
ēdōnīh	روش (درست)
rōšn	روشن
abrōxtan, rōzēnīdan	روشن کردن
rōšngar	روشنگر
abrōzišnīh	روشنگری
rōšn(īh), frōg, payrōg	روشنی
anagr-rōšn(īh)	روشنی بی کرانه
-rawišnīh	- روشی (پسوند سازنده اسم معنی)
čarbišn, rōyn	روغن
čarbišnōmand	روغن‌دار
handūdan	روغن مالی کردن
čarb	روغنی

Hrōm	روم
Hrōmāyīg	رومی
rōyan	روناس
dādestān	روند
raftār	رونده
pa(č)čēn	رونویس
abar , pad	روی
rōy	روی (= فلز)
rōy	روی (= سیما)
būšāsp , xwamn	رؤیا
ǰastan	روی دادن
ārōyišn , rōyišn	رویش
rōyan	روین
rōyēn	رویین
wišād , harzag	رها
pargūd az	رها از
hištan	رها کردن
hilišn , rastārīh	رهایی
parwānag , pēšār , pēšōbāy , sālār	رهبر
rāyēnīdārīh , parwānagīh	رهبری
franāftan , hāxtan , rāyēnīdan	رهبری کردن
rahīg	رهی
rēbās	ریباس
afšāndan , āšixtan , rēxtan , tāxtan(= tazēnīdan) , wēxtan	ریختن
rēdak	ریدک
rīdan	ریدن
*darmag	ریز
rēzišn	ریزش
rēš	ریش
rēš	ریش (صورت)
afsōs , riyahrīh	ریشخند
afsōsgar	ریشخند کننده
rēšag	ریشه

rēg	ریگ
rēm	ریم
rēman	ریمن
rēmanīh	ریمنی

«ز»

ābus	زائو
dād	زاد
zādan	زادن
hunušakēnīdan , wišūdan	زادن (اهریمنی)
zādag , zāyišnīg	زاده
zādan	زاده شدن
čēhišn , zarīg	زاری
čīdan	زاریدن
zālūg , dēwōk	زالو
Zāmyād	زامیاد: گاه‌نما: نام بیست و هشتمین روز ماه
(u)šnūg , zānūg , zang	زانو
zāyč(ag)	زایچه
parrēxtan	زاید بودن
zāyišn	زایش
zāyišnīg	زایشی
ābusīh	زایمان
zuwān = uzwān	زبان
azabar	زبر
društ	زبر
bēšišn	زجر
ranj , widang	زحمت
rēš , zaxm	زخم
rēšīdan	زخم کردن
kōftan , kōstan , pahikaftan , pahikōftan , zadan	زدن
snāh	زد و خورد

awestarišn	زدودگی
awestardan	زدودن
zarr	زر
uštar-gāw-palang	زرافه
zard	زرد
wiš	زرد آب
zard-ālūg	زردالو
zard-čōbag	زردچوبه
zardu(x)št	زردشت
zardak	زردک
zardag	زرده (تخم مرغ)
zardīh	زردی
zarr(ī)gar	زرگر
zargōn	زرگون
zargōnīh	زرگونی
gubrāg , wigrād , zēnāwand	زرنگ
Zurwān	زروان
zēn , zrēh	زره
zrēh	زره (= دریا)
bāzābānag	زره بازو
zarrēn	زرین
duš-čīhr , zišt	زشت
kurkum	زعفران
zafar	زفر (دهان اهریمنی)
zam	زم
āwām , gāh , hangām , jā , zamān(ag) , zurwān	زمان
ēbsrūsrīm	زمان بین غروب خورشید و نیمه شب
daqr-zamān	زمان طولانی
āwām	زمانه
sturg	زمخت
uzumburd	زمرد
zam , zamestān	زمستان
xāk , zamīg	زمین

garmsēr	زمین پست
warz-būm	زمین کشت شده
būm-čandag	زمین لرزه
sardsēr	زمین مرتفع
dašt, hāmōn	زمین هموار
mādayān	زمینه
zamīgīg	زمینی
nārīg, zan	زن
wabz	زنبور
magas ī angubēn	زنبور عسل
ābus	زن تازه‌زا
ziyānag	زن جوان
zanjīr	زنجیر
zand	زند
zēndān	زندان
zēndānbān	زندانبان
wardag, zendānīg	زندانی
daštān(ōmand)	زن دشتان
zīndagīh, zī(w)išnīh, zīyišn	زندگی
mān-	زندگی کردن
uštānōmand, zīndag, zī(w)išnōmand	زنده
zandag	زنده
zīwēnīdan	زنده کردن
zīndakkar	زنده کننده
zandīk	زندیق
zandīkīh	زندیقی
darāy	زنگ
zangīg	زنگی
zadār	زننده
zēnhār	زنهار
sel	زوبین
zōt	زوت
zōtīh	زوتی (مقام زوت)

ray, zūd	زود
ahy	زود(ترین)
sazišnīg	زودگذر
amāwandīh, nērōg, ōz, pādyāwandīh, saxtīh, stahm, tagīg, zōr	زور
amāwand, nērōgōmand, ōzōmand, pādyāwand, zōrīg, zōrōmand	زورمند
zōhr	زوهر
zīh	زه
zahag	زه (= طفل)
zahābag	زهاب
zahār	زهار
wiš, zahr	زهر
wišōmand	زهردار
zahrag	زهره
abēr, frāy, freh, saxt, staft, škeft	زیاد
frāxīh	زیادی
parrēxtan	زیادی بودن
appārīh, wizāyišn, zyān	زیان
ak, akōmand, pad-zyān, zyānōmand, wizāyišnīg	زیانبار
wizāyīdan	زیان رساندن
hu-čīhr, nēk, xwaš	زیبا
zibāl	زیبال
zayt	زیتون
azēr, ēr	زیر
čē	زیرا
aziš-keh	زیردست
zēnāwand, zīrak	زیرک
ēr ud abar	زیر و زبر
zī(w)istan	زیستن
kōfag, zēn	زین
zēn-abzār	زین افزار
payrāyag, pēsišn	زینت
azrāy-, pēsīdan	زینت کردن

« ژ »

zāz	ژاژ
zadūg	ژد
zofāy, zofr	ژرف
nīgūnīh, zahā, zahīh, zofāy(īh) zofrāy	ژرفا
zofr-pāyag	ژرف پایه
zandag	ژنده
zūzag	ژوزه

« س »

šasab	ساتراپ
šasabīgān	ساتراپ نشین
bār, rōd-bār	ساحل
(frāz) brēhēnīdan, dēsīdan, kardan, passāxtan, sāxtan	ساختن
kirrēnīdan	ساختن (اهریمنی)
kirīh-	ساخته شدن
hugar	ساده
čārūg	ساروج
hu-sāzagīh	سازگاری
rāyēnīdārīh	سازمان دهی
sās	ساس
zamān(ag)	ساعت
pāy, zang	ساق پا
ēwan, wan	ساقه
tušt	ساکت
mehmān	ساکن
sāl	سال
sālār	سالار
sālārīh	سالاری

drust , tan–drust	سالم
sālwār	سالوار
–sālag	– ساله (پسوند)
–sālagīh	– سالگی (پسوند)
karān , sāmān , wimand	سامان
sāmānōmand , wimandīg , wimandōmand	سامان مند
sān	سان
sāk	ساو
sāyag	سایه
randīdan	ساییدن
bahr(ag) , čim , jādag , wihān(ag)	سبب
sabz , zargōn	سبز
ārōyišnīg , urwar	سبزی
āmiz	سبزیجات
sabuk , xwār	سبک
xwārtar	سبک (گناه)
āzādīh , spās , spāsdārīh , šnāyišn , šnōhr	سپاس
spās dāštan	سپاس داشتن
burd–ešnōhr , hu–spās , spās–dār , spās–ešnās , spāsōmand	سپاسگزار
āzādīh guftan , āzādīh hangārdan , āzādīh kardan , pad āzādīh dāštan	سپاسگزار بودن
gund , spāh	سپاه
artēštār	سپاهی
artēštārīh	سپاهیگری
magind , spar	سپر
abespuṛdan (abespārdan)	سپردن
ōspuṛdan , spūrdan	سپردن (= پایمال کردن)
spul , spurz	سپرز
sprahm(ag)	سپرغم
spurrīg	سپری
sazistan	سپری شدن
andar widardan	سپری کردن
pas	سپس

Spandarmad	سپندارمد: چهارمین امشاسپند و ایزد زمین
Spandarmad	سپندارمد: گاه نما: نام دوازدهمین ماه سال و پنجمین روز ماه
spandān	سپندان
spōxtan	سپوختن
spōz , spōzišn	سپوز
spāhbed	سپهبد
spihr	سپهر
spitāmān	سپیتمان
spēd	سپید
spēd-dār	سپیدار
spēdbāg	سپید با
spenāg mēnōg	سپند مینو
spēdag	سپیده (تخم مرغ)
bāmdād , ōš , ōš(e)bām	سپیده دم
axtar , star , stārag	ستاره
a-wiyābānīg	ستاره ثابت
star-ōšmār	ستاره شمار
burdan , grīftan , stadan	ستاندن
āfrīn , burzišn , stāyišn , šnāyišn , yasn	ستایش
šnāyīdan	ستایش کردن
stabr	ستبر
stabrīh	ستبری
awestardan	ستردن
sturg	سترگ
starwan	سترون
awištāb , handraxtagīh , stahm , stahm(ag)īh , stambagīh	ستم
handraxtag	ستم‌دیده
awištāftan	ستم کردن
sāstār , sēzd(ēn) , staft , stahmag , stambag	ستمگر
sāstārīh , sēzd	ستمگری
āfrīdan , burzīdan , stūdan(stāyīdan) , šnāyīdan	ستودن
burzišnīg , stāyišnīg	ستودنی
stōr	ستور

stōrbān	ستوربان
gōstan , stōrgāh	ستورگاه
stūn(ag)	ستون
kārawān	ستون نظامی
stō	ستوه
stēr	ستیر
āyōzišn(īh) , kō(x)šišn , stēzag	ستیز
āyōzīdan , kō(x)šīdan	ستیز کردن
stēy	ستیغ
nērang	سحر
društ , garān , saxt , sturg , škeft	سخت
an-āmurzīd , staft	سخت دل
saxtan	سختن
društīh , dušwārīh , saxtīh , sēj , škeftīh , widang	سختی
saxtag	سختیان
bēgār	سخره
dranjīšn , saxwan , wāz(ag)	سخن
hanjamanīg	سخندان
guftār	سخنوری
gōwāg	سخنگو
sudāb	سداب
*stōš	سدوش
Sadwēs	سدویس
sidīgar	سدیگر
sar	سر
waydān	سر (هرمزدی)
kamāl(īg)	سر (اهریمنی)
rāz	سر
mašk-abarzēn	سراپرده شاهی
sarāsar	سراسر
abdomīh	سرانجام
nišēbīg	سراشیبی
bun-kadag , srāy	سرای

srāyišn	سرایش
arziz , srub	سرب
laškarīg	سرباز
laškarīgīh	سربازی
abrāz	سربالایی
arzizēn , sruhēn	سربی
abarmān	سرپرست
stūr	سرپرست قانونی
drustabed	سرپزشک
kulāf	سرپوش
bun-xān , čašmag	سرچشمه
marz	سرحد
suxr	سرخ
sard	سرد
sardsēr	سردسیر
afsardan	سرد شدن
afsārdan	سرد کردن
afsārišn	سرد کردن (عمل)
sardag	سرده
sardīh	سردی
ǰeh	سرديو مؤنث
āšixtan	سرریز شدن
deh , kišwar , šahr	سرزمین
Ērān , Ērān-šahr	سرزمین آریاها
Ērān-wēz	سرزمین اصلی آریاها
āwēnišn , ērang(īh)	سرزنش
āwēnīdan , ēraxtan	سرزنش کردن
stambag , wastār	سرسخت
stambagīh	سرسختی
srištan	سرشتن
ars , srešk	سرشک
arwandīh , tagīgīh , tēzīh , zūdīh	سرعت
appar(išn) , rōb	سرقت

kār-framān	سرکارگر
abāzсар, mustgar	سرکش
abāzсарīh	سرکشی
sik	سرکه
apēdāg, kārdāg, wiyābān(īg)	سرگردان
kādag, naxčīr	سرگرمی
sargēn	سرگین
pazūg ī gūhgard/gūhward	سرگین گردانک
sarmāg	سرما
nigūn, nigūnsār	سرنگون
āgustan	سرنگون کردن
bayō-baxt, baxt, brēh, brēhēnišn	سرنوشت
sarw	سرو
srū	سُرُ
čēgāmag, gāh, niwāg, srōd	سرود
srāyišn	سرودخوانی
srūdan, yaštan	سرودن
axw, rad, xwadāy; -bad, -bed	سرور
radīh, xwadāyīh	سروری
Srōš	سروش (ایزد)
Srōš	سروش: گاه‌نما: نام هفدهمین روز ماه
rāzīg	سِرّی
arwand, tāzīg	سریع
haxt	سرین
abāyišnīg, niyābag, sazāg(wār)	سزا(وار)
āwēnišnīg	سزاوار سرزنش
nikōhišnīg	سزاوار نکوهش
sazāgīh	سزاواری
saz-	سزیدن
sust, tand	سست
sustīh, tandīh	سستی
dōl, hēzag	سطل
šēdā, xwā(h)rīh	سعادت

āyōzišn(Th), tuxšāgīh, tuxšišn	سعی
kō(x)šīdan, tuxšīdan	سعی کردن
bayaspānīh	سفارت
suft	سفت (= شانه)
suftan	سفتن
ēwarzīdan	سفر کردن
xwān, maškīzag	سفره
arus	سفید
mādišt	سفیده یاخته
wišūdag	سقط شده
aškōb	سقف
mehmānīh	سکونت
bunag dāštan, mān-	سکونت گزیدن
sag	سگ
babrag	سگ آبی
handēšišn, uskārišn(Th)	سگالش
uskārdan	سگالیدن
mānbān	سگ نگهبان
sel	سل
ēr-kaš	سلام
drōd	سلامتی
rastag	سلسله
šahryārīh	سلطنت
wiš, zahr	سُم
sumb	سُم
kust/kustag	سمت
samōr	سمور
wišōmand	سمی
dād	سن
uzmūdan	سنجیدن
fraš	سنان
sag, sang	سنگ
āsyāg	سنگ آسیا

xwān-āhan	سنگ آهن
drubuštīh	سنگر
sangsār	سنگسار
gač	سنگ گچ
šabag	سنگ معدن
sagēn	سنگی
karkēhan	سنگ یمانی
garān	سنگین
garānīh	سنگینی
aswār	سوار
aswār	سوارکار
aswārīh	سوارکاری
aswārīh	سواری
kāmag	سوپ (انواع سوپ)
ēzm	سوخت
dazišn	سوختگی
dazīdan , sōxtan	سوختن
bar , nīrmand , sōg , sūd , waxš	سود
sūd(ō)mand	سودمند
sūdan	سودن
sūr , bazm	سور
gabr , may , sūrāg , sūrāx	سوراخ
sūrāgōmand	سوراخدار
sūrāgīg	سوراخ زی
suftan	سوراخ کردن
sōg , sōzišn	سوز
sōzāg	سوزا
sōzān , sōzišnīg , taftīg , waxšendag	سوزان
dazīdan , tāftan	سوزاندن
sōzišn	سوزش
sōzan	سوزن
sōsan	سوسن
Sōšāns	سوشیانس

sōgand , war	سوگند
sōgand xwardan	سوگند خوردن
hangrūdāg	سوگواری
čīdan , hangrāyīdan	سوگواری کردن
sōfistā	سوفسطا
sidīg(ar)	سوم
Sawah	سوه (نام اقلیم غربی از هفت اقلیم زمین)
kust(ag) , nēmag , rōn , sōg	سوی
ul	سوی بالا
parrōn	سوی دیگر
sē	سه
se-pay	سه پای
se-šabag	سه شبه
sahm	سه‌م
baxtan	سه‌م دادن
aryand , sahmgēn	سه‌مگین
sahmgēnīh	سه‌مگینی
sahīg	سه‌ی
sīh	سی
abāxtar	سیاره
šuhr	سیال
sīhom	سی‌ام
syā	سیاه
zangīg	سیاه‌پوست
syāhag	سیاهه
sēb	سیب
sēj	سیج
wardānāg	سیخ کباب
gardīšn	سیر
sagr	سیر
stēr	سیر (واحد اندازه‌گیری وزن)
sagrīh	سیری
sēzdah	سیزده

sīsīmbar	سیسنبر
seyom	سیم (در اعداد مرکب)
(a)sēm	سیم
čīhr, rōy	سیما
sēn, murw	سیمرغ
asēmēn	سیمین
sēn(ag), war	سینه
xwān	سینی

« ش »

-(T) š	— ش (ضمیر متصل سوم شخص مفرد: مفعولی و اضافی)
-išn	— ش (پسوند سازنده اسم مصدر)
-išn	— ش (به آخر بن مضارع افزوده می شود و معنی لزوم و بایستن را می رساند)
srū	شاخ
srūwar	شاخدار
spīg, tāk	شاخه
azg	شاخه درخت
srūwēn	شاخی
huras, šād, urwāhm(an), wiyufsišnīg	شاد
šādurwān	شادروان
spaxr	شادمانی
farroxīh, spaxr, šādīh, urwāhm(an)īh, wiyufsišn, xwā(h)rīh	شادی
urwāzistan, *wiyufs-	شادی کردن
hašāgird, hāwišt	شاگرد
hāwištīh	شاگردی
šām	شام
andar būdan	شامل شدن
šāzdah	شانزده
ǰahišn	شانس
dōš, suft, šānag	شانه
(im) bay, šāh	شاه

šāh-esprahm	شاهسپرم
šāhwār	شاهانه
šāh-balūt	شاه بلوط
šāh-dānag	شاهدانه
ōy bay	شاه فقید
šāhan šāh	شاهنشاه
šādurwān	شاهنشین
šāhwār	شاهوار
bāz	شاهین
ōh	شاید (با افعال معنی تردید را می‌رساند)
šāyēd	شاید
sazišn(Th)	شایستگی
šāyistan	شایستن
arzānīg	شایسته
marg-arzān	شایسته مرگ
šab	شب
šubān	شبان
rōz-šabān	شبانروز
hāwandīh , mānagīh	شبهات
hērīg	شب بو
aspast	شبدر
šabestān	شبستان
dōš	شب قبل
*šawāg	شبکور
*miznē	شب‌نم
šabag	شبه
-šabag	— شبه (در ترکیب با اعداد می‌آید و به معنی تعداد شبهاست)
ušahin	شب هنگام (یکی از پنج بخش شبانروز)
šabīg	شبی
šabyār	شبیار
šabīxōn	شبیخون
ēwsān , hamōg , ham-sardag , hāwand , mānāg	شبیّه
spiš	شپش

nixwārišn	شتاب
awištāftan , nixwār-	شتافتن
uštar	شتر
uštar-gāw-palang	شتر گاو پلنگ
čatrang	شترنج
arwand , čēr , *marčābuk , mardānag	شجاع
arwandīh , čērīh , gurdīh , *marčābukīh , mardānagīh	شجاعت
kas , tan , P . kēč	شخص
kištan	شخم زدن
abaz waštan ō , būdan	شدن
saxt , škeft	شدید
wadagīh	شرارت
xwārišn	شربت
šabyār	شربت انگور
nigēz(išn) , wizār	شرح
nigēxtan , wizārdan	شرح دادن
bālist	شرف (نجوم)
bahr(ag)warīh	شرکت
bahr(ag)war	شرکت کننده
nang , pafšīrišn(īh) , šarm	شرم
pafšār-	شرمسار کردن
šarm-gāh	شرمگاه
šarmgēn	شرمگین
pafšīr-	شرمنده شدن
wadag	شریر
*brādarōd , bahr(ag)war , hambāy	شریک
šustan	شستن
suš	شُش
šaš	شش
šast	شصت
sōzišnīg , waxšendag	شعله ور
waxšīdan	شعله ور شدن
tōrag	شغال

bēšāz(ēn)-	شفا دادن
bēšāz	شفادهنده
ǰādag-gō(w)īh	شفاعت
šiftālūg	شفتالو
ǰādag-gō(w)	شفیع
gumān(īh) , gumānīgīh , warōmandīh	شک
naxčīr	شکار
wiškar	شکارگاه
darz	شکاف
škāftan	شکافتن
gumāngar	شکاک
šakar	شکر
burd-ešnōhr , spās-dār , spās-ešnās , spāsōmand	شکرگزار
škarag	شکره
pahikār- , stōwēnīdan	شکست دادن
škastan	شکستن
škīh-	شکسته شدن
škuftan , wiškuftan	شکفتن
brahm(ag) , čīhr , ēwēn(ag) , dēs , gōn(ag)	شکل
čīhrēnīdan	شکل دادن
aškamb(ag) , aškom(b)	شکم
mulān	شکم (اهریمنی)
rōdīg	شکمبه
šken(n)išn	شکننده
škōfag , wiškōfag	شکوفه
abrang , hām , brāh , škōh , xwarrah	شکوه
gilag , must	شکوه
nāl-	شکوه کردن
škēbāg , wixšāyišnīg	شکیبا
škēbāgīh , wixšāyišn(īh)	شکیبایی
škarwīdan	شگرفیدن
škeft	شگفت
abd	شگفت آور

abd-sahist , widimāsīg	شگفت‌انگیز
widimušt	شگفت‌زده
abd sahistan	شگفت نمودن
wiyōz-	شل کردن
šalwār	شلوار
ašmā	شما (جمع)
āmār , āmārišn , mar	شمار
ōšmārišn	شمارش
āmār-	شمار کردن
hangārag , ōšmārag	شماره
abāxtar	شمال
ōšmurdan	شمردن
ōšmurdīg	شمرده شده (تقویم شمسی)
šimšar	شمشاد
šamšēr , (šafšēr)	شمشیر
šan	شن
šnāz	شنا
šnāxtan	شناختن
azd , āšnāg	شناخته
šnāsag	شناسا
šnāsagīh	شناسائی
šnāzīdan	شنا کردن
šambalīdag	شنبليله
āšnawāg	شنوا
āšnawāgīh , āšnawišn	شنوائی (حس)
āšnūdan	شنودن
šnōšag	شنوسه
niyō(x)šīdan	شنیدن
kādag	شوخی
sōr	شور
sōrag	شوره‌زار
gādār , mērag , šōy	شوهر
šōymand	شوهردار

dāmād	شوهر دختر
dāmādīh	شوهری دختر
šōy	شوی
šahr(estān)	شهر
nāmīgīh	شهرت
šahrestān	شهرستان
šahryār	شهریار
šahryārīh	شهریاری
Šahrewar	شهریور: سومین امشاسپند و نگهبان فلزات
Šahrewar	شهریور: گاه نما: ششمین ماه سال و چهارمین روز ماه
ārzōg , waran	شهوت
kiš	شیار
šēb	شیب
šēbāg	شیبا
gāw-dumb	شیپور
šēd	شید
šēr=šagr	شیر (حیوان)
pēm , šīr	شیر
šagr	شیر: در نجوم: برج اسد
šīw	شیر مقدس
dēnōdag	شیرده
tan-tōhmag	شیره (گیاخان)
šīrēn , xwaš	شیرین
xwālist	شیرین ترین
rōyn-xwardīg , šiftēnag	شیرینی (خوراک)
šīrēnīh	شیرینی
ābgēnag , šīšag , jān	شیشه
ābgēnagēn	شیشه ای
šēwan	شیون

« ص »

mānbed , mānīg

صاحب خانه

ardā	صادق
pālūdan	صاف کردن
ahlā , ahlaw , ardā , ašō	صالح
wiškar	صحرا
sang , wēm	صخره
sad	صد
*pattān , wāng	صدا
ardāyīh	صدق
ahlaw-dād	صدقه
āzārišn , āzarm , wizāyišn , wināhišn , wizend	صدمه
wināhīdan , wizāyīdan , zīnēnīdan	صدمه زدن
wizāyišnīg	صدمه زننده
wizīristan	صرف نظر کردن
rāst , *gōwīzār	صریح
taxtag	صفحه (شترنج)
zahrag	صفرا
zadūg	صمغ
čandal	صندل
kēwūd , tabangōg	صندوق
kirrōgīh	صنعت
kirrōg	صنعتگر
pēšag	صنف
axtar	صورت فلکی
talag-čīn	صیاد

« ض »

Azdahāg	ضحاک مار دوش
jud	ضد
jud-dēw	ضد دیو
snāh , zanišn	ضربه
zadan	ضربه زدن

armēštīh , tandīh	ضعف
armēšt , tand	ضعیف
xwaran	ضيافت

« ط »

fraš(a)murw	طاووس
pōxtan	طبخ کردن
*biĵagān , bēšāz	طبی
bizešk	طبيب
čihhr(ag) , xēm , xōg	طبیعت
gōhrag-dānāg	طبیعت شناس
čihhrīg	طبیعی
handāxtār	طراح
nigārag	طرح
handāxtan	طرح ریختن
čaxšišn	طعم
*kawādag , waččag , zahag	طفل
xwarāsān	طلوع (خورشید)
ristag , wandag	طناب
*pattān	طنین
*pattānōmand	طنین دار
frawardag	طومار
pahest	طویله

« ظ »

mustgar	ظالم
čihhr , dēs(ag) , paydāgīh	ظاهر
nēzūmānīh	ظرافت
kabārag , padišxwar	ظرف

kabārag, takōk
 bārīg, *darmag, P. naxšag
 must, snāh, tundīh
 rabih

ظرف آشامیدنی
 ظریف
 ظلم
 ظهر

«ع»

agār
 hanjām
 zīrak
 hāmkišwar
 bālistīg
 amaragānīg
 amaragān, *pāyram
 widardan, widaštan
 mar(ag), sāg
 miǰūg, wēnōg
 agārīh
 Tāzīg
 ǰadišn, ǰadag
 *ǰadišnīg
 xwēy
 xwistan
 wayōdagān
 dōšag, grāmīg
 dōšagīh, dōšāram
 dōšīdan
 *uruspar, xwadīh
 pay
 uzērin
 hannān = handām, pēšag

عاطل
 عاقبت
 عاقل
 عالم
 عالی
 عام
 عامه
 عبور کردن
 عدد
 عدس
 عدم فعالیت
 عرب
 عَرَض
 عَرَضِي
 عرق
 عرق کردن
 عروسی
 عزیز
 عشق
 عشق ورزیدن
 عصاره
 عصب
 عصر (یکی از پنج بخش شبانروز)
 عضو

dahm	عضو جماعت زردشتی
mānīg	عضو خانه
šnōšag	عطسه
wuzurg , zandag	عظیم
māzanīg	عظیم الجثه
hilišn	عفو
hištan	عفو کردن
āluh , dālman , humāy	عقاب
abāz , pasīh , pušt	عقب
pād īrān	عقب مانده
xrad	عقل
āfrāh	عقیده
kēš	عقیده دینی
hušk-kun , starwan	عقیم
ānāftan	عقیم گذاردن
daxšag , drōš(om) , nišan	علامت
čim , wihān(ag)	علت
kāh	علف خشک
zāz	علف هرز
tan-bahr	علم خواص جسم
čašmagāh	علنی
wāstar , P. waš	علوفه
kār , kard , kardag(ān) , P. karm , kunišn , rāyēnišn	عمل
pazzāmišn	عمل آمدگی (میوه)
pazzām-	عمل آمدن
pazzāftan , pazzāmēnīdan	عمل آوردن
wadgarīh	عمل بد
kardan , warzīdan	عمل کردن
kirbag	عمل نیک
kār , amaragān	عموم
amaragānīhā	عموماً
ambar	عنبر
āmēzišn , rastag , zāhag	عنصر (آب، آتش، خاک، هوا)

tambur	عود (ساز)
wardēnīdan	عوض کردن
padist(āg) , pašt(ag)	عهد
āhōg	عیب
jašn	عید

«غ»

sī	غاز
sūdag	غافل
mēzd	غذا
čāšt	غذای (نیمروز)
wēxtan	غریبال کردن
γarrānišn	غرش
ēbārag	غروب (زمان)
xwarōfrān , xwarwarān	غروب (خورشید)
andar šudan	غروب کردن
abar-tanīh , wastārīh	غرور
anōdag(īg) , bēgānag	غریب
γarrānīdan	غریدن (رعد)
sōg	غصه
čīdan	غصه خوردن
sūdagīh	غفلت
kulāfak	غلاف
rēdak	غلام
wānišn	غلبه
stōwēnīdan , tarwēnīdan , wānīdan	غلبه کردن
jōrdā	غله
čēhag , tēmār	غم
čēhišnīg , ranjwar	غمزده
andāg(g)ēn , andōhgēn , zarīgōmand	غمگین
māzandar	غول

enyā, ǰuttar

غیر از

anēr

غیر آریایی

*ǰadišnīg

غیر اصلی

kēš-dār

غیر زردشتی

armēšt

غیر فعال

an-ōst

غیر قابل اعتماد

a-dād, a-dādestān

غیر قانونی

« ف »

pardaxtan

فارغ شدن از

gan(n)āg, pūdag, winastag

فاسد

hamēst(ag)ān

فاصله بین بهشت و دوزخ

dūr

فاصله دار

ǰadag, ǰahišn, murwāg

فال

kēd, kundāg, murw-niš

فالگیر

kēdīgīh

فالگیری

anōš-xwar, gēhānīg, margōmand, ōšōmand, sazišnīg

فانی

nēkīh, sōg, sūd

فایده

nāzišn

فخر

frāx, pahn, wēhm

فراخ

frāxēnīdan

فراخ کردن

frāxīh, pahnāy, wēhmīh

فراخی

rastārīh, wirēg

فرار

wirēxtan

فرار کردن

(a)frāz

فراز

frāz abgandan

فراز افگندن

ōš

فراست

ayābāg

فراگیر

ayābāgīh, parwand

فراگیری

frāmōš

فراموش

an-ayād	فراموش شده
az daxšag hištan , frāmuštan	فراموش کردن
abēr , abzōnīg , frāy , frāx frēh , wasyār	فراوان
abzōnīgīh , frāxīh	فراوانی
andar āwurdan	فراهم کردن
frabīh	فربه
zarmān	فرتوتی
frazām	فرجام
farrox	فرخ
farroxīh	فرخی
ēw-tāg	فرد
fradāg	فردا
Fradadaš	فرددفش
ēwāzīg	فردی
frazānagīh	فرزانگی
frazānag	فرزانه
frazand , paywand , zahag	فرزند
hunušak	فرزند (اهریمنی)
frazandīh	فرزندی
frazēn	فرزین
frasp	فرسپ
frēstādan , wisē kardan , zāmēnīdan	فرستادن
aštag , bayaspān , frēstag , paygāambar	فرستاده
frasang	فرسنگ
frasāwandīh	فرسودگی
frasāwand	فرسودنی
frēstag	فرشته
fraš(a)gird	فرشگرد
fraš(a)girdīg	فرشگردی
pad...dāštan	فرض کردن
ristag	فرقه
kēš-dār	فرقه‌گرا
Framān	فرمان (نام درجه‌ای از گناه)

framān	فرمان
ēkānag , framān–burdār , srōšīg	فرمانبردار
sāstar , framādār	فرمانده
kustagbed	فرمانده ناحیه
xwadāyīh	فرمانروایی
duš–xwadāyīh , duš–pādixšāyīh	فرمانروایی بد
framāyišn	فرمایش
framādār	فرمدار
framūdan	فرمودن
Farrōbāy	فرنیغ (مهمترین آتشکده دوره ساسانیان، خاص طبقه موبدان و نجبا)
frawār , parwār	فروار
hambastan	فرو افتادن
ōsān–	فرو افکندن
ēr–mān(ag) , ēr–tan, narm	فروتن
ēr–menišnīh , ēr–tanīh	فروتنی
frōxtan	فروختن
frōd	فروود
frawardīgān	فروردیگان (جشن فروهرها)
Frawardīgān	فروردیگان (پنج روز پایانی اسفند ماه و پنج روز افزوده بعدی)
Frawardīn	فروردین: گاه نما: اولین ماه سال و نوزدهمین روز ماه
wišān–	فرو ریختن
hambastag	فرو ریخته
hambāhišn	فروریزی
frušag	فروش = افروشه
bām , frōg , payrōg	فروغ
pahikāftan	فرو کوفتن
xwār	فرومایه
padīrān	فرو نشانده
(a)zruftan	فرو نشستن
Frawahr , (Fraward)	فروهر
xwarrah	فروه
frahang	فرهنگ
frahangestān	فرهنگستان

frahixtag	فرهیخته
frahixtan , parwardan	فرهیختن
frayād	فریاد
dawāl , drō , frēb , *pa(č)čībāgīh , wiyābān , wiyābānīh , zūr	فریب
frēftār , wiyābān	فریب خورده
dabr , frēftār	فریبکار
dō-saxwan , pa(č)čībāg	فریبنده
druxtan , frēftan , pa(č)čībāy- , wiyabānīdan	فریفتن
gan(n)āgīh , nasrušt(īh) , pōhišn , pūdāgīh	فساد
bašn	فش
must	فشار
hunīdan	فشردن
guftār	فصاحت
*darak , kardag	فصل
gōwāg	فصیح
spaš	فضا
nēk-gōhrīh	فضیلت
kardār , kāriḡ	فعال
kardārīh , kāriḡīh	فعالیت
appārīh	فقدان
niyāz , driyōšīh , škōh	فقر
tāg	فقره
ēwāz	فقط
anōšag-ruwān	فقید
škōh , driyōš	فقیر
handēšišn , mānag , uskārišn(īh)	فکر
handēšīdan , menīdan , uskārdan	فکر کردن
ayōxšust	فلز
ayōxšustēn	فلزین
spihr	فلک
nāy	فلوت
a-margīh	فنا ناپذیری
*bistag , pondīk	فندق

šādurwān	فواره
ham-zamān	فوراً
škeft	فوق العاده
almās(t), pōlawad	فولاد
pōlawadēn	فولادین
uzwārišn	فهم
āšnūdan, uzwārdan	فهمیدن
šnāsag	فهمیده
pīl	فیل (در بازی شترنج)
pīl-bān	فیلبان
filāsōfā	فیلسوف

« ق »

abzārōmand, šāyendag, tūwānāg, tūwānīg	قابل
wābarīgān, ōst(īgan)	قابل اعتماد
burzišnīg, stāyišnīg	قابل ستایش
*nāydāg	قابل کشتی رانی
*nikōhišnīg	قابل نکوهش
čāraggarīh, hunar, šāyendagīh, tuwānīgīh	قابلیت
rubūdan	قاپیدن
*adān	قادر به پرداخت بدهی
ayārīdan, šāyistan, P. šah-	قادر بودن
kišwar	قاره
kafčag	قاشق
brīngar	قاطع
kākom	قائم
kākom ī spēd	قائم سپید
kālbod, kirb	قالب
bōb	قالی ظریف
bālāy, bašn	قامت

dād , dādestān	قانون
dādīg	قانونی
kaštīg , makōk	قایق
kabāh	قبا
padīrišn	قبول
padīriftan	قبول کردن
zand	قبیله
sēzd , stabrīh , tagīgīh	قدرت
warz	قدرت اعجاز
kāmgār , sēzdēn	قدرتمند
gām	قدم
pīr	قدیمی
hištan , nihādan , nišāstan	قرار دادن
marz	قران (نجوم)
mēzd , us(t)ōfrīrt	قربانی
abām	قرض
bahr(ag) , wēzag	قرعه
war-wēzag handāxtan	قرعه کشیدن
karmīr	قرمز
ham-tāg	قرین
kust	قُسط (گیاه‌شناسی)
sardag	قسم
bahr(ag) , baxt , baxšišn , bazišn , brīn , kardag	قسمت
pōst	قشر
čim	قصد
grāyīdan	قصد داشتن
paššinj(ag)	قطره
b(u)rīdan	قطع کردن
pārag	قطعه
mēx	قلاّب
arzīz	قلع
rox	قلعه (در بازی شترنج)

arzīzēn	قلعی
bālēn , bālist , čagād , sar , tērag	قله
kahas	قنات
nān , pīh	قوت
warrag	قوچ
wak	قورباغه
zang	قوزک پا
padist(āg)	قول
hur	قومیس
ōstīgān , pad-nērōg , saxt , stabr , stahmag , sūr , tagīg , tahm	قوی
abar-ōz	قویتر
kēsar	قیصر
wāmīdan	قی کردن
stūr	قیم
uzēnag	قیمت
wahāg burdan	قیمت کردن
stūrīh	قیمومت

« ک »

-ak	ک (پسوند تصغیر)
kābēn	کابین
dar , darbās , kōšk , šāhīgān	کاخ
harg , kār , tis , warz(išn) , xīr	کار
frahixtag , kār-āgāh	کارآزموده
kārd	کارد
āgāh	کاردان
dast-kārīh	کاردستی
kārezār	کارزار (میدان)
kār-framān	کارفرما
kār framūdan	کار فرمودن
kardan , warzīdan	کار کردن

kardār , warzīgar	کارگر
kārnāmag	کارنامه
nēkīh	کار نیک
kārawān	کاروان
kārawānīg	کاروانی
kārīg , kardār	کاری
kahas	کاریز
kāstan	کاستن
kāskēn(ag) murw	کاسکینه
padišxwar , paygāl	کاسه
abē–būd(īh) , frōdmānd	کاستی
kāč	کاش
nišāstan	کاشتن
kāč ka	کاشکی
kāfūr	کافور
frāx	کافی
kālbod	کالبد
rah , wardyūn	کالسکه
kām(ag)	کام
abarwēz , kām–rawāg , kāmag–widār	کامروا
abarwēzīh	کامروایی
kāmag hanjām	کامکار
kāmag hanjāmīh	کامکاری
bowandag , hangirdīg , (u)spurrīg	کامل
frazāftan , rasīdan	کامل شدن
frazāftan , hangirdēnīdan , hanjāftan	کامل کردن
kāmag	کامه (انواع سوپ)
padēx	کامیاب
padēxēnīdan	کامیاب کردن
ābādānīh , drōd , padēxīh	کامیابی
giy(h)īzag , kāh , P. waš	کاه
kāhišn , nirfsišn	کاهش
kāhēnīdan , kāstan , nirfs–	کاهش دادن

kāstār	کاهش دهنده
aǰgahān	کاهل
aǰgahānīh, būšāsp	کاهلی
kabārag	کباره
kabk	کبک
kabk-anǰir	کبکنجیر
kabōd, kabōtar	کبوتر
kabōd, xašēn	کبود
duzīdag, truftag, wihēzagīg	کیسه
kabīg	کپی
mādayān, nāmag, nibēg	کتاب
nibēg	کتاب مقدس
suft	کتف
pād-uzwānīh	کتمان
pād-uzwān	کتمان کننده
rēm, rēmanīh	کثافت
hihr, rēman	کثیف
waxr	کج
ku (gyāg)	کجا
čē, ī, kadām, kadār, kē	کدام
kadag-bānūg	کدبانو
kadag-xwadāy, wis-bed	کدخدا
kadag	کده
karr	کر
karān	کران
karbāš	کرباش
karb	کرب (روحانی دشمن زردشت)
warišn	کردار
dušxwaršt	کردار بد
huwaršt	کردار نیک
kardan	کردن
kard(ag)	کرده
kirīh-	کرده شدن

karafs	کرفس
kirbag	کرفه
kirbakkar	کرفه گر
kirbakkarīh	کرفه گری
karak	کرک (= بلدرچین)
kark	کرک (= مرغ خانگی)
kargas	کرکس
karkēhan	کرکهن
karg	کرگ
kark	کرگدن
kirm	کرم
šēd	کرنند (اسب)
kār, rōyn	کره
kurrag	کرّه اسب
kurrag	کرّه الاغ
māh	کره ماه
gazdum	کزدم، (نجوم)
kas, kēč	کسی
handōzišnīh, windišn	کسب
handōxtan, windādan, xwāstan	کسب کردن
gōšōsrūd	کسب کرده
ēbyānghan, kustīg	کستی
kas-iz	کسی
afsūdan	کسی را با افسون حفظ کردن
drāyān-jōyišn	کسی که در هنگام خوردن حرف می زند
radunay	کسی که زیر نظر و راهنمایی رد است
hamēst	کسی که کارهای نیک و بدش به یک اندازه است
zūr-gugāy	کسی که گواهی دروغ می دهد
kaš	کش
rawēnīdan	کشاندن
dahigān/dchgān, wāstaryōš	کشاورز
warz, wāstaryōšīh	کشاورزی
kištār, kišw(ān)zār, warzišn	کشت

kišw(ān)zār	کشتزار
kištār	کشتگر
kištan, warzīdan	کِشتن
kuštan, ōzadan, zadan	کُشتن
a-warzīd	کشت نشده
kaštīg	کشتی
āhang	کشش
kašawag	کشف
kašk	کشک
purr-marg	کُشنده
būm, deh, kišwar, šahr	کشور
kēšīdan, nigār-	کشیدن
hanjīdan = hixtan	کشیدن (آب)
kaf	کف
puhl, tōzišn	کفاره
puhlēnīdan	کفاره دادن
kafšgar	کفاش
haftār	کفتار
kafčag	کفچه
kafš/kafšag, mōg	کفش
kafšgar	کفشگر
kafč	کفگیر
haxt	کفل
tarāzūg	کفه
warāy	کلاغ
kāskēn(ag) murw	کلاغ زاغی
ēwāz, mārīg, saxwan, sraw, wāz	کلام
mānsrspand	کلام مقدس
kulāf	کلاه
sārwār, targ	کلاه خود
kulāfak	کلامک
kulang	کلنگ
kulāčag	کلوچه

kilēl	کلید
gurdag	کلیه
andak , kam/kem , *huzārak , nihang	کم
bowandagīh , spurīgīh	کمال
drōn , kamān , sanwar	کمان
kamāndār	کماندار
keh(tar) , kem	کمتر
abēbūd(īh) , frōdmānd , kahist , kamist , nidom	کمبود
kamar	کمر
kamar , kamar-band	کمربند
ēbyānghan , kustīg	کمربند مقدس
abādyāwand , kam-zōr , nizār	کم زور
abādyāwandīh , kam-zōrīh	کم زوری
abāgīh , dastyārīh , frayād , frayādišn	کمک
kāhēnīdan , kāstan , nirfs-	کم کردن
ayārīdan , frayādīdan	کمک کردن
čēgām-iz-ē(w) , čand	کمی
čandīh	کمیت
āgōš , kanār , karān , pahlūg	کنار
kanār(ag)	کناره
kanāragōmand	کناره‌مند
kantigr	کنتیر
kunǰid	کنجد
spōzgār	کُند
kundur	کندر
kandan , rūdan	کندن
kunišn	کُنش
šan	کنف
šanēn	کنفی
kunišngar	کننده
kanīg , kanīzag	کنیز
duš-kanīg	کنیز زشت

sūdan	کوبیدن
gišnag, kūk	کوتاه
duj̄-daft	کوتاه دم
widestīg	کوتاه قد
gišnag, kōdak, kūč(ak), kūk, xwurd	کوچک
keh(tar)	کوچکتر
xwurdagīh	کوچکی
nidom	کوچکترین
kōy	کوچه
sargēn	کود
kōdak, waččag	کودک
kōr	کور
kōr-dil	کوردل
brēzan	کوره
xumb	کوزه
kō(x)šišnīg, tuxšāg	کوشا
āyōzišn(Th), harg, kō(x)šišn, tuxšišn	کوشش
kōšk	کوشک
kō(x)šīdan, tuxšīdan	کوشیدن
kōftan, kōstan, xwastan, zadan	کوفتن
kūn	کون
gar, kōf	کوه
kōf	کوهان
kōfag	کوهه
kōfīg	کوهی
kōy	کوی
kabīz	کویز
kū	که
ī	که (ضمیر ربط)
kadār, kē	که
aziš-keh	کهتر
kah-rubāy	کهربا
bōr	کهربایی

kahwan	کهن
čiyōn , ka , kay	کی (= چه وقت؟)
kayak	کی (= فرمانروایی که دشمن زردشت بود)
kay	کی (= لقب پادشاهانی که از پشت گشتاسب کیانی به پادشاهی رسیدند)
kay	کیانیان
kēr	کیر
hanbān	کیسه چرمی
kēš	کیش
paywāsag	کیف چرمی
pādīfrāh , puhl	کیفر
kayk	کیک
kēn	کین / کینه
kēnīg , kēnwar	کینه جو
kēnwarīh	کینه جویی
kēnwar , kēnīg	کینه ور
Kēwān	کیوان (نجوم)
Gayōmart	کیومرث
gēhān	کیهان
gēhānīg	کیهانی

« گ »

gādan	گادن
-gār	-گار (پسوند سازنده صفت فاعلی)
gāzar	گازر
gām	گام
gām	گام (واحد طول)
abar āxrāmīdan	گام بلند برداشتن
gām ī dō pāy	گام دو پا
ganāg	-گانه (پسوند سازنده صفت عددی)
gāw	گاو
gāw	گاو: در نجوم: ثور

ēš	گاو آهن
gāw-dumb	گاودم
gahl, gāwars	گاورس
gāw-mēš	گاو میش
warzāg	گاو نر
gāh	گاه
gāh	گاه (یک پنجم شبانروز)
gāh	گاه (سرودی از سرودهای گاهان)
gāhān	گاهان
gāhānīg	گاهانی
gāhānīg	گاهانی (پنجه دزدیده)
gāhānbār	گاهنبار
gizistag	گجسته
gač	گج
gačēn	گچی
widāxtan	گداختن
widār	گذار
widāzīhistan	گدازاندن
widār(ī)dan	گذاردن
nihādan	گذاشتن
widarag, widār, widērišnīh	گذر
frasāwand, sazišnīg, wardišnīg, widerišnīg	گذرا
widerān, zī(w)išn	گذران
frasāwandīh, sazišn, wideršn(īh)	گذرایبی
*nāydāg	گذر نکردنی (آب)
wixšāyišn(īh)	گذشت
*wixšāy-	گذشت کردن
widardan	گذشتن
-gar	گر (پسوند سازنده صفت فاعلی)
warāz	گراز
grāmīg	گرامی
garān	گران
grāyīdan	گراییدن

gurbag	گربه
udrag	گربه آبی
gurd	گرد
gird	گیرد
gard	گرد
(ō) gird āmadan , ō ham madan	گرد آمدن
gird	گرد آمده
*harrōbišn(īh)	گردآوری
hambārīdan , harrōb- , P. amwaštan	گردآوری کردن
gardānīdan , wardēnīdan	گردانیدن
wād-girdag	گردباد
gardišn , wardišn	گردش
gird kardan , handōxtan	گرد کردن
gardan , grīw	گردن
*wardānāg	گردنا
gōz	گردو
gurdwār , ērwār	گردوار
asmān	گردون
rah , wardyūn	گردونه
girdag	گرده
gurdag	گرده
hanjaman , nišast	گردهمایی
girdīh	گردی
gurdīh	گردی
gardīdan	گردیدن
čōbag , gad , sneh , warz , (wazr)	گرز
gadwar	گرزور
garzag , mār	گرزه
gursagīh , suy , šuy	گرسنگی
gursag	گرسنه
griftār	گرفتار
dāštan , griftan	گرفتن
gīrišnīg , griftārōmand	گرفتنی

gurg	گرگ
gurgānīg	گرگانی
garm(ōg)	گرم
garmāg , tabišn , wardagīh	گرما
garm-ābag	گرما به
rabih	گرمای نیمروز
garmsēr	گرمسیر
garmīh	گرمی
gaw(īh) , gaw(a)gān	گرو
garōdmān , (garōsmān)	گرو دمان
wurrōyišn	گروش
dastag , grōh , gund	گروه
wurrōyistan	گرویدن
band , grih	گره
grīwbān	گریبان
wirēxtan	گریختن
wirēg	گریز
brām- , griyistan	گریستن
grīwag	گریوه
brāmag	گریه
griyistan	گریه کردن
gaz	گز (درخت)
wizārdan	گزاردن
srawēnīdan	گزارش کردن
tabarzad	گزانگبین
wizend	گزند
gazāg	گزنده
gazīdag	گزیت
gazīdan	گزیدن
wēxtan , wizīdan , wurrōyistan	گزیدن
pad-wizēn	گزیده
wizīr , wizārišn	گزیر
wizēn	گزین

wizēn	گزینش
wizēngar	گزیننده
wistāx	گستاخ
wistāxīh	گستاخی
wistardan	گسترده
wisistan	گسستن
wisē	گسی / گسیل
wisē kardan	گسیل کردن
wišād	گشاد
wišādan	گشادن
wišād-dar	گشاده‌رو
waštan , gardīdan	گشتن
gušn	گُشن
Gušnasp	گشنسپ (دومین آتشکده مهم دوره ساسانیان، خاص طبقه ارتشتاران)
gušnag	گشنه
g/kišnīz	گشنیز
gōwišn	گفتار
duš-hūxt , duš-ēwāzīh	گفتار بد
hūxt	گفتار نیک
dranjīdan , guftan , P. wāxtan	گفتن
dawistan=dawīdan , drāyīdan	گفتن (اهریمنی)
ēwāz , dranjīšn , wāzag	گفته
duš-gōwišn	گفته بد
gil	گیل
gul , škōfag	گل
xwarg	گل آتش
nastaran	گل دشتی
škuftan	گل کردن
kaf , lajan	گل و لای
galōg , grīw	گلو
garzišn , gilag	گله
čarag , ram(ag)	گله
gilag-ōbār	گله اوبار

garzīdan	گله کردن
garzišnīg, mustōmand	گله‌مند
hamē-wahār	گل همیشه بهار
gilēn	گیلی
gumārdan, hištan	گماردن
gumārdag	گمارده
gumān(īh), gumānīgīh	گمان
wiyābān(īg)	گمراه
wiyābānēnīdan	گمراه کردن
wiyābānīh	گمراهی
*apēdag	گمشده
gōmēz	گمیز
gan(n)āg mēnōg	گناگ مینو
abārōnīh, āstār, druwandīh, māndag, wināh	گناه
abārōn, bazakkar, dabr, druwand, wināhgar	گناهکار
pēšār būdan	گناهکار بودن
wināhgarīh	گناهکاری
drāyān-ǰōyišnīh	گناه ناشی از حرف زدن به هنگام خوردن
gumbad	گنبد
ganǰ	گنج
winǰišk	گنجشک
gāhbed, ganǰwar	گنجور
gāhbedīh	گنجوری
ganǰ	گنجینه
gand	گند
gund	گُند (= سپاه)
gund	گُند (= بیضه)
gandagīh	گندگی
gandum	گندم
gandanāg	گندنا
gandag	گنده
a-gōwāg, gung	گنگ
gugār(ī)dan	گواردن

wad-wāzag	گوازه
gugāy	گواه
gugāyīh	گواهی
zūr-gugāyīh	گواهی دروغ
*nāydāg, zofāy	گود
čāh, may	گودال
gawdar	گودر
gabrīh, zahā, zofāy(Th)	گودی
aspānūr, daxmag, hazzān	گور
gōr	گورخر
daxmagestān	گورستان
gōz	گوز (= جوز)
gawazn	گوزن
gōzēnag	گوزینه
gawdar	گوساله
pah, gōspand, mēš	گوسفند
gōš	گوش
Gōš	گوش: چهاردهمین روز ماه
gubrāg	گوش به زنگ
gōšt, pid	گوشت
halām	گوشت قورمه
xāmiz	گوشت نمک سود
gōšwār	گوشوار
gōšag	گوشه
gōgird	گوگرد
gōgirdōmand	گوگردی
gōn	گون
gōnag	گونه (= نوع)
ērwarag	گونه (= آرواره)
gōhr(ag)	گوهر
gōhrag-dānāg	گوهرشناس
pad-gōhar	گوهری
gōy	گوی

gōwāg	گویا
guftār	گوینده
gūh	گه
gāhwārag	گهواره
giyā(h), marw, urwar	گیاه
sprahm(ag)	گیاه خوشبو
rūrag	گیاه دارویی
gētīg	گیتی
stard	گیج
stardīh	گیجی
griftār	گیرنده
gēs	گیس
gēs	گیسو
-gēn	گین / گن (پسوند سازنده صفت توصیفی)

«ل»

tōf	لا
lābag	لابه
lābakkar	لابه کننده
kāskēn	لاجورد (سنگ)
kāskēnēn	لاجوردی
lābakkarīh	لابه گری
abēdān	لازم
abāy-, abāyēd, andar abāyēd	لازم است
kašawag	لاک پشت
karmīr	لاکی
āšyān(ag)	لانه
ādūg	لائق
lab	لب
brahm(ag), jāmag, paymōg, paymōzan, watar(ag)	لباس
taškanag	لباس زیر

karān	لبه
laʃan	لجن
urwahn(an)īh , xwašīh	لذت
huniyāg	لذت بخش
wizandišn	لرزش
wizandag	لرزه
čandīdan , drašīdan , larzīdan , wizandīdan	لرزیدن
abāyišn , niyāz(ōmandīh)	لزوم
gund , hēn , laškar	لشکر
laškarīg	لشکری
āyaft	لطف
dōsēn	لعبدار
škarwīdan	لغزیدن
parš	لکدار
xwāhišn	لگدمال
ōspurdan	لگدمال کردن
pahikaftan , pahrmāh- , sōhistan	لمس کردن
a-griftār	لمس نشدنی
kun-marz	لواط
kun-marz	لواطگر
taxtag	لوح
lawzēnag	لوزینه
rang	لون
ašurdan	له کردن

« م »

amā	ما
mād , mādār	مادر
mādagīh	مادگی
dēnōdag , mādag	ماده
mādišt	ماده

astōmand , astwand , getīgīg , tanigard(īg)	مادی
mādīyān	مادیان
garzag , kirm , mār	مار
amā	مارا
Māraspand(mānsarspand)	مارسپند: گاه نما: نام بیست و نهمین روز ماه
karbūg	مارمولک
māzandar	مازندر
māzanīg	مازنی
māst	ماست
māš	ماش
kark	ماکیان
-(ī)š	مال آن
-(ī)š	مال او
-(ī)t	مال تو
-(ī)m	مال من
bāj , bar , harg	مالیات
handudan , muštan , rōb-	مالیدن
gumārdag	مامور
bayaspānīh	مأموریت
mān	مان
mānāg	مانا
a-sazišn(īg)	ماندگار
a-sazišn(īg)īh	ماندگاری
māndagīh	ماندگی
abāz ēstādan , māndan , (mānistan) , pādan , pattūdan , win(n)irdan	ماندن
sālwār	ماندنی
māndag	مانده
māns r	مانسر
(mānsar)spand	مانسر سپند
abāz dāštan , padīrān(ēn)īdan	مانع شدن
čiyōn , handāzag ī , hangōšīdag ī , ō... homānag , tā	مانند
mān-	مانند بودن
zandīk	مانوی

āyišm , māh	ماه
Māh	ماه: گاه نما: نام دوازدهمین روز ماه
purr-māh	ماه پُر
andarmāh	ماه نو
abzārōmand , hunarāwand , hunarōmand , hu-dast , frahixtag, nēzumān(īg)	ماهر
māhīgān	ماههای سال
māhīg	ماهی
māhīg	ماهی: در نجوم: حوت
čiyōnīh , čēīh , čīhr(ag) , gōhr , mādayān , xwadīh	ماهیت
šuhr	مایع
kāmagōmand	مایل
gōhr(ag) , mādag	مایه
ma agar , pargast	مبادا
ardīkkar	مبارز
ardīkkarīh	مبارزه
stard	مبهوت
abaxšāwand	متاسف
ēwarzīg , wāzišnīg , wihēzagīg	متحرک
bārestān , gilag-ōbār	متحمل
stard	متحیر
hambast	متراکم
hambastag	متشکل
rāyēnīdan	متشکل کردن
abarmān	متصدی
paywastan	متصل کردن
ǰuttar , mih	متضاد
paymānīg	متعادل
ǰud , ǰudāg , ǰuttar	متفاوت
abar-menišn , tar-menišn	متکبر
grāyīdan	متمایل شدن
narm , tarsāgāh	متواضع
ayāsīdan , (ayāstan)	متوجه شدن

pēmēnīdan	متورم کردن
*wīdwar	متوکل
pasēmāl	متهم
pahikār	مجادله
pahikār-	مجادله کردن
pādixšā(y)	مجاز
ačārag	مجبور
ham-sāmān	مجاور
rēškēn	مجروح
rēšīdan , xastan	مجروح کردن
hanjaman	مجمع
dāštār	محافظ
apēdagdār	محافظ حیوانات آواره
pad-pānag	محافظت شده
dāštan , nigāh dāštan	محافظت کردن
grāmīgīh	محبت
dōšag	محبوب
āzarmīg	محترم
brīn , brīnōmand , kanāragōmand , sāmānīg , wimandīg , wimandōmand	محدود
dahm	محرّم
a-bahr	محرّوم
wālan	محلّه
awestwār , ōst , ōstīgān , staft	محکم
awestwārīh	محکمی
čašmagāhīh	محکومیت
pīm	محنت
muy	منح
ēbgatīh , jūd-dādestān , juttarīh , mih	مخالف
hamēmālīh , hamēstārīh	مخالفت
zadār	مخرب
mādagwar , wāspuhragān	مخصوص
(pad) nāmčīst	مخصوصاً
gumēxtan	مخلوط کردن

pasēmāl	مدافع
dibīrestān , frahangestān	مدرسه
hērbedestān	مدرسه هیربدی
pasēmāl	مدعی
gūh , hihr , muhrišn	مدفوع
nigān	مدفون
gird	مدور
mast(ōg)	مدهوش
mastōgīh	مدهوشی
rāyēnāg	مدیر
rāyēnīdārīh	مدیریت
mar	مر
-(ī)m , man	مرا
āyaft	مراد
rad-passāg	مراسم جشنهای گاهنبار
hādōxt , hamāg-dēn	مراسم مذهبی
dāštār	مراقب
pahrēxtan , zēnēnīdan	مراقبت کردن
dō-axwānīg	مربوط به دو جهان
dādīg	مربوط به قانون
hādamānsarīg	مربوط به هاتمانسر
win(n)ārdan	مرتب کردن
larzīdan	مرتعش شدن
sardsēr	مرتفع (زمین)
pēšār būdan	مرتکب گناه شدن
wassad , xrōhak	مرجان
wassadēn	مرجانی
anōšag-ruwān , hu-fraward	مرحوم
mard , wīr	مرد
murdār , nasā	مردار
mardānagīh	مردانگی
mardānag , nar	مردانه
zarmān	مرد پیر

mērag	مرد جوان
škarwīdan	مردد بودن
mardōm , *pāyram	مردم
mardōm-zādag	مردم‌زاده
syāhag , tīdag	مردمک چشم
mardōmīh , mardōm-zādagīh	مردمی
murdan , widardan , (widaštan)	مردن
purr-gāh , widerān	مردنی
gird(ag)	مدور
rist	مرده
abarmānd	مرده ریگ
kanārag , marz , sāmān , wimand	مرز
marz	مرز: در نجوم: قران
marz(ō)bān	مرزبان
marz(ō)bān	مرزدار
marzangōš	مرزنگوش
šōnīg	مرسوم
waštagīh , xīndagīh , yask	مرض
tarr	مرطوب
murw	مرغ
marw	مرغ
kark	مرغ خانگی
humāy	مرغ سعادت
škarag	مرغ شکاری
murwīzag	مرغک
bahrōmand , hambastag	مرکب
marg(īh) , oš , widerišn(īh) , P. murd	مرگ
marg-arzān	مرگ ارزان
murwāg	مروا
morwārīd	مروارید
hu-murwāg	مروای نیک
waštag , wēmār , xīndag	مریض
čihr-šnāsīh	مزاج شناسی

mizd , pādāšn	مزد
māzdēsn	مزدپرست
māzdēsnīh	مزدپرستی
mizdwar	مزدور
māzdēsn	مزدیسن
māzdēsnīh	مزدیسنی
ābād(ān)	مزروع
čāšnīg , čaxšišn , mizag	مزه
mizagōmand	مزه‌دار
mēzīdan	مزیدن
miǰ(ag)	مژه
rōy	مس
pursišnīg	مستول
ayārōmandīh	مساعدت
kārdāg , kārawānīg	مسافر
-masāy	— مسای (پسوند)
must	مُست
mast(ōg)	مست
kāmgār , kāmag-xwadāy	مستبد
čamišn	مستراح
māništāg	مستقر
bunag dāštan	مستقر شدن
rāst	مستقیم
mastōgīh	مستی
mazgit	مسجد
wanīgar	مسرف
hamwār	مسطح
āwarišn , bunag , ēstišn , mān , mānišn , xān ud mān	مسکن
dwārišn , gilistag	مسکن دیوان
pīr	مسن
ēraxtan	مشاجره کردن
bahr(ag)war	مشارکت
ham-pursag	مشاور

ham-pursagīh	مشاوره
nigerīdan, nīš-	مشاهده کردن
mušt, (must)	مشت
kāmagōmand	مشتاق
ōšastar, xwarāsān	مشرق
jud-ristag	مشرك
hur	مشروب الكلى
škeftīh, widang	مشقت
mašk	مشك
mušk	مُشك
mašk, mašk-abarzēn	مشكو
gumānīg, warōmand	مشكوك
maškīzag	مشكيزه
miǰūg	مشو
nāmīg, nāmčīštīg	مشهور
škeftīh	مصیبت
āyōzīdan=āyōxtan	مضطرب ساختن
pad ēwēn	مطابق رسم معمول
pursišnīg	مطلع
ēwar	مطمئناً
āsnūd(ag)	مطهر
xwālist	مطبوع ترین
a-gumān, abē-gumān, ēwar, ōstīgān, tāštīg	مطمئن
framān-burdār	مطیع
gōhrīg	معادل
hambadīg, hambasānīg, hamēmāl	معارض
wizurd	معتبر
āstawān, xwastūg	معترف
dēn-āstawān, dēn-burdār	معترف به دین
wistāx	معتمد
warz, widimās(īh)	معجزه
an-ast	معدوم
kumīg	معدّه

handēmāngarīh	معرفی
handēmāngar	معرفی کننده (به حضور)
nāmčīštīg	معروف
hu-bōy	معطر
bōyēnīdan	معطر کردن
čimīg	معقول
šōnīg	معمول
nigerišnīg	معلوم
rāz-kirrōg	معمار
čim	معنی
brīn	معین
may	مغ
hambasānīg	مغایر
dōšastar , xwarōfrān, xwarwarān	مغرب
abar-tan , abar-menišn , wastār	مغرور
mazg	مغز
wiyābānīg	مغشوش
šēb-	مغشوش شدن
tarwēnīdan , wānīdan	مغلوب کردن
mow-mard	مغ مرد
gōkānīg	مفصل
wiftag	مفعول بودن
pādixšā(y)	مقتدر
brēhēnīdan	مقدر کردن
abēzag , pāk , spēnāg , yōj'dahr	مقدس
zamānīg	مقرر شده
kūn	مقعد
māništağ	مقیم
wadag	مکار
wēnāb	مکاشفه
makōk	مکوک
mizīdan	مکیدن
ma agar	مگر

magas , maxš	مگس
magas ī angubēn	مگس انگبین
šīrēnīh	ملاحظ
āmār , hangārišn , nigerišn , ošmārišn	ملاحظه
kard-espās , P. hāmharz	ملازم
kafč	ملاقه
āwēnišn	ملامت
ēraxtan	ملامت کردن
čarb	ملايم
čarbīh	ملايمت
mārdan	ملتفت شدن
kullag , mayg	ملخ
gizistag	ملعون
dast(a)gird	میلک
bāmbišn	ملکه
gīrišnīg , griftārōmand	ملموس
pad-wizēn	ممتاز
šāyēd , tuwān	ممکن است
ōh	ممکن است (با فعل مفهوم تردید را می‌رساند)
*az , man	من
niyābag , passazag	مناسب
abāy- , abāyēd	مناسب است
abāyistan , saz-	مناسب بودن
pādan	منتظر شدن
axtar(ā)mār , star-ōšmar	منجم
afsārdan	منجمد شدن
axtar(ā)mārīh	منجمی
waštan	منحرف شدن
xwahl	منحنی
-ōmand	مند (پسوند سازنده صفت توصیفی)
āwarišn , māništ , nišēmag	منزل
menišn , ragīh	منش
frāz griftan , gumārdan , hištan	منصوب کردن

čim-gōwāgīh	منطق (علم)
čimīg	منطقی
win(n)irdan	منظم شدن
win(n)ārdan	منظم کردن
*nakkīrā	منکر
mang	منگ
mōy, wars	مو
sōhišnīg	مؤثر
tarsāgāh	مؤدب
nigāh dāštan	مواظب بودن
nigāh-dārīh, nigāh-dārišnīh, pās	مواظبت
pad-pānag	مواظبت شده
pahrēxtan	مواظبت کردن
ham-dādestān	موافق
pašn, pašt(ag)	موافقت
pādixšīr	موافقت نامه
āsrō, āsrōn, mānsr-bar, mowbed	موبد
āsrōīh	موبدی
frāxēnīdan	موجب پیشرفت شدن
wišūdag	موجود اهریمنی
ast	موجود است
čimīg	موجه
mōr	مور
dādestān, jadag	مورد
mōrd	مُورد
kār framūdan	مورد استفاده قرار دادن
mōz	موز
mōzag	موزه
mušk	موش
dar	موضوع
kāmag-hanjām	موفق
kāmag-hanjāmīh	موفقیت
hamdam	مونس

mōyag	مویه
mōyēn	مویین
ma	مه (پیشوند نفی)
meh	مه
mēy	مه
kārdāg	مهاجر
must – abarmānd	مهاجم
abzār , hunar , hunarōmandīh , kārāgāhīh , nēzūmānīh	مهارت
aziš – meh , mehtar	مهتر
mehtarīh	مهتری
Mihr	مهر: گاه نما: هفتمین ماه سال و شانزدهمین روز ماه
Mihr	مهر (ایزد)
dōstīh , dōšagīh , dōšāram , mihr	مهر
muhr	مُهر
mihrbān , xwābar	مهربان
nāzišn , nēkīh	مهربانی
āwištan	مُهر کردن
muhrag	مُهره
gardānāg	مُهره (بازی)
muhrag	مُهره (نرد)
kā bēn	مهریه
ayrē , mahist	مهست
mādagwar , wāspuhr	مهم
rāz – kīrrōg	مهندس
may	می
andar , andarag , mayān	میان
nēm – tan	میان تن
ǰādag – gō(w) , mayānǰīg	میانجی
ǰādag – gō(w)īh , mayānǰīgīh	میانجیگری
mayānag	میانگین
mayānag	میانه
tuwān	می توان (+ مصدر)
mēx	میخ

mēx ī gāh
 asprēs
 kārezār
 mēzdbān
 mēš
 mēš—sār
 mēy, miznē
 passand
 kabīg
 mēnōg, mēnōg(īg)īh
 yazadān
 spēnāg mēnōg
 mēnōg, mēnōgīg
 mēwag, bar, bār
 mehmān
 aspinj
 wišād—dar
 aspinj, mehmānīh, spinjānagīh
 sūr, xwaran
 mēhan

میخ‌گاه: در نجوم: ستاره قطبی
 میدان اسب دوانی
 میدان کارزار
 میزبان
 میش
 میش سار = میش سر
 میغ
 میل
 میمون
 مینو
 مینوها
 مینوی خوب
 مینویی
 میوه
 میهمان
 میهمان‌خانه
 میهمان‌نواز
 میهمان‌نوازی
 میهمانی
 میهن

« ن »

a—, an—
 an—ābādān
 an—āštīh
 pas—dānišnīh
 an—ōst
 an—ummēd
 *ōrēb(īh)
 an—abāy
 aburunāy, aburnāyag

نا— (پیشوند نفی)
 ناآباد
 ناآشتی
 ناآگاهی از آینده
 نااستوار
 ناامید
 ناامیدی
 نابجا
 نابرنا

aburnāyīh	نابرنایی
ānāst(ag), an—ast,	نابود
abēsīhīdan	نابود شدن
abēsīhēnīdan (afsēnistān), gugān—, kandan, murnjēnīdan,	نابود کردن
wānīdan, wimuštan	
zadār	نابودکننده
abēsīhišn(īh), an—astīh, wānišn	نابودی
ālūdāg, druwand	ناپاک
ālūdan	ناپاک کردن
druwandīh	ناپاکی
rōz—ward, wardišnīg	ناپایدار
wardišn(īg)īh	ناپایداری
abaydāg	ناپدید
abaydāgīh	ناپدیددی
wattar	ناپسند
Anābuhlag	ناپل (نام بالاترین درجه گناه)
abaydāg, a—wēnišnīg	ناپیدا
abaydāgīh	ناپیدایی
abādixšā(y), abādyāwand, agār, an—abzār, armēšt	ناتوان
agārīhistan	ناتوان شدن
agārēnīdan	ناتوان کردن
abādixšā(y)īh, abādyāwandīh, agārīh	ناتوانی
a—čār	ناچار
awēstām, kust(ag), pāygōs, rōstāg, zand	ناحیه
a—hunsand	ناخرسند
a—hunsandīh	ناخرسندی
nāxun, srū	ناخن (انگشت)
an—abēdān	ناخواستنی
a—xwaš	ناخوشایند
a—dān, duj—dānāg, duš—āgāh	نادان
a—dānīh, pas—dānišnīh	نادانی
aband, abārōn, zēfān	نادرست
abandīh	نادرستی

dušwārīh	ناراحتی
a—hunsand	ناراضی
xām	نارس
a—husandīh	نارضایتی
anārgēl	نارگیل
nāzišn	نازش
bārīg/k, nāzuk	نازک
duš(x)wār, ĵud—dādestān	ناسازگار
a—spās, an—espās	ناسپاس
an—espāsīh	ناسپاسی
duš—nām	ناسزا
ēraxtan	ناسزا گفتن
a—xwaš, dušrām, mustōmand	ناشاد
a—xwārīh, a—xwaštīh	ناشادی
an—arzānīg	ناشایسته
a—pattūg	ناشکیبا
nāfag	ناف
a—frasāwand	نافر سودنی
a—burd—framān, spōzgār	نافرمان
a—burd—framānīh, spōz, spōzišn	نافرمانی
spōxtan	نافرمانی کردن
xwābarīg	نافع
an—uspurīg	ناقص
agārīhistan	ناکار شدن
agārēnīdan	ناکار کردن
agār	ناکار
a—kard	ناکرده
a—warzīd	ناکشته
an—āgāh	ناگاه
a—čārag, a—wizīrišnīg	ناگزیر
a—gōwāg	ناگویا
an—ādūg, an—arzānīg	نالایق
brāmag	ناله

brām— , nāl—	نالیدن
nām	نام
a—paymān	نامتعاذل
a—dahm	نامحرم
a—griftār	نامحسوس
a—nāmčīštīg	نامشخص
an—abāy , a—sazāg	نامناسب
an—ast	ناموجود
frawardag , nāmag	نامه
čašmag , nāmīg	نامی
nān	نان
drōn yaštan	نان درون را تقدیس کردن
drōn	نان مقدّس
an—abzār	ناوارد
a—homānāg	ناهمانند
Anāhīd	ناهید: در نجوم: ونوس
Anāhīd	ناهید: نام ایزدی مؤنث
nāy	نای
nāy	نای (واحد طول)
tabarzad	نبات
ham—nibardīh , ham—rānīh , nibard	نبرد
nibardīdan	نبرد کردن
nibardag	نبرده
nibēg	نبی
a—bīm	نترس
frazām , hanjām	نتیجه
bōxtārīh ,	نجات
bōxtār	نجات بخش
bōxtan	نجات یافتن
durgar	نچار
kundāgīh	نجوم
pad-gōhr	نجیب زاده
naxčīr	نخجیر

ahy, fradom, fradomīh, naxust, nazdist	نخست
wuzurg framadār	نخست‌وزیر
muy	نخل
abar-tanīh	نخوت
naxōd	نخود
-endag	نده (پسوند سازنده صفت فاعلی)
us(t)ōfrīt, zōhr	نذر
gušn, nar	نر
nēw-ardaxšīr	نرد (بازی)
pillagān, srād	نردبان
parzīn	نرده
nargis	نرگس
čarb, narm, nāzūk	نرم
nizār	نزار
nizārīh-	نزار شدن
nizārīh	نزاری
stēzag	نزاع
nazd(īk)	نزدیک
nazdīkīh	نزدیکی
gyān kandan	نزع
abāz dādan ō	نسبت دادن به...
nastaran	نسترن
nask	نسک (بخشی از اوستا)
āwādag, gōhr(ag), naft, pušt	نسل
daxšag, nišān	نشان
nimūdan	نشان دادن
daxšagōmand	نشاندار
(abar) nišāstan	نشاندن
nišast	نشست
nišastan	نشستن
nišēb	نشیب
nišēb	نشیب: در نجوم: حضيض
kūn	نشیمنگاه

abar nišāstan	نصب کردن
šuhr	نطفه
rāyišn , wirāyišn(Th)	نظم
γarrānīdan	نعره زدن
naft	نفت
nikōhišnīg , zišt	نفرت انگیز
nifrīn	نفرین
nifrīdag	نفرین شده
nikōhīdan	نفرین کردن
grīw	نَفْس
damišn	نَقَس
daftan	نفس کشیدن
sūrāg	نقب
asēm	نقره
asēmēn	نقره‌ای
kāhišn , nirfsišn	نقصان
Gōzihrsar	نقطهٔ اعتدال بهاری
Gōzihrdumb	نقطهٔ اعتدال پاییزی
ērang(Th) , nikōhišn	نکوهش
nikōhīdan	نکوهیدن
nigārag , pahikar	نگاره
nigār –	نگاشتن
nigāh	نگاه
pānag	نگاهبان
nigāstār	نگاهداری
dārišn , ĵadārīh , nigāh – dārīh , nigāh – dārišnīh	نگاهداری
(nigāh) dāštan	نگاه داشتن
nigāh kardan	نگاه کردن
nigerišn	نگرش
nigerīdan	نگریدن
nigūn	نگون
nigūnsār	نگونسار
nigūnīh	نگونی

pāsbān	نگهبان
pās dāštan	نگهبانی کردن
pādan	نگهداری کردن
nam	نم
namāz	نماز
namāz burdan	نماز بردن
namad	نمد
a-marg	نمردنی
naft	نمناک
nimūdan	نمودن
gāhwārag	ننو
nōg	نو
niwāg	نوا
nāy-pazd- , pazd-	نواختن (نی)
srūdan	نواختن (آلت موسیقی)
huniyāgar	نوازنده
čang-srāy	نوازنده چنگ
nawad	نود
abrōxtan , rōzēnīdan	نورانی کردن
nōg-rōz	نوروز
nōg-zād(ag)	نوزاد
nōzdah	نوزده
xwārēn-	نوشاندن
nibištan	نوشتن
nibēg	نوشته
parāhōm	نوشیدنی مقدّس
gōnag , sardag , sān , šōn	نوع
bālēn , bašn , sar , tērag	نوک
nab	نوه
*niwē	نوید
dibīrīh	نویسندگی
dibīr	نویسنده
mā , nē	نه

tis—iz	نه... اصلاً
nō	نه
bun , nihādag	نهاد
nihādan	نهادن
nihāl	نهال
nihān	نهان
nihānīg	نهانی
ǰō(y)	نهر
nihuftan, (nihumbīdan)	نهفتن
nohom	نهم
nāy	نی
niyāg	نیا
astānag , niyāz	نیاز
astānagōmand , driyōš , niyāzōmand	نیازمند
driyōšīh , niyāzōmandīh	نیازمندی
an—āhōg , an—ālūd ,	نیالوده
a—gumēg	نیامیخته
azbāyišn , niyāyišn	نیایش
azbāy—	نیایش کردن
dawāl , nērang	نیرنگ
abzār , nērōg , ōz , stabrīh , tuwān , zōr	نیرو
abzār , amāwand , nērōgōmand , ōzōmand , pādixšā(y) , pādyāwand , warzāwand , zōrīg , zōrōmand	نیرومند
abar—ōz	نیرومندتر
amāwandīh	نیرومندی
axw , uštānīh	نیروی زندگی
anī-z , —iz	نیز
nayestān	نیزار
nāy—srāy	نی زن
nēzag , sel	نیزه
nēst	نیست
nayestān	نیستان
an—astīh , nēstīh	نیستی

gazišn	نیش
gazīdan	نیش زدن
nay	نیشکر
hu-nēk(ōg)	نیک
hu-menišn	نیک اندیش
hu-mānīh	نیک اندیشی
hu-čašm	نیک چشم
hu-čašm	نیک خواه
hu-čašmīh, hu-mānīh	نیک خواهی
nēk-gōhr	نیک گوهر
hu-čīhr, nēk(ōg)	نیکو
ahlā, ahlaw, ašō, hudā(ha)g, hugar, kirbakkar, xwābar	نیکوکار
ahlāyīh, ahlawīh, hudā(ha)gīh, kirbakkarīh, xwābarīh	نیکوکاری
nēkīh	نیکی
nīl	نیل
nīlōpal	نیلوفر
nēm	نیم
nēm-asp	نیماسپ
nēm-asp	نیماسپ: در نجوم: برج قوس
nēm-tan	نیم تن
nēw-rōz, rabih	نیمروز
bālēn-gāh, taxt-gāh	نیمکت
nēmag	نیمه
graw	نی نازک
nēw	نیو
niyō(x)šišn	نیوشش
niyō(x)šīdan	نیوشیدن

((و))

u-

ud, (u-)

و (با ضمیر متصل می آید مانند ũ-u)

و

frēzbānīg	واجب
abāz kardan az	وادار به ترک کردن
rawēnīdan	وادار به رفتن کردن
āstārēnīdan	وادار به گناه کردن
*ēnōkēn	وارث (زن)
andar āmadan , andar šudan	وارد شدن
abārōn , nigūn	وارون
mayānǰīg	واسطه
rōšn/ag	واضح
wizurd	واقعی
abespurdan , (abespārdan)	واگذار کردن
pāymār	واگذاری
abām	وام
Way ī wattar	وای بدتر (دیو)
Way ī weh	وای به (ایزد)
petyārag	وبال (نجوم)
graw(Th) , graw(a)gān	وثیقه
widest	وجب
widestīg	وجبی
axw , astīh , stī	وجود
bīm , *nihēb	وحشت
bīmgēn	وحشتناک
kōfīg	وحشی
waxšwar	وخشور
war	ور
warzāwand	ورجاوند
tar	وراء
afsōn	ورد
warzāg	ورزا
warzīdan	ورزیدن
garmōwar(Th)	ورگرم
Wōrūbaršt	وزوبرشت (نام اقلیم شمال غربی از هفت اقلیم)
Wōrūjaršt	وروجرشت (نام اقلیم شمال شرقی از هفت اقلیم)

adēn	وزُود
wazišn	وَزَش
wazay	وَزَع
garānīh	وزن
tarāzēnīdan	وزن کردن
wāyīdan , wazīdan	وزیدن
dastwar	وزیر
bidaxš	وزیر اعظم
mayān	وسط
wēhm	وسیع
abzār , čār(ag) , zay	وسيله
handarz	وصیت
tan – bahr	وضعیّت جسمی
rāyēnišn	وظیفه
xwēš – kār	وظیفه شناس
xwēš – kārīh	وظیفه شناسی
a – xwēškār	وظیفه شناس
ēkānag	وفادار
ēkānagīh	وفاداری
hu – škōhīh , škōh	وقار
ǰādag – gō(w)	وکیل
win	ون
Wanand	ونند
Wīdadafš	ویددفش (نام اقلیم جنوب غربی از هفت اقلیم)
awērag , awērān , drōšag	ویران
kastārīh	ویران سازی
abesīhēnīdan , hambāstan , kandan , wišuftan	ویران کردن
kastār	ویرانگر
abesīhēnišn(Th)	ویرانی
passāzišn , wirāyišn(Th)	ویرایش
daxšag	ویژگی
abēzag	ویژه

((ه))

-īhā	ها (پسوند جمع)
-īhā	ها (پسوند سازنده قید)
hād	ها (هر یک از بخشهای یسنا)
hādamānsar	هاتمانسر
hādamānsarīg	هاتمانسری
hādōxt	هادخت (یکی از نسکهای گم شده اوستا)
hādōxt	هادخت (مراسم قربانی خاص)
hāsar	هاسر (مقیاس زمان)
hāsar	هاسر (مقیاس طول)
hāmōn	هامون
hāwan	هاون
haštdah	هجده
hēnīh	هجوم
*adēn-, franāftan, hāxtan, nīdan, rāyēnīdan, zāmēnīdan	هدایت کردن
hu-čīhr	هجیر
kām(ag)	هدف
dāsar, dāšn, pārag	هدیه
har(w), wisp	هر
čand	هر اندازه
abādixšā(y)īh	هرج و مرج
čand	هر چند
čegām-iz	هر چه
*jōmā	هر دو
rōzwārag	هر روزه
hamē ka	هر زمان
halag	هرزه
drāyišn	هرزه گویی
drāyīdan	هرزه گویی کردن
kadām-iz-ē(w)	هر کدام
kadār-iz-ē(w)	هر که

hagriz	هرگز (با نفی)
Ohrmazd	هرمزد: در نجوم: مشتری
Ohrmazd	هرمزد: گاه‌نما: اولین روز ماه
har(w)	هر یک
hazār	هزار
hazārag	هزاره
uzwārišn	هزوارش
uzēnag	هزینه
hast=ast	هست
ast(ag), uruspar	هسته (میوه)
axw, astīh, mādayān, stī	هستی
zāyišnīg	هستی یافته
hašt	هشت
haštād	هشتاد
hištan	هشتن
haft	هفت
haftād	هفتاد
haftān	هفتان
haftān	هفت سیاره
Haftōring	هفت‌رنگ (نجوم)
haftag	هفته
haftdah	هفده
halām	هلام
halīlag	هلیله
ham, -iz	هم
hōmāst	هماست (دعاهای مختلف)
hamāl	همال
ham-gōnag	همان‌گونه
homānāg, ham-ēwēnag	همانند
ēw-sānīh, hāwandīh, hangōšīdag, homānāgīh, mānāgīh	همانندی
hamīh	هماهنگی
humāy	همای
ham-pursag	همپرس

hamāl , ham-tā , tā	همتا
ham-tōhmag	هم تخمه
ham-tan	هم تن
ham-ēdōn	هم چنين
ham-dādestān	همداستان
abāgīh	همدستی
hamdam	همدم
ham-dēsag	همدیس
ham-gōhr	هم ذات
ayārōmand , hambāy , P. hamhǎrz	همراه
az... hammis, jomā	همراه با
abāgīh , ayārōmandīh	همراهی
abāgēnīdan	همراهی کردن
ham-zamān	هم زمان
ham-sāyag	همسایه
hamēst(ag)ān	همستگان
čagar , nārīg , zan	همسر
ham-dēsag	هم شکل
ham-bašn , ham-tan	هم قامت
ham-kār	همکار
ham-kārīh	همکاری
ham-gōhr	هم گوهر
hamagīh	همگی
ham-nibardīh	هم نبردی
ham-sardag	هم نوع
hamwar	هموار
hāmwār(ag)	همواره
hamāg(īh) , hambāstag , hamist , hāmōyēn , har(w) , harwīn , harwisp , harwispīn , wisp	همه
hamāg-dēn	همه دین (مراسم مذهبی)
hamē	همی
hamīh	همی (= اتحاد)
ham-ēdōn	همیدون

hamēšagīh , jāwēd(an)	همیشگی
bāstān , hamē , hamēšag , P. yāwēdān	همیشه
hamē-wahār	همیشه بهار
hamēšag-sōz	همیشه سوز
zamīg-paymānīh	هندسه
Hindūgān	هندوستان
Hindūg	هندی
hunar , kirrōgīh	هنر
hu-tuxš , kirrōg	هنرمند
hunarāwandīh	هنرمندی
hangām , jār	هنگام
ahanūz	هنوز
andarwāy , wāy	هوا
ōš(īh)	هوش
ōšyār	هوشیار
Hōm	هوم
hōmōmand	هوم‌دار
hōmēn , hōmīg	هومی
āškārāg , nigerišnīg	هویدا
ēč , ham-bun	هیچ (با ادات منفی)
kas-iz	هیچ‌کس
hērbed	هیربد
hērbedestān	هیربدستان
hērbedīh	هیربدی
ēs/zm	هیزم

« ی »

ē	ی (ادات، به فعل مضارع معنی تمنایی می‌دهد)
ī	ی (ادات ربط)
-īh	ی (پسوند سازنده اسم معنی)
-īg	ی (پسوند سازنده صفت ثانوی)

ē(w)	ی (نکره)
ayāb	یا
Yāt	یات (نام درجه‌ای از گناه)
ayād , ayāsišn(īh) , daxšag , warm , wīr , wīrōmandīh	یاد
ayādgār	یادگار
hammōxtan	یاد گرفتن
hammōxtār	یادگیرنده
hammōxtārīh	یادگیری
ayār	یار
ayārīh , frayād , frayādišn	یاری
ayārīdan , frayādīdan	یاری کردن
yāzdah	یازده
yāsaman	یاسمن
ayāftan , windādan	یافتن
windišnīg	یافتنی
yākand	یاقوت
yākand	یاکند
bašn	یال
ayārōmand , dast-gīr	یاور
afsārdan	یخ بستن
ay , hād	یعنی
grīwbān	یقه
ēwar	یقین
ēwar	یقیناً
ēk , ēw	یک
ēw-bār	یکبار
ēw-kard(ag)	یکپارچه
ēw-tā , tā	یکتا
ēk-dād	یکتا آفریده
ham-ēwēnag	یک جور
ē(w)-čand	یک چند
*lipī	یک درجه (از قوس)
ēw-sān	یکسان

ēw-sānīh	یکسانی
srišwadag	یک سوم
ē-(w)-mōg	یک موزه
hambūdan	یکی شدن
hamēnīdan	یکی کردن
yal	یل
yōz	یوزپلنگ
-īdan	— یدن (پسوند سازندهٔ مصدر ثانوی)
-ēn	— ین (پسوند سازندهٔ صفت نسبی)
ǰuy	یوغ
Hrōmāyīg	یونانی

پیوستہا

پیوستها

۱- ایزدان

Ohrmazd	هرمزد
Amahraspandān	امشاسپندان
Wahman	بهمن
Ardwahišt (Urd-, Ašawahišt)	اردیبهشت
Šahrewar	شهریور
Spandarmad	سپندارمد
Hordād	خرداد
Amurdād	امرداد
Ādur	آذر
Anahīd	اناہید
Ard (Ahlišwang)	ارد (اهلشونگ)
Aštād	اشتاد
Burz	برز
Ērmān	ایرمان
Mihr	مهر
Rašn	رشن
Srōš	سروش
wahrām	بهرام
Way ī weh	وای به
Zurwān	زروان

۲- دیوان

Ahreman	اهریمن
Akōman	اکومن
Arzūr	ارزور
Astwihād	استویهاد

ǰeh	جه
Way ī Wattar	وای بد
Xēšm	خشتم
Wizarš	وزرش

۳- ماهها

I Farwardīn	فروردین
II Ardwahišt	اردیبهشت
III Hordād	خرداد
IV Tīr	تیر
V Amurdād	امرداد
VI Šahrewar	شهریور
VII Mihr	مهر
VIII Ābān	آبان
IX Ādur	آذر
X Day	دی
XI Wahman	بهمن
XII Spandarmad	اسفند
+ Frawardīgān	+ فروردیگان

۴- روزها

¹ Ohrmazd	هرمزد
² Wahman	بهمن
³ Ard wahišt	اردیبهشت
⁴ Šahrewar	شهریور
⁵ Spandarmad	سپندارمد
⁶ Hordād	خرداد
⁷ Amurdād	امرداد
⁸ Day pad Ādur	دی به آذر
⁹ Ādur	آذر
¹⁰ Ābān	آبان
¹¹ Xwar	خور

12Māh	ماه
13Tīr	تیر
14Gōš	گوش
15Day Pad Mihr	دی به مهر
16Mihr	مهر
17Srōš	سروش
18Rašn	رشن
19Frawardīn	فروردین
20Wahrām	بهرام
21Rām	رام
22Wād	باد
23Day Pad dēn	دی به دین
24Dēn	دین
25Ard (Ahlišwang)	ارد (اهلشونگ)
26Aštād	اشتاد
27Asmān	آسمان
28Zāmyād	زامیاد
29Māraspand	مارسپند
30Anagrān	انگران

۵- گاهها

Hāwan	بامداد
Rapihwin	نیمروز
Uzērin	غروب
Ebsrusrim	غروب آفتاب تا نیمه شب
Ušahin	نیمه شب تا سپیده دم

۶- کشورها

Xwanirah	خونیره (مرکزی)
Arzah	ارزه (شرقی)
Fradadaš	فرددفش (جنوب شرقی)
Wīdadaš	ویددفش (جنوب غربی)

Sawah
Wōrūbaršt
Wōrūjaršt

سوه (غربی)
وروبرشت (شمال غربی)
وروجرشت (شمال شرقی)

۷- واحدهای اندازه گیری طول

I angust
I widest
I pay
I frārāst
I gām
I gām ī dō Pāy
I ǰud-nāy
I nāy
I hāsar ī
 īi
I frasang

(۱) انگشت = $\frac{۳}{۴}$ اینچ
(۲) بدست = $\frac{۴}{۹}$ اینچ
(۳) پای = ۱۲ اینچ
(۴) ذراع = ۱ فوت و ۱۶ اینچ
(۵) گام = (یارد) ۳ فوت
(۶) گام دو پا = ۵ فوت
(۷) یک بغل = ۶ فوت
(۸) نای ($\frac{۱}{۵}$ یارد) = ۱۰ فوت
(۹) هاسر کوچک = ۱۰۰۰ گام دو پا (= ۱ میل)
هاسر بزرگ = ۱ فرسنگ
۱ فرسنگ = ۴ میل

۸- «برجهای دوازده گانه»*

warrag
gāw
dō-pahikar
karzang
šagr
hōšag
tarāzūg
gazdum
nēm-asp
wahīg
dōl
mahīg

بره	حمل
گاو	ثور
دو پیکر	جوزا
خرچنگ	سرطان
شیر	اسد
خوشه	سنبله
ترازو	میزان
کژدم	عقرب
نیماسپ	قوس
بزغاله	جدی
دول	دلو
ماهی	حوت

* این فهرست به وسیله مترجم افزوده شده است.

۹- واژه‌نمای پهلوی واژه‌های افزوده

dīg

wēzag

*nihēb

Wizarš

war-wēzag

xīg

rox

rēbās

čaxrag

šabyār

sayistan

دگ

اسوعوا

اوسوعوا

امکلر

ار اسوعوا

کو

لسا

لرع سو

وس سو

سوسو

سوسو

بخش سوم

واژه‌نمای پهلوی

PAHLAVI KEY

THE alphabetical order is that of the Aramaic alphabet, taking account of the first value of each letter only (*see* Table II, p. xiii), thus:

	[2]		[1]
āhan, any ^I , 1-3axw, 1-2xān	𐭠𐭡𐭢	a-, ā, h-	𐭠
hāwand	𐭠𐭡𐭢𐭣	brād ^I	𐭠𐭡
hāwandīh	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤	haxt	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤
ahunsand	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥	āhixtan, hāxtan	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥
ahunsandīh	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦	xāyag	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥
anīz ^I	𐭠𐭡𐭢𐭣	āhan	𐭠𐭡𐭢
1-2hāwan	𐭠𐭡𐭢	xayūg	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤
ahunawar	𐭠𐭡𐭢𐭣	xāyagdēs	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦
ahanūz, anīz ^I	𐭠𐭡𐭢𐭣	xāyag	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤
āhōgēn-	- 𐭠𐭡𐭢𐭣	āxēz-	- 𐭠𐭡𐭢
āhōgēnīdan	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦	āxēzīdan	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦
āhōg, āhūg, xānag	𐭠𐭡𐭢𐭣	āhīdīh	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥
āxwarr	𐭠𐭡𐭢	āhīd	𐭠𐭡𐭢𐭣
āxwarrsālār	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨	axwān	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤
ahomānāg	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦	axwārīh	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦
axwarṇ	𐭠𐭡𐭢𐭣	āhang	𐭠𐭡𐭢
āhan]-	- 𐭠𐭡𐭢	xānīg	𐭠𐭡𐭢𐭣
		axwēškār	𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨

^I = (part) ideogrammatic spelling

^N = numeral

[4]	[3]
xām	āhanjīdan
hāmharz	ahōš
hāmīnīg	ahōših
hāmīn	hāwištih
xāmīz	hāwišt
hāmwär	xāk
hāmōyēn	āhr, xār
hāmōn	pas ¹
xāmōš	ahlā
hāmkišwar	ahlāyih
hāmīst	xārōmand
hās ^{2r}	ahrām-, āxrām-
āxīstan	āxrāmīdan
hāz-	ahrāftan
hāzišn	pasih ¹
² hād, haxt	pasdānišnīh ¹
hādōxt	Ahreman
hādamāns ^{3r}	Ahlšwang
hādamāns ^{2rīg}	ahlawih
axtar	ahlawdād
axtarāmār	ahlaw
axtarmār	Ahreman
axtarmārīh	ahlomōyih
xwah ¹	ahlomōy
xwahar ¹	xārpušt

	[6]		[5]
ādehīg	سوسو ۱	ay, ē, sē ^N	س
adānīh	سوسو ۴۹	abahr	سوسو ۱
adān	سوسو ۱۳۴	wany ^I	س ۱۴
hixr	سوسو ۱	abīm	سوسو ۱
ayārd-	سوسو ۱۴ -	abēš	سوسو ۱
ayārdēn-	سوسو ۲۱۴ -	abēšīh	سوسو ۱۱۴
ayārdēnīdan	سوسو ۲۱۴ و ۱۱۱۴	pidar ^I	سوسو ۱۴
ayārdēnišn	سوسو ۲۱۴ و ۱۳۷	pid ^I	س ۱
ayārdīdan	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	abōy	سوسو ۱۴
ayāb-	سوسو -	abōyīh	سوسو ۱۴
ayābāg	سوسو ۱۱۴	abun	س ۱۱۱
ayābagīh	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	aburdframānīh	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴
ayābag	سوسو ۱۱۴	aburdframān	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴
āyaft	سوسو ۱۴	seyom ^N .	س ۱۴
ayāftan	سوسو ۱۱۴	apus ^I	س ۱۴
adādīh	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	abr	س ۱
adād	سوسو ۱۱۴	axwaš ^I	سوسو ۱۴
hixtan	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	axwašīh ^I	سوسو ۱۴ و ۱۱۴
adādestānīh	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۴	sepāy ^N	س ۱۴ و ۱۱۴
adādestān	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴ و ۱۱۱۴	sešabag ^N	س ۱۱۴ و ۱۱۱۴
ēbgatīh	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	ēw ^I	س ۱۱۴
ēbgat	سوسو ۱۱۴	gandum ^I	س ۱۱۴
ēbsrūsrīm	سوسو ۱۱۴ و ۱۱۱۴	gyān ^I	سوسو ۱۱۴
may ^I	سوسو ۱۱۴	adahm	سوسو ۱۱۴
ayār	سوسو ۱۱۴	agāh	سوسو ۱۱۴

āsūdan	[8] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayār-	[7] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
asmān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayārōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēwān	𐭠𐭣𐭥𐭥	ayārōmandīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ēbārag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
1-2ēwāz	𐭠𐭣𐭥𐭥	ayārīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēwāzīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayās-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
āyōxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayāsīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
agōwāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayāsīšnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēwbār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ayāstan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēbyānghan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ayād	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
enyā, hēnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	ayādgār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēwēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	āsyāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
1-2ēwēnag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āsyāb	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
xīndagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	agdēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
xīndag	𐭠𐭣𐭥𐭥	ēsm	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
hēn	𐭠𐭣𐭥	adēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥
ēwan	𐭠𐭣𐭥	adādestān ^r	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ēnōkēn	𐭠𐭣𐭥𐭥(𐭥)	adādestānīh ⁱ	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ēkānagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	asōhišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ēkānag	𐭠𐭣𐭥𐭥	aswār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ayōxšustēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	aswārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ayōxšust	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āsnīdag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ēkdād	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āhan, āsn, ēg ^r	𐭠𐭣𐭥
ēk, xayūg	𐭠𐭣𐭥	āsnūd	𐭠𐭣𐭥𐭥
ēwkard	𐭠𐭣𐭥𐭥	āsnūdāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

ērānag	[10] 𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	ēwkardag	[9] 𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
Ērānšahr	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ēwkardag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
ēraxtār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwar	𐭪𐭥𐭮
1-2ēraxtan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwarz	𐭪𐭥𐭮𐭥
ērīh	𐭪𐭥𐭮𐭥	ēwarz-	𐭪𐭥𐭮𐭥-
hērīg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	ēwarzīg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
ērwār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	ēwarzīdan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
ērwārag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	agumān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
ērang	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	agumēgīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
ērangīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	agumēg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
1-2ēranj-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥-	čašm ^I	𐭪𐭥𐭮𐭥
ērkaš	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	ēwmōg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
ērmānīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwsānīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
1-2ērmān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwsān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
ērmānag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ayāb	𐭪𐭥𐭮𐭥
ērmenišnīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2āyōz-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥-
agriftār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	1-2āyōzīdan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
hērbedīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwčand	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
āgrift, hērbed	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	āyōzišnīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
hērbedestānīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2āyōzišn	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥
hērbedestān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥𐭥	ēwtāg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥
adard	𐭪𐭥𐭮𐭥	kū ^I	𐭪𐭥𐭮𐭥
ērtanīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥	1-2ēr, xīr	𐭪𐭥𐭮𐭥
ērtan	𐭪𐭥𐭮𐭥	Ērān	𐭪𐭥𐭮𐭥
xēm	𐭪𐭥𐭮𐭥	Ērānwēz	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭥

xwāhar, xwahl	[12] 𐭮𐭥𐭥𐭥	ēmēd	[11] 𐭥𐭥𐭥𐭥
xwāhrīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	wurrōy- ^I	- 𐭥𐭥𐭥
awiyābānīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	wurrōyistan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwāb	𐭮𐭥𐭥	ē(w)mōg	𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2xwāh-	𐭮𐭥𐭥 -	^I kay ^I	𐭥𐭥𐭥
anayād	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ēbyānghan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
huēwāz	𐭮𐭥𐭥𐭥	ēbsrūsrim	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
huēwāzīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ēč	𐭮𐭥𐭥
anēr	𐭮𐭥𐭥	ē(w)čand	𐭮𐭥𐭥𐭥
Anērān	𐭮𐭥𐭥𐭥	hēzag	𐭮𐭥𐭥
anērīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ēzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥
anērang	𐭮𐭥𐭥𐭥	ēš, kas ^I	𐭮𐭥𐭥
huxēm	𐭮𐭥𐭥	āyišm, xēšm	𐭮𐭥𐭥𐭥
huxēmīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	xēšmēn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2xwāhišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	kasiz ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥
anastīh ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥	(h)astīh ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥
anast ^I	𐭮𐭥𐭥	ānay- ^I	- 𐭮𐭥𐭥
xwān	𐭮𐭥𐭥	ānīdan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
Ohrmazd	𐭮𐭥𐭥𐭥	(h)ast ^I	𐭮𐭥𐭥
anummēd	𐭮𐭥𐭥𐭥	ēdōnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
anuspurriḡ	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ēdōn	𐭮𐭥𐭥
anōst	𐭮𐭥𐭥𐭥	an-, hu-	- 𐭮
anōšmār	𐭮𐭥𐭥𐭥	ēd ^I	𐭮𐭥𐭥
anāgāh	𐭮𐭥𐭥𐭥	Anāhīd	𐭮𐭥𐭥𐭥
anāgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	anāhōḡ	𐭮𐭥𐭥𐭥

xwāstan	[14]	𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāstawānīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāstawān		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xv. āstagōmand		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāstag, xwāstag		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
ānāb-		- 𐭮𐭥
anabāy		𐭮𐭥𐭯𐭮
anabaxšāwand		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anabaxšāwandīh.		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anābādān		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anabēdānīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anabēdān		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anī' buhlag		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anabzār		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anabzārīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
xwābar		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xwābarīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
xwābarīg		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāzarm		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāzarmīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāzarmīg		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anafsēnišn		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
ānābišn		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
ānāftan		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāštīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮

anāg	[13]	𐭮𐭥𐭯𐭮
anāgkunišn		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāgkardār		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anār		𐭮𐭥𐭯𐭮
1-2xwār		𐭮𐭥𐭯𐭮
xwār-		- 𐭮𐭥𐭯𐭮
xwārbār		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
xwārīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anārgēl		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xwārēn-		- 𐭮𐭥𐭯𐭮
xwārēn		𐭮𐭥𐭯𐭮
xwālist		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xwārīdan		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anālūd		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anarzānīg		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xwārīšn		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
xwārtar		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
hannām		𐭮𐭥𐭯𐭮
anāmurzīd		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāmurzišn		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
anāmčīštīg		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
ānāstīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮
ānāst, arāst		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāstawānīh		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥
anāstawān		𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥𐭯𐭮𐭥

[16]		[15]
hambōyišn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambūsīdan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambūsišn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambōš-	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambōšišn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
ambar	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
āwarišn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
angūr ¹	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambasānīg	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hambasān	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
² hambastan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
² hambastag	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
awiš	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
āwištan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
and, hōy	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
huīh	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hudāhagih	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hudāhag	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
handāxtār	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
handāxtan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hudā(ha)gih	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
andāgēn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
andāg, hudā(ha)g	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
andāggēn	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
hangār-	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
		anādānīh
		anādān
		hūxt
		nih- ¹
		nihādan ¹
		anādūg
		hambah-
		āwahan
		hambāh-
		hambāhišn
		hambār-
		hambārīdan
		āwām
		hambāstan
		hambāz
		āwādag
		dastgraw ¹
		wany ¹
		wany(b)ūdih ¹
		wany(b)ūdih ¹
		wanīgarīh ¹
		hubōy
		hambōy-
		hambūs-
		hubōyīh

	[18]		[17]
hindūg	𐬵𐬀𐬎𐬎	hangārag	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬵
ar gūr	𐬀𐬎𐬎	hangārišn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬵𐬀
angust	𐬀𐬎𐬎𐬎	hangārdan	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬵𐬀𐬎
angustarīg	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	handām, hangām	𐬵𐬀𐬎𐬎
angustbān	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	hangāmīg	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎
handōz-	𐬵𐬀𐬎𐬎-	handāz-	𐬵𐬀𐬎𐬎-
handōzišnīh	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	handāzag	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎
handōzišn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎	handāzišn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
hangōšīdag	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	xwāb, xwey	𐬵𐬀
awēnišnīg, āwēnišnīg	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	hudēn	𐬵𐬀𐬎
āwēnišn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎	usōfrit	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
hudōšag	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎	handēmānīh	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
handūdan	𐬵𐬀𐬎𐬎	handēmān	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎
andak, anīg, hōyag	𐬵𐬀𐬎	handēmāngar	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
anagr, hugar	𐬵𐬀𐬎	handēmāngarīh	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
handraxtagīh	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	āwēn-	𐬵𐬀𐬎-
handraxtag	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	andōh	𐬵𐬀𐬎
ōgrā	𐬵𐬀𐬎𐬎	xwēnāhan	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
anagrān, awērān	𐬵𐬀𐬎𐬎	andōhgēn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎
hangrāyīdan	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	handōxtan	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
andarag	𐬵𐬀𐬎𐬎	hugōwišn	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
andarwāy	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎	āwēnīdan	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
andarwāyīg	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	owōn	𐬵𐬀𐬎
andarōn	𐬵𐬀𐬎𐬎	Hindūgān	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎
hangrūdāg	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎	hugugār	𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎

xwēdōdah	[20] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	awērag, udrag	[19] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ānīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	anagr-rōšnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dān- ^ī	- 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	anagr-rōšn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dānistan ^ī	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	andarmāh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwēdōdah	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handarz	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwēdōdah	- 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handarzēn-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
-ān	𐭮𐭥 -	handarzēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ān, hō, ō	𐭮𐭥	ōyrišt -	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
huniyāgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangirdēn-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
huniyāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangirdēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
huniyāgar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangirdīgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awināh	- 𐭮𐭥𐭥𐭥	hangirdīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwēnāhan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hudast	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
huniyōxš	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwistan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
-āwand	- 𐭮𐭥𐭥	angubēn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hunsand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	andčand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hunsandīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwēš	𐭮𐭥𐭥𐭥
Xwanirah	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwēšāwand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Hordād	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	xwēšāwandīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hunīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	xwēšēn-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xōn	𐭮𐭥𐭥	xwēšēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xunak	𐭮𐭥𐭥𐭥	xwēškār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hunar	𐭮𐭥𐭥	xwēškārīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hunarāwand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	hangadīh, xwēdīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hunarāwandīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangad, xwēd	𐭮𐭥𐭥𐭥

uzmāyišn	[22] 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hunarōmand	[21] 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
u zumburd	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	huwaršt	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
uzmūdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	awinast	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōgār	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōš	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōgār-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-	anōšxwar	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōgārdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōšagih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōyrišt	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hunušakēnīdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xōg, hūg	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōšag, hunušak	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hukunišn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōšagruwān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xūkar	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	Urdwahišt	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hūkar(ag)	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōdagīg	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
h ar, 1-2xwar	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anōdag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwar-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-	uzērin	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
fradom ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdehīgih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwarōfrān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdehīg	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hurām	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzērin	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ulāmadān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdēs	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwarāsān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdēsparist	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwarxšēd	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdēsparistišnīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwarwarān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzdēszār	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwarg	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzwān	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xurdruš	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzwār-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-
xurdruš	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzwārišn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōrēb	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzwārdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōrēbīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uzmāy-	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-

xwardīg	[24] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	Urišīm	[23] 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwurd	𐭮𐭥𐭥𐭥	urwāhm	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
xwardan	𐭮𐭥𐭥𐭥	urwāhmanīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwurdagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	urwāhman	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
xwurdag	𐭮𐭥𐭥𐭥	urwāz-	𐭮𐭥𐭥𐭥
abardar	𐭮𐭥𐭥	urwāzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
awardišnīgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwaran	𐭮𐭥𐭥
awardišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ōrōn	𐭮𐭥𐭥
hōm	𐭮𐭥	urwar	𐭮𐭥𐭥
humāy	𐭮𐭥𐭥	xwarwarān	𐭮𐭥𐭥𐭥
homānāgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	uruspar	𐭮𐭥𐭥𐭥
homānāg	𐭮𐭥𐭥𐭥	hurust	𐭮𐭥𐭥𐭥
humānīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	xwarōfrān	𐭮𐭥𐭥𐭥
hōmōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥	huras	𐭮𐭥𐭥
hōmāst	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	xormā	𐭮𐭥𐭥𐭥
xumb	𐭮𐭥𐭥	hurasīh	𐭮𐭥𐭥
hōmēn	𐭮𐭥𐭥	urmōd	𐭮𐭥𐭥
humenišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	hurasag	𐭮𐭥𐭥
hōmīg	𐭮𐭥𐭥	awarzīd	𐭮𐭥𐭥𐭥
ummēd	𐭮𐭥𐭥	xwaršēd	𐭮𐭥𐭥𐭥
ummēdwār	𐭮𐭥𐭥𐭥	xwarišnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
az ^l	𐭮𐭥	xwarišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥
h ^l	𐭮𐭥	xwarišn	𐭮𐭥𐭥
-ōmand	𐭮𐭥𐭥	awardāg	𐭮𐭥𐭥𐭥
xwamn	𐭮𐭥𐭥	xwardār	𐭮𐭥𐭥𐭥

	[26]		[25]
awestām	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xwamnwizār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestād	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	humurwāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ēstādan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hād ^r	𐭮𐭥𐭥𐭥
ōstīgānīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	humat	𐭮𐭥𐭥𐭥
ōstīgān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ōsān-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
ōst	𐭮𐭥𐭥𐭥	husāzagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestwār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestwārīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uskār-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥-
xandīdan, xwastan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	uskārišnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwastūgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uskārišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xwastūg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	uskārdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ustōfrit	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	husrawīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestar-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥-	husraw	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestarag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ōspar-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥-
awestarišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ōspurdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
awestardan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
ēstišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	anespās, huspās	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xūb	𐭮𐭥𐭥	anespāsīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbār-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	uspurrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbārdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hangēzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hupādixšāy	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēš-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
hupādixšāyīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēšīdār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xūbīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	handēšīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hupassandagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	handēšišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hufraward	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ēst-	𐭮𐭥𐭥𐭥-

hučašm	[28] 𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	xufs-	[27] 𐭮𐭥𐭥𐭮
hučašmih	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	ōbastan	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
ōzadan	𐭮𐭥𐭥𐭮	ōbad-/ōft-	𐭮𐭥𐭥𐭮
1-3ōš, xwaš	𐭮𐭥𐭥	xuftan	𐭮𐭥𐭥𐭮
hōš-	𐭮𐭥𐭥	ōz	𐭮𐭥𐭥
ušahin	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	hanj-	𐭮𐭥𐭥
ōšōmand	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	ōzōmand	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
ōš(e)bām	𐭮𐭥𐭥𐭮	*huzārag	𐭮𐭥𐭥𐭮
ōših, xwaših	𐭮𐭥𐭥𐭮	hanjām	𐭮𐭥𐭥𐭮
ōšyār	𐭮𐭥𐭥𐭮	hanjām-	𐭮𐭥𐭥𐭮
hōšēn-	𐭮𐭥𐭥𐭮	hanjāftan	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
hōšēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	uzdehīgih	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
hōšīdan	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	uzdehīg	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
ušnūg	𐭮𐭥𐭥𐭮	hučihr	𐭮𐭥𐭥𐭮
hušnūdih	𐭮𐭥𐭥𐭮	uzdēs	𐭮𐭥𐭥𐭮
hušnūd	𐭮𐭥𐭥𐭮	uzdēsparist	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
hušnūdagih	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	uzdēsparistišnih	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
hušnūdag	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	uzēnāg	𐭮𐭥𐭥𐭮
mardōm ¹	𐭮𐭥𐭥𐭮	anjīr	𐭮𐭥𐭥
mardōmih ¹	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	awizīrišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮
hōšag, hušk	𐭮𐭥𐭥𐭮	hanjīdan, uzīdan	𐭮𐭥𐭥𐭮
huškōh	𐭮𐭥𐭥𐭮	hanjamanīg	𐭮𐭥𐭥𐭮
huškōhīh	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	hanjaman	𐭮𐭥𐭥𐭮
hučk-kūn ¹	𐭮𐭥𐭥𐭮𐭥𐭮	hanjaftan	𐭮𐭥𐭥𐭮
ōšmār-	𐭮𐭥𐭥𐭮	awazišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭮

	[30]		[29]
buz ¹ , xaz	سک	ōšmārag	س س س س ل و ا
hazzān	سک س	ōšmārišn	س س س س ل س ا
azbāy-	سک س س -	ōšmurdīg	س س س ل س ا
azbāyišn	سک س س س ا	ōšmurdan	س س س ل س ا
azd, azg	سک	ōšastar	س س س س ل
azdēn-	سک س -	awišt-	س س س -
azdēnīdan	سک س س ل	uštānōmand	س س س س ل س ا
āznāwar	س س س ل	uštānīh	س س س س ل
xūg ¹	س س ل و	uštān	س س س ل
azrāy-	سک س -	awištāb	س س س ل
azraw-	سک س -	awištāb-	س س س ل -
azruftan	سک س ل	awištāftan	س س س ل س ا
azarmān	سک س	awištādan	س س س ل س ا
azmāy-	سک س -	anšahrīg	س س س ل س ا
azmūdan	سک س ل	uštar	س س س ل
āgāh	س س س	uštargāwपालang	س س س ل س ل س ا
āgāhīh	س س س س	xwadāy	س س س
akōmand	س س س ل	xwadāyīh	س س س ل س
agār	س س ل	xwadāywār	س س س ل
agārīh-	س س س ل -	xwadīh	س س س
agārīhistan	س س س ل س ل	xwad-dōšagīh	س س س ل س
agārēn-	س س س -	xwad-dōšag	س س س ل
agārēnīdan	س س س ل	xwad	س س
akāmagōmand	س س س ل	hutuxš	س س س
āgāhēn-	س س س -	Ardwahišt	س س س ل

PAHLAVI KEY

221

halām	[32]	سکله	āgāhēnīdan	[31]	سوسو ۱۱۴۹
ārāstan		سلسو ۱۱۴۹	agdēnīh		سوسو ۶۹
čahār ^ī		سکله	agdēn		سوسو ۱۲۹
Harborz		سکله	āgenēn		سوسو ۱۲۲
xarbuzz		سکله	-āg		سوسو -
harg		سکله	ak		سوسو
sik ^ī , šir ^ī		سکله	āgan-		سوسو -
ars, xirs		سکله	akanāragīh		سوسو سکله ۶۶
aryand		سکله	akanārag		سوسو سکله
argawān		سکله ۱۳۰	āgandan		سوسو ۱۴۱
arduš, xargōš		سکله ۶۶	āgenēn		سوسو ۱۲
dagr ^ī , [<i>error for</i> dūr ۱۳۰]		سکله	Akōman		سوسو ۱۲۶
halilāg		سکله	āgustan		سوسو ۱۱۴۹
areškēn		سکله ۱۲	aganj		سوسو ۹
arešk		سکله ۱۰	āgōš		سوسو ۶۶
āluh		سکله	akard		سوسو ۱۳
xrōhak		سکله سوسو	ayrē		سوسو
arawāg		سکله سوسو	ayrē		سوسو
arus, xrōs		سکله	hagriz		سوسو
arwēs		سکله	mā		سکله
harwīn		سکله ۱۲	har, xar		سکله
ārōyišnīg		سکله سوسو ۱۵۱	alā		سکله
ārōyišn		سکله سوسو ۱۳	ālāy-, ārāy-		سکله -
arwand		سکله	ārāyišn		سکله سوسو ۱۳
arwandīh		سکله سوسو	alālag		سکله سکله

	[34]			[33]
almāst	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		alum, Hrōm	𐭠𐭥𐭥
armēštīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		hrōmāyīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
armēštgāh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		harwispīn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
armēšt	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		harwisp	𐭠𐭥𐭥𐭥
xufs- ^I	𐭠𐭥𐭥 -		harwisp	𐭠𐭥𐭥𐭥
xuftan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥		xrōstan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hammōz- ^I	𐭠𐭥𐭥 -		harrōbišnīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hammōxtan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥		harrōbišn	𐭠𐭥𐭥𐭥
xrafstar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥		āranj	𐭠𐭥𐭥
arz	𐭠𐭥		ālūdan	𐭠𐭥𐭥
arz-, hīrz-	𐭠𐭥 -		ālūdagīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzānīgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥		ālūdag	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥		Arzah	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzān	𐭠𐭥𐭥		Arzūr	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥		xrōs ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzōmandīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥		halagīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzīz	𐭠𐭥𐭥		Aleksandar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
arzīzēn	𐭠𐭥𐭥𐭥		ālag, halag	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥		baxš- ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥 -
arzan	𐭠𐭥𐭥		baxšišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
ārzōg	𐭠𐭥𐭥		baxtan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
harzag	𐭠𐭥𐭥		mēš ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥
arzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥		šōy- ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥 -
ārešn	𐭠𐭥𐭥𐭥		šustan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
ardā	𐭠𐭥𐭥𐭥		almās	𐭠𐭥𐭥𐭥

hamāg	[36]	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ardāyīh	[35]	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
āmār, hamahl, hamāl		𐭮𐭥𐭥𐭥	xradōmand		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
āmār-		𐭮𐭥𐭥𐭥-	ardikkar		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āmārgar		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ardīg, xradīg		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hamharz		𐭮𐭥𐭥𐭥	ardikkar		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
āmārišn		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ardikkarīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hamābēr		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	artēštār		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambāy		𐭮𐭥𐭥𐭥	artēštārīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambān		𐭮𐭥𐭥𐭥	Ard, xrad		𐭠𐭥𐭥𐭥
hambār		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ā-m (v. ā), ham, im, mād ¹		𐭠𐭥
hambār-		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥-	hamahl		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hambārīdan		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamē		𐭮𐭥𐭥𐭥
hambāstag		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamēihā		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambāz		𐭮𐭥𐭥𐭥	hamēīg		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hambedīg		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamēwahār		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hamband		𐭮𐭥𐭥𐭥	hamē-ud-hamē- -rawišnīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hamband-		𐭮𐭥𐭥𐭥-	hamēwēnag		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambandīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	hamē-rawišnīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambandišnīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamēdōn		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambun		𐭮𐭥𐭥𐭥	homānāg		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
amburdan		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	amāwand		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
hambawišnīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	amāwandīh		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hambūdan		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	amahraspand		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ambag		𐭮𐭥𐭥𐭥	hamāgdēn		𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
ambar		𐭮𐭥𐭥𐭥			

hamēst	[38] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ambarag	[37] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hamēstagān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hambast	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āmiz	𐭠𐭥𐭥	¹ hambastan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āmēz-	- 𐭠𐭥𐭥	¹ hambastag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
āmēzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	hambašn	𐭠𐭥𐭥𐭥
hamēšagih	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hambadīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hamēšagsūz	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamih	𐭠𐭥𐭥
hamēšag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	hambaw- ¹	- 𐭠𐭥𐭥𐭥
mādar ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥	hambawišnīh ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
xar ¹	𐭠𐭥𐭥	hambawišn ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hamwār	𐭠𐭥𐭥𐭥	hambūdan ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hamwārag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	āmēxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hammōxtār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	hamdādestān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
hammōxtārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	hamdādestān ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥
hammōxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥	hamēn-	- 𐭠𐭥𐭥
hamōg	𐭠𐭥𐭥	hamgōhr	𐭠𐭥𐭥𐭥
hamzamān ¹	𐭠𐭥𐭥	amenīdār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
Amurdād	𐭠𐭥𐭥(1)𐭥	hamēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
hammōz-	- 𐭠𐭥𐭥	hamgōnag	𐭠𐭥𐭥𐭥
hamwar	𐭠𐭥𐭥	hamdam	𐭠𐭥𐭥
āmurz-	- 𐭠𐭥𐭥	hamēmāl	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āmurzīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	hamēmālīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āmurzišn	𐭠𐭥𐭥𐭥	hammistān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
hamnibardīk	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	hamēstār	𐭠𐭥𐭥𐭥
hammōz-	- 𐭠𐭥𐭥	hamēstārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

[40]		[39]
āsānīh	سورس و	سورس و
āsān	سورس	سورس
asāg	سورس و	سورس
āhanēn	سورس	سورس
āhan	سورس	سورس
āhangar	سورس و	سورس
asēm	سورس	سورس
asēmēn	سورس	سورس
asēj	سورس	سورس
asar	سورس	سورس
dah ¹	سورس	سورس
band- ¹	سورس -	سورس
āsrōn	سورس	سورس
bastan ¹	سورس	سورس
āsrōih	سورس و	سورس
āsrō	سورس و	سورس
āsrōkerpa	سورس (و) و	سورس
asp	سورس	سورس
aspās	سورس	سورس
aspānūr	سورس	سورس
ēbārag	سورس	سورس
haspīn	سورس	سورس
aspinj	سورس	سورس
asprēs	سورس	سورس
aspast	سورس	سورس
		hammōzgar
		hammōzišn
		amwaštan
		hamkār
		hamkārīh
		amar
		hamrānīh
		amarg
		amargīh
		amaragānīhā
		amaragānīg
		amaragān
		amarag
		hamsāyag
		hamsāmān
		hamsardag
		hamdēsag
		hampursagīh
		hampursag
		ka ¹
		hamtāg
		hamtōhmag
		hamtan
		āsāy-
		āsāyišn

wēnišn ^I (dīdan) [42]	سورس ۱۳۵۱۱۱	asp	سورس [41]
dīdan ^I	سورس ۱۱۳۵۱۱۱	asazāg	سورس سورس
astōdān	سورس ۱۳۵۱۱۱	aswār	سورس سورس
āstawānīh	سورس ۴۵۳۵۱۱	asazišnīh	سورس سورس
āstawān	سورس ۱۳۵۱۱۱	asazišnīg	سورس سورس
astag	سورس ۱۵۱۱	āyištāg 'mixed'	سورس سورس
estišn	سورس ۱۳۵۱۱۱	[del. adištāg]	
āb, 1-2az, āz	سورس	est-	سورس -
u- ^I	سورس -	astuxān	سورس سورس
1-2abāxtar	سورس سورس	astuxān	سورس سورس
abāyist	سورس سورس	astānagōmand	سورس سورس
abāyistan	سورس سورس	astānag	سورس سورس
abāyišnīg	سورس سورس	astōmand	سورس سورس
abāyišn	سورس سورس	astōmandīh	سورس سورس
abāyēd	سورس سورس	āstār	سورس سورس
abārīg	سورس سورس	āstārēn-	سورس سورس
Ābān	سورس ۱۳	āstārēnīdan	سورس سورس
abāgīh	سورس سورس	estādan	سورس سورس
abāgēn-	سورس سورس	2ast	سورس
abāgēnīdan	سورس سورس	Astwihād	سورس سورس
ačār, appār, āzār, hazār	سورس سورس	āstawānīh	سورس سورس
āzār-	سورس سورس	āstawān	سورس سورس
appārīh	سورس سورس	astōdān	سورس سورس
abārōnīh	سورس سورس	xastan	سورس
abārōn	سورس سورس	wēn- ^I (v. dīdan)	سورس -
		astwand	سورس

ābdān	[44] 𐬀𐬎𐬌𐬎	ačārag, hazārag	[43] 𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abē-	𐬀𐬎	āzārišn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abēsūdih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	āzārdan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abēsūd	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abām	𐬀𐬎𐬎
abēbīm	𐬀𐬎𐬎𐬎	abēmizag	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abēbīmih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abēmust	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abēbēš	𐬀𐬎𐬎𐬎	abāz, āwāz	𐬀𐬎𐬎
abēbōy	𐬀𐬎𐬎𐬎	abaxš	𐬀𐬎𐬎𐬎
abēbōyih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abaxšāy-	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎-
abēbar	𐬀𐬎𐬎	abaxšāyišnīg	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
abdih	𐬀𐬎𐬎	abaxšāyišn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
Azdahāg	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abaxšāwand	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abēbūdih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	abaxšāyīdan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
abēbūd	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abaxših	𐬀𐬎𐬎𐬎
afsōs	𐬀𐬎𐬎𐬎	abādyāwand	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
afsōn	𐬀𐬎𐬎𐬎	abādyāwandih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
ābgēnagēn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	ābādānih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
ābgēnag	𐬀𐬎𐬎𐬎	ābādān	𐬀𐬎𐬎𐬎
abēgumānih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎	abādixšāy	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
abēgumān	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abādixšāyih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎
afsōsgar	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	ābādih, āzādih	𐬀𐬎𐬎𐬎
afsūdan	𐬀𐬎𐬎𐬎	ābād, āzād	𐬀𐬎𐬎
abēniyāz	𐬀𐬎𐬎𐬎	abd, abē-	𐬀𐬎
abyōxtan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abēōš	𐬀𐬎𐬎𐬎
abēwināh	𐬀𐬎𐬎𐬎	abēōših	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎

apēdagdār	[46]	𐭀𐭅𐭆𐭃𐭅𐭆𐭅𐭅	abēwizend	[45]	𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅
apēdag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅	abdom		𐭀𐭅𐭆𐭅
apōhišn		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abdomīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
aband		𐭀𐭅𐭆𐭅	abyōz-		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅
abandīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅	abēzār		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
abus, ābus		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅	ābīg		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅
abusīh, ābusīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abēr, azēr		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅
āfrīn		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅	abērāh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
āfrīnagān		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	awērān		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
abnūs		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅	drūn- ¹		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
apursišnīg		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅	drūdan ¹		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
āzwar		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅	abēmizag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
āfur-		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅	abdsahist		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅
āzwarīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abēsar		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
āfurīdan		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abestāg		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
aburnāyag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abdast		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
aburnāy		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	ābestan		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
aburnāyīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abēzār		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
aburnāyag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abēčim		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
āfurišn		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abēzagīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
āzurdan		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abēzag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅
ābustan		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	apetyārag		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅
abzāy-		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅	abēdān		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅
abzāyišn		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abaydāgīh		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅𐭅
¹⁻² abzār		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅	abaydāg		𐭀𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭅𐭅𐭅

abrēšomēn	[48] 𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎𐬀	abzārōmand	[47] 𐬀𐬆𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎
abrēšom	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎	ābzan	𐬀𐬎𐬎
āfrīdan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎	abzōnīgih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
aburnāy	𐬀𐬎𐬎𐬎	abzōnīg	𐬀𐬎𐬎𐬎
aburnāyih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abzōn	𐬀𐬎𐬎
abrōxtan	𐬀𐬎𐬎𐬎	abzūdan	𐬀𐬎𐬎𐬎
abrang	𐬀𐬎𐬎	abgār-	𐬀𐬎𐬎-
abarwēz	𐬀𐬎𐬎	āzkāmagih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
abarwēzih	𐬀𐬎𐬎𐬎	ābkāmag, āzkāmag	𐬀𐬎𐬎𐬎
kan- ^I	𐬀𐬎-	abgan-	𐬀𐬎-
kandan ^I	𐬀𐬎𐬎𐬎	¹⁻² abar, abr, appar	𐬀𐬎
abrōz-	𐬀𐬎𐬎-	appar-	𐬀𐬎-
abrōzišnīh	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	xāk ^I	𐬀𐬎
abrōzišn	𐬀𐬎𐬎𐬎	āfrāh	𐬀𐬎𐬎
afrōšag	𐬀𐬎𐬎𐬎	abarōz	𐬀𐬎𐬎
abaragān	𐬀𐬎𐬎	abarōzih	𐬀𐬎𐬎𐬎
abaragānag	𐬀𐬎𐬎𐬎	abrāstan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎
ābilag	𐬀𐬎𐬎	abrāz	𐬀𐬎𐬎
¹⁻² āzarm	𐬀𐬎𐬎	abrāz-	𐬀𐬎𐬎-
abarmānd	𐬀𐬎𐬎𐬎	abarag, apparag	𐬀𐬎
abarmānīg	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	āfrīn-	𐬀𐬎-
abarmān	𐬀𐬎𐬎𐬎	abarīgān	𐬀𐬎𐬎𐬎
abarmenišn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abarīg	𐬀𐬎𐬎
āzarmīgih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎	abargar	𐬀𐬎𐬎
āzarmīg	𐬀𐬎𐬎𐬎	abrēšom	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎

	[50]		[49]
afsēnistan	𐬀𐬱𐬀𐬭𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afrasāwand	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afsēnišn	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	apparišn	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afsar-	- 𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abartanih	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afsardan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abartan, āzardan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
abespār-	- 𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abardom	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
abespārdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abardomiḥ	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
abespurdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abardar	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
abestān	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	u-m ^I (v. u-)	- 𐬀𐬵𐬀
abestāg	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥ-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
abestām	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsāy-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
paz- ^I	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥēn-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
poxtan ^I	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥēnīdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
azabar	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥēnišnīh	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
ʾabzār	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥēnišn	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
ābčihrag	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥīdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
aziš, u-š ^I (v. u-)	𐬀𐬵𐬀	afsān	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afšān-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsār-	- 𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afšāndan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsālān	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afšār-	- 𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsārišn	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afšārdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsārdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
afšurdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥišnīh	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
aziškeh	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥišn	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
azišmeh	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	abesiḥ-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
u-t ^I (v. u-)	𐬀𐬵𐬀	abesiḥīdan	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
apetyārag	𐬀𐬱𐬀𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	afsēn-	- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀

ašō	[52] ۱۹۳۳	haftān	[51] ۱۳۴۳
āšōb	۵۳۳	haftār	۳۳۳
āšinj-	۹۳۳-	haftdah	۴۳۳
wind- ^I	۳۳۳-۱۳	apetītīgih	۳۳۳۳۳۳۳
windišn ^I	۳۳۳۳۳۳۳۳۳	apetītīg	۱۳۳۳۳۳
windādān ^I	۱۱۳۳۳۳۳۳۳	haft	۱۳۳
āškārāg	۳۳۳۳۳۳۳۳۳	apattūg	۱۳۳۳۳
āškāragih	۳۳۳۳۳۳۳۳۳	Haftōring	۳۳۳۳۳(۳)۳
āškāragēn-	۳۳۳۳۳۳۳۳۳-	haftag	۱۳۳۳
āškāragēnīdan	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	apaymānīh	۳۳۳۳۳۳۳
āškārag	۳۳۳۳۳۳۳۳۳	apaymān	۱۳۳۳۳۳
aškom	۳۳۳۳۳۳۳-	ābtazan	۱۱۳۳۳۳
aškomb	۳۳۳۳۳۳۳۳۳	aš, ā-š (v. ā)	۳۳
aškōb	۳۳۳۳۳۳۳	āšyān	۱۳۳۳۳۳
aškamb	۳۳۳۳۳۳۳	āšyānag	۱۳۳۳۳۳۳
aškambag	۳۳۳۳۳۳۳۳	hašāgird	۳۳۳۳۳۳۳
xešm	۳۳۳	ajgahānīh	۳۳۳۳۳۳۳۳
Aštād	۱۱۳۳۳۳۳	ajgahān	۱۳۳۳۳۳۳
āštīh, haštah	۳۳۳۳۳۳۳	āšixtan	۱۱۳۳۳۳۳۳
hašt, xišt	۱۳۳۳۳	xašēn	۱۳۳۳۳
aštag	۱۳۳۳۳۳	āšnāg	۳۳۳۳۳۳
aštar	۳۳۳۳۳	Ašwahišt	۱۱۳۳۳۳۳۳
agar ^I , ā-t (v. ā)	۳۳	ašnawāgīh	۳۳۳۳۳۳۳۳
ādānīh	۳۳۳۳۳۳	ašnawāg	۳۳۳۳۳۳
ādān	۱۳۳۳	ašnūdan	۱۱۳۳۳۳۳

baxtan	[54] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ātaxš	[53] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bāy	𐭠𐭣𐭥	tigr ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
bayōbaxt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	adēn	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāmbišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	āwāš- ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥 -
griy- ^I	𐭠𐭣𐭥 -	āwištan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bānūg	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādišt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
griyistan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	-ādan	𐭠𐭣𐭥 -
1-4bār	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādurgāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bālāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ādurestar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bārjāmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ādurestarēn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bālēngāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ādur	𐭠𐭣𐭥𐭥
1-2bālēn	𐭠𐭣𐭥𐭥	ādūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bārīg/k	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ādarōg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bālistih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		
bālistīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ēw ^x	𐭠
bālist	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	b-	𐭠
bālag, bārag	𐭠𐭣𐭥𐭥	wihān	𐭠𐭣𐭥𐭥
bārestānih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	wihānag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bārestān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bahr, wahār	𐭠𐭣𐭥𐭥
bāliš	𐭠𐭣𐭥𐭥	bahrōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bām	𐭠𐭣𐭥	bahrōmandih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bāmdād	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bahrwar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bāmīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	bahrwarīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bāstān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bahrag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bāj, bāz	𐭠𐭣𐭥	baxt	𐭠𐭣𐭥𐭥

bīmōmand	[56]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bāzā	[55]	𐭠𐭣𐭥𐭥
bīngenih		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bāzāzanišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bīngen		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bāzābānag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bēš, biš		𐭠𐭣𐭥𐭥	baxš-		𐭠𐭣𐭥𐭥-
bēš-		𐭠𐭣𐭥𐭥-	baxt		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšōmand		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	baxtan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bēšāz		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bādag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāz-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥-	pas ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
bēšāzēn-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-	dar ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāzēnišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	darhandarzbed ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	darband ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāz-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥-	bay		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāzēn-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-	bēh		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāzēnišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspānīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspānīg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšburdār		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bayaspān		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	māh ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāz		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	māhīgān ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāz-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥-	bēwar		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšāzēn-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥-	bēgānag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzēnišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bēgār		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bēšāzišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	bēl		𐭠𐭣𐭥𐭥
bēšišn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bērōn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
bištan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	bēlūr		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
xānag ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥	bīm		𐭠𐭣𐭥𐭥

	[58]			[57]
bowandag		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
bowandag-menišnīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
¹⁻² bun		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
bunag		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
bunkadag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
buništ		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
buništāg		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
būg		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
bōr		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
bur-		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burāg		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burām-		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burg		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
buland		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
borz, Burz		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burz-		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
Burzēnmīhr		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burzīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
borzwāng		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
borzwāngīhā		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burzišnīg		𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burzišn.		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burīšn		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
burdār		𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥
			bidaxš	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bid	𐭠𐭥𐭥
			bēdom	𐭠𐭥𐭥𐭥
			¹⁻² be ¹	𐭠𐭥𐭥
			bōxtār	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bōxtārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bōxtan	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bōxtagīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bōxtag	𐭠𐭥𐭥𐭥
			band, bang, ¹⁻² bōy	𐭠𐭥𐭥
			band-, bōy-	𐭠𐭥𐭥
			² xwāh- ¹	𐭠𐭥𐭥
			xwāstan ¹	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bōyāg	𐭠𐭥𐭥
			bōydār	𐭠𐭥𐭥
			bōyēn-	𐭠𐭥𐭥
			bōyēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bandag	𐭠𐭥𐭥
			bōyestān	𐭠𐭥𐭥
			bōyestānbān	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bunxān	𐭠𐭥𐭥
			bunīh	𐭠𐭥𐭥
			bundahišnīh	𐭠𐭥𐭥𐭥
			bundahišn	𐭠𐭥𐭥
			bowandagīh	𐭠𐭥𐭥

[60]		[59]
bar-	𐬀𐬌	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
brāh, brēh	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌𐬎
brahnag	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brahm	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎
brahmag	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brahnag	𐬀𐬌𐬎𐬎	𐬀𐬌
barōmand	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brām-	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌𐬎
brahmag, brāmag	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎
brāz-	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
brāzīdan	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brāzišnīg	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
brāzišn	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brād	𐬀𐬌𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
balādur	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
brādar	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brādarōdih	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎𐬎
brādarōd	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
barbut	𐬀𐬌𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brēh	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌𐬎
brēhēn-	𐬀𐬌𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brēhēnāg	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
brēhēnīdan	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎
brēhēnišn	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎	𐬀𐬌𐬎𐬎𐬎
barsom	𐬀𐬌𐬎	𐬀𐬌
		burdārīh
		burdīh
		burd
		burdešnōhr
		burdan
		būm
		pus ^t
		pusar ^t
		būmčandag
		bōyīdan
		bōb, būf
		xwad ^t
		buz
		bōz-
		bōzišn
		buš
		būšāsp
		but
		būdan
		duxt ^t
		bazm
		bazmāwurd
		bay
		bayōbaxt
		bar

	[62]		[61]
bizešk	𐭩𐭮𐭥𐭮	brīn-	𐭠𐭮𐭥
bašn	𐭠𐭮𐭥	brīnōmand	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
baškuč	𐭩𐭮𐭥𐭮𐭥	brīn	𐭠𐭮𐭥
ī	𐭮	brīngar	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
<i>v. also</i> 𐭮	𐭮	brēz-	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
-ih	𐭮-	brēzan	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
-ih-	𐭮-	brištān	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
dah-, jah-	𐭮	brīdan	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
-ihā	𐭮-	brūg	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
jay	𐭮	¹⁻² brinj	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
yazadān	𐭠𐭮𐭥	brinjēn	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
gāhūg	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥	barišn	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
dahom	𐭮𐭥	baršnūm	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
dehgān	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥	xwaš ¹	𐭠𐭮𐭥
Dahāg	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥	xwaših ¹	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
gahl	𐭠𐭮𐭥	gōšt ¹	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
dahliz	𐭠𐭮𐭥	bastan	𐭠𐭮𐭥
dahm	𐭠𐭮𐭥	bistag	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
sēzdah ^N	𐭠𐭮𐭥	habr	𐭠𐭮𐭥
zarr ¹	𐭠𐭮𐭥	babrag	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
zarrēn ¹	𐭠𐭮𐭥	bijagān	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
xand- ¹	𐭠𐭮𐭥	bazagih	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
xandīdan ¹	𐭠𐭮𐭥	bazag, waččag	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
dah- ¹	𐭠𐭮𐭥	bazakkar	𐭠𐭮𐭥𐭮𐭥
		bazišn	𐭠𐭮𐭥

jāwēdān, yāwēdān ^[64]	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	dādan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
jāwēdānag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	dās, 1-3gāh	𐭠𐭥𐭮
jāwēd, yāwēd	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gāhwārag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
-dān	𐭠𐭥𐭮-	dār-I	𐭠𐭥𐭮-
dān, gyān	𐭠𐭥𐭮	dārišn ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
baw-I	-𐭠𐭥𐭮	dāštan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
bāš ^I	𐭠𐭥𐭮	dās ^{ar}	𐭠𐭥𐭮
bawišn ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	yāsaman	𐭠𐭥𐭮
būdan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	gahbedih	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gyānwar	𐭪𐭥𐭮	gahbed	𐭪𐭥𐭮
dānag	𐭪𐭥𐭮	dahigān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jār	𐭪𐭥𐭮	Gayōmart	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gāwars	𐭪𐭥𐭮	dahibed	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dānistan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	dāyagānīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
appar-I	-𐭠𐭥𐭮	dāyag	𐭪𐭥𐭮
appurdan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	jahišnayār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dānišnōmand	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	jahišnayārīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dānišn	𐭪𐭥𐭮	dahišn, jahišn	𐭪𐭥𐭮
jahūd	𐭪𐭥𐭮	āwar-I	-𐭠𐭥𐭮
yākand	𐭪𐭥𐭮	āwurdan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
yākand	𐭪𐭥𐭮	dān-	-𐭠𐭥𐭮
-dār	𐭠𐭥𐭮-	dānāgīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dār, gahl, gāl	𐭪𐭥𐭮	dānāg	𐭪𐭥𐭮
dār-	𐭠𐭥𐭮-	gyānabespār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dārēn	𐭪𐭥𐭮	gyānīg	𐭪𐭥𐭮

dāštan	[66] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dār-wāzīg	[65] 𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dādār, gādār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dārūg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dādārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dārgardīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dād-gāh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dālman	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dādīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dārmag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
¹⁻³ dād, jād, yāt, yazad	𐭠𐭥𐭥𐭥	dārišn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dādwar	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	¹⁻³ dām, gām, ¹⁻² jām	𐭠𐭥𐭥
dādwarīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dāmādīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dādan, gādan	𐭠𐭥𐭥𐭥	dāmād	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
āy- ^I	-𐭠𐭥𐭥𐭥	daxmag, ¹⁻² jāmag	𐭠𐭥𐭥𐭥
āmadan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	daxmagestān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
jādūgīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	ras- ^I	-𐭠𐭥𐭥𐭥
jādūg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	rašišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
jādag-gōwīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	rasīdan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
jādag-gōw	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	gāhānbār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
jādag	𐭠𐭥𐭥𐭥	gāhānīg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dādmeh	𐭠𐭥𐭥𐭥	gāhān	𐭠𐭥𐭥𐭥
dādestān	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	-īhistan	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥-
dō	𐭠𐭥	yāzdah	𐭠𐭥𐭥
a-	𐭠𐭥	gāwdumb	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
giyāh	𐭠𐭥𐭥	gāzar	𐭠𐭥𐭥
giyāhīzag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dahišn, dāšn	𐭠𐭥𐭥𐭥
dō-axwānīg ^N	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	daxšagōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
mard ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	daxšag	𐭠𐭥𐭥𐭥
dō-pāy ^{N1}	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	dāštār	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥

[68]		[67]	
sang, suy	𐭮𐭥𐭥	xwamn	𐭮𐭥𐭥𐭥
sneh	𐭮𐭥𐭥𐭥	<i>v. also</i>	𐭮𐭥𐭥
sālār, snēxr	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	čhel ^N	𐭮𐭥𐭥
sālārīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	ǰeh	𐭮𐭥𐭥
asp ¹	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	ǰeh	𐭮𐭥𐭥
sōsan	𐭮𐭥𐭥𐭥	dēs, gēs	𐭮𐭥𐭥
dēnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥	dēsag	𐭮𐭥𐭥𐭥
sangsār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	yasn	𐭮𐭥𐭥
snēzag	𐭮𐭥𐭥𐭥	andar ¹	𐭮𐭥𐭥
Day, dēn, jīw	𐭮𐭥𐭥	<i>v. Note 3, p. xiv</i>	𐭮𐭥𐭥
snōy	𐭮𐭥𐭥	dādestān ¹	𐭮𐭥𐭥
dēwōk	𐭮𐭥𐭥𐭥	sōh-, swah-	𐭮𐭥𐭥
sanwar	𐭮𐭥𐭥	Sawah, snāh	𐭮𐭥𐭥
dēnōdag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	dēwān	𐭮𐭥𐭥
¹⁻² sōg	𐭮𐭥𐭥	dēwānag	𐭮𐭥𐭥𐭥
sōgand	𐭮𐭥𐭥	gyāg	𐭮𐭥𐭥
Skandar	𐭮𐭥𐭥	gyāgrōb	𐭮𐭥𐭥𐭥
sōfistā	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dēnār, dēwār, suxr	𐭮𐭥𐭥
Sōšāns	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	dēnāstawān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
sōr, ¹⁻² sūr	𐭮𐭥𐭥	sōhistan, swahistan	𐭮𐭥𐭥𐭥
sūrāx	𐭮𐭥𐭥	sōhišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥
sūrāgōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	šōhišn	𐭮𐭥𐭥
sūrāg	𐭮𐭥𐭥	sōxtan	𐭮𐭥𐭥
sūrāgīg	𐭮𐭥𐭥	dēnburdār	𐭮𐭥𐭥𐭥
sōrag, sūrāg	𐭮𐭥𐭥		

dagrand	[70] 𐭠𐭣𐭥𐭥	sumb-	[69] 𐭠𐭣𐭥𐭥
dagrand-xwadāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sumb	𐭠𐭣𐭥𐭥
dagr-zīwišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sustīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
gilagōbār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sust	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
gilag	𐭠𐭣𐭥𐭥	suft	𐭠𐭣𐭥𐭥
dagr-pattāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	suftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dast ^I , xwarrah ^I	𐭠𐭣𐭥	sanj-, sōz-	- 𐭠𐭣𐭥
xwarrahōmand ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sōzāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dastkārīh ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sōzan	𐭠𐭣𐭥𐭥
dast(a)gird ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	sōzišnīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
samōr	𐭠𐭣𐭥	sōzišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
dēs-	𐭠𐭣𐭥-	suš	𐭠𐭣𐭥
dēsīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	sūdōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
-ēn-	- 𐭠𐭣 -	sūdabgār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
gūh	𐭠𐭣𐭥	sūd	𐭠𐭣𐭥
guhrāyēn-	- 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	sūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥
guhrāyēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	sūdagīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
²gōhrīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	sūdag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
gūhgard (v. pazūg)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	sūdmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
gūhward (v. pazūg)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	panjāh ^s	𐭠𐭣𐭥
gawazn	𐭠𐭣𐭥𐭥	gēg	𐭠𐭣𐭥𐭥
gannāgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	dagr, dil	𐭠𐭣𐭥
gannāg	𐭠𐭣𐭥𐭥	gīr-	𐭠𐭣𐭥-
gōhr	𐭠𐭣𐭥	dilēr	𐭠𐭣𐭥𐭥
1-²gōhrīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	dagrzamān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥

gandanāg	[72] 𐬔𐬀𐬎𐬌	gōhragdānāg	[71] 𐬔𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀
drahm ^I	𐬀𐬎𐬀	gōhrag	𐬔𐬀𐬎𐬀
gandagīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	dwāzdahān	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
gandag	𐬀𐬎𐬀	dwāzdah	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
dōys ^{ar}	𐬀𐬎𐬀𐬀	duxt, juxt	𐬀𐬎𐬀𐬀
jōyišn	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	¹⁻² dōxtan	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
judāgīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	duxtar	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
judāg	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	¹ daw-, göw-	𐬀𐬎𐬀
judbēš	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	gōwāg	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
jud-dādestān ^I	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	¹⁻² dawāl	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
jud	𐬀𐬎𐬀	dwār-	𐬀𐬎𐬀
judnāy	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	dwārīdan	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
-ēnīdan	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀-	dwāristan	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
¹⁻² dawīdan	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	dwārišn	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
juttar	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	jō(y)	𐬀𐬎𐬀
juttarīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	gabr	𐬀𐬎𐬀
judristagīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	gabrīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
judristag	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	angubēn ^I	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
jud-dēw ^I	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	gōwišn	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
-ēn	𐬀𐬎𐬀-	gand, gōy, gung, jang, jōy, juy	𐬀𐬎𐬀
gaw	𐬀𐬎𐬀	jōy-	𐬀𐬎𐬀
¹⁻² gund, gung	𐬀𐬎𐬀	<i>v. Note 3, p. xiv</i>	𐬀𐬎𐬀
drustīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	juwānīh	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
drust	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	dandān, juwān	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
drustabed	𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	dōs	𐬀𐬎𐬀

	[74]		[73]
gurgānīg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gōn	𐭪𐭥𐭮
gursagīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gōnag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gursag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	dowom	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
durgar	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	drustīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
jōrdā	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	drust	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jōrdā	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gōwizār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
1-2gurdīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gōzēnag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gurd	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugāy	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gurdwār	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gugāy	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gurdag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugāyīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
dum, rōz ¹	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugāyīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
jomā	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugān-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jomā	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gōkānīg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gumānīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gōkān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gumānīgīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	dōgānag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gumānīg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugār-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gumān	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugārīdan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gumāngar	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gugārdan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gumār-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	dōk	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
gumārdan	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gōgirdōmand	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gumārdag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gōgird	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jumb-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	dūr, gōr, gul	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
dumbōmand	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	dōl	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jumbāgīh	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gurbag	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮
jumbīh-	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮	gurg	𐭪𐭥𐭮𐭥𐭮

dōstīh	[76]	𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	ǰumbīhistan	[75]	𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dōst		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	ǰumbēn-		-𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆
¹⁻² dawīstan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	ǰumbēnīdan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dōpāy		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	ǰumbīdan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
gubrāg		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	dumb		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆
gubrās-		-𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	ǰumbišn		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
guftār		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gumbad		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
guftārih		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gumēxtan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
guftan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gumēg		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dōpahikar		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gōmēz		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆
duz, ganj, gōz, yōz		𐭅𐭆𐭃𐭆	gōmēz-, gumēz-		-𐭅𐭆𐭃𐭆
dōz-, duz-		-𐭅𐭆𐭃𐭆	gumēzagīh		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
duzīh		𐭅𐭆𐭃𐭆	gumēzag		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
gōzihr		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	gumēzišn		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
duzdīh		𐭅𐭆𐭃𐭆	ēn ^I		𐭅𐭆𐭃𐭆
duzīdan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	rōz-šabān ^I		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆-𐭅𐭆𐭃𐭆
duzīdag		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	dōsaxwan		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
ganjwar		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆	dōsēn		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆
duzd		𐭅𐭆𐭃𐭆	stān- ^I		-𐭅𐭆𐭃𐭆
¹⁻² dōš, ¹⁻² gōš		𐭅𐭆𐭃𐭆	stadan ^I		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
¹⁻² dōš-, duš-		-𐭅𐭆𐭃𐭆	dusrawīh		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dušēwāzīh		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	dusraw		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dušxēm		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gōspand		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dušxwār		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gospandčihrag		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆
dušhūxt		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆	gōstān		𐭅𐭆𐭃𐭆𐭅𐭆𐭅𐭆

dušwār, gōšwār	[78]	𐭥𐭥𐭥𐭥	dušoxīg	[77]	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušwārīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dušox		𐭥𐭥𐭥𐭥
dušnām		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušxwaršt		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Gušnasp		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dušhumat		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušwīr		𐭥𐭥𐭥𐭥	gōšōsrūd		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
gušn		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušxwadāyīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
gušnag		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušāgāh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušwurrōyišnīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dušāgāhīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Gušnasp		𐭥𐭥𐭥𐭥	dōšāram		𐭥𐭥𐭥𐭥
duškām		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušarz		𐭥𐭥𐭥𐭥
dōšagīh		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušīh		𐭥𐭥𐭥𐭥
dōšag, gōšag		𐭥𐭥𐭥𐭥	dujdānāg		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
duškanīg		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	yōjdahr		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
duškunišn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	yōjdahrīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
duškar		𐭥𐭥𐭥𐭥	yōjdahrgar		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušrām		𐭥𐭥𐭥𐭥	yōjdahrgarīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušrāmīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dujdēn		𐭥𐭥𐭥𐭥
dušram		𐭥𐭥𐭥𐭥	dušgōwišn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušramīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dujgand		𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmenīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dujgandīh		𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmen		𐭥𐭥𐭥𐭥	dujdōys ^a rīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmenišn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dōšīzagīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmenādīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dōšīzag		𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmenīh		𐭥𐭥𐭥𐭥	dujdaft		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dušmen		𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2dōšīdan		𐭥𐭥𐭥𐭥

[80]		[79]
pākīh ^I	𐭯𐭮𐭮𐭮	𐭯𐭮𐭮𐭮𐭮
-īg	𐭮𐭮-	𐭯𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
muy ^I	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
ēst- ^I	𐭮𐭮𐭮 - 𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
ēstādan ^I	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
ǰagar	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
ōzan- ^I	𐭮𐭮𐭮 - 𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
ōzadan ^I	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
-gar	𐭮𐭮 -	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
dar, gar	𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
yal	𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
darr-	𐭮𐭮 -	𐭮𐭮𐭮
drayā	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮
drayābār	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
drayāb	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮
draxt	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮 -
darāy	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮 -
drāy-, grāy-	𐭮𐭮𐭮 -	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
drāy ānjōyīšnīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
drāyānjōyīšn	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
drāyīstan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮
drāyīšn	𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮
γarrān-	𐭮𐭮 -	𐭮𐭮𐭮 -
drahnāy	𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
γarrānāg	𐭮𐭮𐭮𐭮	𐭮𐭮𐭮
		dušmat
		dōšastar
		dušpādixšāy
		dušpādixšāyīh
		dušfarrag
		dušfarragīh
		duščīhr
		duščašm
		duščašmīh
		dōšišn
		gōšt
		dūd
		jūdan
		dūdag
		gawdar
		gaz-
		yaz- ^I
		yaštan ^I
		nay- ^I
		nīdan ^I
		gazīdan
		gazīdag
		nay- ^I
		nīdan ^I
		pāk ^I

	[82]		[81]
darrīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	garānīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
grōh	𐭅𐭆𐭇	darhandarzbed	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
drahnāy	𐭅𐭆𐭇𐭈	yarrānīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
druxtan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	garān	𐭅𐭆𐭇𐭈
grawīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	yarrānišn	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
drō, 1-2graw	𐭅𐭆𐭇𐭈	grāmīgīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
drang	𐭅𐭆𐭇𐭈	grāmīg	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
druwand	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	grāmag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
druwandīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	drāyīdan, grāyīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
1-2drōn	𐭅𐭆𐭇𐭈	drāz, grāb	𐭅𐭆𐭇𐭈
graw(a)gān	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	draxt	𐭅𐭆𐭇𐭈
galōg	𐭅𐭆𐭇𐭈	griy-	𐭅𐭆𐭇
drubuštīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	grih	𐭅𐭆𐭇𐭈
drubušt	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	dargāh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
druz	𐭅𐭆𐭇𐭈	garasmān	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
dranj-, drōz-	𐭅𐭆𐭇𐭈	1-3grīw	𐭅𐭆𐭇𐭈
dranjīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	grīwag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
drōzanīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	grīwbān	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
drōzan	𐭅𐭆𐭇𐭈	driyōš	𐭅𐭆𐭇𐭈
dranjīšn	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	driyōšīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
drōš	𐭅𐭆𐭇𐭈	darīgbed	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
drōš-	𐭅𐭆𐭇𐭈	dilēr	𐭅𐭆𐭇𐭈
drōšīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	balgam	𐭅𐭆𐭇𐭈
drōšom	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	griyistan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
drōšag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	gilistag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊

griftār	[84]	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	društēwāz	[83]	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
griftārōmand		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	društāwāz		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
griftan		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	društīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
darz		𐭥𐭥	društ		𐭪𐭥𐭥𐭥
garz-		-𐭥𐭥	drōd		𐭪𐭥𐭥
darzīg		𐭪𐭥𐭥	garōdmānīg		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
garzīdan		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	garōdmān		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
garzag		𐭪𐭥𐭥	sad ^N		𐭥𐭥
garzišnīg		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	darak, gilag		𐭥𐭥
garzišn		𐭪𐭥𐭥𐭥	garm		𐭥𐭥𐭥𐭥
gard-		-𐭥𐭥	darmān		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
gardān-		-𐭥𐭥𐭥	garmāg		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
gardānāg		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	garmābag		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
gardānīdan		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	garmīh		𐭪𐭥𐭥𐭥
dardōmand		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dramanag, garmōg		𐭪𐭥𐭥𐭥
girdih		𐭥𐭥𐭥	garmōwar		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
gardīdan		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	garmōwarīh		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dard, gard, gird		𐭪𐭥𐭥	*dramanag		𐭪𐭥𐭥𐭥
gardan		𐭪𐭥𐭥	garmsēr		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
girdag		𐭪𐭥𐭥	darbās		𐭥𐭥𐭥
gardišr		𐭪𐭥𐭥𐭥	drubuštīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
dam-		-𐭥	drubušt		𐭪𐭥𐭥𐭥
zamānīg		𐭪𐭥𐭥𐭥	drafš		𐭥𐭥
zamān		𐭪𐭥𐭥	drafš-		-𐭥𐭥
zamānag		𐭪𐭥𐭥𐭥	drafšīdan		𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥

	[86]		[85]
dastšōy	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	xōn ^I	𐭮𐭥𐭮
dēwān	𐭥𐭮𐭥𐭮	damēnag	𐭥𐭮𐭥𐭮
dibīrīh	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	zamīgīg	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
dibīr	(𐭥)𐭥𐭮𐭥𐭮	zamīg	𐭥𐭮𐭥𐭮
dibīrestān	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	zamīgpaymānīh	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
¹⁻² dabr, gabr	𐭮𐭥𐭮	damīdan	𐭥𐭮𐭥𐭮
¹ xwāh- ^I	- 𐭥𐭮𐭥𐭮	mīr- ^I	- 𐭥𐭮𐭥𐭮
xwastan ^I	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	murdan ^I	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
daftan	𐭥𐭮𐭥𐭮	uštar ^I	𐭮𐭥𐭮
daftar	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	gōw- ^I	- 𐭥𐭮𐭥𐭮
diz, gač, gaz	𐭮𐭥𐭮	guftan ^I	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
daz-, gaz-, yaz-	- 𐭮𐭥𐭮	gōw- ^I	- 𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gazāg	𐭥𐭮𐭥𐭮	guftan ^I	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
kām- ^I	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	zamestān	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
kāmistan ^I	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	damišn	𐭥𐭮𐭥𐭮
gačēn	𐭮𐭥𐭮	yask	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gazdum	- 𐭮𐭥𐭮	dastyār	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gizistag	𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	dastyārīh	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
dazīdan, gazīdan	𐭥𐭮𐭥𐭮	dastgraw	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
-īzag	𐭮𐭥𐭮-	dastgīr ^I	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
dazišn, gazišn, yazišn	𐭮𐭥𐭮	dastwar	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
gišnīz	𐭮𐭥𐭮	dastwarīh	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
dašn, jašn	𐭮𐭥𐭮	jaстан	𐭮𐭥𐭮
dašnag, gišnag	𐭮𐭥𐭮	dastag	𐭮𐭥𐭮
daštānōmand	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	dast(a)gird	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮

nihāl, wahār, waxr [88]	𐭎𐭅𐭌	daštān [87]	𐭃𐭅𐭌𐭅𐭎
Wahrām	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅	daštānmāh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅
wahārīg	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭌	daštānestān	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭎
wēhm	𐭅𐭌𐭅	dašt, yašt	𐭃𐭅𐭌
wahmān	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	yaštan	𐭃𐭅𐭌𐭅𐭎
wēhmīh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭌	jadārīh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭌
niyāz	𐭎𐭅𐭌𐭅	nišīn-I	𐭎𐭅𐭌𐭅-I
wiyābānīh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅	nišān-I	𐭎𐭅𐭌𐭅-I
wiyābānēn-	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅-	nišastan ^I , nišāstan ^I	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭎
wiyābānēnīdan	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅	dudīgar	𐭃𐭅𐭌𐭅𐭌
wiyābānīg	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅	dad, did, gad, yad	𐭃𐭅𐭌𐭅
¹⁻² wiyābān	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	-īdan	𐭅𐭌𐭅𐭌-
wiyābāngarīh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅	gadwar	𐭅𐭌𐭅𐭌
niyāzōmand	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	didom	𐭃𐭅𐭌𐭅
niyāzōmandīh	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅𐭌𐭅	¹⁻² jadag	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅
niyābagīh	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅	jadagwihīrīh	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭌
niyābag	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅	jadišnīg	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎𐭅
wāxtan	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	jadišn	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎
nihādag	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅		
nay, nāy, ¹⁻² way, wāy	𐭎𐭅	ud ^I	𐭅𐭌
¹⁻² wāy-	𐭎𐭅-	niyāyišn	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎
wāyendag	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	wihān, wiyān	𐭅𐭌𐭅𐭌
wāyendag	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅𐭎	nāxun	𐭎𐭅𐭌𐭅𐭎
gīr-I, kun-I	𐭅𐭌-I	wihānag	𐭅𐭌𐭅𐭌𐭅
kirīh-I	𐭅𐭌-I	niyāg, wahāg	𐭎𐭅𐭌𐭅

naxōd	[90]	۱۳۳۱	gīrišnīg ¹	[89]	۱۳۳۱۳۳۱
nāl-, wāl-, wār-		۱۳۳۱	griftan ¹ , kardan ¹		۱۳۳۱۳۳۱
wārānīg		۱۳۳۱۳۳۱	nāydāg		۱۳۳۱۳۳۱
wārān		۱۳۳۱	wahīg		۱۳۳۱
nārīg		۱۳۳۱۳۳۱	wihīr-		۱۳۳۱
wālīdan, wārīdan		۱۳۳۱۳۳۱	nārīg		۱۳۳۱۳۳۱
wālan		۱۳۳۱	wihīrišn		۱۳۳۱۳۳۱
wārom		۱۳۳۱	nāysrāy		۱۳۳۱۳۳۱
wālīšn		۱۳۳۱۳۳۱	wēzag		۱۳۳۱۳۳۱
nām		۱۳۳۱	wān-		۱۳۳۱
wām-		۱۳۳۱	niyōxš-		۱۳۳۱۳۳۱
nāmburdār		۱۳۳۱۳۳۱	niyōxšīdan		۱۳۳۱۳۳۱
nāmīgih		۱۳۳۱۳۳۱	nivōxšīšn		۱۳۳۱۳۳۱
nāmīg		۱۳۳۱	wāng		۱۳۳۱
wāmīdan		۱۳۳۱۳۳۱	wānīdan		۱۳۳۱۳۳۱
nāmag		۱۳۳۱	nān		۱۳۳۱
nāmčīštīg		۱۳۳۱۳۳۱	Wōrūbaršt		۱۳۳۱۳۳۱
nāmčīšt		۱۳۳۱۳۳۱	Wōrūjaršt		۱۳۳۱۳۳۱
wāspuhr		۱۳۳۱۳۳۱	nohom		۱۳۳۱
wāspuhragānih		۱۳۳۱۳۳۱	nihumb-		۱۳۳۱
wāspuhragān		۱۳۳۱۳۳۱	nihumbīdan		۱۳۳۱۳۳۱
wāyīdan		۱۳۳۱۳۳۱	Wahman		۱۳۳۱
wāstar		۱۳۳۱	naxust		۱۳۳۱
wāstaryōš		۱۳۳۱۳۳۱	nihuftan		۱۳۳۱۳۳۱
wāstaryōših		۱۳۳۱۳۳۱	wānišn		۱۳۳۱

PAHLAVI KEY

191

waxšwarīh	[92]	اِسِسَ لَه	nāf, wāz	[91]	اِس
naxšag		اِسِسَ اِ	1-2wāz-, wāž-		اِس -
waxšišn		اِسِسِسَ اِ	wāzār		اِسِسَ اِ
wahištīg		اِسِسِسَ اِ	wāzāragānīh		اِسِسِسَ اِ
wahišt		اِسِسِسَ اِ	wāzāragān		اِسِسِسَ اِ
wādām		اِسِسِسَ اِ	-wāzīg		اِسِسِسَ اِ
wādgirdag		اِسِسِسَ اِ	naxčīr		اِسِسِسَ اِ
wād		اِسِسِسَ اِ	1-2wāzīdan		اِسِسِسَ اِ
wādrang		اِسِسِسَ اِ	nāzuk		اِسِسِسَ اِ
wādrangbōy		اِسِسِسَ اِ	nāfag, wāzag		اِسِسِسَ اِ
wādbān		اِسِسِسَ اِ	wābar		اِسِسِسَ اِ
nabānazdišt		اِسِسِسَ اِ	wābarīgānīh		اِسِسِسَ اِ
tā ¹		اِسِسِسَ اِ	wābarīgān		اِسِسِسَ اِ
weh		اِسِسِسَ اِ	nāzišn, wāzišn		اِسِسِسَ اِ
nihānīg		اِسِسِسَ اِ	wāš, 1-2waxš		اِسِسِسَ اِ
nihān		اِسِسِسَ اِ	1-2waxš-		اِسِسِسَ اِ -
wehīh		اِسِسِسَ اِ	wixšay-		اِسِسِسَ اِ -
wehdēn		اِسِسِسَ اِ	waxšīg		اِسِسِسَ اِ
wihēz		اِسِسِسَ اِ	waxšgar		اِسِسِسَ اِ
wihēz-		اِسِسِسَ اِ -	wixšayišnīh		اِسِسِسَ اِ
wihēzagīg		اِسِسِسَ اِ	wixšayišnīg		اِسِسِسَ اِ
wihēzag		اِسِسِسَ اِ	wixšayišn		اِسِسِسَ اِ
¹ wiyābān		اِسِسِسَ اِ	1-2waxšīdan		اِسِسِسَ اِ
wiyāftan		اِسِسِسَ اِ	waxšendag		اِسِسِسَ اِ
1-2wēxtan		اِسِسِسَ اِ	waxšwar		اِسِسِسَ اِ

	[94]		[93]
nēkīh	۴۵۳۲۱	was	۴۱
nēkgōhr	۳۲۳۲۱	wis	۴۱
nēkgōhrīh	۳۲۳۲۱	wasnād	۳۲۳۲۱
nēk	۱۳۲۱	nixwār-	۱۳۲۱
nēkōg	۱۳۱۳۲۱	nixwārišn	۱۳۱۳۲۱
winnirdan	۱۱۱۳۲۱	nahang, nihang	۳۲۱
wiyufs-	۳۲۱	wiyōz-	۳۲۱
wiyufsišnīg	۱۳۱۳۲۱	wayōdagān	۱۳۳۲۳۲۱
wiyufsišn	۱۳۳۲۳۲۱	wēn- (<i>v. dīdan</i>)	۳۲۱
wēnišnīg	۱۳۳۲۳۲۱	zamān ^l	۳۲۱
wēnišn (<i>v. dīdan</i>)	۱۳۳۲۳۲۱	wēnāgīh	۳۲۳۲۱
wizāy-	۱۳۳۲۳۲۱	wēnāg	۱۳۳۲۳۲۱
wizāyišnīg	۱۳۳۲۳۲۱	winnār-	۳۲۱
wizāyišn	۱۳۳۲۳۲۱	winnārišn	۱۳۳۲۳۲۱
wizāyīdan	۱۱۱۳۳۲۳۲۱	nēwardaxšīr	۱۱۱۳۳۲۳۲۱
wizūdan	۱۱۱۳۳۲۳۲۱	winnārdan	۱۱۱۳۳۲۳۲۱
-endag	۱۳۳۲۳۲۱	wēnāb	۳۲۱
nīl, ¹⁻³ wīr	۳۲۱	wēnābdāg	۱۳۳۲۳۲۱
wirāy-	۳۲۱	wēnābdāg	۱۳۳۲۳۲۱
wirāyišnīh	۳۲۳۲۳۲۱	niyōxš-	۳۲۱
wirāyišn	۳۲۳۲۳۲۱	niyōxšīdan	۱۱۱۳۳۲۳۲۱
wīrōmandīh	۳۲۳۲۳۲۱	niyōxšīšn	۱۳۳۲۳۲۱
wigrās-	۳۲۱	wēnīg	۱۳۳۲۳۲۱
wigrāsišnīh	۳۲۳۲۳۲۱	nēw, wēn	۳۲۱
wirāstan	۱۱۱۳۳۲۳۲۱	wēnōg	۱۳۳۲۳۲۱

wizīh-	[96] ۱۳۳۱ -	wigrād	[95] ۱۳۳۱
wizīhīdan	۱۱۳۳۱۳۳۱	wigrādan	۱۱۳۳۱۳۳۱
wizīhišnīh	۳۳۳۳۳۳۱	nērang	۱۳۳۱
wizīhišn	۱۳۳۳۳۳۱	nērōgōmand	۳۳۳۳۳۳۳۱
nēzūmānīh	۳۳۳۳۳۱۳۳۱	nērōg	۱۳۳۳۳۳۱
nēzūmānīg	۱۳۳۳۳۳۱۳۳۱	nīlōpal	۱۳۳۳۳۳۳۱
nēzūmān	۱۳۳۳۳۳۱۳۳۱	nīrmadōmand	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۱
nēzag	۱۳۳۳۳۳۱	nīrmad	۱۳۳۳۳۳۳۱
wēzišn	۱۳۳۳۳۳۱	nēm, wēm	۳۳۳۳۳۳۳۳
wēš, wiš	۳۳۳۳۳۳۳	wēmār	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
nīš-	۳۳۳۳۳۳۳ -	wēmārīh	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
nīšān	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	nēmasp	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wēšagīg	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wimand	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wēšag	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wimandōmand	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wēšagestān	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wimandīg	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
zan ^I	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wimuštan	۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
zanīh ^I	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	nēmag	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wēd	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	nēmroz	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wīdwar	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	nēmtan	۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wīdwarīh	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	nisāg	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
nidom	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wisbed	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
bay ^I	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wīst	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wināh	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wēwag	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wināhīdan	۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	wiftag	۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
wināhgār	۱۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	1-2wēz-	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳

	[98]		[97]
nīwīstan	۱۱۲۹۱۱	wināhgārīh	۱۱۳۰۰۱۱
winastag	۱۹۱۲۹۱۱	niwāg	۱۱۳۰۱
wanafšag	۱۹۱۳۰۱۱	wināh-	۱۱۳۰۰ -
winjīšk	۱۹۱۳۱۱	wināhīdan	۱۱۳۰۱۱
nizār	۱۹۱۳۲	wināhišn	۱۱۳۰۲۱۱
nizārīh	۱۹۱۳۳	nang	۱۱۳۰۳
nizārīh-	۱۹۱۳۴ -	wind-	۱۱۳۰۴ -
nazd	۱۹۱۳۵	windādan	۱۱۳۰۵۱۱
nazdīkīh	۱۹۱۳۶	niwēy-	۱۱۳۰۶ -
nazdīk	۱۹۱۳۷	niwēy-	۱۱۳۰۷ -
wizend	۱۹۱۳۸	niwēyēn-	۱۱۳۰۸ -
nazdist	۱۹۱۳۹	niwēyēnīdan	۱۱۳۰۹۱۱
wizend	۱۹۱۴۰	nivē, wandag	۱۱۳۱۰۱۱
wizand-	۱۹۱۴۱ -	wanīgarīh	۱۱۳۱۱۱۱
wizandag	۱۹۱۴۲	niwēyišnīh	۱۱۳۱۲۱۱
wizandišn	۱۹۱۴۳	niwēyišn	۱۱۳۱۳۱۱
wizandīdan	۱۹۱۴۴	windišnīg	۱۱۳۱۴۱۱
wazay	۱۹۱۴۵	windišn	۱۱۳۱۵۱۱
wazr	۱۹۱۴۶	wahmān ^I , wan, win	۱۱۳۱۶
šaw- ^I	۱۹۱۴۷ -	wanand	۱۱۳۱۷
šudan ^I	۱۹۱۴۸	nōzdah	۱۱۳۱۸
nigāh	۱۹۱۴۹	nōg	۱۱۳۱۹
nigāhdārīh	۱۹۱۵۰	nōgzād	۱۱۳۲۰۱۱
nigāhdārīšnīh	۱۹۱۵۱	nōgzādag	۱۱۳۲۱۱۱
nigān	۱۹۱۵۲	nōgrōz	۱۱۳۲۲۱۱

xwāstag ¹	[100] ۱۰ ۳۰۰	nigār-	[99] ۱۰ ۳۰۰
waydān	۱۰ ۳۰۰	nigārag	۱۰ ۳۰۰
ō ¹	۳۱	nigāstār	۱۰ ۳۰۰
nar, ¹⁻⁴ war	۱۰ ۳۰۰	¹ mādag ¹	۱۰ ۳۰۰
warāy	۱۰ ۳۰۰	mādagih ¹	۱۰ ۳۰۰
warān	۱۰ ۳۰۰	nigēxtan	۱۱ ۳۰۰
warōmand	۱۰ ۳۰۰	kuš- ¹	۱۰ ۳۰۰
warōmandih	۱۰ ۳۰۰	kuštan ¹	۱۱ ۳۰۰
Wahrām	۱۰ ۳۰۰	niger-	۱۰ ۳۰۰
warāz	۱۰ ۳۰۰	nakkirā	۱۰ ۳۰۰
wirāz-	۱۰ ۳۰۰	nakkirāyih	۱۰ ۳۰۰
warg	۱۰ ۳۰۰	nigerīdan	۱۱ ۳۰۰
walg	۱۰ ۳۰۰	nigerišnīg	۱۰ ۳۰۰
wirēxtan	۱۱ ۳۰۰	nigerišn	۱۰ ۳۰۰
wars	۱۰ ۳۰۰	nigēz	۱۰ ۳۰۰
nargis	۱۰ ۳۰۰	nigēz-	۱۰ ۳۰۰
wirēg	۱۰ ۳۰۰	nigēzišn	۱۱ ۳۰۰
wirēz- ¹	۱۱ ۳۰۰	wak	۱۰ ۳۰۰
wirēxtan ¹	۱۱ ۳۰۰	nikōh-	۱۰ ۳۰۰
wirēz-	۱۰ ۳۰۰	nikōhīdan	۱۱ ۳۰۰
waranīgih	۱۰ ۳۰۰	nikōhišnīg	۱۰ ۳۰۰
waranīg	۱۰ ۳۰۰	nikōhišn	۱۰ ۳۰۰
wurrōyišn	۱۰ ۳۰۰	nigūnih	۱۰ ۳۰۰
waran	۱۰ ۳۰۰	nigūn	۱۱ ۳۰۰
wirōzag	۱۰ ۳۰۰	nigūnsār	۱۱ ۳۰۰

wardišnīgih	[102] 𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎𐬀	³warz	[101] 𐬱𐬀
wardišnīg	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎	warrag	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎
wardišn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎	narm, 1-²warm	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎
-om	𐬎𐬌-	ōy¹	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎
nam	𐬎𐬌	awēšān¹	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎
nimāy-	-𐬎𐬌𐬎𐬌	nirfs-	-𐬎𐬌𐬎𐬌
namāz	𐬎𐬌𐬎𐬌	nirfsišn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬎
wimēhgen	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌𐬎𐬌	1-²warz	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
nimūdan	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	warz-	-𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
namak	𐬎𐬌𐬎𐬌	warzāwand	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
namad	𐬎𐬌𐬎𐬌	warzāg	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
nasā, wisē	𐬎𐬌𐬎𐬌	warzbūm	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisāy-	-𐬎𐬌𐬎𐬌	warzīgar	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisān-	-𐬎𐬌𐬎𐬌	warzīdan	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisāndan	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	warzišn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wēz-¹	-𐬎𐬌𐬎𐬌	warčāšm	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wēxtan¹	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	warišn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisānišnīh	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	ward-	-𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisānišn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	wardānāg	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
namāz¹	𐬎𐬌𐬎𐬌	wardēn-	-𐬎𐬌𐬎𐬌
wasyār	𐬎𐬌𐬎𐬌	wardēnīdan	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wisin(n)-	-𐬎𐬌𐬎𐬌	wardyūn	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
wasyār	𐬎𐬌𐬎𐬌	1-²wardagīh	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
nask	𐬎𐬌𐬎𐬌	wardag	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌
nasruštīh	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌	wardišnīh	𐬱𐬀𐬎𐬌𐬎𐬌

wafr	[104]	𐭠𐭥𐭥𐭥	nasrušt	[103]	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
nifrīn		𐭠𐭥𐭥𐭥	wisistan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
wafrēnag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wisp		𐭠𐭥𐭥𐭥
nifrīdag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wispurdan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbad-/ōft- ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	wistāxīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
ōbāstan ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wistāx		𐭠𐭥𐭥𐭥
nibard-		𐭠𐭥𐭥𐭥	wastār		𐭠𐭥𐭥𐭥
nibardīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wastārīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
nibard		𐭠𐭥𐭥𐭥	wassadēn		𐭠𐭥𐭥𐭥
nibardag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wassad		𐭠𐭥𐭥𐭥
nibāstan		𐭠𐭥𐭥𐭥	wastōhmag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
wabz		𐭠𐭥𐭥	wistan		𐭠𐭥𐭥𐭥
wafišn		𐭠𐭥𐭥𐭥	wastar, wistar		𐭠𐭥𐭥𐭥
xwēš ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	wistar-		𐭠𐭥𐭥𐭥
xwēštan ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	wastarag, wistarag		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
nibištan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	nastaran		𐭠𐭥𐭥𐭥
¹⁻² naft		𐭠𐭥𐭥	wistardan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
waz-		𐭠𐭥𐭥	Wīdadafš		𐭠𐭥𐭥𐭥
wizār		𐭠𐭥𐭥𐭥	nab		𐭠𐭥𐭥
wizār-		𐭠𐭥𐭥𐭥	waf-		𐭠𐭥𐭥
wizārišn		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	nibāstan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
wizārdan		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	nibay-		𐭠𐭥𐭥
wizārdwars		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	nibēg		𐭠𐭥𐭥
wizīh-		𐭠𐭥𐭥	nibēm		𐭠𐭥𐭥
wizīhīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥	wabz		𐭠𐭥𐭥

	[106]		[105]
nišān-, wišān-	- 𐭮𐭮𐭮𐭮	wizīhišnīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
wišōmand	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizīhišn	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
nišāstan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizīn-	- 𐭮𐭮𐭮
wišād	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizēn	𐭮𐭮𐭮
wišād-dwārišnīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizēngar	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
wišādan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizīr	𐭮𐭮𐭮
nišēm	- 𐭮𐭮𐭮	wizīr-	- 𐭮𐭮𐭮
nišēmag	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizīristan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
nišēb	𐭮𐭮𐭮	wizīrišnīg	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
nišēbīg	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wazīdan, wizīdan	𐭮𐭮𐭮𐭮
wišōb-	- 𐭮𐭮𐭮	wizōh/y-	- 𐭮𐭮𐭮
wišōbišnīg	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizōh/yišn	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
wišōbišn	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wuzurg	𐭮𐭮𐭮
wišuftan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wuzurgīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
wišūdan	𐭮𐭮𐭮𐭮	wizurdīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
wišūdag	𐭮𐭮𐭮𐭮	wizurd	𐭮𐭮𐭮
wiškīdan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizōstan	𐭮𐭮𐭮𐭮
wašag	𐭮𐭮𐭮	waččag	𐭮𐭮𐭮
wiškin(n)-	- 𐭮𐭮𐭮	wuzurg	𐭮𐭮𐭮
wiškōf-	- 𐭮𐭮𐭮	wuzurgīh	𐭮𐭮𐭮𐭮
wiškōfag	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wačast	𐭮𐭮𐭮
wiškuftan	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wizistan	𐭮𐭮𐭮𐭮
wiškin(n)išn	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	wazišnīg	𐭮𐭮𐭮𐭮
wiškar	𐭮𐭮𐭮	wazišn	𐭮𐭮𐭮
ašnaw- ¹	- 𐭮𐭮𐭮	nišāyišn	𐭮𐭮𐭮𐭮

	[108]		[107]
wadgarīh	۱ م طو	ašnawišn ¹	۱ م طو ۱ م طو
widerišnīh	۱ م طو ۱ م طو	ašnūdan ^I	۱ م طو ۱ م طو
widerišnīg	۱ م طو ۱ م طو	nišast	۱ م طو ۱ م طو
widerišn	۱ م طو ۱ م طو	nišastan	۱ م طو ۱ م طو
widimās	۱ م طو ۱ م طو	waštīh	۱ م طو ۱ م طو
widimāsīh	۱ م طو ۱ م طو	1-2waštan	۱ م طو ۱ م طو
widimāsīg	۱ م طو ۱ م طو	waštagīh	۱ م طو ۱ م طو
widimuštīh	۱ م طو ۱ م طو	waštag	۱ م طو ۱ م طو
widimušt	۱ م طو ۱ م طو	xwar- ^I	۱ م طو ۱ م طو
widestīg	۱ م طو ۱ م طو	xwardan ^I	۱ م طو ۱ م طو
widest	۱ م طو ۱ م طو	widāxtan	۱ م طو ۱ م طو
wad	۱ م طو	wadxēm	۱ م طو ۱ م طو
wadwāzag	۱ م طو ۱ م طو	widār	۱ م طو ۱ م طو
widang	۱ م طو ۱ م طو	widār-	۱ م طو ۱ م طو
wadkāmāgīh	۱ م طو ۱ م طو	widārīdan	۱ م طو ۱ م طو
wadkāmāg	۱ م طو ۱ م طو	widārdan	۱ م طو ۱ م طو
wadagīh	۱ م طو ۱ م طو	widāz-	۱ م طو ۱ م طو
wadag	۱ م طو ۱ م طو	widāzīh-	۱ م طو ۱ م طو
wider-	۱ م طو ۱ م طو	widāzīhistan	۱ م طو ۱ م طو
widarag	۱ م طو ۱ م طو	wadbaxt	۱ م طو ۱ م طو
1-2pāy- ^I	۱ م طو ۱ م طو	wadīh	۱ م طو ۱ م طو
1-2pādan ^I	۱ م طو ۱ م طو	wad-dil	۱ م طو ۱ م طو
widardan	۱ م طو ۱ م طو	wadgōhr	۱ م طو ۱ م طو
widest	۱ م طو ۱ م طو	wider-	۱ م طو ۱ م طو
widaštan	۱ م طو ۱ م طو	widerān	۱ م طو ۱ م طو

	[110]		[109]
zahag	𐭩𐭮𐭥	wadtōhm	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
zahrag	𐭩𐭮𐭥𐭮	wattom	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
zāmyād	𐭩𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zahā	𐭮𐭥
zāmēn-	- 𐭮𐭥	zyānōmand	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
zāmēnīdan	𐭩𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zyān	𐭮𐭥
zādan	𐭩𐭮𐭥	zyāngar	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
zādag	𐭩𐭮𐭥𐭮	ziyānag	𐭮𐭥𐭮𐭥
zibāl	𐭩𐭮𐭥	zahā, zahag, zāhag	𐭮𐭥𐭮𐭥
ī- ¹ , zay-	- 𐭮𐭥	zahār, zahr	𐭮𐭥
zih	𐭮𐭥	zahrag	𐭮𐭥𐭮𐭥
zī(w)-	- 𐭮𐭥	zaxm	𐭮𐭥
zēnhār	𐭮𐭥𐭮𐭥	zahābag	𐭮𐭥𐭮𐭥
zēnāwand	𐭮𐭥𐭮𐭥	zay	𐭮𐭥
zēnabzār	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zarr ¹	𐭮𐭥
zēndānīg	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zarrēn ¹	𐭮𐭥𐭮𐭥
zēndān	𐭮𐭥𐭮𐭥	zāy-	- 𐭮𐭥
zēndānbān	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zahīh	𐭮𐭥
zēnēn-, zīnēn-, zīwēn-	- 𐭮𐭥	zāyistan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥
zēnēnīdan, zīnēnīdan, zīwēnīdan	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥	zāyč	𐭮𐭥
zīndagīh	𐭮𐭥𐭮𐭥	zāyčag	𐭮𐭥𐭮𐭥
zēnīg, zīndag	𐭮𐭥𐭮𐭥	zānūg	𐭮𐭥𐭮𐭥
¹⁻² zēn	𐭮𐭥	zōr	𐭮𐭥
xrīn- ¹	- 𐭮𐭥	zāz	𐭮𐭥
		zahagōmand	𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥

[112]		[111]	
zūzag	𐭥𐭥𐭥𐭥	zīndagīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zōr, zūr	𐭥𐭥𐭥	zīndakkar	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zōrōmand	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zīndag	𐭥𐭥𐭥𐭥
zūrgugāy	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	xrīdan ^I	𐭥𐭥𐭥𐭥
zūrgugāyīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zī(wi)stan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zōrīg	𐭥𐭥𐭥𐭥	zī(w)išnōmand	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zurwān	𐭥𐭥𐭥𐭥	zī(w)išnīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
zofāy	𐭥𐭥𐭥𐭥	zī(w)išn	𐭥𐭥𐭥𐭥
zofāyīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zīrak	𐭥𐭥𐭥𐭥
zofr	𐭥𐭥𐭥	zēfān	𐭥𐭥𐭥𐭥
zofrāy	𐭥𐭥𐭥𐭥	zišt	𐭥𐭥𐭥𐭥
zofr-pāyag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zayt	𐭥𐭥𐭥
zanjīr	𐭥𐭥𐭥𐭥	zan-	𐭥
zanišn	𐭥𐭥𐭥	zōhr	𐭥𐭥𐭥
zōtīh, zūdīh	𐭥𐭥𐭥	duzd ^I	𐭥𐭥𐭥
zōt, zūd	𐭥𐭥	zuwān	𐭥𐭥𐭥
wahīg ^I	𐭥𐭥𐭥	1- ² zand	𐭥
ān ^I	𐭥	zang	𐭥
any ^I	𐭥𐭥𐭥	zanīh	𐭥
nar ^I	𐭥𐭥	zandīkīh	𐭥𐭥𐭥
nībēs- ^I	𐭥𐭥𐭥𐭥	zandīk	𐭥𐭥
nibištan ^I	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zangīg	𐭥𐭥𐭥
ōzan- ^I	𐭥𐭥𐭥	zandag	𐭥𐭥
ōzadan ^I	𐭥𐭥𐭥𐭥	zandbed	𐭥𐭥𐭥
1- ² zrēh	𐭥𐭥𐭥	zan	𐭥

	[114]		[113]
zardčōbag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zāy- ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥 -
zam	𐭥𐭥	zāyišnīg ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zamīg	𐭥𐭥𐭥	zāyišn ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥
zamān	𐭥𐭥𐭥	zādan ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥
zastan	𐭥𐭥𐭥𐭥	¹⁻² zrēh	𐭥𐭥𐭥
zafar	𐭥𐭥𐭥	zarrēn	𐭥𐭥𐭥
zadār	𐭥𐭥𐭥𐭥	zargōnīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
zadan	𐭥𐭥𐭥	zargōn	𐭥𐭥𐭥
zadūg	𐭥𐭥𐭥𐭥	zarīgōmand	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
zaxm	𐭥𐭥𐭥	zarīg	𐭥𐭥𐭥
kāh-	𐭥𐭥 -	zarr(i)gar	𐭥𐭥𐭥𐭥
kāhēn-	𐭥𐭥𐭥 -	kār- ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥 -
kāhēnīdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	kištār ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
kāhīdan	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	kištan ¹	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
kāhišn	𐭥𐭥𐭥𐭥	zalūg	𐭥𐭥𐭥𐭥
kāskēnēn	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zraw-	𐭥𐭥𐭥 -
kāskēn	𐭥𐭥𐭥𐭥	zarwān	𐭥𐭥𐭥𐭥
kāskēnag	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	zruftan	𐭥𐭥𐭥𐭥
hammis ¹ , hāmist ¹	𐭥𐭥𐭥	zarmānīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
kahwan	𐭥𐭥𐭥	zarmān	𐭥𐭥𐭥
-gānag	𐭥𐭥𐭥 -	zardālūg	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
kayk	𐭥𐭥𐭥	zardīh	𐭥𐭥𐭥
kākom	𐭥𐭥𐭥𐭥	zard	𐭥𐭥𐭥
-gār	𐭥𐭥𐭥 -	Zardu(x)št	𐭥𐭥𐭥𐭥(𐭥)
		zardag, zardak	𐭥𐭥𐭥

[116]			[115]
kāmaghanjāmih	و ن گ س و س ق س	1-²kār	و ن گ س
kāmagxwadāy	و ن گ س و س م س	kār-	و ن گ س -
kārngār	و ن گ و ن گ س	wāng [†]	و ن گ و ن گ
1-²kāmag	و ن گ و ن گ	²kār-ān	و ن گ س م
kāmagwidār	و ن گ و ن گ م س	kārāgāh	و ن گ و ن گ و س و
kāmrawāg	و ن گ و ن گ ر و ن گ	kārāgāhīh	و ن گ و ن گ و س و و
kāmistan	و ن گ و ن گ و س و س	kārdāg	و ن گ و ن گ و س و
kāstār	و ن گ و ن گ و س و س	kārigīh	و ن گ و ن گ و س و
kāstan	و ن گ و ن گ و س و س	kārīg	و ن گ و ن گ و س و
kāč	و ن گ و ن گ	kārezār	و ن گ و ن گ و س و س
kābēn	و ن گ و ن گ م س	kārawānīg	و ن گ و ن گ س م و س و
kāpūr	و ن گ و ن گ پ و ر	kārawān	و ن گ و ن گ س م
kādag	و ن گ و ن گ د و س	kārnāmag	و ن گ و ن گ س م و س و
was [†]	و ن گ و ن گ س	kahrubāy	و ن گ و ن گ و س و س م
wasxwāstag [†]	و ن گ و ن گ س م و س و س و س ق	kālbodōmand	و ن گ و ن گ و س و س م س و س و
²kay	و ن گ و ن گ	kālbod	و ن گ و ن گ و س و س
drō [†]	و ن گ و ن گ و س و	kārframān	و ن گ و ن گ و س و س م
drōdādwarīh [†]	و ن گ و ن گ و س و س م و س و س و	kārd	و ن گ و ن گ و س و س
keh	و ن گ و ن گ	kām	و ن گ و ن گ
kahist	و ن گ و ن گ و س و س	kām-	و ن گ و ن گ -
gōspand [†]	و ن گ و ن گ س م	ārd [†]	و ن گ و ن گ و س و س
kēwān	و ن گ و ن گ م س	kāmistan	و ن گ و ن گ و س و س م
kēnīg	و ن گ و ن گ ن گ	kāmzīwišn	و ن گ و ن گ م س و س و س
-gēn	و ن گ و ن گ -	kāmagōmand	و ن گ و ن گ و س و س م
kēn	و ن گ و ن گ	kāmaghanjām	و ن گ و ن گ و س و س ق س

	[118]		[117]
kan-	-۱۹	kēnwar	و ۱۲
har(w) ^I	و ۱۹	kēnwarīh	و ۱۲
kanār, kennār	و ۱۹	kayak	و ۱۹
kanāragōmand	و ۱۹	kēr	و ۱۹
kanārag	و ۱۹	kirrōgīh	و ۱۹
kennārsrāy	و ۱۹	kirrōg	و ۱۹
kōxš-	و ۱۹	kem	و ۱۹
kōxšīdan	و ۱۹	kēsar	و ۱۹
kōxšīšnīg	و ۱۹	sang ^I	و ۱۹
kōxšīšn	و ۱۹	kēwūd	و ۱۹
kawādak	و ۱۹	keč	و ۱۹
kōy	و ۱۹	kēš, kiš	و ۱۹
nay ^I	و ۱۹	keš-	و ۱۹
kundāgīh	و ۱۹	kēšdār	و ۱۹
kundāg	و ۱۹	kešīdan	و ۱۹
nayestān ^I	و ۱۹	kišwān	و ۱۹
kandan	و ۱۹	kišwānzār	و ۱۹
kanīg	و ۱۹	kišw	و ۱۹
kanīzag	و ۱۹	kišwar	و ۱۹
xwān- ^I	و ۱۹	kišwzār	و ۱۹
xwandan ^I	و ۱۹	kištan	و ۱۹
-gen	و ۱۹	kēdīgīh	و ۱۹
nūn ^I	و ۱۹	kēd	و ۱۹
kun-	و ۱۹	-ag, -ak	و ۱۹
warrag ^I	و ۱۹	ōh ^I	و ۱۹

kirbakkarīh	[120] 𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kundur	[119] 𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
kīrbag, kōfag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kūn	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
kōftan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kūnmarz	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
kūč	𐭅𐭆𐭇𐭈	kunjid	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
kūčak	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kunjid	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
kōš-, kuš-	𐭅𐭆𐭇𐭈	kunišgar	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
kōšīdan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kunišn	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
kōšk	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	karak, kūk	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
kuštan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kōr	𐭅𐭆𐭇𐭈
kardār	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	kulāf	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
kardārīh	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kulāčag, kulāfak	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
kantigr	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kōrdil	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
kard	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kullag, kurrag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
kandan, kardan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kurkum	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
kardagān	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kumīg	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
kardagār	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊	kustīg	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
² kardag, kōdak	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	¹⁻² kust	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
kardespās	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋	kōstan	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
ahy ¹	𐭅𐭆𐭇𐭈	kustag	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
dandān ¹	𐭅𐭆𐭇𐭈	kustagbed	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊𐭋
karr, -gar	𐭅𐭆𐭇𐭈	kōf	𐭅𐭆𐭇𐭈
kar-	𐭅𐭆𐭇𐭈	kōb-	𐭅𐭆𐭇𐭈
karān	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kōfīg	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉
karāwuš	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉	kīrbagīg	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉𐭊
¹ sag ¹	𐭅𐭆𐭇𐭈	kīrbakkar	𐭅𐭆𐭇𐭈𐭉

kardagān	[122] وکړاگانه ۱۳۱	karbāš	[121] وکړباش
¹⁻² kardāg	وکړاگ ۱۵۱	karbūg	وکړباگ ۱۵۱
kam	وکام ۶۹	karg	وکارگ
kamāndār	وکاماندار ۱۳۶	kirih-	وکړيه-
kamān	وکامان ۱۳۶	aškamb ^I	وکامب
kamāl	وکامال ۶۵	kirrēn-	وکړين-
kamālig	وکامالگ ۱۱۳	kirrēnīdan	وکړيندان ۱۱۳
kamistih	وکامستيه ۱۱۳	kilēl	وکيلل
kamist	وکامست ۱۱۳	diz ^I	وکيز
kamzōr	وکامزور ۱۱۳	xwān- ^I	وکوان
kamzōrīh	وکامزوريه ۱۱۳	xwandan ^I	وکواندان ۱۱۳
kamar	وکامار ۶۵	kulang	وکولانگ
kamarband	وکاماربان ۶۵	kirrōg	وکړوگ
mayg ^I	وکامگ ۶۵	aškamb ^I	وکامب
arz ^I	وکامز ۱۱۳	kargās	وکارگاس
kastār	وکاستار ۱۳۶	karkēhan	وکارکيهان ۱۳۶
kastārīh	وکاستاريه ۱۳۶	kark	وکارک
kehtar	وکاستار ۱۳۶	karm, kirm	وکارم
kaf	وکاف ۶۵	karmīr	وکارمير
kaf-	وکاف-	karb, kirb	وکارب
kabāh	وکاباه ۶۵	karafs	وکارفس
kabārag	وکابارگ ۱۳۱	karbug	وکاربوگ ۱۳۱
kabīg	وکابگ ۱۳۱	karzang	وکارزنگ
kabīz	وکابيز ۶۵	kardār	وکاردار
kabōd	وکابود ۱۳۱	kardārīh	وکارداريه ۱۳۱

kadag	[124] 𐭠𐭣𐭥𐭥	kabōtar	[123] 𐭠𐭣𐭥𐭥
mān ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	kabkanjīr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
mānistān ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kabk	𐭠𐭣𐭥𐭥
māndan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kafč	𐭠𐭣𐭥𐭥
man ^I , wīst ^N	𐭠𐭣𐭥𐭥	kafčag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
nē ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	kafš	𐭠𐭣𐭥𐭥
rah-	𐭠𐭣𐭥𐭥	kafšag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rah-	𐭠𐭣𐭥𐭥	kafšgar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rah, (23 ^N)	𐭠𐭣𐭥𐭥	kaftan	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāy, rāy	𐭠𐭣𐭥𐭥	kaš, kiš	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāyōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	keš-	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāh	𐭠𐭣𐭥𐭥	kešīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāhdār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kišnīz	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāhdārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	kašawag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāyēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥	kašk	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāyēnāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kaštīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāyēnīdārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	kadār	𐭠𐭣𐭥𐭥
rāyēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kadār-iz-ē(w)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāhnimāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kadār-iz-ē(w)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāyēnišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	kadām	𐭠𐭣𐭥𐭥
rahīgīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	kadām-iz-ē(w)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
dūr ^I , rahīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	kahas	𐭠𐭣𐭥𐭥
dūr ^I , rahīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	kadagxwadāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rāyišn	𐭠𐭣𐭥𐭥	kadagbānūg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
		kadagīg	𐭠𐭣𐭥𐭥

	[126]		[125]
rād	𐬀𐬵𐬀	rān-	𐬀𐬵-
daw- ^I	𐬀𐬵𐬀 -	abāz ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀
¹ dawistan ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬀	abāzsār ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀
¹ dawīdan ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬀	abāzsārīh ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
(21 ^N)	𐬀𐬵𐬀	rān	𐬀𐬵
wuzurg ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	rahag	𐬀𐬵𐬀
wuzurgīh ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀	ul ^I	𐬀𐬵𐬀
wuzurg-framādār ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	ulih ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀
dil ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀	ulāmadān ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
warr ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	rām	𐬀𐬵𐬀
dil ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	nān ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀
riy-	𐬀𐬵-	rāmēn-	𐬀𐬵𐬀𐬀 -
riyahrīh	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	rāmēnīdan	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀
rēxtan	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	rāmišnīg	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀
ray, rah, (22 ^N)	𐬀𐬵	rāmišn	𐬀𐬵𐬀𐬀
rah	𐬀𐬵	rāspīg	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀
rasan	𐬀𐬵𐬀	rāstīh	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀
rasūg	𐬀𐬵𐬀𐬀	rāst	𐬀𐬵𐬀𐬀
im ^I	𐬀𐬵𐬀	rāz	𐬀𐬵
rēg	𐬀𐬵𐬀	rāzīg	𐬀𐬵𐬀𐬀
šab ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀	rāzkirrōg	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀𐬀
pāy ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀	lābag	𐬀𐬵𐬀
rēm	𐬀𐬵𐬀	lābakkar	𐬀𐬵𐬀𐬀
rēmanīh	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀	lābakkarīh	𐬀𐬵𐬀𐬀𐬀
rēman	𐬀𐬵𐬀	rādīh	𐬀𐬵𐬀𐬀

rōyan, rōyēn	[128]	𐭠𐭣𐭥𐭥	ristāxēz	[127]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
randīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	rist		𐭠𐭣𐭥𐭥
pēš ^I		𐭠𐭣𐭥	1-2ristag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
rōyišn		𐭠𐭣𐭥𐭥	rēz-		𐭠𐭣𐭥-
sar ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	rēzišn		𐭠𐭣𐭥𐭥
nēstīh ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	1-2rēš		𐭠𐭣𐭥𐭥
nēst ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥	rēšīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rūn-		𐭠𐭣𐭥-	rēšag		𐭠𐭣𐭥𐭥
rōn		𐭠𐭣𐭥	rēškēn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
ruzd		𐭠𐭣𐭥𐭥	rēškēnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
ruzdīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	rištag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rōyn-xwardīg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	rīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
rōyn		𐭠𐭣𐭥𐭥	rēdak		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
rūrag		𐭠𐭣𐭥𐭥	raw-		𐭠𐭣𐭥-
jāwēdān ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	ruwānīg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
amā ^I		𐭠𐭣𐭥𐭥	ruwān		𐭠𐭣𐭥𐭥
rōspīgīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	rawāgīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rōspīg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	rawāgēn-		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥-
rōstāg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	rawāgēnīdan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
randīdan, rustan		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	rawāg		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
rōb		𐭠𐭣𐭥	rawišnīh		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
rōb-		𐭠𐭣𐭥-	rawišn		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥
rōbāh		𐭠𐭣𐭥𐭥	rang		𐭠𐭣𐭥
ranj, rōz		𐭠𐭣𐭥	1-2rōy		𐭠𐭣𐭥
rōzānag		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	rand-, rōy-		𐭠𐭣𐭥-

	[130]		[129]
hazār ^N	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōzāg	𐭠𐭣𐭥𐭥
sīh ^N , tō ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥	ranjēn-, rōzēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥-
ragīh	𐭠𐭣𐭥𐭥	ranjēnīdan, rōzēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rag	𐭠𐭣𐭥𐭥	lawzēnag	𐭠𐭣𐭥𐭥
ašmā ^I , sīhom	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	rōzīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
hazārag ^N	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōzwārag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
larz-	𐭠𐭣𐭥𐭥-	rōzan	𐭠𐭣𐭥𐭥
larzīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	ranjwar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
ram	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōzward	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
abgan- ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥-	rōzgār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
abgandan ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	ranjag, rōzag	𐭠𐭣𐭥𐭥
ramag	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōzbānag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
ras-	𐭠𐭣𐭥𐭥-	rōz-šabān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rasēn-	𐭠𐭣𐭥𐭥-	rōšnīh	𐭠𐭣𐭥𐭥
rasēnīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	rōšn	𐭠𐭣𐭥𐭥
rahīg	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōšnag	𐭠𐭣𐭥𐭥
rasīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōšngar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rastārīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	rōdbār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rastan	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōdīgān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rastag	𐭠𐭣𐭥𐭥	rōdīg	𐭠𐭣𐭥𐭥
lab	𐭠𐭣𐭥𐭥	1-2rōd	𐭠𐭣𐭥𐭥
rubāy-	𐭠𐭣𐭥𐭥-	rūdan	𐭠𐭣𐭥𐭥
lipī, rabih	𐭠𐭣𐭥𐭥	abāg ^I	𐭠𐭣𐭥𐭥
rapihwin	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥	rōstāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭠𐭣𐭥𐭥
rapihwin	𐭠𐭣𐭥𐭥	raz, sad ^N	𐭠𐭣𐭥𐭥

	[132]			[131]
-(i)m		𐬰-	rapihwin	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
māh		𐬀𐬵𐬀	rapihwintar	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
māhīgān		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	awar ^I	𐬀𐬵𐬀𐬀
māhīg		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	rubūdan	𐬀𐬵𐬀𐬀
mayān		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	raftār	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
mayānag		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	raz	𐬀
mayānjīgih		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	tar ^I , (tarr)	𐬀
mayānjīg		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	lajan	𐬀
mehmānih		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	razūr	𐬀, 𐬀
melmān		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	razm	𐬀
māzdēsn		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	razmgāh	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
māyišn		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	tar ^I	𐬀 = 𐬀
zan- ^I		- 𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	Rašn	𐬀𐬵𐬀
zanišn ^I		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	laškar	𐬀𐬵𐬀
zadan ^I		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	laškarīgih	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
1-3mān-		- 𐬀𐬵𐬀	laškarīg	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
mānāgih		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	raštan	𐬀𐬵𐬀
mānāg		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	rištag	𐬀𐬵𐬀
mānd		𐬀𐬵𐬀	radōmand	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
māndagih		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	radih	𐬀𐬵𐬀
māndag, mānīg		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	rad	𐬀
māništ		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	radunay	𐬀𐬵𐬀
māništag		𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	radag	𐬀𐬵𐬀
mān		𐬀𐬵𐬀	ēdar ^I	𐬀𐬵𐬀
mānag		𐬀𐬵𐬀	radpassāg	𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀

māzdēs̄n	[134]	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥	ʔjām ¹	[133]	𐭠𐭥𐭥𐭥
māhist, māst		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	māns ^{ar}		𐭠𐭥𐭥𐭥
māzandar		𐭠𐭣𐭥𐭥	māns ^{ar} rbar		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
māš, māxš		𐭠𐭥𐭥	māns ^{ar} spand		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
rōyn ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	māraspand		𐭠𐭥𐭥𐭥
1-2mādayān, mādīyān		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mānbān		𐭠𐭥𐭥𐭥
			mānbēd		𐭠𐭥𐭥𐭥
mādišt		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	mānišn		𐭠𐭥𐭥𐭥
mādagīh		𐭠𐭥𐭥𐭥	māzanīg		𐭠𐭥𐭥𐭥
mādagīg		𐭠𐭥𐭥𐭥	māzandar		𐭠𐭥𐭥
1-2mādag		𐭠𐭥𐭥𐭥	māzdēs̄nīh		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mādagwar		𐭠𐭥𐭥𐭥	māzdēs̄n		𐭠𐭥𐭥𐭥
mādar		𐭠𐭥𐭥	fradāg ¹		𐭠𐭥𐭥
āb ¹ , mēx		𐭠𐭥	mār		𐭠𐭥
ābgēr-ag ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	māl-, mār-		𐭠𐭥-
mēhan		𐭠𐭥	mārāg		𐭠𐭥𐭥
mēzd		𐭠𐭥𐭥	mārīg		𐭠𐭥𐭥
may, meh		𐭠𐭥	mālīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥
šahrestān ¹		𐭠𐭥𐭥	purr ¹		𐭠𐭥𐭥
māhist		𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥	mārišnōmand		𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
men-		-𐭥	mārišn		𐭠𐭥𐭥
moymard ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	mārdan		𐭠𐭥𐭥
menīdan		𐭠𐭥𐭥𐭥	mehmānīh		𐭠𐭥𐭥𐭥
mēnōg		𐭠𐭥	mehmān		𐭠𐭥
mēnōgwēn ¹		𐭠𐭥𐭥𐭥	māzdēs̄nīh		𐭠𐭥𐭥𐭥

	[136]		[135]
³ rhēzišnīh	𐭮𐭥𐭥𐭥	mēnōgwēnīh ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
²⁻³ mēzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥	mēnōgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
mēš	𐭮𐭥𐭥	mēnōgīgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
mijūg	𐭮𐭥𐭥𐭥	mēnōgīg	𐭮𐭥𐭥𐭥
mēšag	𐭮𐭥𐭥𐭥	mēwag	𐭮𐭥𐭥
mēšsār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	mowmard	𐭮𐭥𐭥𐭥
mēdyōzarm	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	mowbed	𐭮𐭥𐭥𐭥
mihōxt	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	menišnīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
¹ az ^I	𐭮	menišn	𐭮𐭥𐭥𐭥
muhrag	𐭮𐭥𐭥	mēzd, mizd	𐭮𐭥𐭥
mang, mōy	𐭮	mēzdbān	𐭮𐭥𐭥𐭥
saxwan ^I	𐭮𐭥𐭥	miznē	𐭮𐭥𐭥
mōyēn	𐭮𐭥𐭥	mēy	𐭮𐭥
tis ^I , čiš ^I	𐭮𐭥𐭥	mayg	𐭮𐭥𐭥
tis-iz ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥	mērag	𐭮𐭥𐭥
mōyag	𐭮𐭥𐭥	nāmag ^I	𐭮𐭥𐭥
muhr	𐭮	¹ abar ^I	𐭮
ōšmār- ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥	sah- ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥
ōšmārišn ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sahistan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
ōšmurdan ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sahišn ^I	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
kē ^I	𐭮	mij	𐭮
murdār	𐭮𐭥𐭥	¹⁻² mēz-	𐭮
mōg	𐭮𐭥	mizīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥
mōr	𐭮	mijūg	𐭮𐭥𐭥𐭥
mulān	𐭮𐭥	mijag, mizag	𐭮𐭥𐭥

	[138]		[137]
mazgīt	𐭠𐭥𐭥𐭥	murdār	𐭠𐭥𐭥𐭥
miznē	𐭠𐭥𐭥𐭥	murwāg	𐭠𐭥𐭥𐭥
may'	𐭠𐭥𐭥	morwārīd	𐭠𐭥𐭥𐭥
magas	𐭠𐭥𐭥	murwīzag	𐭠𐭥𐭥𐭥
padīr- ^I	𐭠𐭥𐭥	murw	𐭠𐭥𐭥
padīrišn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	murwniš	𐭠𐭥𐭥𐭥
padīriftan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	murnjēn-	𐭠𐭥𐭥𐭥
magīnd	𐭠𐭥𐭥	murnjēnīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥
makōg	𐭠𐭥𐭥	mōrd, murd	𐭠𐭥𐭥
1-2mar	𐭠𐭥	murdan	𐭠𐭥𐭥
marg	𐭠𐭥	mustōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥
margōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥	1-3must	𐭠𐭥𐭥
margarzān	𐭠𐭥𐭥𐭥	mustabarmānd	𐭠𐭥𐭥𐭥
margīh	𐭠𐭥𐭥	mustgar	𐭠𐭥𐭥𐭥
marw	𐭠𐭥	mōz	𐭠𐭥
šāh ^I	𐭠𐭥𐭥	mōzag	𐭠𐭥𐭥
šāhān šāh ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	1-2mušk	𐭠𐭥𐭥
marag	𐭠𐭥	mušt	𐭠𐭥𐭥
bāmbišn ^I	𐭠𐭥𐭥	muštan	𐭠𐭥𐭥
marz	𐭠𐭥	mūdag	𐭠𐭥𐭥
marz-	𐭠𐭥	muhrišn	𐭠𐭥𐭥
marčābukih	𐭠𐭥𐭥𐭥	mazg, mīzd	𐭠𐭥
marčābuk	𐭠𐭥𐭥𐭥	mīzdwar	𐭠𐭥𐭥
marzīdan	𐭠𐭥𐭥𐭥	frō(x)š- ^I	𐭠𐭥𐭥
marzangōš	𐭠𐭥𐭥𐭥	frōxtan ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥

[140]		[139]
mastōg	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mehtar	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mastarg	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mizagōmand	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mizagdārīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mizag	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
rōyn ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
maškabarzēn	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
maškīzag	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
1-2mašk	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
deh ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
dehgān ^I	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
madār	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mih	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
madan, 1-3mihr	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mihrodruj	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mihrodrujīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mihrdrōz	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mihrzan	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mihrodruj	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
mihrodrujīh	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥𐭥
mihrbān	𐭠𐭥𐭥𐭥	𐭠𐭥𐭥𐭥
<i>see also</i> 𐭠𐭥, 𐭠𐭥	𐭠𐭥	
giyāh, syā	𐭠𐭥𐭥	
		marzobān
		marzišnīh
		marzišn
		mardānagīh
		mardānag
		marčābukīh
		marčābuk
		mard
		mardōm
		mardōmīh
		mardōmzādagīh
		mardōmzādag
		čē ^I
		čē-ēwēnagīh ^I
		čē-ēwēnag ^I
		čēīh ^I
		-masāy
		mehtar
		mehtarīh
		mehēn-
		mehēnīdan
		mehēnišn
		mast
		mistan
		mastōgīh

	[142]		[141]
sahmgen	۱۱۹۶	syāhag	۱۹۵۵
sahmgenih	۴۷۱۱۹۶	gēhānīg	۱۹۱۴
sāstār	۷۷۷۷۷۷	gēhān	۱۴۷۷
sāstārīh	۷۷۷۷۷۷	sāxtārīh	۷۷۷۷۷۷
sāz-	-۷۷	saxtīh	۷۷۷۷۷۷
saxt	۱۴۷۷	saxt	۱۴۷۷۷۷
raw- ^I	-۱۱۴۷۷	saxtan, sāxtan	۱۱۴۷۷۷۷
rawēn- ^I	-۲۱۱۴۷۷	sāg, sāk	۷۷۷
rawēnīdan ^I	۱۱۴۷ ۲۱۱۴۷۷	sāy-	-۷۷۷
rawišn ^I	۱۴۷۷۷۷۷۷	sahīgīh	۷۷۷۷۷۷
raftan ^I	۱۱۴۷۷۷۷۷	sahīg, sāyag	۱۹۷۷
saxtag	۱۹۷۷۷۷	sās	-۷۷۷
sabz	۷۷۷	sān	۱۴۷۷
šast ^N	۷۷	saxwan	۱۱۴۷۷
sī dīg	۷۷۷	sahōg	۱۹۷۷۷
haštād ^N	-۷۷۷	sāk	۱۹۷۷
sagēn	۱۴۷۷	sārēn-	-۷۷۷
nawad ^N	۷۷۷۷	sārēnīdan	۱۱۴۷ ۷۷۷۷
sēn	۱۴۷۷	sālwār	۷۷۷۷۷۷
sēnag	۱۹۷۷	sālagīh	۷۷۷۷۷۷
sēn murw	۱۴۷۷ ۷۷	sālag	۷۷۷۷
sēzd	۷۷۷۷	sahm	-۷۷۷
sēzdēn	۷۷۷۷۷۷	sāmānōmand	۷۷ ۱۴۷ ۳۷۷۷
haftād ^N	۷۷۷	sāmān	۱۴۷۷۷
darr- ^I	-۱۱۹۷	sahmgēn	۱۴۹۶۷

[144]		[143]	
gāy- ^I	فعل ۱۱۳ -	darrīdan ^I	فعل ۱۱۳ ۱۱۹
gādan ^I	فعل ۱۱۳ ۱۱۴	sagr	فعل ۱
wattar ^I	فعل ۱۱۴	sagrīh	فعل ۱
wattarīh ^I	فعل ۱۱۴	sēm	فعل ۱
srawēn-	فعل ۱۱۴ -	sēb, sēj	فعل ۱
srawēnīdan	فعل ۱۱۴ ۱۱۵	sējōmand	فعل ۱۱۶ ۱۱۷
srūwēn	فعل ۱۱۵	sēzdah	فعل ۱۱۷
sarw, sraw, srū	فعل ۱۱۵	sezd	فعل ۱
srūwar	فعل ۱۱۵	sezdēn	فعل ۱۱۷
sarw	فعل ۱۱۵	kārd ^I	فعل ۱۱۷
bar- ^I	فعل ۱۱۵ -	sagēn	فعل ۱۱۷
burdan ^I	فعل ۱۱۵ ۱۱۶	dēg, ² sag, sik	فعل ۱۱۷
srub	فعل ۱۱۶	sar	فعل ۱
srubēn	فعل ۱۱۶	sel	فعل ۱
Srōš	فعل ۱۱۶	srāy	فعل ۱
srōšīg	فعل ۱۱۶ ۱۱۷	¹⁻² srāy-	فعل ۱ -
srōd	فعل ۱۱۷	srāyišnīh	فعل ۱۱۷ ۱۱۸
srūdan	فعل ۱۱۷	srāyišn	فعل ۱۱۸
sarmāg	فعل ۱۱۷ ۱۱۸	sarāsar	فعل ۱۱۸
srub	فعل ۱۱۸	srāyīdan	فعل ۱۱۸ ۱۱۹
srešk	فعل ۱۱۸ ۱۱۹	sraxtag	فعل ۱۱۹
srištan	فعل ۱۱۸ ۱۱۹	wad ^I	فعل ۱
sardīh	فعل ۱۱۹	sargēn	فعل ۱۱۹
sard, srat	فعل ۱۱۹	srišwadag	فعل ۱۱۹ ۱۲۰
sardag	فعل ۱۱۹ ۱۲۰	srešk	فعل ۱۱۹ ۱۲۰

	[146]		[145]
spēd	𐭮𐭥𐭥𐭥	sardsēr	𐭮𐭥𐭥𐭥
spēdag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	sīsīambar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spēdbāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	sīsīambar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spenāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	N.B. Any word with initial 𐭮𐭥	
spōxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	may appear written as 𐭮𐭥	
spandān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāh	𐭮𐭥𐭥𐭥
Spandarmad	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	dēbahr, spīhr, spaxr	𐭮𐭥𐭥𐭥
sabuk	𐭮𐭥𐭥𐭥	spāhbed	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spul	𐭮𐭥𐭥𐭥	spās	𐭮𐭥𐭥𐭥
spurrīgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsdār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spurrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsdārīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spurdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spāsešnās	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spōz	𐭮𐭥𐭥𐭥	dēbāg	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	spāsōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
spīnjānagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	spāš	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōzīgār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīhr	𐭮𐭥𐭥𐭥
spōzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīhrīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
sabz	𐭮𐭥𐭥𐭥	spenāg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spazg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīg	𐭮𐭥𐭥𐭥
spazgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spīz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
spar	𐭮𐭥𐭥𐭥	spīzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spar-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	spīš	𐭮𐭥𐭥𐭥
sprahm	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spitāmān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
sprahmag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	spēd-dār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
spurz	𐭮𐭥𐭥𐭥		

	[148]		[147]
gētīg, stī	𐭪𐭥𐭥𐭥	<i>see also</i>	𐭥𐭥
stēndag	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	1- ² saz-	-𐭥𐭥
sidīg, stēy	𐭪𐭥𐭥𐭥	sazāgīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
sidīgar	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	sazāg	𐭪𐭥𐭥𐭥
stēr	𐭪𐭥𐭥𐭥	sazāgwār	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
stēzag	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	sazistan	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
stōwīh	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	¹ sazišnīh	𐭥𐭥𐭥𐭥
stōwēn-	-𐭪𐭥𐭥𐭥	² sazišnīg	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
stōwēnīdan	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	1- ² sazišn	𐭪𐭥𐭥𐭥
stō	𐭪𐭥𐭥𐭥	gētīg	𐭥𐭥𐭥 / 𐭥𐭥𐭥
Sadwēs	-𐭪𐭥𐭥𐭥	gētīgīg	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
dīdan	𐭪𐭥𐭥𐭥	stāy-	-𐭪𐭥𐭥
-istan	𐭪𐭥𐭥𐭥 -	stāyišnīg	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥
stūn	𐭪𐭥𐭥𐭥	stāyišn	𐭪𐭥𐭥𐭥
stūnag	𐭪𐭥𐭥𐭥𐭥	dīdār	𐭪𐭥𐭥𐭥
stōr, stūr	𐭪𐭥𐭥𐭥	stārag	𐭪𐭥𐭥𐭥
sturg	𐭪𐭥𐭥𐭥	stahm	𐭪𐭥𐭥𐭥
stūrīh	𐭪𐭥𐭥𐭥	stambagīh	𐭪𐭥𐭥𐭥
stōrgāh	𐭪𐭥𐭥𐭥	stambag	𐭪𐭥𐭥𐭥
stōrbān	𐭪𐭥𐭥𐭥	stahmīh	𐭪𐭥𐭥𐭥
stard	𐭪𐭥𐭥𐭥	stahmagīh	𐭪𐭥𐭥𐭥
*stōš	𐭪𐭥𐭥𐭥	stahmag	𐭪𐭥𐭥𐭥
stūdan	𐭪𐭥𐭥𐭥	stāyīdan	𐭪𐭥𐭥𐭥
star	𐭪𐭥𐭥𐭥	sudāb	𐭪𐭥𐭥𐭥
starōšmār	𐭪𐭥𐭥𐭥	stī	𐭪𐭥𐭥𐭥

	[150]		[149]
pāyag	𐭯𐭥𐭥𐭥	starōšmur	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pānāgīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	starwan	𐭮𐭥𐭥𐭥
pānāg	𐭯𐭥𐭥𐭥	stardīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
-bān	𐭮𐭥𐭥 -	stard	𐭮𐭥𐭥
pānagīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	stabr	𐭮𐭥𐭥
pānag	𐭯𐭥𐭥𐭥	stabrīh	𐭮𐭥𐭥𐭥
pānzdah	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	stabrag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pākīzag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	staft	𐭮𐭥𐭥𐭥
pāk	𐭯𐭥𐭥		
pālāy-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pah, pāy	𐭮𐭥𐭥
pālūdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pahnāy	𐭮𐭥𐭥𐭥
pālūdag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pahn	𐭮𐭥𐭥𐭥
¹⁻² pārag	𐭮𐭥𐭥𐭥	pāyag	𐭯𐭥𐭥𐭥
pārsīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	paygāl	𐭮𐭥𐭥𐭥
pāsox	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	¹⁻² pahrēxtan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pāsbānīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pahrēz	𐭮𐭥𐭥𐭥
pāsbān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	¹⁻² pahrēz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
pāzen	𐭮𐭥𐭥𐭥	pahlawīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pāzand	𐭮𐭥𐭥𐭥	pahlūg	𐭮𐭥𐭥𐭥
pāzen	𐭮𐭥𐭥𐭥	pahlom	𐭮𐭥𐭥𐭥
pāšnag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pahlomīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pāšom	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	paygālgar	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
paxšag	𐭯𐭥𐭥𐭥	pahast	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pādyāwand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	¹ pāy-	𐭮𐭥𐭥-
pādyāwandīh	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pās	𐭮𐭥𐭥-

padām	[152]	𐭥𐭥𐭥	pāduzwānīh	[151]	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
payādag		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pāduzwān		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
¹⁻² pay, pīh		𐭥𐭥	pādixšā(y)		(𐭥)𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pas, ¹⁻² pay		𐭥𐭥	pādixšāyīh		𐭥(𐭥)𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pēs		𐭥𐭥	pādixšīr		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pēsišn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādyāb		𐭥𐭥𐭥𐭥
passand		𐭥𐭥𐭥	pādyābīh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
passand-		𐭥-𐭥𐭥𐭥	pādāšn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
passandišnīg		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādīrān-		𐭥-𐭥𐭥𐭥
passandišn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādīrānēn-		𐭥-𐭥𐭥𐭥𐭥
passandīdan		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādīrānēnīdan		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
penīh		𐭥𐭥𐭥	pādīrānīdan		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pen		𐭥𐭥	pādīrān		𐭥𐭥𐭥𐭥
payg		𐭥𐭥𐭥	pāymār		𐭥𐭥𐭥𐭥
pīr		𐭥𐭥	pādēz		𐭥𐭥𐭥
pīl		𐭥𐭥	¹ pādan		𐭥𐭥𐭥
payrāy-		𐭥-𐭥𐭥𐭥	pādofrāh		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
fīlāsōfā		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādzahr		𐭥𐭥𐭥𐭥
payrāyag		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pāygōs		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pērāmōn		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pādrōzag		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
payrāstan		𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pāyram		𐭥𐭥𐭥
pīrīh		𐭥𐭥𐭥	pādrāzm		𐭥𐭥𐭥
pērōz		𐭥𐭥𐭥	pādīfrāh		𐭥𐭥𐭥𐭥
pērōzīh		𐭥𐭥𐭥𐭥	arzan ¹ , gāwars ¹		𐭥𐭥
pērōzgar		𐭥𐭥𐭥𐭥	pih		𐭥𐭥𐭥

1-2pēšag	[154] 𐭯𐭥𐭥𐭥	pērōzgarīh	[153] 𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pēšpārag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pīlbān	𐭯𐭥𐭥𐭥
petyāragih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēm, pīm	𐭥𐭥
petyārag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pēmēn-	- 𐭥𐭥
paydāgih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pēmēnīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
paydāgih-	- 𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pīngēn	𐭯𐭥𐭥𐭥
paydāgihistan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēs-	- 𐭥𐭥
paydāgēn-	- 𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pēsīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
paydāgēnīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pēsīšn	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
paydāg	𐭯𐭥𐭥𐭥	pestān	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
paygām	𐭥𐭥𐭥	pēč-	- 𐭥𐭥
paygāambar	𐭥𐭥𐭥𐭥	pēčīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥
petītīgih	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	pēš	𐭥𐭥
petītīg	𐭯𐭥𐭥𐭥	pēšānīg	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
petīt	𐭯𐭥𐭥	pēšōbāy	𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2pid	𐭯𐭥	pēšōbāyih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
panāh	𐭥𐭥	pēšār	𐭥𐭥𐭥
panāhīh	𐭥𐭥𐭥	pēšār wār	𐭥𐭥𐭥𐭥
1-2puhl	𐭥𐭥	pēšgāh	𐭥𐭥𐭥𐭥
puhlēn-	- 𐭥𐭥	pēšēnīg	𐭯𐭥𐭥𐭥
puhlēnīdan	𐭯𐭥𐭥𐭥	pēšēmāl	𐭥𐭥𐭥𐭥
frāz	𐭥𐭥	pēšēmālīh	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pōhišn	𐭯𐭥𐭥	pēšōbāy	𐭥𐭥𐭥𐭥
poxtan	𐭯𐭥𐭥	pēšōbāyih	𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
nēm ¹	𐭥𐭥	pēškār, pēšyār	𐭥𐭥𐭥𐭥

pōlāwad	[156]	𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥	pand, (nēm ¹)	[155]	𐭪𐭮𐭥
purrgāh		𐭪𐭮𐭥𐭥	pōy-		𐭪𐭮𐭥-
purrxwarrah ¹		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	penih		𐭪𐭮𐭥𐭥
pōryōtkēš		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pus		𐭪𐭮𐭥
pōryōtkēših		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frazand		𐭪𐭮𐭥𐭥
pušnāy		𐭪𐭮𐭥𐭥	frazandih		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥
purr-ravišnīh		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	panir		𐭪𐭮𐭥
purrmāh		𐭪𐭮𐭥𐭥	pondik		𐭪𐭮𐭥
purrsardag		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pōyišnīg		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥
dahān ¹		𐭪𐭮𐭥	pad ¹ , pen		𐭪𐭮𐭥
pusyān		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥	padgōhr		𐭪𐭮𐭥𐭥
pusar		𐭪𐭮𐭥	padnērōg		𐭪𐭮𐭥𐭥
pōstēr		𐭪𐭮𐭥𐭥	padnigerišn		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥
pōst		𐭪𐭮𐭥	padwizēn		𐭪𐭮𐭥𐭥
panj, pōz		𐭪𐭮𐭥	padzyān		𐭪𐭮𐭥𐭥
panjāh		𐭪𐭮𐭥𐭥	purs-		𐭪𐭮𐭥-
panjag, pōzag		𐭪𐭮𐭥𐭥	pursīdan		𐭪𐭮𐭥𐭥
pōš-		𐭪𐭮𐭥-	pursišnīg		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥
pōšīdan		𐭪𐭮𐭥𐭥	pursišn		𐭪𐭮𐭥𐭥
pōšišn		𐭪𐭮𐭥𐭥	padpānag		𐭪𐭮𐭥𐭥
puštibānīh		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pa(č)čibāy-		𐭪𐭮𐭥𐭥-
puštibān		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥	pa(č)čibāgīh		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥
pušt		𐭪𐭮𐭥	frazand		𐭪𐭮𐭥
puštāg		𐭪𐭮𐭥𐭥	pōr, purr		𐭪𐭮𐭥
pūdagīh		𐭪𐭮𐭥𐭥	pōlāwadēn		𐭪𐭮𐭥𐭥𐭥

frāhixtan	[158] 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	potk, pūdag	[157] 𐬀𐬎𐬎𐬀
frāhixtag	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pazzām-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
frayādišnīg	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	pazzāmēn-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
frayādišn	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pazzāmēnīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
frāy	𐬀𐬎𐬎𐬀	pazzāmēnišn	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
frādahišnīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	pazzāftan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
frāhist	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pazd	𐬀𐬎𐬎𐬀
farroxīh	𐬀𐬎𐬎𐬀	pazd-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
farrox	𐬀𐬎𐬎𐬀	pazdēn-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
¹xwāh-¹	-𐬀𐬎𐬎𐬀	pazdēnīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
xwastan¹	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pazdagīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
frārāst	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pazūg	𐬀𐬎𐬎𐬀
frārōnīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	pāymār¹	𐬀𐬎𐬎𐬀
frārōn	𐬀𐬎𐬎𐬀	parr	𐬀𐬎𐬎𐬀
frāmōš	𐬀𐬎𐬎𐬀	frahang	𐬀𐬎𐬎𐬀
frāmōš-	-𐬀𐬎𐬎𐬀	frāxīh	𐬀𐬎𐬎𐬀
frāmuštan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	frāxēn-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
frāhist	𐬀𐬎𐬎𐬀	frāxēnīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
parrag	𐬀𐬎𐬎𐬀	frahangestān	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
frēh	𐬀𐬎𐬎𐬀	frāx	𐬀𐬎𐬎𐬀
pardāxtan	𐬀𐬎𐬎𐬀	parāhōm	𐬀𐬎𐬎𐬀
frēhbūdīh	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀	frahanj-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
frēhbūd	𐬀𐬎𐬎𐬀	frayād-	-𐬀𐬎𐬎𐬀
pardāz-	-𐬀𐬎𐬎𐬀	frayādīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀
pardaxtan, parrēxtan	𐬀𐬎𐬎𐬀	frayād	𐬀𐬎𐬎𐬀

frawahr	[160] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frasang	[159] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwāngāh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parragīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwānagih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pargan-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwānag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	parwār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frawār, parwāl	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pargandan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frawār-, parwāl-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pargūd	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwālišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēg, parīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frawārdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēst-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
franām-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēstādan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
franāmišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēstīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwāz	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pargast	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
franāftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēstag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Farrōbāy	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēb	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Farrōbag } (read <i>plu-</i>)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēb-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
piring	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēftār	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
palang	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēftan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parnagān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēz, (frēb)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
palangmušk	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pardaz-, parrēz-, (frēb-)	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēzwānīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parwand-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēzwānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parrōn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēzbānīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frōgīh-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	frēzbānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frōgīhistan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	pardazišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
frōg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	Fradadafš	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
parrwar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥		

framōšīdan	[162] 𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	parwar-	[161] 𐬀𐬎𐬎𐬀
framuštan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀𐬎𐬎𐬀	parwarišn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀
framūdan	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀	Frawardīn	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀
frasāwand	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀	Frawardīgān	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀
frasāwandih	𐬀𐬎𐬎𐬎𐬀	fraward	𐬀𐬎𐬎𐬀
frasp	𐬀𐬎𐬎𐬀	parwardan	𐬀𐬎𐬎𐬀
parist-	𐬀𐬎𐬎𐬀	frawardag	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristār	𐬀𐬎𐬎𐬀	franam-	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀	parwast	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristōg/k	𐬀𐬎𐬎𐬀	parwastan	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristagih	𐬀𐬎𐬎𐬀	franaftan	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristag	𐬀𐬎𐬎𐬀	frušag	𐬀𐬎𐬎𐬀
paristišn	𐬀𐬎𐬎𐬀	frōd	𐬀𐬎𐬎𐬀
frabih	𐬀𐬎𐬎𐬀	frōdmānd	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazānagih	𐬀𐬎𐬎𐬀	fragān, pillagān	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazānag	𐬀𐬎𐬎𐬀	parrag	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazām	𐬀𐬎𐬎𐬀	fragan-, pargan-	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazām-	𐬀𐬎𐬎𐬀	fragandan, pargandan	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazāmēn-	𐬀𐬎𐬎𐬀	framāy-	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazāmēnīdan	𐬀𐬎𐬎𐬀	framāyišn	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazām-pērōzih	𐬀𐬎𐬎𐬀	framānburdār	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazāftar.	𐬀𐬎𐬎𐬀	framān	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazēn, parzīn	𐬀𐬎𐬎𐬀	framādār	𐬀𐬎𐬎𐬀
frazaftan	𐬀𐬎𐬎𐬀	framōš	𐬀𐬎𐬎𐬀
fraš, parš	𐬀𐬎𐬎𐬀	framōš-	𐬀𐬎𐬎𐬀

pašīr-	[164] - 𐭯𐭮𐭥𐭥	frašn	[163] 𐭠𐭮𐭥
pašīrišnīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	frašagirdīg	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
pašīrišn	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	frašagird	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮
paz-	- 𐭠𐭮	frašamurw	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮
pa(č)čēn	𐭠𐭮𐭮	fradāg	𐭠𐭮𐭮𐭮
pa(č)čībāy-	- 𐭮𐭮𐭮𐭮	fradom	𐭮𐭮𐭮𐭮
pa(č)čībāgīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	fradomīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
pašēmānīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	pardag	𐭠𐭮𐭮𐭮
pašēmān	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮	pambagēn	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮
pišiz	𐭮𐭮𐭮	pambag	𐭠𐭮𐭮𐭮
paššing	𐭮𐭮𐭮	passāxt	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮
pašn	𐭠𐭮𐭮	passāxtan	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
pašom	𐭮𐭮𐭮	passox	𐭠𐭮𐭮𐭮
paššinj-	- 𐭠𐭮𐭮𐭮	passāz-	- 𐭮𐭮𐭮
paššinjīdan	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	passāzišn	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
paššinjag	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮	pasēn	𐭠𐭮𐭮𐭮
paššinjišn	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	pasēmāl	𐭮𐭮𐭮𐭮
pašm	𐭮𐭮𐭮	pasēmālīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
pašmēn	𐭠𐭮𐭮𐭮	brīn- ^I	- 𐭠𐭮𐭮𐭮
pašt	𐭠𐭮𐭮𐭮	brīdan ^I	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
paštag	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮	passazagīh	𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮
pad-	- 𐭮𐭮	passazag	𐭠𐭮𐭮𐭮
petyārag	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮	past, pist	𐭠𐭮𐭮𐭮
pattāy-	- 𐭮𐭮𐭮	pistag	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮
pattāyistan	𐭠𐭮𐭮𐭮𐭮𐭮	paššār-	- 𐭮𐭮𐭮𐭮

	[166]		[165]
pattūgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	pattānōmand	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pattūg	𐭮𐭥𐭥𐭥	pattān	𐭮𐭥𐭥𐭥
paywastan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
paywastag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxēn-	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pattūdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	padēxēnīdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikār	𐭮𐭥𐭥𐭥	padēx, [error for pih 𐭮𐭥𐭥𐭥]	𐭮𐭥𐭥𐭥
1-2pahikār-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	padīr-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
pahikārdan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīragih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikāf-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	padīrag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikāftan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padīriftan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikōb-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	padīrišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikōftan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	1-2padisār	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikar	𐭮𐭥𐭥𐭥	padist-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
pahikaf-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	padistā(g)	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikafišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padistādan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
pahikaftan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	padištān	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
payrāstan	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	-bed	𐭮𐭥𐭥-
payrōg	𐭮𐭥𐭥𐭥	1-2pid	𐭮𐭥𐭥
pahrmāh-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	paywāsag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
pahrmāhāgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywāz-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
pah. . . āhišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywāzag	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
paymāy-	𐭮𐭥𐭥𐭥-	paywāzišn	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
paymānīgih	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	paywand	𐭮𐭥𐭥𐭥
paymānīg	𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥	paywand-	𐭮𐭥𐭥𐭥-
paymān	𐭮𐭥𐭥𐭥		

	[168]		[167]
čāšnīg	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	paymānag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čāšišn, čaxšišn	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	paymōxtan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čāšt	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	paymōg	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čāštan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	paymōz-	-𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀
1-2čāštag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	paymōzan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čādūr	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	paymūdan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
xīr ¹	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	padisāy	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čēh-	-𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	padist	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čēh-widarag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	padiš	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čēhag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	padišxwar	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
1-2čīhr	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	-(i)z	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀-
čīhrēn-	-𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čāh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀
čīhrēnīdan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	čahār	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čīhrīg	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čahārdah	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čīhrag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čahārpāy	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čīhr-šnāsīh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	čār	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čēhišnīg	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀	čārūgēn	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čēhišn	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čārūg	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
ēzm ¹	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	čāraggārīh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čīyōnīh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čārag	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čīyōn	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čābukīh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čīn-	-𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	čābuk	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀
čīnār	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀	čāš-	-𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀
jīw	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀	čaxšāgīh	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀
čīnwad	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀(𐬀)𐬎𐬀	čāšīdan	𐬀𐬎𐬌𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀

	[170]		[169]
čōbag	۱۹۵۱۹	1-2čīnag	۱۹۲۹
čagād	۱۱۵۹۹	činišn	۱۳۵۲۹
čakōk	۱۹۱۹۹	čegāmag	۱۹۵۹۹
čakuč	۹۱۹۹	čegām-iz	۱۵۵۹۹
čagar	۷۹۹	čēr	۷۹۹
čirāy	۹۷۹	čēlāngar	۷۷۹۹
čarz	۷۹۹	čēlān	۱۳۷۹۹
čarag	۱۷۹۹	čēlāngai	۷۷۹۹
čarm	۷۹۹	čērīh	۷۷۹۹
čarb	۷۹۹	čērīh-	- ۷۷۹۹
čarbīh	۷۷۹۹	čērīhistan	۱۱۵۷۷۹۹
čarbišnōmand	۲۱۵۳۳۷۷۹۹	čim	۷۹۹
čarbišn	۱۳۷۷۹۹	čim-gōwāgīh	۷۷۷۷۷۹۹
čim	۷۹۹	čimīg	۱۹۷۹۹
čambar	۷۷۹۹	1-2čīdan	۱۱۷۹۹
čamišn	۱۳۷۷۹۹	čand, čang	۲۱۹۹
sang ^I	۷۹۹۹	čand-	- ۲۱۹۹
čašm	۷۷۹۹	čandīh	۷۷۷۹۹
čašmareškīh	۷۷۷۷۷۷۷۷۷۹۹	čandal	۷۷۹۹
čašmarešk	۱۹۷۷۷۷۷۷۷۹۹	čang-srāy	۷۷۷۷۷۹۹
čašmagāh	۷۷۷۷۷۹۹	čandišn	۱۳۷۷۹۹
čašmagāhīh	۷۷۷۷۷۷۷۷۷۹۹	1-2grīw ^I	۷۷۹۹
1-2čašmag	۱۹۷۷۹۹	čandīdan	۱۱۷۷۷۹۹
čašmdīd	۱۱۷۷۷۷۷۹۹	čōb	۵۱۹۹
čatrang	۲۷۷۹۹	čav(la)gān	۱۳۹۵۱۹۹

[172]			[171]	
jaw ^I	𐭪𐭥𐭩	𐭪𐭥𐭩	see also 𐭪𐭥𐭩	𐭪𐭥𐭩
jawēn ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	-(i)š	𐭪𐭥𐭩-
šewan	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šāh	𐭪𐭥𐭩
frēst- ^I	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	šah-	-𐭪𐭥𐭩
frēstādan ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	dēw ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥
hil- ^I	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	dēw ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
hilišn ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	dēwēsniḥ ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥
hištan ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭩𐭥	dēwēzagīḥ ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
šagr, šir	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šāhbalūt	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
širēniḥ	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāy-	-𐭪𐭥𐭩
širēn	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šāhdānag	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šēb	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šāyendagīḥ	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥
šēb-	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	šāyendag	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šēbāg	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāhīgān	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šēbišn	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāyistan	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥
šišag	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāyēd	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šēdā	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāhwār	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šēd	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šānag	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
uzwān ^I	𐭪𐭥𐭩𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥	šām	𐭪𐭥𐭩𐭥
šnāxtan	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥	šāhesprahm	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥
šnāy-	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	šāyēd	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šnās-	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	šāzdah	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šnāyēn-	-𐭪𐭥𐭩𐭥	-𐭪𐭥𐭩𐭥	šādurwān	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥
šnāyēnīdan	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥	šādīḥ	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥
šnāyēnišn	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭪𐭥𐭩𐭥𐭥𐭥𐭥	šād	𐭪𐭥𐭩𐭥

	[174]		[173]
sālag ^I	۱۹۳۳۰	šnāsagīh	۴۰۳۰۳۰۳۰
škāf-	-۰۳۰۳۰	šnāsag	۱۹۳۰۳۰
škāftan	۱۱۴۰۳۰۳۰	šnāyišn	۱۳۳۰۳۰
nibay- ^I	-۱۳۰۳۰	šnāyīdan	۱۱۴۰۳۰۳۰
nibastan ^I	۱۱۴۰۱۳۰۳۰	šnāz	۰۳۰۳۰
ških-	-۰۳۰۳۰	šnāz-	-۰۳۰۳۰
šken(n)-	-۲۰۳۰	šnāzīdan	۱۱۴۰۰۳۰۳۰
šken(n)išn	۱۳۰۲۰۳۰	šaw-	-۲۰۳۰
škēbāgīh	۴۰۳۰۳۰۳۰	šawāg	۱۹۳۰۳۰
škēbāg	۱۹۰۰۳۰۳۰	šōy, šuy	۰۳۰
škeftīh	۴۰۳۰۳۰۳۰	šanēn	۱۲۰۳۰
škeft	۱۳۰۳۰۳۰	šōymand	۰۳۰۳۰
1-2škōh	۰۱۹۰۳۰	-išn	۱۳۰-
škōhīh	۰۳۰۱۹۰۳۰	šan	۱۳۰
škōf-	-۰۳۰۱۹۰۳۰	šnōhr	۱۳۰
škōfag	۱۹۰۳۰۱۹۰۳۰	šōnīg	۱۹۰۱۳۰
škoft	۱۳۰۳۰۱۹۰۳۰	šōn	۱۱۳۰
škuftan	۱۱۴۰۳۰۱۹۰۳۰	šnūg	۱۹۱۳۰
hur ^I , šakar	۰۳۰	šnūman	۱۲۶۱۳۰
škarw-	-۰۳۰	šnōmag	۱۹۶۱۳۰
škarwīdan	۱۱۴۰۳۰۰۳۰	šnōšag	۱۹۰۳۰۱۳۰
škarag	۰۳۰	drōd ^I	-۶۰۳۰
škastan	۱۱۴۰۳۰۳۰	šuhr	۰۳۰
škaft	۱۳۰۳۰۳۰	sāl ^I	۱۳۰۳۰
pādixšāy ^I	۰۳۰	sālagīh ^I	۴۰۳۰۳۰

[176]		[175]
weh ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
wehīh ^I	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
šabag	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
šabestān	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
šafšēr	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
šiftālūg	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
šiftēnag	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥
šaš ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
ālag ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
šahrewar	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
šahr	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥
frēst- ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
šahryār	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥
šahryārīh	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
frēstīdan ^I	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
šahrestān	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
frēstādan ^I	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
ālag ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥
kūn ^I	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
-(i)t	𐭯-	𐭯𐭥𐭥𐭥𐭥
tah	𐭯𐭥	𐭯𐭥
taxl	𐭯𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥
taxlīh	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥𐭥
taxtgāh	𐭯𐭥𐭥𐭥	𐭯𐭥𐭥
		pādixšāyīh ^I
		wišāy- ^I
		wišād ^I
		wišād-dar ^I
		wišādan ^I
		šalwār
		šarm
		šarmgāh
		šarmgēn
		šarmgen
		nām ^I
		šambalīdag
		kunjid ^I
		nāmčīštīg ^I
		nāmčīšt ^I
		šimšār
		šamšēr
		šasab
		šasabīgān
		wih- ^I
		wistan ^I
		šab
		šubān
		šabīxōn
		šabīg

	[178]		[177]
tāštīg	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮	taxt	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
kāh ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	taxtan, tāxtan	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
šken(n)- ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮-𐭠𐭥𐭮	taxtag	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮
škastan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tēx	𐭠𐭥𐭮
nēw ^I	𐭠𐭥𐭮	tās	𐭠𐭥𐭮
xormā ^I	𐭠𐭥𐭮	tāwān	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tēx	𐭠𐭥𐭮	tāwān	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tīhōg	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	ār- ^I	𐭠𐭥𐭮-
āhūg ^I	𐭠𐭥𐭮	ārdan ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tis	𐭠𐭥𐭮	1-2tāg	𐭠𐭥𐭮
tasum	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tār	𐭠𐭥𐭮
gil ^I	𐭠𐭥𐭮	tārīg/kih	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
gilēn ^I	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tārīg/k	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tigr, Tīr	𐭠𐭥𐭮	rōbāh ^I	𐭠𐭥𐭮
1-2tērag	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tāb-, tāz-	𐭠𐭥𐭮-
tēmār	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tāzānag	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
1-2tēz	𐭠𐭥𐭮	1-2tāzīg	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tēzih	𐭠𐭥𐭮	tābīdan	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tišn	𐭠𐭥𐭮	tābag	𐭠𐭥𐭮
tišnagih	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tābestān	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tišnag	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tābišn	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
Tištār	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tāftan	𐭠𐭥𐭮
tīdag	𐭠𐭥𐭮	tās-	𐭠𐭥𐭮-
tan-	𐭠𐭥𐭮-	tāšīdan	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮
tuhīgih	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮	tāšt	𐭠𐭥𐭮𐭥𐭮

tanōmandih	[180] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuhīg	[179] 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
tanbahr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tōhmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tund	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tanāpuhl	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tundih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuxš-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tanihā	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuxšāgih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tandrustih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuxšāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tandrust	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuxšīdan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tandrust	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuxšīšn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tanīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tōxtan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tanuk	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwānāg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tanūr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwānīgih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tantōhmag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwānīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Tūr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwāngar	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
Tūrān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwāngarīh	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōrag, Turk	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
-tom	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tuwānsāmān	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tom, tōm	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tambūr	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tumbag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tambūrag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōf	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	did ¹ , tand, tang	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōz	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tandih, tangih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōz-	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tanīgardīg	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōzišn	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tanīgard	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tōšag	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tan	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tušt	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	gāw ¹	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
tagīgih	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥	tanōmand	𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

	[182]		[181]
tarsāgāh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	tagīg	𐬀𐬎𐬌𐬀
tarsāg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	tag	𐬀𐬎
tarsīdan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	takōk	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
tarsagāh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	tagarg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tarsagāhīh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎	-tar	𐬀𐬎-
tarist	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	tar, tarr	𐬀𐬎
se ¹	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	tarāzēn-	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎-
tom	𐬀𐬎	tarāzēnīdan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tambūr	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	tarāzūg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
ānōh ¹	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	pih ¹	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
tab	𐬀𐬎	targ	𐬀𐬎
tab-	𐬀𐬎-	tars	𐬀𐬎
tabāh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	dō ¹	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
tabāhīh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	targumān	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tabāhīh-	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎-	tarwēn-	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎-
tabāhīhistan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎	tarwēnīdan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎
tabangōg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	trufš	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
tabarzad	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	truftag	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tabišn	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	truš	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
taftīg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎	talag, tarrag	𐬀𐬎
taftan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	talagcīn	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
taz-	𐬀𐬎-	tarmānih	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎
tazāg	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎	tarmenišnīh	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tazēn-	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎-	tarmenišn	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎
tazēnīdan	𐬀𐬎𐬌𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎	tars-	𐬀𐬎-

[184]	[183]
13	tazīdan
14	tazišnīh
15	nō ^I
16	taškanag
17	tašt
18	tadan
19	tadar
20	
21	Numerals
22	1
30	2
40	3
50	4
60	5
70	6
80	7
90	8
100	9
200	10
	11
1,000	12

A CONCISE
PAHLAVI
DICTIONARY

Translated

by

Mahshid Mirfakhraie



***Institute for Humanities
and Cultural Studies***

Tehran: 1994

